

نماز

چیستی و چرایی

دفتر چهل و سوم پرسش ها و پاسخ های دانشجویی

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ

سرشناسه : موسوی، سیدحسن، ۱۳۵۵ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : نماز (چیستی و چرایی) / سیدحسن موسوی ؛ تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ.

مشخصات نشر : قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۴۸ ص.

فروست : پرسش ها و پاسخ های دانشجویی؛ دفتر ۴۳ (اخلاق و عرفان؛ ۲).

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۳۶۶-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

موضوع : نماز -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : نماز -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها. معاونت مطالعات راهبردی. اداره مشاوره و پاسخ.

شناسه افزوده : نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها. دفتر نشر معارف.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ - ۸۸۶/۷۴/۷۴ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۲۱۱۷۱

پرسش ها و پاسخ ها: دفتر چهل و سوم - نماز (چیستی و چرایی)

تنظیم و نظارت: ... نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها

معاونت مطالعات راهبردی - اداره مشاوره و پاسخ

مؤلف: ... سیدحسن موسوی

تایپ و صفحه آرایی: ... طالب بخشایش

ناشر: ... دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: ... اول، پاییز ۱۳۹۰

تیراژ: ... ۵/۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۱-۳۶۶-۹۰۰۰

«همه حقوق برای ناشر محفوظ است»

مراکز پخش:

۱. مدیریت پخش نشر معارف: قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، پلاک ۵، تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۶۱۶
 ۲. فروشگاه شماره ۱: قم، خیابان شهدا، روبه روی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن ۷۷۳۵۴۵۱
 ۳. فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، چهار راه کالج، جنب بانک ملت، پ ۷۱۵، تلفن ۸۸۹۱۱۲۱۲
- نشانی اینترنت: www.porseman.ir - پست الکترونیک: info@porseman.org
- نشانی اینترنت: www.Ketabroom.ir - پست الکترونیک: info@Ketabroom.ir

فهرست مطالب

مقدمه ۷۰۰۰

معنای نماز

پرسش ۱. نماز یعنی چه؟ خدا چه انتظاری از نماز ما دارد؟! ۲۰۰۰

پیشینه نماز

پرسش ۲. آیا نماز در زمان ادیان پیش از اسلام بوده است؟ و اگر وجود داشته شکل خواندن آن در ادیان مسیحی و یهودی و سایر ادیان آسمانی چگونه

بوده است؟ ۵۰۰۰

نماز پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسش ۳. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت و نزول قرآن نماز می خواندند؟ اگر نماز می خواندند نماز ایشان چگونه بوده و آیا پس از بعثت

نماز تغییر یافته است؟ ۸۰۰۰

وجوب نماز

پرسش ۴. خداوند چه احتیاج به نماز ما دارد که آن را واجب کرده است؟ ۹۰۰۰

چرایی نماز

پرسش ۵. چرا نماز می خوانیم؟ مگر چه چیزی در نماز وجود دارد که این قدر آن را با اهمیت کرده است؟ ۱۱۰۰۰

نماز و اصول دین

پرسش ۶. اگر نماز ستون دین است چرا جزو اصول دین مطرح نشده و به عنوان فروع دین مطرح شده است؟ چرا شیوه نماز و تعداد رکعت های آن در

قرآن نیامده است؟ ۱۷۰۰۰

قبله نماز

پرسش ۷. مگر نه این که خداوند در همه جا حاضر است پس چرا نماز به سمت کعبه خوانده می شود؟ آیا این کار به بت پرستی شباهت ندارد؟ ۱۹۰۰۰

نماز به زبان عربی

پرسش ۸. چرا حتما باید نماز را به زبان عربی خواند؟ ۲۲۰۰۰

نماز اول وقت

پرسش ۹. دلیل تأکید بر نماز اول وقت چیست؟ آیا بهتر نیست هرگاه وقت داشتیم نماز بخوانیم؟ ۱۹۱ ۰۰۰

نمازهای پنج گانه

پرسش ۱۰. چرا باید در پنج نوبت نمازهایمان را بخوانیم؟ چرا تعداد رکعات نماز در هر نوبت با هم تفاوت دارند؟ ۲۶ ۰۰۰

آثار تربیتی نمازهای پنج گانه

پرسش ۱۱. من قبول دارم نماز خوبه اما آیا بهتر نبود هر روز یکبار نماز می خواندیم؟ ۲۹ ۰۰۰

تکرار در نماز

پرسش ۱۲. چرا در نمازها برخی از الفاظ و سوره ها خیلی تکرار می شود؟ ۳۴ ۰۰۰

کیفیت نماز

پرسش ۱۳. آیا حتماً باید نماز به این شکل رکوع و سجود انجام دهیم؟ چه اشکالی دارد مانند مسیحیان ایستاده و با احترام مناجات کنیم؟ ۳۵ ۰۰۰

تکبیرة الاحرام

پرسش ۱۴. فلسفه این که نماز با گفتن تکبیر شروع شده و به هنگام گفتن «الله اکبر» دست ها را بالا می آوریم چیست؟ ۳۶ ۰۰۰

اسرار نماز

پرسش ۱۵. فلسفه کارهایی مانند: نیت، قیام، رکوع و سجود در نماز چیست؟ ۳۷ ۰۰۰

سوره حمد

پرسش ۱۶. چرا باید در نماز، حتماً سوره حمد خوانده شود؟ ۳۹ ۰۰۰

آهسته و بلند خواندن نمازها

پرسش ۱۷. فلسفه آرام خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر و بلند خواندن آن در نماز مغرب و عشا چیست؟ ۴۲ ۰۰۰

قنوت نماز

پرسش ۱۸. فلسفه قنوت چیست و چرا در هنگام قنوت دست ها را بالا ببریم؟ ۴۳ ۰۰۰

تشهد نماز

پرسش ۱۹. فلسفه و اسرار تشهد در نماز چیست؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله هم در تشهد برای خودش صلوات می فرستاد؟ ۴۴ ۰۰۰

سلام نماز

پرسش ۲۰. وجود سلام در نماز چه فلسفه ای دارد و چرا به جای این که در اول نماز گفته شود در آخر نماز گفته می شود؟ ۴۷ ۰۰۰

تکبیر بعد از نماز

پرسش ۲۱. فلسفه این که در پایان نماز سه بار «الله اکبر» می گوئیم و دست ها را به بالا می آوریم چیست؟ ۴۹ ۰۰۰

آثار سیاسی و اجتماعی نماز

پرسش ۲۲. نماز چه تأثیری در زندگی سیاسی - اجتماعی افراد می گذارد؟ ۵۰ ۰۰۰

رفاه بی نمازها

پرسش ۲۳. اگر نماز خواندن در رفع بلاها مؤثر است؟ پس چرا اروپایی ها وضعشان خیلی بهتر از ماست؟! ۵۳ ۰۰۰

قلب پاک

پرسش ۲۴. آیا بهتر نیست که به جای نماز ظاهری، قلب پاک داشته باشیم؟ خیلی ها نماز می خوانند اما مشکل دارند؟ ۵۵ ۰۰۰

تشکر از خدا

پرسش ۲۵. اگر نماز تشکر از خداست، چرا حتما باید نماز بخوانیم و حال آن که می توانیم به صورت زبانی از خدا تشکر کنیم؟ ۵۷

اهل حق

پرسش ۲۶. برخی مانند «اهل حق»، نماز نمی خوانند و می گویند ما به جای نماز «نذر و نیاز» داریم! آیا چنین چیزی مورد قبول است؟ ۵۸

خدمت به جای نماز

پرسش ۲۷. مگر نه این که با ارزش ترین اعمال خدمت به مردم است! پس اگر کسی به دیگران خدمت بکند مثل کسانی که با اختراعات خود به مردم

خدمت می کنند دیگر چه نیازی به نماز دارد؟! ۶۰

نماز و یوگا

پرسش ۲۸. فرق نماز با یوگا چیست؟ ۶۱

فلسفه وضو

پرسش ۲۹. فلسفه وضو چیست؟ ۶۲

تفاوت وضوی زن و مرد

پرسش ۳۰. چرا در وضو مردان باید از پشت آرنج آب بریزند ولی خانم ها باید از قسمت تای دست (جلو) اینکار را انجام دهند؟ ۶۶

وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسش ۳۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه وضو می گرفتند مانند شیعیان یا مانند اهل تسنن؟ ۶۷

مسح در نماز

پرسش ۳۲. چرا ما در هنگام وضو پاها را مسح می کنیم، اما اهل سنت پاها را می شویند؟ ۷۰

غسل جنابت

پرسش ۳۳. قبول دارم که غسل یک فرمان الهی است اما چرا اسلام دستور می دهد که به هنگام جنب شدن تمام بدن را بشویند در حالی که فقط عضو

معینی آلوده می شود؟ ۷۲

فایده تیمم

پرسش ۳۴. تیمم چه فایده ای دارد؟ آیا این کار بهداشتی است؟ ۷۴

فلسفه اذان

پرسش ۳۵. فلسفه اذان گفتن چیست؟ و چرا در آن تکرار هست؟ ۷۵

اذان اهل سنت

پرسش ۳۶. چرا در اذان اهل سنت «حی علی خیرالعمل» وجود ندارد؟ اذان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بوده است؟ ۷۷

نماز میّت

پرسش ۳۷. علّت اینکه برای اموات نماز خوانده می شود چیست؟ ۸۰

نماز آیات

پرسش ۳۸. چرا باید نماز آیات بخوانیم؟ آیا بهتر نیست به کمک زلزله زدگان بشتابیم و یا پدیده خورشید گرفتگی را تماشا کنیم؟! ۸۱

ثواب مستحبات

پرسش ۳۹. فلسفه این ثواب های عجیب برای نمازهای مستحبی در مفاتیح چیست؟ ۸۴

نماز امام علی علیه السلام

پرسش ۴۰. می گویند علی علیه السلام هر شب هزار رکعت نماز می خواندند؟ چطور ممکن است؟ ۸۵

تیر پای امام علی علیه السلام

پرسش ۴۱. چگونه حضرت علی علیه السلام تیر در پایشان فرو رفت و در حین نماز آن را از پای مبارکشان بیرون کشیدند، اما به دلیل حضور قلب در

نماز متوجه نشد ولی در جای دیگر به هنگام نماز متوجه فقیر شد و انگشتر خود را در رکوع به او داد؟ ۸۶

نمازهای حاجت

پرسش ۴۲. اگر نمازهای مستحبی برای حاجت گرفتن می باشد، چرا من هر چه این نمازها را می خوانم حاجتم را نمی گیرم؟ ۸۸

مهر نماز

پرسش ۴۳. چرا شیعیان در نماز از مهر استفاده می نمایند؟ ۹۰

جمع بین دو نماز

پرسش ۴۴. این که شیعیان نماز عصر را بلافاصله بعد از نماز ظهر می خوانند برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست و نوعی دروغ نیست؟! زیرا

هنوز عصر نشده است؟! ۹۳

نماز دست بسته

پرسش ۴۵. چرا شیعیان مانند اهل تسنن دست بسته نماز نمی خوانند؟ سنت پیامبر صلی الله علیه و آله چه بود؟ ۹۷

آمین گفتن

پرسش ۴۶. چرا اهل سنت بعد از سوره حمد «آمین» می گویند؟ ۹۹

قنوت نماز

پرسش ۴۷. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازشان قنوت می خواندند؟ ۱۰۰

نماز شکسته

پرسش ۴۸. با توجه به این که سفرهای امروزه مانند گذشته سخت و پرخطر نیست چرا نمازها در سفر شکسته خوانده می شود؟ ۱۰۱

نماز در هواپیما

پرسش ۴۹. گاهی به دلیل تأخیر هواپیما و دلایل مختلف امکان نماز خواندن نیست و یا اتوبوس ها برای نماز نگه نمی دارند! در چنین مواقعی وظیفه ما

چیست؟ ۱۰۴

حجاب در نماز

پرسش ۵۰. فلسفه حجاب خانم ها در نماز چیست؟ خدا که با همه محرم است؟! ۱۰۵

نماز زن و مرد

پرسش ۵۱. آیا دلیل جلوتر ایستادن مرد بر زن به هنگام نماز، برتری مرد بر زن را از دیدگاه اسلام اثبات نمی کند؟ ۱۰۶

نماز و گناه

پرسش ۵۲. فرق کسی که نماز می خواند و گناه می کند با کسی که گناه نمی کند و نماز هم نمی خواند چیست؟ ۱۰۷

نماز شرابخوار

پرسش ۵۳. چرا می گویند «شرابخوار تا چهل روز نماز ندارد»؟ ۱۰۹

بازدارندگی نماز

پرسش ۵۴. در قرآن آمده: (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) در حالی که برخی نماز می خوانند و گناه و فحشا هم انجام می دهند؟! ۱۱۱

حضور قلب

پرسش ۵۵. اگر کسی نماز را بدون حضور قلب بخواند اشکال دارد؟! ۱۱۳

راهکار حضور قلب در نماز

پرسش ۵۶. هر کار می‌کنم نمی‌توانم در نماز تمرکز پیدا کنم و حواسم پرت می‌شود آیا راه حلی وجود دارد؟! ۱۱۶

اخلاص و ریا

پرسش ۵۷. از کجا بدانیم نمازی که می‌خوانیم خالصانه است و از ریا به دور می‌باشد؟! ۱۲۲

قبولی نماز

پرسش ۵۸. منظور از قبولی نماز چیست؟! ۱۲۵

بی‌نشاطی در نماز

پرسش ۵۹. من یک دانشجوی مذهبی هستم که جدیداً دچار بی‌حالی در نماز شدم اون حالی که قبلاً داشتم را ندارم احساس خستگی می‌کنم، لطفاً

کمکم کنید که بفهمم که چرا چنین اتفاقی برای من افتاده؟! ۱۳۰

سبک شمردن نماز

پرسش ۶۰. منظور از سبک شمردن نماز چیست؟! ۱۳۴

خوش‌شانسی بی‌نماز

پرسش ۶۱. بنده یک دوست و هم‌اتاقی دارم که نماز نمی‌خواند، ولی او به مراتب از من در کسب نمره موفق‌تر است و بسیار خوش‌شانس و خوش

اقبال بوده و همیشه با غرور می‌گوید خدا با من است. حال سؤال من این است چگونه این فردی که نه مقید به نماز است، نه مقید به روزه و واجبات است

پس چرا از من موفق‌تر است؟! ۱۳۹

کفر بی‌نماز

پرسش ۶۲. آیا درسته که می‌گویند کسی که نماز را ترک کند کافر است؟! ۱۴۱

حق الناس

پرسش ۶۳. مگر خدا نفرموده است که حق الناس را رعایت کنید من از حق الله می‌گذرم حال اگر نماز نخوانیم خدا از حق خودش می‌گذرد؟! ۱۴۶

خجالت نماز

پرسش ۶۴. گاهی خجالت می‌کشم در جمع دیگران و نماز بخوانم. آیا می‌شه بعد نماز بخوانم؟! ۱۴۷

نماز و معرفت

پرسش ۶۵. یکی می‌گفت: انسان نباید کورکورانه نماز بخواند بلکه ابتدا باید خدا را بشناسی (و او را حس کنی) بعداً هر زمان که این شناخت را پیدا

کردی نماز بخوان! آیا این حرف قابل قبول است؟! ۱۴۹

غیرمسلمانان

پرسش ۶۶. تکلیف این همه غیرمسلمانانی که نماز نمی‌خوانند چه می‌شود؟ حال آن که در بین آنها افرادی هستند که به بشریت خدمت کرده‌اند مثل

مخترعین و دانشمندان و پزشکان؟! ۱۵۰

اعمال خوب بی‌نماز

پرسش ۶۷. گفته می‌شود؛ قبولی اعمال انسان در گرو قبولی نماز است، حالا فرض بفرمایید فرد تارک الصلواتی کارهای خیر زیادی انجام داده مزد این

اعمال چه می‌شود؟ آیا این مسئله با عدالت خداوند منافات ندارد؟! ۱۵۳

دوستی با بی نماز

پرسش ۶۸. من دوستی دارم که نماز نمی خواند از طرفی شنیده ام که دوستی با بی نماز گناه است، من اصلاً نمی خواهم دوستی ام را با او به هم بزنم. آیا واقعاً دوستی با بی نماز گناه است؟ ۱۵۵

ازدواج با بی نماز

پرسش ۶۹. آیا می توان با شخص بی نماز ازدواج کرد و جواب مثبت به خواستگاری وی داد؟ ۱۵۷

ارشاد بی نماز

پرسش ۷۰. یک فرد بی نماز را چگونه می توانیم ارشاد و راهنمایی نماییم به گونه ای که از اسلام خسته نشوند و در نهایت نماز خوان گردد؟ ۱۵۹

عزاداری و نماز

پرسش ۷۱. گاهی مجلس عزاداری طول می کشد و نماز اول وقت خوانده نمی شود و یا شب ها دیر می شود و نماز صبح قضا می شود. آیا این

عزاداری قبول است؟! ۱۹۶

قضای نماز

پرسش ۷۲. چرا قضای نماز را باید بخوانیم؟ خدا که به نماز ما احتیاجی ندارد؟ ۱۶۳

نماز مستحبی به جای نماز قضا

پرسش ۷۳. در برخی کتاب ها به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام نوع خاصی از نمازهای مستحبی را ذکر کرده اند و گفته

اند این گونه نمازها جبران کننده تمامی نمازهای قضای انسان می باشد و حتی موجب ادا شدن نماز قضای والدین نیز می گردد. سؤال من این است که آیا

چنین چیزی صحت دارد یا خیر؟ ۱۶۴

قضای نماز پدر و مادر

پرسش ۷۴. می گویند: نماز قضای پدر، بر پسر بزرگ، واجب است؛ چرا باید گناه و تکلیف پدر را پسر بزرگ بر دوش بکشد؟ چرا فقط پدر، اما مادر

مطرح نشده آیا این تبعیض نیست و تحقیر مقام زن و مادر نیست؟! ۱۶۵

خرید نماز اموات

پرسش ۷۵. مسئله خرید نماز و روزه برای میت چیست؟ آیا آن دنیا را هم پولدارها با خرید نماز و روزه به دست می آورند؟ ۱۶۸

وسواس در نماز

پرسش ۷۶. وسواسی شدید هستم به طوری که یک ۲ رکعتی را ۱۰ بار می خوانم و یا کلمات نماز را چندین بار تکرار می کنم، در این زمینه باید چه کار

کرد؟ ۱۶۹

طلا در نماز

پرسش ۷۷. دلیل این که مردان در نماز نباید طلا داشته باشند چیست؟ ۱۷۰

نماز صبح

پرسش ۷۸. برای خواندن نماز صبح حوصله بلند شدن را ندارم آیا از نظر روایات راه حلی وجود دارد؟ ۱۷۱

عادت به نماز

پرسش ۷۹. من قبل از ورود به دانشگاه هم نمازهایم را می خواندم ولی از کجا بفهمم که این حرکت به سوی نماز از روی عادت نیست و از آن نوع

خداپسندش است؟ ۱۷۲

استثنای نماز اول وقت

پرسش ۸۰. آیا موارد استثنایی وجود دارد که انسان به واسطه آن بتواند نمازش را به تأخیر بیندازد؟ ۱۹۷۰۰۰

نماز جماعت

پرسش ۸۱. فلسفه و فواید نماز جماعت در چیست؟ ۱۷۴۰۰۰

ثواب نماز جماعت

پرسش ۸۲. اگر ممکن است ثواب نماز جماعت را برایم بنویسید؟ ۱۷۷۰۰۰

امام جماعت

پرسش ۸۳. در خوابگاهی که هستیم، برای درک فضیلت نماز جماعت هر بار یکی از بچه های خوابگاه جلو می ایستد و به او اقتدا می کنیم آیا این کار

درست است؟ ۱۷۸۰۰۰

زنان و جماعت

پرسش ۸۴. آیا زن می تواند امام جماعت شود؟ در روایتی دیدم که نماز خواندن زن در خانه، فضیلتش بیشتر از حضور وی در نماز جماعت است علّت

آن چیست؟ ۱۷۹۰۰۰

اقتدا به اهل سنت

پرسش ۸۵. آیا اقتدا به اهل تسنّن در نماز کار درستی می باشد و حال آن که این امر با شرایطی که برای امام جماعت گفته شده منافات دارد؟ ۱۸۰۰۰۰

نماز تراویح

پرسش ۸۶. چرا نمازهای مستحبّی به جماعت خوانده نمی شود؟ در حالی که اهل تسنن در ماه رمضان نماز تراویح را به جماعت می خوانند؟ ۱۸۱۰۰۰

نخواندن حمد

پرسش ۸۷. چرا در نماز جماعت مأموم حمد و سوره را قرائت نمی کند؟ ۱۸۳۰۰۰

مصافحه

پرسش ۸۸. مصافحه و دست دادن بعد از نماز از کجا ریشه گرفته است؟ ۱۸۴۰۰۰

نماز جمعه

پرسش ۸۹. نماز جمعه چگونه به وجود آمده؟ نماز جمعه را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در چه زمانی و کجا اقامه نمودند؟ ۱۸۵۰۰۰

پرسش ۹۰. در مورد فلسفه نماز جمعه توضیح بدید؟ تأثیرش چیست؟ ۱۸۶۰۰۰

قنوت نماز جمعه

پرسش ۹۱. دلیل این که نماز جمعه دو قنوت دارد چیست؟ ۱۸۸۰۰۰

نماز شب در قرآن

پرسش ۹۲. آیا برای خواندن نماز شب در قرآن دستوری وجود دارد؟ ۱۹۸۰۰۰

فلسفه نماز مستحبی

پرسش ۹۳. فلسفه نمازهای مستحبّی مانند نماز شب چیست؟ ۱۹۹۰۰۰

وجوب نماز شب

پرسش ۹۴. آیا این روایت از امام صادق علیه السلام است که می فرماید: «هر کس نماز شب نخواند از شیعیان ما نیست»؟ ۲۰۱۰۰۰

برکات نماز شب

پرسش ۹۵. لطفا در مورد آثار و فضایل نماز شب برایم بنویسید. ۲۰۲۰۰۰

کیفیت نماز شب

پرسش ۹۶. وقت دقیق نماز شب را می خواهم بدانم؟ نماز شب چند رکعت است؟ چه باید بخوانم؟ توضیح کامل بدهید. ۲۰۷۰۰۰

فرهنگ نماز

پرسش ۹۷. راه کارهای پیشنهادی برای فرهنگ سازی نماز در جامعه به خصوص دانشگاه ها را بیان کنید. ۱۸۹۰۰۰

کتابنامه ۲۰۷۰۰۰

مقدمه

«پرسش گری» از آغاز آفرینش انسان، رخ نمایی کرده؛ بر بال سبز خود، فرشتگان را فرانشانده؛ بر برگ زرد خود شیطان را فرونشانده و در این میان، مقام آدمیت را نشان داده است. آفتاب کوفه چه زیبا فرموده است:

«مَنْ أَحْسَنَ السَّوْأَلَ عِلْمٌ» و «مَنْ عِلِمَ أَحْسَنَ السَّوْأَلَ»

هم سؤال از علم خیزد هم جواب

همچنان که خار و گل از خاک و آب

آری! هر که سؤال هایش آسمانی است، دانش و بینش پاسخش خواهد بود. پویایی و پایایی «جامعه» و «فرهنگ»، در گرو پرسش های حقیقت طلبانه و پاسخ های خردورزانه است.

از افتخارات ایران اسلامی، آن است که از سویی، سرشار از جوانانی پاک دل، کمال خواه و پرسش گر می باشد و از دیگر سوی، از مکتبی غنی برخوردار است که معارف بلند آن، گوارای دل های عطشناک پرسش گر و دانش جو است.

اداره مشاوره و پاسخ معاونت مطالعات راهبردی نهاد، محفل انسی فراهم آورده است، تا «ابر رحمت» پرسش ها را بر «زمین اجابت» پذیرا باشد و نهال سبز دانش را بارور سازد. ما اگر بتوانیم سنگ صبور جوانان اندیشمند و بالنده ایران پرگهرمان باشیم، به خود خواهیم بالید.

شایان ذکر است در راستای ترویج فرهنگ دینی، اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها با همکاری گروه های علمی، بیش از یکصد هزار پرسش دانشجویی را در موضوعات مختلف اندیشه دینی، مشاوره، احکام و... پاسخ داده است.

این اداره دارای هشت گروه علمی و تخصصی، به شرح زیر است:

۱. قرآن و حدیث؛

۲. احکام؛

۳. فلسفه، کلام و دین پژوهی؛

۴. اخلاق و عرفان؛

۵. تربیتی و روان شناسی؛

۶. اندیشه سیاسی؛

۷. فرهنگی و اجتماعی؛

۸. تاریخ و سیره.

آن چه پیش رو دارید، بخشی از پرسش های مربوط به «نماز» است که توسط محقق ارجمند حجه الاسلام سید حسن موسوی پاسخ دهی و بازپژوهی

شده است.

بر آئیم با توفیق خداوند، به تدریج ادامه این مجموعه را تقدیم شما خوبان کنیم. پیشنهادها و انتقادهای سازنده شما، راهنمای ما در ارائه شایسته و پربارِ مجموعه هایی از این دست خواهد بود.

در پایان از تلاش های مخلصانه همکاران اداره مشاوره و پاسخ، و مدیر گروه «اخلاق و عرفان» حجه الاسلام سید مصطفی علم خواه و آقای علیرضا مختارپور که زحمت ویراستاری و بازنگری را متقبل شدند و حجه الاسلام والمسلمین صالح قنادی (زیدعزه) که در بازخوانی و آماده سازی این اثر تلاش کرده اند، تشکر و قدردانی می شود. دوام توفیقات این عزیزان را در جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت علیهم السلام و ارتقاء فرهنگ دینی جامعه - به ویژه دانشگاهیان - از خداوند متعال مسئلت داریم.

اللّٰهُ وَلِي التَّوْفِيقِ

معاون مطالعات راهبردی نهاد

محمد اسحاق مسعودی

قسمت اول

معنای نماز

پرسش ۱. نماز یعنی چه؟ خدا چه انتظاری از نماز ما دارد؟!

عده ای معتقدند واژه «نماز» در لغت فارسی از لفظ پهلوی نامک (namac) گرفته شده که آن هم از ریشه ایران باستان واژه «نم» (nam) به معنای خم شدن و تعظیم کردن گرفته شده است. ۱ از جمله معانی نماز در کتاب های لغت فارسی عبارتند از: بندگی، اطاعت، سجود، پرستش، خدمتکاری و فرمان برداری ۲ و در اصطلاح شرعی به مجموعه اذکار و حرکات خاصی گویند که به عنوان ستایش و توجّه بنده به خداوند انجام می گیرد.

«خواندن نماز» معادل با کلمه «قرائت» در عربی است و از آن جهت که یک قسمت از نماز عبارت از: خواندن و تلفظ کردن حمد و سوره و اذکار است روی این جهت کسی که این اعمال را انجام دهد و این الفاظ را بر زبان جاری کند می گویند نماز را خواند. اما در قرآن و روایات همه جا سخن از «اقامه» است که معادل فارسی آن «برپا داشتن» می باشد.

قرآن کریم، درباره «اقامه نماز» بسیار تأکید کرده است؛ تا آن جا که ۴۶ بار، نماز را با واژه «اقامه» در تعبیرهای گوناگون، تکرار کرده است. شاید بتوان انتظار خداوند را همان «اقامه نماز» گفت؛ برای «اقامه نماز» چند معنا و تفسیر مطرح شده است:

گسترش نماز

بدون تردید از مصادیق «اقامه نماز» گسترش و مطرح کردن نماز در جامعه است. قرآن کریم می فرماید:

«الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» ۳؛ «آنها کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند و زکات را ادا می کنند و امر به معروف و نهی از منکر می نمایند».

منظور از «اقامه» این است که تنها خودتان نمازخوان نباشید؛ بلکه چنان کنید که آیین نماز در جامعه انسانی برپا شود و مردم با عشق و علاقه، به آن روی آورند.

نماز با شرایط

به گفته برخی بزرگان ۴ «در تمام مواردی که خداوند به نماز سفارش کرده است واژه «اقامه نماز» آمده است تا به این معنا توجّه داده شود که مقصود از

نماز، گزاردن نماز واجد شرایط است نه تنها بجای آوردن ظاهر نماز (بدون روح)».

به گفته بعضی مفسران، تعبیر «اقامه نماز» به جای «خواندن» یا «بر پا داشتن نماز»، بیان گر این نکته است که نماز تنها اذکار و حرکات نیست، بلکه باید آن را به طور کامل به پا دارید؛ آن گونه که آثار نماز در چهره و زندگی شما دیده شود؛ تنها لقلقه زبان و راست و خم شدن نباشد، بلکه روح نماز که همان تسلیم مطلق در برابر خدا در همه امور است در زندگی شما جلوه کند و توجّه قلبی به خدا، در نماز حاصل شود. ۵

تداوم نماز

برخی «اقامه» را به معنای تداوم در برپایی نماز می دانند؛ یعنی کسی نماز را به درستی بر پا می دارد که همیشه آن را ادامه دهد نه این که گه گاهی نماز بخواند:

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» ۶؛ «پس وای بر نمازگزارانی که در نماز خود سهل انگاری می کنند».

در سوره معارج پس از آن که خداوند برخی صفات ناشایست انسان ها را مورد تذکر قرار می دهد، اوصاف شایسته آنها را هم ذکر می کند که از جمله آن:

«إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» ۷؛ «مگر نمازگزارانی که بر نماز خود تداوم دارند».

ظاهر آیه دوام است؛ یعنی هم به وقت، نماز می خوانند و هم همیشه نماز می خوانند، این گونه نیست که نماز خواندن آنها مقطعی باشد و چنین نمازی است که اگر جزو برنامه زندگی شد و با شرایط آن بجای آورده شد انسان را از فحشا و منکر باز می دارد. و اصولاً برنامه های تربیتی جز با تداوم، کارایی لازم را ندارند، لذا در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ» ۸؛ «محبوب ترین اعمال نزد خداوند کاری است که بنده بر آن مداومت داشته باشد هر چند کم باشد».

در یک جمع بندی و با مروری به آیه های قرآن می توان همه معانی گفته شده را در «اقامه نماز» منظور کرد و آن این که نماز کامل، پیوسته و با خشوع و اثرگذار در جامعه باشد.

شهید مطهری در این زمینه می گوید: «به پا داشتن نماز آن است که حق نماز ادا شود؛ یعنی نماز به صورت یک پیکر بی روح انجام نگیرد، بلکه نمازی باشد که واقعاً بنده را متوجّه خالق و آفریننده خویش سازد...» ۹.

پیشینه نماز

پرسش ۲. آیا نماز در زمان ادیان پیش از اسلام بوده است؟ و اگر وجود داشته شکل خواندن آن در ادیان مسیحی و یهودی و سایر ادیان آسمانی چگونه بوده است؟

با مطالعه پیرامون تاریخ ادیان و مذاهب و همچنین آیات و روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام، این مطلب کاملاً روشن می گردد که قدیمی ترین عبادت در تمامی ادیان نماز بوده است.

از هنگام اقامت حضرت آدم و حوا علیهما السلام در زمین، خداوند نماز را بر حضرت آدم علیه السلام واجب کرد ۱۰.

کشتی نوح علیه السلام دارای پنجره ها و سوراخ هایی بود که از آن نور خورشید به داخل منعکس می شد و از این طریق وقت نماز را تشخیص می دادند ۱۱.

حضرت ابراهیم علیه السلام آن گاه که همسر و فرزند خود را در کنار کعبه نو بنیاد نهاد، دست به دعا برداشت و به خدای متعال چنین گفت: خدایا من، خاندان خود را در سرزمینی غیر حاصل خیز و کنار خانه ات ترک نمودم تا نماز را به پا دارند پس دل های مردم را در هوای (گرو) آنان قرار ده ۱۲.

وقتی حضرت موسی علیه السلام به کوه طور آمد و پیام رسالت را دریافت نمود خداوند به او فرمود: «من خدای یکتا هستم. پس مرا عبادت کن و نماز را به پا دار» ۱۳.

حضرت عیسی علیه السلام در گهواره به امر خداوند این گونه سخن گفت: «من بنده خدا هستم که کتاب آسمانی را بر من نازل کرد و مرا پیامبر قرار داد و هر جا که باشم مرا مایه برکت قرار داد و به نماز و زکات تا وقتی که جان در بدن دارم مرا توصیه نمود»^{۱۴}. علاوه بر پیامبران اولوالعزم، در آیات و روایات متعددی از نماز پیامبرانی همچون؛ شیث، ادریس، یونس، صالح، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، لوط، شعیب، داوود، زکریا، ایوب علیهم السلام و... سخن به میان آمده که همگی گویا وجود نماز در تمامی ادیان و شریعت های پیش از اسلام می باشد^{۱۵}. اما در خصوص کیفیت و چگونگی اقامه نماز در ادیان مسیحی و یهودی و سایر ادیان آسمانی پیش از اسلام باید گفت: آنچه براساس تاریخ ادیان و آیات و روایات غیرقابل انکار می باشد این است که نماز به عنوان عبادت در کلیه ادیان وجود داشته و دارد و متناسب با تکامل دین، روند تکاملی داشته است و این تکامل در دین مبین اسلام - همانند جنبه های دیگر آن معارف، مثل قوانین، و مقررات اجتماعی - متناسب با انسان رشد یافته عصر خاتمیت به اوج خود رسیده است^{۱۶}.

یهودیان روزی سه بار نماز می خوانند. نماز صبح، نماز عصر و نماز مغرب. نماز در کنیسه بهتر است و در صورتی که حداقل ده نفر مرد حضور داشته باشند، نماز جماعت برقرار می شود. در این حال یک نفر کاهن، لاوی یا مسن ترین فرد که عبری را خوب می داند، جلو می ایستد و دعاها و متونی از تورات را می خواند. معروف ترین عبارتی که می خوانند شَمْعَ (بشنو) (Shema) نام دارد که عبارت است از: «ای اسرائیل بشنو؛ یهوه خدای ما یهوه واحد است. پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما»^{۱۷}. شستن دست ها تا مچ (وضو) و بستن بازوبند و پیشانی بندی که در آن آیاتی از تورات نوشته شده (تفیلین) (Tefilin) برای مردان در نماز صبح واجب است. قبله یهود شهر اورشلیم است.

در مسیحیت نماز به شیوه خاصی که در اسلام وجود دارد مطرح نیست، بلکه آنها در برابر خدا دعا بجا می آورند. مسیحیان کاتولیک پیش از ورود به کلیسا با آب مقدس خود را تطهیر می کنند، به این صورت که دست خود را در آب فرو برده و به صلیب می کشند^{۱۸}. یکی از دعاها مرسوم برای برگزاری نماز، دعای زیر است: «ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد، اراده تو چنان که در آسمان است در زمین نیز به انجام رسد. نان کفاف امروز ما را بده، گناهان امروز ما را ببخش چنان که ما نیز کسانی را که به ما بدی می کنند ببخشیم. ما را در آزمایش نیاور، بلکه از شریر رهایی ده؛ زیرا ملکوت، قوت و جلال از آن توست. «آمین»^{۱۹}. البته برخی از حرکات های بدن مانند دست ها را رو به آسمان گرفتن و یا خم کردن زانو در نماز مسیحیان مرسوم است. بنا بر آنچه گفته شد؛ نماز در ادیان آسمانی گذشته نیز سابقه داشته است اگر چه برگزاری آن به شکل های متفاوت بوده است.

نماز پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسش ۳. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت و نزول قرآن نماز می خواندند؟ اگر نماز می خواندند نماز ایشان چگونه بوده و آیا پس از بعثت نماز تغییر یافته است؟

علاّمه طباطبائی در تفسیر سوره علق به تشریح این مسئله پرداخته و بیان داشته اند: سیاق این آیات دلالت دارد بر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از بعثت نیز مناجات با خدا داشته و نماز می خوانده. البته نمازهای پنج گانه با شکل خاص خود و دو رکعتی بود که بعد واجب شد و بنا بر شواهدی نمازهای قبل از معراج مشتمل بر مقداری تلاوت قرآن و نیز مشتمل بر سجده بوده است. در بعضی از روایات هم آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در اوایل بعثت با خدیجه و علی علیهما السلام نماز می خواندند^{۲۰}.

امام رضا علیه السلام در خصوص تعداد رکعات نماز و روند تغییر آن فرموده اند: اصل نماز یک رکعت است چون اصل عدد، یک می باشد لذا هر گاه نماز را از یک رکعت کمتر بیاورند عمل آورده شده نماز نیست. اما از آنجا که خداوند می دانست آن یک رکعت را بندگان به طور کامل بجا نیاورده بلکه ناقص ادا می نمایند لذا یک رکعت دیگر را با آن مقرون ساخت تا با رکعت دوم نقص رکعت اول جبران شود و بدین ترتیب نماز دو رکعت واجب گردید...^{۲۱}

در حدیثی امام سجاد علیه السلام با اشاره به چگونگی و علت تغییر نماز فرموده اند: «در مدینه و زمانی که دعوت عمومی به اسلام آشکار گردید و اسلام قوت یافت و خداوند متعال جهاد را بر مسلمانان واجب فرمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله هفت رکعت به نمازهای شبانه روز افزود به این ترتیب: دو رکعت به نماز ظهر، و دو رکعت به نماز عصر، و یک رکعت به نماز مغرب، و دو رکعت به نماز عشاء، و نماز صبح را به همان صورت که در مکه واجب گردیده بود باقی گذاشت و بر آن نیفزود» ۲۲.

در پایان ذکر این مطلب ضروری می نماید که افزودن رکعت های نماز به دستور و اذن خداوند توسط پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است زیرا پیامبر مأمور الهی است و از طرف خود چیزی نمی گوید:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ؛ إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» ۲۳؛ «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی گوید؛ آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست».

وجوب نماز

پرسش ۴. خداوند چه احتیاج به نماز ما دارد که آن را واجب کرده است؟

باید بدانیم که خداوند متعال گذشته از این که احتیاجی به نماز بندگان ندارد، اطاعت و طغیان بندگان نیز، نفع و ضرری به او نمی رساند. قرآن مجید در این باره می فرماید:

«إِنْ تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌ حَمِيدٌ» ۲۴؛ «اگر همه مردم روی زمین کافر بشوند نقصی بر خدا وارد نیست و کمبودی برای خدا ایجاد نمی شود».

و یا در آیه دیگر می فرماید:

«وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنُيَضِّرَنَّ اللَّهُ شَيْئًا» ۲۵؛ «هر کس به جاهلیت و گمراهی پسروی کند هرگز خدا را زیان نمی رساند».

اما این که خداوند متعال با وجود این که نیازی به نماز بندگان ندارد، آن را واجب نموده به این دلیل است که، پروردگار عالمیان می داند چه چیزهایی برای بندگان مفید بوده و می تواند سعادت اخروی او را تأمین می کند و چه چیزهایی زیان بار و نابودکننده مسیر کمال آنها می باشد؛ خداوند می داند که اگر انسان را به حال خود واگذارد، نه تنها به کمال و سعادت اخروی نمی رسد، بلکه خود را به ذلت و پستی می کشاند؛ لذا از روی محبت و لطفی که به بندگان خود دارد آنها را به انجام عباداتی همچون نماز دستور داده است.

تصور کنید استادی، دانشجویی را به درس خواندن ملزم کند و حتی ممکن است به دلیل درس نخواندن نمره منفی دهد و یا مشروط کند و حال آن که نه به درس خواندن او نیازی دارند و نه ترک تحصیل دانشجو، ضرری به او می رساند.

بنابراین، آنچه در وجوب نماز وجود دارد، در واقع چیزی نیست جز لطف و رحمتی از سوی پروردگار به بندگان، تا به این وسیله هر چه بهتر و سریع تر به کمال و سعادت دنیوی و اخروی خود برسند.

و اما درباره وجوب نماز در اوقات خاص خداوند می فرماید:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» ۲۶؛ «نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) برپا دار، و همچنین قرآن فجر (نماز صبح) را، چرا که قرآن فجر مورد مشاهده (فرشتگان شب و روز) است».

دلوک شمس به معنی زوال آفتاب از دایره نصف النهار است که وقت ظهر می باشد.

از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه روایت شده است: «دلوک شمس به معنی زوال آن (از دایره نصف النهار) است، و غسق اللیل به معنی نیمه شب است، این چهار نماز است که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را برای مردم قرار داد و توقیت نمود، و قرآن الفجر اشاره به نماز صبح است» ۲۷.

چرایی نماز

پرسش ۵. چرا نماز می خوانیم؟ مگر چه چیزی در نماز وجود دارد که این قدر آن را با اهمیت کرده است؟
علت اصلی خواندن نماز و اهمیت آن این است که مجموعه امتیازهایی در نماز وجود دارد که در دیگر عبادات این امتیازها یافت نمی شود. به تعدادی از آنها اشاره می نماییم:

یاری گرفتن

در قرآن آمده است:

«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» ۲۸؛ «از صبر و نماز در برخورد با مشکلات نیرو بگیرید؛ همانا نماز سنگین است مگر برای خاشعان».

از همین رو هرگاه مشکلی برای خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش می آمد ایشان (برای رفع آن) بیان می داشت: برخیزید نماز (مستحبی) بخوانید بعد می فرمود: این دستور خدای من است. ۲۹ و یا در سیره حضرت علی علیه السلام می خوانیم وقتی برای ایشان مشکلی پیش می آمد، به نماز پناه می برد و آیه: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» ۳۰ را تلاوت می کرد.

امام رضا علیه السلام از پدرانش از امام علی علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس یک نماز واجب را بجای آورد در نزد خداوند یک دعای مستجاب دارد» ۳۱. بدون تردید انسان نمازخوان همواره مشمول رحمت و الطاف الهی است.

«وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» ۳۲؛ «و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید، و رسول (خدا) را اطاعت کنید تا مشمول رحمت (او) شوید».

یاد و رحمت الهی به انسان آرامش، عزت و اقتدار می بخشد:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» ۳۳؛ «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد!».

عامل رستگاری

از نظر قرآن، نماز عامل فلاح و رستگاری و سعادت انسان است:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» ۳۴؛ «به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد)، رستگار شد. و (آن که) نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند!».

در اوصاف متقین می فرماید:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ... وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ۳۵؛ «متقین کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند؛ و نماز را برپا می دارند... و آنان رستگاراند».

از همین رو، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مفتاح الجنة الصلاة» ۳۶؛ «نماز کلید بهشت است». و همچنین در جای دیگر از نماز به عنوان بهای خرید بهشت یاد فرموده اند: «لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمَنٌ وَثَمَنُ الْجَنَّةِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ» ۳۷؛ «برای هر چیزی قیمتی است و قیمت بهشت نماز است». در جای دیگر نماز نور مؤمن معرفی شده است: «الصلوة نور المؤمن» ۳۸؛ «نماز نور مؤمن است».

ستون و سیمای دین

لازم به ذکر است؛ در دو کتاب حدیثی «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» که شامل روایات و احادیث فقهی شیعه است؛ در مجموع ۵۹۰۰۰ روایت وجود دارد و از این تعداد تقریباً نوزده هزار حدیث مربوط به نماز است و این می تواند گویای اهمیت نماز در اسلام باشد که تقریباً یک سوّم روایات

فقهی مربوط به نماز و مقدمات آن است. ۳۹

حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا تَبَتِ الْعُمُودُ تَبَتِ الْأَوْتَادُ وَالْأُتُنَابُ وَإِذَا مَالَ الْعُمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدَّ وَلَا طُنْبُ»؛ ۴۰: «نماز ستون دین است، مثل نماز، مثل ستون خیمه است، هرگاه ستون، ثابت و پا برجا باشد میخ ها و طناب ها ثابت خواهند بود و هر گاه کج شده و بشکند میخ و طنابی نمی ماند».

حضرت علی علیه السلام در وصیت های پایان عمرشان فرموده اند: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ إِنَّهَا عِمَادُ دِينِكُمْ»؛ ۴۱: «خدا را خدا را درباره نماز، چرا که نماز ستون دین شماست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «برای هر چیز چهره ای است و چهره دین شما نماز است، مبادا کسی چهره و سیمای دینش را خراب نماید». ۴۲

معیار مسلمانی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ أَنْ يَكْفَرَ إِلَّا أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يَصَلِّيَهَا»؛ ۴۳: «فاصله بین مسلمانی و کفر نیست جز آن که نماز واجب را از روی عمد ترک کند یا در انجام آن سستی نماید و نماز نخواند».

امام صادق علیه السلام فرمود: «آزمایش کنید شیعه ها را در اوقات نماز که چگونه مواظب آن هستند، و درباره اسرار ما که چگونه آنها را از دشمن ما نهفته می دارند، و درباره اموال خودشان که چگونه با آنها درباره برادران (دینیشان) یاری می دهند»؛ ۴۴. و نیز در جای دیگر «نماز» علامت و نشانه عمل کنندگان به دین معرفی شده است: «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عِلَامَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَيُشْهَدُ عَلَيْهَا... وَلِلْعَامِلِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ الصَّلَاةُ وَالصِّيَامُ وَالزَّكَاةُ»؛ ۴۵: «حضرت لقمان به فرزندانش فرمود: برای هر چیزی علامتی است که به وسیله آن علامت شناخته می شود و به او شهادت داده می شود،... برای عامل به دین سه علامت است: نماز، روزه، زکات».

محبوب ترین عبادت

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ الصَّلَاةِ»؛ ۴۶: «هیچ عمل و طاعتی نزد خدای با عزت و جلال از نماز محبوب تر نیست».

امام صادق علیه السلام فرمود: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ»؛ ۴۷: «محبوب ترین اعمال نزد خداوند متعال نماز است». و نیز از آن حضرت نقل شده است: «أَوَّلُ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ»؛ ۴۸: «نخستین چیزی که در روز قیامت بنده برای آن مورد حساب کشی قرار می گیرد و به آن رسیدگی می کنند نماز است، اگر نماز پذیرفته شد سایر اعمالش نیز پذیرفته می شود، و هرگاه نماز مقبول نیفتاد و به بنده بازگردانده شد باقی اعمالش نیز مردود و بازگردانده خواهد شد». امام صادق علیه السلام از نماز به بهترین اعمال در قیامت یاد می کند: «إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ»؛ ۴۹: «همانا بهترین عمل در روز قیامت نزد خداوند، نماز است».

دژ محکم

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ»؛ ۵۰: «نماز، دژ محکمی است در مقابل حملات شیطان». و باز از آن حضرت نقل شده است: «الصَّلَاةُ حِصْنُ الرَّحْمَنِ وَمَذْخَرَةُ الشَّيْطَانِ»؛ ۵۱: «نماز، دژ محکم خداوند رحمان و وسیله راندن شیطان است». احمدبن عامر طائی از حضرت رضا علیه السلام از پدرانش از علی علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «شیطان از

مؤمن دل‌تنگ است مادامی که نمازهای پنج‌گانه را بجای آورد، هرگاه نماز خود را ترک گفت شیطان بر او مسلط می‌گردد و او را گرفتار گناه و فساد می‌کند. ۵۲.

نخستین پرسش روز قیامت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَدْعُو الْعَبْدَ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يَسْأَلُ عَنْهُ الصَّلَاةُ فَإِنْ جَاءَ بِهَا تَامَةً وَإِلَّا زُجَّ بِهِ فِي النَّارِ» ۵۳؛ «نمازهای پنج‌گانه را محافظت کنید، زیرا روز قیامت که می‌شود خداوند بنده اش را فرا می‌خواند و نخستین چیزی که از او می‌پرسد نماز است، اگر آن را به طور کامل انجام داده باشد، (به بهشت می‌رود) وگرنه در آتش افکنده می‌شود».

نماز همگانی

در پایان گفتنی است؛ هر یک از تکالیف شرعی چه بسا در شرایطی واجب نباشد مثلاً روزه بر بیمار و مسافر و... واجب نیست. خمس و زکات و حج بر کسانی که از تمکن مالی برخوردارند تعلق می‌گیرد. از حضور در صحنه جهاد، زنان، پیرمردان و اصناف دیگری معافند. اما نماز فریضه ای است همگانی در زمان خوف و در حال امنیت در روز و شب، در تمامی ماه‌های سال بر مرد و زن (البته به استثنای ایام عادت و ولادت)، غنی و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر و... واجب است. حتی قرآن می‌فرماید اگر شرایط آن چنان سخت و سهمگین بود که مجال پیاده شدن از مرکب وجود نداشت، پیاده یا سواره باید نسبت به انجام این فریضه اقدام گردد. ۵۴.

نماز و اصول دین

پرسش ۶. اگر نماز ستون دین است چرا جزو اصول دین مطرح نشده و به عنوان فروع دین مطرح شده است؟ چرا شیوه نماز و تعداد رکعت‌های آن در قرآن نیامده است؟

در پاسخ به این سؤال گفتنی است: مجموعه دین شامل دو بخش است؛

یک - اعتقادات و معارف نظری،

دو - تکالیف و دستورات عملی.

«اصول دین» مجموعه عقاید بنیادی و پایه‌ای دین است مانند اعتقاد به توحید، نبوت و... اما «نماز» گرچه دارای اهمیت فراوان است ولی از آنجا که رفتار دینی است؛ از اصول اعتقادی شمرده نشده و به عنوان «فروع دین» از آن یاد می‌گردد ۵۵. البته از آن جهت که نماز با تمامی ارکان دین اعم از اصول اعتقادی، مبانی اخلاقی، آداب فردی و اجتماعی، نظام سیاسی و اقتصادی اسلام و... پیوند ناگسستنی برقرار نموده به گونه‌ای که تداوم آن موجب حفظ تمامی این بنیان‌ها خواهد بود؛ از این عمل عبادی به عنوان ستون دین یاد شده است.

به عنوان نمونه به واسطه اقامه نماز در هر روز چندین نوبت به یگانگی خداوند و رسالت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و همچنین ولایت حضرت علی علیه السلام اقرار شده و این گروه از مبانی اعتقادی یادآوری می‌شود و یا این که غصبی نبودن و مباح بودن مکان نماز، لباس نمازگزار، آبی که با آن وضو می‌گیرد را جزو شرایط صحت نماز قرار داده شده و این امر نیز نشان‌دهنده پیوند آداب اجتماعی اسلام مبتنی بر اقتصاد اسلامی با نماز می‌باشد. با توجه به همین رابطه است که در قرآن کریم نماز بلافاصله بعد از ایمان به مبدء و معاد مطرح شده است:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ» ۵۶.

و اما درباره این که چرا تعداد رکعات نماز در قرآن نیامده، باید دانست؛ روش قرآن بیشتر بیان کلیات و اصول عمومی است و تعیین موارد و جزئیات غالباً بر عهده پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها مأمور به تلاوت قرآن بود، بلکه در تبیین آن نیز مأموریت

داشت، چنان که قرآن می فرماید:

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» ۵۷؛ «و قرآن را بر تو فرستادیم تا آنچه برای مردم نازل شده است، برای آنها بیان کنی و آشکار سازی، شاید آنان بیندیشند».

خداوند متعال در قرآن همه جزئیات زکات را تعیین ننموده و یا با وجود این که دستور انجام حج در قرآن آمده اما مقدار هفت دور طواف در آن ذکر نگردیده بلکه این موارد را رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم شرح داده اند.

قبله نماز

پرسش ۷. مگر نه این که خداوند در همه جا حاضر است پس چرا نماز به سمت کعبه خوانده می شود؟ آیا این کار به بت پرستی شباهت ندارد؟ قرآن کریم می فرماید:

«قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...» ۵۸؛ «پس روی کن به طرف مسجدالحرام و شما مسلمین نیز هر کجا باشید در نماز روی بدان جانب کنید...».

«قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...» ۵۹؛ «و ای رسول از هر جا و به هر دیار بیرون شدی روی به جانب کعبه کن و شما مسلمین هم به هر کجا بودید روی بدان جانب کنید...».

همان خدایی که فرموده است به هر طرف رو کنید آنجا وجه خدا است و او از رگ گردن به انسان نزدیک تر است، همو دستور داده است که به هنگام نماز به طرف مسجدالحرام نماز بخوانید.

بر این اساس همه جا بودن خداوند با برگزاری نماز به سوی جهت خاص منافات ندارد. چنان که خدا همه زبان ها را می داند ولی قرآن را به زبان عربی نازل کرده و باید نماز را به زبان عربی خواند.

نماز خواندن به طرف قبله، نه از این جهت است که خداوند مکان یا جهت معینی دارد. قرآن در ضمن آیات مربوط به قبله مخصوصا در دو مورد، خداوند به این حقیقت تصریح کرده و می فرماید:

«وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» ۶۰؛ «مشرق و مغرب از آن خداست و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست» و در آیه دیگر می گوید:

«قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ» ۶۱؛ «بگو مشرق و مغرب از آن خداست».

بلکه از این نظر است که انسان به حکم این که جسم است هنگام نماز ناچار است به یک طرف متوجه باشد و چه بهتر که یک جهت همگانی مشخص شود تا رمز وحدت باشد و به سوی ولی اسلام خواسته است از این موضوع حداکثر استفاده را برای تکمیل این عبادت خانه کعبه قدیمی ترین مرکز توحید نیز باشد. خانه ای که به دست قهرمان توحید، ابراهیم خلیل علیه السلام تجدید بنا شده و مورد توجه تمام راهنمایان توحید و پیغمبران خدا بوده است. توجه به این مرکز توحید، توجه به خداست. توجه عموم مسلمانان جهان در هر شبانه روز پنج مرتبه به این مرکز مقدس، روح وحدت و یگانگی را در دل و جان آنها پرورش می دهد و به وحدت اسلامی و هماهنگی مسلمین جهان کمک می کند و اجتماعات مختلف اسلامی را از شرق و غرب عالم به هم مربوط می سازد و شوکت و عظمت آنها را ظاهر می نماید و جهان اسلام را با وحدت هدف و عقیده به دنیا نشان می دهد. ۶۲

جابرین حیّان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا مرکز بودن کعبه برای نماز اهمیتش بیشتر است، یا برای حج؟ آن حضرت فرمود: مرکزیت آن برای نماز؛ زیرا بسیاری از مسلمانان نمی توانند در تمام عمر حتی یک بار به مکه بروند؛ ولی هر مسلمان در هر نقطه از جهان، روزی پنج بار به سوی کعبه نماز می خواند. می توان گفت در هر شبانه روز پنج بار، نگاه تمام مسلمین جهان در کعبه به هم می رسد و گویا تمام مسلمانان جهان، شبانه روزی پنج مرتبه در چشمان یکدیگر می نگرند و سخن آنان در آنجا به هم می رسد و تکبیر مسلمان در شرق و غرب دنیا، در کعبه شنیده می شود. این مرکزیت در

هیچ یک از ادیان گذشته وجود نداشته و در آینده هم به وجود نخواهد آمد. ۶۳

به عبارت دیگر کعبه مغناطیس دل های اهل ایمان و رمز وحدت و استقلال مسلمانان است و ارتباط نماز و کعبه، ارتباطی دائمی است. «اگر کسی از فراز آسمان ها به صفوف نمازگزاران کره زمین بنگرد، دایره های متعددی را می بیند که مرکزیت همه آنها کعبه است و توحید، نقطه تمرکز فکر و دل و جان و صفوف مسلمین است». ۶۴

بنابراین، خداوند جهت ندارد؛ ولی ما انسان ها در زندگی و حیات مادی و معنوی خود، نیازمند جهت هستیم و قبله، تعیین کننده جهت حرکت مسلمانان در طول تاریخ بوده و هست. اگر فرض کنیم که نماز بدون قبله بود، چه اتفاقی می افتاد؟ هر کس به سمتی نماز می خواند و همین امر موجب می شد تا عده ای، جهتی ترجیح بدهند و دیگران را نیز به آن دعوت کنند؛ مثلاً عده ای به مشرق، برخی به مغرب، گروهی به شمال، برخی به جنوب و... این موضوع خود عاملی برای تفرقه و نزاع و درگیری می شد؛ قبله، صفوف نماز را متحد و یکپارچه می کند و روحیه جامعه پذیری و الفت در بین مسلمانان و جوامع اسلامی را ایجاد و هویت مستقل فرهنگی در جامعه اسلامی پدید می آورد. ۶۵ علاوه بر تحقق وحدت و همدلی، توجّه به قبله توجّه به نداگر یکتاپرستی حضرت ابراهیم علیه السلام، توجّه به زادگاه و خاستگاه دعوت توحیدی پیامبر صلی الله علیه و آله و توجّه به اولین بناء معبد روی زمین است زیرا کعبه اولین نقطه ای است که برای عبادت مردم وضع شده است:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا» ۶۶.

در پایان گفتنی است؛ نماز و عبادت به سوی کعبه به هیچ عنوان قابل مقایسه با بت پرستی نمی باشد، زیرا مهمترین ویژگی نماز به سوی کعبه این است که انسان در نماز خالق هستی را به عنوان پروردگار خود مورد پرستش و ستایش قرار می دهد برخلاف بت پرستی که بت را به عنوان «پروردگار» خود دانسته و آن را مورد پرستش و ستایش قرار می دهد لذا اگر قرار بود در نماز خواندن به سوی کعبه نوعی بت پرستی وجود داشته باشد باید مسلمانان از نظر اعتقادی، به این مسئله خود را ملتزم بدانند و حال آن که تمامی مسلمانانی که به سوی کعبه نماز می خوانند علاوه بر این که «کعبه» را به عنوان پروردگار خود قبول ندارند، با بررسی محتوای نماز معلوم می شود در نماز از کعبه هیچ گونه سخن و ستایشی مطرح نشده؛ بلکه همه آنها، کعبه را تنها به عنوان قبله و جهت نماز خود قبول داشته و در نماز نیز تنها خداوند و خالق هستی خود را مورد ستایش قرار می دهند نه کعبه را.

نماز به زبان عربی

پرسش ۸. چرا حتما باید نماز را به زبان عربی خواند؟

خواندن نماز به زبان عربی، حکمت های فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:

غناي زبان عربی

غناي زبان عربی از جهت واژگانی، ساختاری و معنایی - به ویژه در حوزه معارف دینی - به گونه ای است که با دیگر زبان ها قابل قیاس نیست. بررسی های انجام شده، نشان می دهد که برخی از مفاهیم قرآنی، در زبان های دیگر معادل ندارد. رایج ترین آیه قرآن؛ یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به هیچ زبانی ترجمه دقیق نشده است و گویی هیچ مترجمی نمی تواند معادل های دقیق برای برخی از واژه های به کار رفته در آن بیابد. جالب است بدانید که برخی از مترجمین قرآن در مواردی به جای معادل گذاری، خود واژه های قرآن را به کار می برند و از این طریق، واژه های قرآن وارد بسیاری از زبان ها (چون فارسی، انگلیسی و...) شده است.

به عنوان مثال، مارمادوک پیکتال - یکی از مترجمان نامدار قرآن به زبان انگلیسی - هرگز کلمه God را به جای «الله» به کار نبرده است؛ بلکه Allah را استعمال نموده و آن را از جهات متعددی برتر از God می داند. و یا دو کلمه «رحمن و رحیم» این دو واژه یکی رحمت عامّه خداوند را می رساند که شامل مؤمن و کافر است و آن «رحمن» است و یکی رحمت خاصه به مؤمنان را که واژه «رحیم» است.

در فارسی ما دو معادل برای بخشنده نداریم که یکی تعمیم را برساند و دیگر مخصوص بودن آن را برای عده ای خاص و اگر در ترجمه «رحیم» گفته می

شود مهربان به جهت تنگ بودن قافیه است والا مهربان معادل «رئوف» عربی است و معادل رحیم نیست. بنابراین معادل صریحی برای این دو واژه نداریم و بخشنده و مهربان دو واژه نزدیک به لفظ عربی آن هستند و نه مرادف دقیق. بنابراین فارسی سازی نماز و یا هر زبان دیگری نمی تواند دربردارنده تمامی معانی نماز باشد و این امر مساوی با از دست دادن آثار و فواید نماز خواهد شد.

مصونیت از تحریف

خواندن نماز به یک صورت معین، آن را از دستبرد، تحریف و آمیخته شدن به خرافات و مطالب بی اساسی که بر اثر مداخله افراد غیرمتخصص، هنگام ترجمه آن به زبان های دیگر، رخ می دهد، نگاه می دارد و به این وسیله روح این عبادت اسلامی محفوظ تر می ماند.

ایجاد روح اتحاد و همدلی در مسلمانان

شاید بتوان گفت به عربی خواندن نماز، بیانگر روح اتحاد در جوامع مسلمانان است. هر مسلمانی در هر جای عالم باشد به سوی یک قبله و با یک طریق و یک زبان با معبود خوش به راز و نیاز می پردازد و در هر دیار و کشوری که انسان مسلمان وارد شود - هر چند زبان ها متفاوت است - اما در هر مسجدی که قدم بگذارد شیوه نیایش با خدای سبحان یکی است و این خود بهترین نوع اتحاد و همدلی را پدید می آورد. ۶۷

خواندن نماز به زبان عربی، یکی از نشانه های جهانی بودن دین اسلام است؛ زیرا جمعیتی که در یک صف قرار می گیرند و در یک جبهه فعالیت می کنند، ناگزیرند، زبان واحدی داشته باشند که به وسیله آن تفاهم کنند؛ یعنی علاوه بر زبان مادری و محلی، یک زبان عمومی و جهانی هم داشته باشند. نماز خواندن به یک زبان، از طرف تمام مسلمانان رمز وحدت و نشانه یگانگی مسلمانان است. و از آنجا که زبان عربی به اعتراف اهل فن، یکی از وسیع ترین و جامع ترین زبان های دنیاست، این حقیقت روشن تر می شود که تمام فرق مسلمان می توانند آن را به عنوان یک زبان بین المللی شناخته و از آن به عنوان تفاهم و همبستگی اسلامی استفاده نمایند.

زبان معارف دینی

زبان عربی نه تنها زبان یک قوم؛ بلکه زبان دین ما است و آشنایی با آن، ما را مستقیماً با پیام خدا و سنت قولی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام آشنا می سازد. عربی بودن نماز، موجب انس و ارتباط دائمی مسلمانان با زبان دین و کتاب آسمانی می شود و زمینه آشنایی هرچه بهتر و مستقیم تر از معارف دینی را فراهم می آورد.

اعجاز گونگی

لطافت و زیبایی و اعجازین بودن سوره های قرآن، در صورت ترجمه از دست خواهد رفت و زیباترین ترجمه های بشری، هرگز جانشین لطافت و زیبایی کلام خداوند و آهنگ دلنشین و دل نواز آن نخواهد شد. «مارمادوک پیکتال» - در مقدمه ترجمه انگلیسی خود از قرآن - می نویسد: «قرآن را نمی توان ترجمه کرد؛ زیرا نغمه و آوای بی نظیر و آهنگ دلنشین آن، انسان را دگرگون می سازد و او را به خشوع و گریه و یا شور و شوق و می دارد». ۶۸

مصونیت فرهنگی

از منظر جامعه شناسی زبان، یکی از مهم ترین ابزارهای انتقال و پویایی فرهنگی است. فرهنگ پذیری (Acculturation) و جامعه

پذیری (Socialization) در حد بسیار بالایی و امدار زبان می باشد. اگر استعمار جدید (Neo_colonialism) با تمام توان خود در بسط زبان خود می کوشد، از آن روست که بهترین راه تحمیل فرهنگ خود و بیگانه سازی ملت ها با هویت خویش، در گرو تغییر زبان و ادبیات است. برای مسلمانان، پیوند دائمی و فزاینده با زبان عربی - که حاوی فرهنگ، ادبیات و معارف دینی است - یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و بدون آن جامعه اسلامی، با شتاب بیشتری دستخوش استحاله فرهنگی خواهد شد. از این رو شارع مقدس اسلام از طریق نمازهای پنج گانه، پیوند با زبان دین را نهادینه و دائمی ساخته تا به این وسیله انتقال و پویایی فرهنگ اسلامی، در همه نسل ها و صیانت آن در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان، در حد بالایی تضمین شود. وحدت زبان ضامن حفظ و مصونیت این عبادت بزرگ از تحریف و آمیختگی با خرافات است.

گذشته از همه این حکمت ها، خداوند که آفریدگار انسان ها است و انسان را برای تکامل و رسیدن به سعادت آفریده است، نماز را به همین شکل وسیله عروج و ارتقای آدمی قرار داده است که این عروج و پرواز در فضای معنویت و تعبد و بندگی است، بندگی که مولای عارفان علی علیه السلام به آن افتخار می کند: «کفی بی فخرا ان اکون لک عبدا»؛ «خدا یا! افتخارم همین بس که بنده تو هستم». البته انسان می تواند در قالب دعا و نیایش با هر زبان که خواسته باشد با پروردگار خویش راز و نیاز داشته پیوند و ارتباط برقرار نماید. اما نماز، کامل ترین شکل آن است.

در پایان این نکته را یادآوری می نمایم که دانستن معنای آیات و اذکار نماز باعث بهره مندی بیشتر از نماز و توجه به خدا می شود لذا بر هر مسلمان شایسته است نسبت به یادگیری معنای نماز اقدام نموده و از آنجا که این جملات هر روز چندین نوبت در نمازها تکرار می شود فراگیری آن ساده و آسان است.

نماز اول وقت

پرسش ۹. دلیل تأکید بر نماز اول وقت چیست؟ آیا بهتر نیست هرگاه وقت داشتیم نماز بخوانیم؟
به طور طبیعی هر کاری زمانی ویژه دارد که در صورت تحقق یافتن در آن زمان، دارای تأثیر بیشتر و مناسب تر خواهد بود. برای مثال ورزش یا خوردن غذا و مصرف دارو هر کدام زمان خاصی می طلبد. اگر در شرایط و فرصت مناسب خودش باشد، بسیار آرامش بخش و مفید خواهد بود؛ ولی اگر در زمان و شرایط خاص تنظیم شده آن انجام نشود انسان با مشکل مواجه خواهد شد. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوَّلَاتِهَا»؛ «کارها در گرو زمان و فرصت خاص خویشند».

اوقات نماز نیز فرصت هایی هستند که نوعاً مناسب ترین شرایط برای نماز است از همین رو نماز خواندن در آن اوقات نشاط آور، انرژی بخش و دارای تأثیرات ویژه است. مثلاً در مورد نماز ظهر از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَتَحَّتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ هَبَّتِ الرِّيحُ وَ نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى خَلْقِهِ»؛ «به هنگام ظهر درهای آسمان گشوده می شود و بادهای (رحمت) وزیده می شود و خداوند به مخلوقاتش نظر می کند» که در مورد بقیه نمازها نیز به همین صورت است ۷۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند: «هیچ عمل و طاعتی نزد خدای با عزّت و جلال از نماز محبوب تر نیست، پس هیچ چیز از امور دنیا از بجا آوردن نماز در وقت هایش شما را مشغول نگرداند، زیرا خداوند با عزت و جلال جماعت و گروهی را مذمت کرده و فرموده: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ «کسانی که از نمازشان غفلت می ورزند یعنی وقت های آن را سبک می شمارند».

در جای دیگر امام صادق علیه السلام تفاوت نماز اول وقت با آخر وقت را چنین بیان داشته اند: «فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»؛ «فضیلت اول وقت بر آخر آن همانند فضیلتی است که آخرت بر دنیا دارد».

اهمیت این مسئله زمانی به اوج خود می رسد که از سوی ائمه علیهم السلام خواندن نماز اول وقت به عنوان یکی از علائم شیعه مطرح می گردد. امام صادق علیه السلام فرموده اند: «امْتَحِنُوا شَيْعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ كَيْفَ مُحَافَظَتُهُمْ عَلَيْهَا»؛ «شیعیان ما را در اوقات نماز آزمایش کنید که چگونه بر خواندن نماز خود در موعد مقرر محافظت می کنند».

برخی آیات قرآن نیز بر لزوم نماز اول وقت اشاره دارد. خداوند می فرماید:

«وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» ۷۵؛ «و بر نمازهای خویش، مراقبت می کنند».

تفسیر معروف آیه، این است که مراد از محافظت بر نماز، محافظت بر وقت نماز است. ۷۶

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ» ۷۷؛ «مردانی که نه تجارت و نه معامله آنها را از یاد خداوند و بر پا داشتن نماز غافل نمی کند».

در روایت آمده: آنها تاجرانی هستند که تجارت و بیع، آنان را از یاد خداوند غافل نمی سازد، هنگامی که وقت داخل می شود حق آن را ادا می کنند. ۷۸

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيَا» ۷۹؛ «اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه

کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید!»

خداوند متعال در این آیه از گروهی نام برده اند که به دلیل ضایع کردن نماز و پیروی شهوات گرفتار غی ۸۰ خواهند شد. از امام صادق علیه السلام روایت

شده: مراد از ضایع کردن نماز در این آیه ترک نماز نیست، بلکه از این ضایع کردن نماز در این آیه تأخیر در نماز است. ۸۱

«قَوْلٍ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» ۸۲؛ «پس وای بر نمازگزارانی که، در نماز خود سهل انگاری می کنند».

یونس بن عمار می گوید: از حضرت صادق علیه السلام از معنای این آیه سؤال کردم که آیا مراد، وسوسه شیطان است که انسان را گرفتار سهو می کند؟

حضرت فرمودند: «خیر، هر انسانی گرفتار سهو در نماز می شود و لیکن مراد این است که نماز می خواند، ولی آن را در اول وقتش نمی خواند» ۸۳.

نماز اول وقت موجب عادت دادن شخص به نظم و باعث نشاط و آمادگی و حضور قلب بیشتر در نماز می باشد؛ علاوه بر این موارد در نصوص دینی نیز

آثار دنیوی و اخروی فراوانی برای نماز اول وقت نقل شده که می توان در این زمینه از امور زیر نام برد:

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ هَذِهِ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ فَمَنْ صَلَّاهُنَّ لَوْ قَتَلَتْهُنَّ وَحَافِظَ عَلَيْهِنَّ لَقِيَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ عِنْدِي

عَهْدٌ أَذْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَمَنْ لَمْ يَصَلِّهِنَّ لَوْ قَتَلَتْهُنَّ وَلَمْ يَحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَذَلِكَ إِلَيَّ إِنْ شِئْتُ عَذَّبْتُهُ وَإِنْ شِئْتُ عَفَرْتُ لَهُ» ۸۴؛ «خدا می فرماید: این

نمازهای پنج گانه فریضه است، پس کسی این نمازها را در وقتش بجا آورد و محافظت بر او نماید، روز قیامت مرا ملاقات خواهد کرد. و بر عهده من

است که او را وارد بهشت کنم، و کسی که در وقتش نمازها را بجا نیاورد و محافظت بر او نکند، در این صورت بر من است که اگر بخواهم او را عذاب می

کنم، و اگر بخواهم او را می بخشایم».

امام حسن عسکری علیه السلام فرموده اند: «موسی به عمران با خداوند سخن گفت و از پروردگار خویش پرسید: خدایا! پاداش کسی که نمازش را اول

وقت می خواند چیست؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: خواهش و خواسته او را برآورده می کنم و بهشت را بر او مباح می گردانم» ۸۵.

رسول الله صلی الله علیه و آله وعده داده: «إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَاهَةً مِنَ السَّمَاءِ عُوْفِي مِنْهَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ وَرِعَاةُ الشَّمْسِ أَى الْحَافِظُونَ لِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ وَعُمَّارُ

الْمَسَاجِدِ» ۸۶؛ «هنگامی که خداوند سبحان، از آسمان آفت نازل کرد حاملین قرآن، رعایت کنندگان خورشید، یعنی کسانی که اوقات نماز را مراعات کنند،

و مساجد را آباد می سازند از این آفت در امانند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَا مِنْ صَلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتُهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيِ النَّاسِ قُومُوا إِلَى نِيرَانِكُمُ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا

بِصَلَاتِكُمْ» ۸۷؛ «وقت هر نماز فرا می رسد، فرشته ای در میان مردم ندا سر می دهد برخیزید، به وسیله نمازتان، آن آتش گناه را که خودتان فراهم کردید،

خاموش کنید».

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَلَكُ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَيَلْقَاهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ

الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ» ۸۸؛ «هنگام مرگ ملک الموت شیطان را (در آن هنگام که می خواهد ایمان انسان ها را بگیرد) از کسی که محافظت به (اوقات) نماز می

کند، دفع می کند و شهادتین «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله» را در این حالت به او تلقین می کند».

از همین رو، پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَا مِنْ عَبْدٍ أَهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَمَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنَتْ لَهُ الرُّوحُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَانْقِطَاعُ الْهُمُومِ وَ

الْأَخْزَانِ وَ النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ» ۸۹؛ «بنده ای (نمازگزار) که اهتمام و مواظبت به اوقات نماز نماید، و مواضع آفتاب را برای وقت نمازش دقت کند، من ضمانت

می کنم برای او راحتی در دم مرگ را و دفع و رفع هموم و درد و اندوه و نجات از آتش جهنم را».

امام باقر علیه السلام فرموده است: «هرگاه نماز در اوّل وقت بالا برود، سفید و درخشان به سوی صاحبش باز می گردد و به او خطاب می کند: از من مواظبت نمودی خدا تو را حفظ کند...» ۹۰.

امام باقر علیه السلام فرموده اند: «أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوْ قَتَبَهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ» ۹۱؛ «هر مؤمنی محافظت بر نمازش نماید، و او را در وقتش بجا آورد، از انسان های غافل شمرده نمی شود».

نمازهای پنج گانه

پرسش ۱۰. چرا باید در پنج نوبت نمازهایمان را بخوانیم؟ چرا تعداد رکعات نماز در هر نوبت با هم تفاوت دارند؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، فلسفه اوقات نمازهای پنج گانه را چنین بیان نموده اند:

نماز صبح: «پروردگارم مرا امر نموده که قبل از طلوع خورشید و قبل از آن که کافر برای آفتاب سجده کند، نماز صبح بخوانم؛ تا آن که اتمم برای خداوند سجده نمایند، و زود بجای آوردن آن در پیشگاه خداوند محبوب تر است. این نمازی است که ملائکه شب و روز شاهد آن می باشند».

نماز ظهر: «در این ساعت خداوند نماز را بر من و اتمم واجب ساخت و این ساعتی است که جهنمیان را در قیامت به جهنم وارد می کنند، پس در این

ساعت هر مؤمنی در حال رکوع یا سجود یا قیام مشغول باشد خداوند سبحان جسدش را بر آتش جهنم حرام می گرداند».

نماز عصر: «و آن در ساعتی است که حضرت آدم از آن میوه که از خوردن آن نهی شده بود، خورد و خداوند او را از بهشت خارج کرد. پس خداوند ذریه حضرت آدم را امر به نماز عصر نمود، و خداوند سبحان این نماز عصر را برای امت من نیز اختیار نمود و این نماز از محبوب ترین نمازها در نزد خداوند است و مرا سفارش نمود به حفظ بیشتر این نماز در بین نمازهای یومیه».

نماز مغرب: «و آن در ساعتی است که خداوند سبحان توبه حضرت آدم را در آن ساعت قبول نمود، در هنگام مغرب دعا مستجاب می شود، پروردگارم به من وعده داده که دعای مؤمنین را در این وقت مستجاب نماید و این همان نمازی است که خداوند در قرآن مرا به آن امر نموده و فرمود خدا را هنگام شام و صبحگاه در نماز مغرب و صبح تسبیح و ستایش گویند».

نماز عشاء: «پروردگارم به من و اتمم به نماز عشاء امر فرمود، برای نورانیت قبر و روشن ساختن آن، و این که به من و به اتمم نوری روی صراط عطا فرماید، و هر کس قدمی در راه نماز عشاء بردارد، خداوند بدنش را از آتش جهنم حرام می گرداند و این نمازی است که پروردگار آن را برای مرسلین و انبیای قبل از من اختیار نمود. ۹۲

از حضرت امام رضا علیه السلام نیز روایت است که به فضل بن شاذان فرمود: «خداوند دوست داشته که بندگان قبل از هر کاری، ابتدا طاعت خداوند را انجام دهند پس ایشان را در اوّل طلوع روز، امر کرده است که به عبادتش بپردازند و سپس در پی کار و روزی خویش روند و امر دنیای خود را اداره کنند، پس در این وقت نماز صبح را بر ایشان واجب کرد و چون نیم روز شود از کار دست کشند و آن وقتی است که مردم به جای خود بازگردند و لباس از تن به در آرند و بیاسایند و به خوردن مشغول شوند و استراحت کنند و در چنین هنگامی خداوند آنان را امر فرموده که ابتدا به ذکر و عبادت او بپردازند، از این رو نماز ظهر را بر ایشان واجب کرده است تا به آن آغاز نمایند و سپس به کارهای دیگر بپردازند و چون امور شخصی را انجام دادند و خواستند پی کار و کسب خود روند باز دستور نماز عصر را داده که آن را انجام دهند، و سپس به کاری که در نظر دارند رهسپار گشته و به اصلاح آن امر دنیایی خود پردازند، و چون شب شد، لباس از تن بیفکنند و به جایگاه و منزل بازگردند، پیش از هر کار باید به عبادت و ذکر پروردگارشان ابتدا کنند و بعد به امور دیگر بپردازند، از این رو نماز مغرب را بر ایشان واجب فرمود، و چون وقت استراحت و خواب آید و از کوشش فراغت یافتند خداوند دوست داشته است که در آغاز به عبادت و طاعت او پردازند، سپس در پی اموری که می خواهند انجام دهند روند و آن چنان باشند که ابتدا کرده باشند در هر فصلی از ساعات شبانه روز به طاعت و پرستش او، و از این جهت در این وقت نماز عشاء را واجب کرد. پس چون این دستور را به کار بندند او را

فراموش نخواهند کرد و از او غافل نخواهند شد و در این صورت دل هایشان سخت نگردد و رغبتشان نکاهد. چنان که خداوند عزّ و جل خود فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» ۹۳.

کوتاه سخن این که نماز موجب یاد خداست، یاد خدا بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از روحیه طغیان گری است، روی همین جهت است که خداوند دستور داده است که آدمی صبحگاهان موقعی که از خواب بیدار می شود، زندگی را با یاد خدا شروع کرده و شب نیز با یاد خداوند به خواب رود. ادای فریضه صبح، ظهر و عصر، مغرب و عشاء که از برترین اوقات است، باعث می شود که انسان همواره به یاد خداوند و مقام عبودیت و بندگی باشد.

در پایان گفتنی است؛ سرّ تفاوت رکعات نماز، چه بسا این باشد که نمازهای یومیّه هر کدام مناسب اوقات خاص خود تعیین شده اند بدین صورت که: صبحگاهان وقتی که انسان از خواب برمی خیزد، روی مصالحی از جمله این که انسان هنوز با مسائل دنیا و زندگی درگیر نشده، نماز دو رکعتی خوانده می شود و در وسط روز به جهت اشتغال به امور مادی و زندگی نیاز بیشتری برای راز و نیاز و عبادت وجود دارد، تا انسان از یاد خدا غافل نشود و او را فراموش نکند.

آثار تربیتی نمازهای پنج گانه

پرسش ۱۱. من قبول دارم نماز خوب است اما آیا بهتر نبود هر روز یک بار نماز می خواندیم؟

در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «نمازهای پنج گانه چون رود پر آب جاری بر در (خانه) شماس که هر روز پنج بار در آن (خود را) می شوئید». ۹۴. به طوری که اگر در فاصله میان دو نماز غفلت و یا گناهی از انسان سر زد، با برگزاری نماز، انسان به یاد خدا بیاید و گناهش پاک شود. چنان که خداوند می فرماید:

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» ۹۵؛ «نماز انسان را از زشتی ها و منکرات باز می دارد».

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ» ۹۶؛ «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را بر پا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند؛ این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرنند!».

از همین رو، نقل شده به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند: فلانی در روز نماز می خواند و شب ها به دزدی می پردازد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ صَلَاتَهُ لَتَرُدَّعُهُ»؛ «همانا نمازش جلوی او را خواهد گرفت».

بنابراین، اگرچه نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف از آن یاد خداست، اما اسلام خواسته این روح را در قالب یک سلسله برنامه های تربیتی پیاده کند و لذا شرایط زیادی را برای آن قرار داده است، شرایط صحیح بودن نماز، شرایط قبولی و شرایط کمال نماز و در پرتو همین برنامه های تربیتی است که نمازگزار ناچار است که برای صحّت و قبولی نماز خود در این سیستم تربیتی قرار گرفته و رشد نماید؛ مثلاً، از شرایط صحّت نماز مشروع بودن و مباح بودن تمام وسایلی است که در آن به کار می رود، مانند آب وضو و غسل، جامه ای که با آن نماز می گزارد و مکان نمازگزار، این موضوع سبب می شود که او از حرام دوری کند و در کار و کسب خود از هر نوع حرام اجتناب نماید؛ و به مرور زمان با همین روحیه تربیت شده و از مال حرام اجتناب می نماید.

و یا این که برای قبولی نمازش در پیشگاه خداوند باید زکات و حقوق مستمندان را پردازد؛ غیبت نکند؛ از تکبر و حسد بپرهیزد؛ از مشروبات الکلی اجتناب نماید و با حضور قلب و توجّه و نیت پاک به درگاه خدا رو آورد.

نمازهای پنج گانه از لحاظ تربیت فردی و اجتماعی نیز دارای فلسفه گوناگونی می باشد که به اختصار به مواردی از آنها اشاره می گردد: نظافت و بهداشت

از آنجا که نمازگزار باید به عنوان «وضو» و «غسل» شستشو کند تا برای نماز آماده شود به طور معمول یک فرد تمیز خواهد بود. از این نظر نماز به

بهداشت فردی کمک شایانی می کند.

انضباط و وقت شناسی

نمازهای پنج گانه هر کدام برای خود وقت مخصوص و معینی دارد و فرد نمازگزار باید نمازهای خود را در آن اوقات بخواند، لذا این عبادت اسلامی به انضباط و وقت شناسی کمک مؤثری می کند. به ویژه نمازگزار باید برای ادای فریضه صبح پیش از طلوع آفتاب از خواب برخیزد، یک چنین فردی گذشته از این که از هوای پاک و نسیم صبحگاهان استفاده می نماید، به موقع فعالیت مثبت زندگی را آغاز می کند.

همگرایی

نماز در اوقات معین نموداری از وحدت و یگانگی ملت بزرگ اسلام است؛ زیرا همه مسلمان ها در وقت های مخصوصی رو به قبله ایستاده و با آداب خاصی خداوند جهان را می پرستند، این خود نمونه بزرگی از اتحاد و یگانگی مردم است. هرگاه این نمازها به صورت جماعت برگزار گردد، روح وحدت و اتحاد و مساوات و برابری، از صف های منظم و فشرده نمازگزاران بیشتر نمایان خواهد بود.

پرورش فضائل اخلاقی

نماز روح اخلاص و خداپاوری را در انسان افزایش می دهد و نتیجه آن پرورش فضایل اخلاقی و تکامل روحی انسان است؛ چه تکاملی بالاتر از این که روح ما از جهان محدود ماده و چهار دیوار طبیعت بیرون رفته و با جهان بیکران کمال مطلق «خدا» مرتبط گردد و در انجام وظایف بندگی و کارهای زندگی، از قدرت نامتناهی و نیروی نامحدود او استمداد بطلبد و خدا را در همه حال حاضر و ناظر خود بداند و به اندازه ای شایسته و لایق گردد که بتواند با او سخن بگوید.

یکی از اهداف نماز خشوع و خضوع در پیشگاه مقام ربوبیت و کنار رفتن پرده های تکبر و غرور می باشد. به طور مؤب ایستادن، رکوع کردن، جبین به خاک ساییدن، سجده و نشستن دو زانو و... همه نشانه های خضوع است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مِنْ تَغْفِيرِ عَتَاقِ الْوُجُوهِ بِالْأُتْرَابِ تَوَاضُعًا»؛ ۹۷؛ «خدای سبحان نماز را مقرر داشت تا پیشانی از روی تواضع به خاک مالیده شود».

هنگامی که انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می گذارد و خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می بیند، از این رو پرده های کبر و غرور و خودخواهی را کنار می زند.

حضرت علی علیه السلام بعد از بیان فلسفه عبادت، یکی از آثار نماز را تکبر زدایی بیان نمود: «خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر» ۹۸.

حضرت فاطمه علیها السلام نیز می فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ»؛ ۹۹؛ «خداوند نماز را مقرر داشت تا دامن انسان را از کبر و منیت پاک گرداند».

خویشتن داری و کنترل غرایز

از لحاظ تربیتی، یاد خدا بهترین وسیله برای خویشتن داری و کنترل غرایز سرکش و جلوگیری از روح طغیان است. «نمازگزار» همواره به یاد خدا می باشد و کمترین اثر یاد خدا این است که به خودکامگی انسان و هوس های وی پایان می بخشد، چنان که غفلت از یاد خدا و بی خبری از پاداش ها و کیفرهای او، موجب تیرگی عقل و خرد و کم فروغی آن می شود.

بزرگ ترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند. و غرق در زندگی مادی و لذائذ زودگذر گردند، اما نماز به حکم این که در فواصل مختلف در هر شبانه روز پنج بار انجام می شود، مرتباً به انسان اخطار می کند و هشدار می دهد و هدف آفرینش او را خاطر نشان می سازد... و این نعمت بزرگی است که انسان وسیله ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه روز چند مرتبه به او بیدار باش گوید. ۱۰۰

هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می گیرد و هم انسان را به زحمت می اندازد؟ امام فرمود:

«پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت نمودند. عده ای هم دین آنان را پذیرفتند، اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آنها از میان رفت.

خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنده بماند و این از طریق نماز امکان پذیر است» ۱۰۱.

کنترل هیجانات و آرامش قلبی

مقطع حسّاس جوانی همراه با فوران احساسات و هیجانات درونی می باشد و به طور طبیعی بخشی از این هیجانات موجب بروز مشکلاتی برای این نسل می گردد اما از آنجا که خداوند متعال در انس با نماز و یاد خودش آرامش و طمأنینه قرار داده: «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**» ۱۰۲. لذا جوانانی که همراه با نماز رشد می نمایند جوانانی با وقار، آرام و به دور از هرگونه هیجانات کاذب می باشند.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه معروف به خطبه قاصعه گوشه هایی از مفاسد اخلاقی همچون کبر و سرکشی و ظلم را برمی شمرد و سپس می فرماید: خداوند بندگان را، با نماز و زکات و تلاش در روزه داری، حفظ کرده است. آنگاه در مورد آثار نماز می فرماید: «**تَسْكِينًا لِّأَطْرَافِهِمْ، تَخْشِيعًا لِّأَبْصَارِهِمْ، تَذَلِيلًا لِّأَنْفُسِهِمْ، تَخْفِيزًا لِّقُلُوبِهِمْ، إِزَالَةً لِّلْخِيَلِ عَنْهُمْ**» ۱۰۳؛ «نماز به همه وجود انسان آرامش می بخشد، چشم ها را خاشع و خاضع می گرداند، نفس سرکش را رام، دل ها را نرم و تکبر و بزرگ منشی را محو می کند».

بررسی ها و تحقیقات به عمل آمده نیز نشان داده است که جوانان و نوجوانانی که گرایش به نماز دارند از میزان اعتماد به نفس و کنترل درونی بالا و

هیجان خواهی کمی برخوردارند. ۱۰۴

تکرار در نماز

پرسش ۱۲. چرا در نمازها برخی از الفاظ و سوره ها خیلی تکرار می شود؟

قبل از پاسخ به سؤال به عنوان مقدمه باید بگوییم که انسان برای ادامه حیات مادی خود بسیاری از کارها را خواسته یا ناخواسته تکرار می نماید و اگر تکرار آنها متوقف شود زندگی اش به خطر می افتد، به عنوان نمونه: نفس کشیدن انسان به طور دائم تکرار می شود، قلب انسان بدون تعطیلی به ضربان خود ادامه می دهد، انسان برای رفع خستگی می خوابد و این کار را بارها و بارها تکرار می کند بدون آن که از تکرار آن خسته شود، انسان برای زنده نگه داشتن خود بارها و بارها غذا می خورد، آب می نوشد و برای حفظ سلامت خود بارها و بارها نظافت بدن را تکرار می کند و نه تنها این امور زمینه کسالت و خستگی او را فراهم نمی کند بلکه باعث نشاط و شادابی بیشتر وی نیز می گردد.

با توجه به مقدمه گفته شده در پاسخ به این سؤال می گوییم: همان گونه که انسان در زندگی مادی خود نیاز به تکرار برخی کارها دارد، در زندگی معنوی نیز باید برخی اعمال عبادی همچون نماز را، ذکرها و سوره های مهم را بارها تکرار کند تا انسان نشاط معنوی خود را بازآورد و یا تثبیت کند و یا ارتقاء بخشد.

ناگفته نماند گاهی انسان دچار پراکندگی ذهنی و حواس پرتی می شود و تکرار، موجب جبران می شود. علاوه بر این که معانی بلند و مطالب مهم این ویژگی را دارد که با هر تکرار، انسان به یکی از ابعاد آن توجه می کند و با تکرار الفاظ نورانیت بیشتر برای نمازگزار حاصل می شود.

کیفیت نماز

پرسش ۱۳. آیا حتما باید نماز را به این شکل رکوع و سجود انجام دهیم؟ چه اشکالی دارد مانند مسیحیان ایستاده و با احترام مناجات کنیم؟

در ابتدا باید دانست: «تنوع» و «تحرک» علاوه بر معانی بلند حمد و سوره و اذکار نماز از ویژگی های ممتاز «نماز» نسبت به سایر انواع عبادت ها در ادیان مختلف است و این نشانه جامعیت و برتری اسلام است. یکی از آثار تنوع و تغییر وضعیت چه بسا ایجاد حس هشیاری و دوری از یکنواختی است که در توجه انسان در مراحل عبادت می تواند بسیار مؤثر باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «**صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي**»؛ «همان گونه که من نماز می خوانم، شما نیز بخوانید» ۱۰۵. شکل عبادت و پرستش به

دستور پیامبر از جانب خدا بوده است. وقتی که پذیرفتیم باید نماز بخوانیم نحوه نماز خواندن را باید از فرمان خداوند و پیام آور خدا یاد بگیریم، همانطور که وقتی بیمار مراجعه به پزشک را ضروری تشخیص داد، چگونگی و نحوه مصرف دارو، تابع نظر و دستور پزشک می باشد. علاوه بر این که کیفیت و شکل و نحوه خواندن نماز یک امر تعبدی است، اسرار و رموزی که در نماز نهفته، هم زیبا است و هم معارف بلند اسلامی در آن قرار داده شده؛ هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می باشد. رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و تکبیر و سلام و خلاصه همه زیبایی ها در نماز جمع شده است.

نماز سفره ای است گسترده که خداوند آن را در پنج نوبت در شبانه روز برای بندگانش باز می کند و بر سر این سفره انواع و اقسام غذاهای لذیذ وجود دارد و هر کس مطابق ذوق و سلیقه و به اندازه توان و مرتبه وجودی و استعداد خود از آن بهره مند می شود. نماز عبادتی جامع است که می تواند تمام وجود انسان (از جهات بدنی و ظاهری گرفته تا جهات ذهنی و قلبی و باطنی) را در خدمت بندگی و پرستش قرار دهد.

تکبيرة الاحرام

پرسش ۱۴. فلسفه این که نماز با گفتن تکبیر شروع شده و به هنگام گفتن «الله اکبر» دست ها را بالا می آوریم چیست؟
امام رضا علیه السلام در پاسخ به این سؤال فرموده اند: حق تعالی در ابتدای نماز، تکبیر را واجب نموده زیرا در این جمله ابتداء نام «الله» آمده و حق تعالی اراده اش تعلّق گرفته است که به نام او آغاز شود و این مقصود در ابتدا به تسبیح «سبحان الله» و تحمید «الحمد لله» و تهلیل «لا اله الا الله» تأمین نمی شوند زیرا «الله» در این کلمات مؤثر آمده است ۱۰۶.

علاوه بر این که در معنای تکبیر، عظمت الهی به بهترین وجه تجلی می نماید چرا که «الله اکبر» یعنی خدا برتر از همه موجودات حسی، عقلی، ملکی و ملکوتی است، یعنی خدا برتر از آن است که کسی بتواند او را توصیف کند... از همین رو امام صادق علیه السلام می فرماید: همین که تکبیر می گویی باید همه چیز نزد تو کوچک شود جز او ۱۰۷.

اما در خصوص فلسفه بالا آوردن دست ها در احادیث چنین آمده که بلند نمودن دو دست نوعی تضرّع و تواضع است لذا حق تعالی دوست دارد که بندگان در وقتی که یادش می کنند با حالت تضرّع و تواضع باشند ۱۰۸.

اسرار نماز

پرسش ۱۵. فلسفه کارهایی مانند: نیت، قیام، رکوع و سجود در نماز چیست؟

فلسفه نیت

عنصری که به عمل انسان، بها می دهد، نیت و انگیزه و هدف اوست. نیت رکن عبادت است. اگر عملی بدون نیت انجام شود، یا نیت غیرخدايي داشته باشد، باطل است. نیت، اصل و اساس عمل است. مقدس ترین کارها به خاطر نیت بد، فاسد می شود و ساده ترین کارها، با نیت خوب، ارزشی بسیار پیدا می کند.

نیت خدایی، عامل جذب الطاف الهی است. هر که در راه خدا تلاش کند خداوند هم راه های خودش را به او می نمایاند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» ۱۰۹ و نیت شرط قبولی عمل است.

امام صادق علیه السلام از قول خدای متعال نقل می کنند و می فرمایند: «لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا» ۱۱۰؛ «جز آنچه را خالص برای من می باشد، نمی پذیرم» ۱۱۱.

فلسفه قیام

«حقیقت قیام عبارت از ایستادن در پیشگاه پروردگار برای اداء حق عبودیت و بندگی او... و بدانند که در فردای قیامت او را در پیشگاه ذات اقدس خود

ایستادنی است که چگونگی آن را این ایستادن تعیین می کند و لذا سزاوار است که انسان آن چه در توان دارد در تصحیح قیام نماز خود، به کار گیرد...۱۱۲.

فلسفه رکوع

رکوع آن است که پس از پایان سوره، به نیت تعظیم و فروتنی در برابر فرمان و عظمت پروردگار، تا حدی خم شویم که دست ها به زانوها برسد، کمر صاف باشد، گردن کشیده باشد.

حضرت علی علیه السلام در بیان فلسفه چنین حالتی در رکوع می فرماید: «معنای کشیدن گردن در رکوع این است که در ایمان به خدا استوارم، اگر چه گردنم زده شود، و معنای سر برداشتن از رکوع و گفتن «سمع الله» این است که حمد و ثنای ما را می شنود، آن خدایی که مرا از نیستی و عدم به وجود آورده است»۱۱۳.

فلسفه سجده

سجده، نشان تذلل و خاکساری در برابر خداوند و عالی ترین درجه عبودیت است. انسان با سجده، خود را هم رنگ با هستی می کند: «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»۱۱۴.

سجده بهترین حالتی است که انسان به خدا نزدیک می شود. سجده، رمز دوران های چهارگانه زندگی انسان است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: سجده اول، یعنی این که از خاک هستم، سر برداشتن رمز زندگی دنیایی است. سجده دوم، رمز مردن و به خاک خفتن است، سر برداشتن از سجده دوم، رمز محشور شدن است۱۱۵ و این کلام امیرالمؤمنین علیه السلام مضمون این آیه است که: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»۱۱۶؛ «ما شما را از خاک آفریدیم و به خاک بر می گردانیم و بار دیگر از خاک، بیرونتان می آوریم».

سوره حمد

پرسش ۱۶. چرا باید در نماز، حتماً سوره حمد خوانده شود؟

در خصوص علت خواندن سوره حمد و عدم جایگزینی دیگر سوره های قرآن به چند دلیل عمده می توان اشاره نمود؛ جامعیت این سوره

سوره حمد آیات الهی از زبان بندگان خداوند است و ارتباط خالق و مخلوق را به اوج می رساند. امام رضا علیه السلام فرموده اند: «هیچ سوره ای از سوره های قرآن مثل سوره حمد مشتمل بر جوامع خیر و حکمت نیست و شرح آن چنین است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» با این عبارت بنده آنچه حق تعالی بر او واجب کرده یعنی شکر توفیق یافتنش برای اعمال خیر را ادا می کند.

«رَبِّ الْعَالَمِينَ» این عبارت تمجید حق تعالی و تحمید او بوده و نیز با آن بنده اقرار می کند که او فقط خداوند؛ خالق و مالک است نه دیگری.

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» با این عبارت بنده عظمت خالق را نسبت به خود طلب کرده و همچنین پروردگار و نعمت هایش بر جمیع مخلوقات را یادآور می شود.

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» اقرار به بعث و زنده شدن مردگان و حساب و مجازات بندگان بوده و نیز با این کلام بنده ملک آخرت را برای حق تعالی اثبات نموده همان طوری که ملک دنیا را برایش ایجاب می نماید.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» با این عبارت بنده رغبت و تقرب خود به خدا را بیان کرده و نیز خبر می دهد از اخلاص عمل فقط برای خالق نه دیگری.

«إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بنده با این عبارت از خدا تقاضا می کند که توفیق و عبادتش را زیاد کرده و نعمت ها و نصرتش را خالق نسبت به او ادامه دهد.

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بنده با این جمله از خدا تقاضای ارشاد کرده و نیز بدین وسیله به ریسمان هدایتش چنگ زده و همچنین از خدا می خواهد که

معرفتش را به او و به عظمت و کبریائیش زیاد نماید.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» این جمله تأکید بنده نسبت به هدایت و رغبتش در ارشاد شدن را رسانده و نیز با این عبارت بنده متذکر نعمت های حق تعالی بر اولیائش شده و همچنین رغبت و میلش به مثل چنین نعمت هایی را می رساند.

«غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» بنده با ادای این عبارت پناه به خدا برده و استعاذه می جوید از این که در زمره معاندین و کافرین و کسانی باشد که پروردگار و امر و نهی او را خفیف و کوچک می شمردند.

«وَلَا الضَّالِّينَ» با این کلمه بنده از خدا تقاضا می کند او را معصوم و محفوظ بدارد از این که در گروه آنان که از طریق مستقیم حق تعالی گمراه بوده و بدون عرفان چنین می پندارند که اعمال پسندیده و شایسته بجا می آورند باشد.

و بدین ترتیب در این سوره جوامع خیر و حکمت نسبت به امر آخرت و دنیا جمع بوده به طوری که با هیچ چیز دیگری برابری نکرده و قابل قیاس نیست. ۱۱۷ به دلیل همین ویژگی است که نماز بدون سوره حمد ناقص است.

از امام باقر علیه السلام درباره حکم کسی که در نمازش «فاتحة الكتاب» قرائت نکرده بود، سؤال شد؛ حضرت فرمود: «لَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَقْرَأَ بِهَا»؛ «نمازش، نماز شمرده نمی شود، مگر این که در آن «فاتحة الكتاب» را قرائت کند.

فواید سوره حمد

روایات متعددی در خصوص آثار و فواید این سوره بیان گردیده که در اینجا تنها به دو مورد آن اشاره می نمایم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جابرین عبدالله انصاری فرمود: «ای جابر! آیا برترین سوره ای که خدا در کتابش نازل فرموده به تو بیاموزم؟ جابر عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای تو باد! ای رسول خدا! آن را به من بیاموز. پس رسول اکرم صلی الله علیه و آله سوره «حمد» (ام الكتاب) را به او تعلیم داد و فرمود: ای جابر! آیا آگاهی سازم از این سوره؟ عرض کرد: چرا، پدر و مادرم فدای تو باد! یا رسول الله! از آن مرا باخبر ساز. فرمود: آن شفای هر دردی است جز مرگ» ۱۱۸.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ مُقَطَّعٌ فِي أُمِّ الْكِتَابِ» ۱۱۹؛ «اسم اعظم خداوند، در فاتحة الكتاب مندرج است». با توجه به دلایل گفته شده معلوم می شود سوره حمد، به سبب ویژگی های منحصر به فردی که دارد، بر دیگر سوره ها مقدم است و بر آنها برتری دارد. از این رو در نماز، سوره حمد را می خوانیم.

آهسته و بلند خواندن نمازها

پرسش ۱۷. فلسفه آرام خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر و بلند خواندن آن در نماز مغرب و عشا چیست؟

چهر و اخفات در نماز - چنان چه از بعضی از روایات استفاده می شود - یکی از سنت های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که خداوند خواسته با این سنت امت را نسبت به پای بندی به سیره و سنت پیامبرش آزمایش کند کما این که پیامبر خدا در خصوص نماز می فرمودند: «صلوا کما رأیتُمونی اصلی» ۱۲۰؛ «نماز بخوانید آن گونه که من می خوانم».

در علل الشرائع و عیون اخبارالرضا از امام رضا علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود: «علت این که بعضی نمازها باید بلند و بعضی آهسته خوانده شود این است که نمازهایی که باید بلند خوانده شوند (صبح، مغرب، عشاء) در اوقاتی است که هوا نسبتاً تاریک و واجب است بلند خوانده شوند که اگر کسی از آنجا عبور می کند، بداند که جماعتی در آنجا نماز می خوانند تا اگر خواست به آنها ملحق شود؛ چون تاریکی مانع دیدن اوست و بلند خواندن باعث می شود او صدای نمازگزاران را بشنود. ولی دو نمازی که آهسته خوانده می شوند (ظهر و عصر) به دلیل این که روز است و عملشان کاملاً قابل رؤیت است، احتیاج به بلند خواندن ندارد» ۱۲۱.

در روایت است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا باید نمازهای جمعه، مغرب، عشاء و صبح را بلند خواند ولی نماز ظهر و عصر را آهسته؟ حضرت فرمود: «زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی به معراج رفتند اولین نمازی که خدا بر او واجب کرد، نماز جمعه بود؛ آنگاه خداوند به ملائکه امر کرد تا پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله بایستند و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که نمازش را بلند بخواند تا فضل و برتری خود را به ملائکه نشان دهد. سپس نماز عصر را بر او واجب کرد، ولی کسی را به پیامبر صلی الله علیه و آله اضافه نکرد تا به وی اقتدا کند؛ از این رو دستور داد تا آهسته قرائت کند. سپس نماز مغرب را واجب کرد و ملائکه را به پیامبر صلی الله علیه و آله افزود. پس امر کرد تا بلند بخواند و همین طور در نماز عشاء. وقتی فجر نزدیک شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از آسمان نزول کرد، آنگاه خداوند نماز صبح را بر او واجب کرد و امر کرد تا بلند بخواند تا فضل خود را به مردم نشان دهد، چنان که به ملائکه فضل خود را نشان داده بود» ۱۲۲.

قنوت نماز

پرسش ۱۸. فلسفه قنوت چیست و چرا در هنگام قنوت دست ها را بالا ببریم؟
بهترین حالت به هنگام دعا این است که انسان دست ها را به طرف بالا گرفته و درخواست خود را مطرح می کند.
امام صادق علیه السلام می فرماید: «هیچ بنده ای دستش را به سوی خداوند عزیز جبار دراز نمی کند مگر این که خداوند حیا می کند از این که آن را خالی برگرداند و در آن قرار می دهد از فضل و رحمت خودش آن قدر که بخواهد، به همین جهت هر گاه کسی از شما دعا کرد دست خود را برنگرداند تا این که آن را به سر و صورتش بکشد» ۱۲۳.
اما چرا به طرف بالا؟ مگر خداوند در همه جا حضور ندارد؟ حضرت علی علیه السلام در پاسخ همین سؤال فرمودند: «وقتی از نماز فارغ شدید، دستانتان را به طرف آسمان بالا ببرید و دعا کنید. سؤال شد: مگر خداوند در همه مکان ها نیست؟ حضرت فرمود: درست است. سؤال کرد: پس چرا دستمان را به طرف آسمان بالا ببریم؟ حضرت فرمود: آیا قرآن نخوانده اید که فرموده است: «رزق شما و آنچه وعده داده شده اید، در آسمان است». پس از کجا باید رزق را طلب کرد؟ باید از موضع و جای رزق و آنچه که خداوند وعده کرده، طلب نمود که آسمان است» ۱۲۴.

تشهد نماز

پرسش ۱۹. فلسفه و اسرار تشهد در نماز چیست؟ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله هم در تشهد برای خودش صلوات می فرستاد؟
در ابتدا گفتنی است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله یک شخصیت حقیقی دارد به عنوان یک انسان و یک شخصیت حقوقی به عنوان پیامبر و فرستاده خدا و از این جهت احترام مقام رسالت و شخصیت حقوقی پیامبر صلی الله علیه و آله حتی برای خود پیامبر صلی الله علیه و آله نیز لازم است. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله موظف بودند نماز را همان گونه که خداوند امر فرموده است، بجای آورند. قرآن مجید نیز می فرماید:
«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» ۱۲۵؛ «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید».
از آن جایی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خود در رأس مؤمنان است؛ آیه شامل خود آن حضرت نیز می شود که به مؤمنان دستور می دهد به پیامبر صلوات بفرستند، بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله موظف به فرستادن صلوات و درود بر خود بودند.
و اما درباره اسرار تشهد گفتنی است؛ «تشهد تجدید و تکرار شهادتین است که تجدید ایمان و اسلام است و اعتراف به مبعوث شدن بعد از مرگ» ۱۲۶ در تشهد گواهی به یگانگی خدا و رسالت پیامبر در کنار هم آمده و پیوند نبوت و رهبری را با توحید و عبودیت می رساند.
تشهد شاید گویای این باشد که این گواهی را هر کس باید با آگاهی و اعتقاد عمیق خود اظهار بدارد و بیعت خویش را با خدا و رسول، تجدید کند.
در شهادت به رسالت و عبودیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله هم عظمت مقام آن حضرت نهفته، که خداوند، شهادت به رسالت او را در کنار توحید

قرار داده است، هم پیوند نمازگزار را با خط رهبری الهی و قدردانی از او می رساند، و هم مقدّم بودن (عَبْدُهُ) بر (رَسُولُهُ) می رساند که رمز رسالت پیامبر، عبودیت اوست، و چون بنده خدا بوده به مقام پیامبری برگزیده شده است.

فراز دیگر تشهّد، صلوات است. گرچه اهل سنت، این جمله را در تشهّد نمی خوانند، ولی امام شافعی از رهبران اهل سنت در شعری چنین سروده است:

يَا أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ
فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ
مَنْ لَمْ يَصِلْ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ

ای خاندان پیامبر! محبت شما بر ما فرض است و خدا این را در قرآن نازل کرده است.

در عظمت قدر شما همین بس که هر کس بر شما صلوات نفرستد، نمازش، نماز نیست. ۱۲۷

در کیفیت صلوات بر پیامبر و آلش و نیز در اصل آن، حدیث های متعدّدی در کتب تفسیر و فقه و حدیث اهل سنت نیز آمده است. حتّی در صحیح بخاری روایت است که از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: ما چگونه صلوات بفرستیم فرمود: بگوئید: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ» ۱۲۸.

در احادیث دیگری نیز آل محمد در کنار نام پیامبر آمده است. ۱۲۹

و در احادیثی، نکوهش از کسانی شده که هنگام صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله اهل بیت آن حضرت را یاد نمی کنند، همچون حدیث پیامبر که فرمود: «مَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَلَمْ يَصَلِّ عَلَى آلِهِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ» ۱۳۰؛ «کسی که بگوید: صلی الله علیه و بر آل او صلوات نفرستد بوی بهشت را درک نخواهد کرد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَرَادَ التَّوَسَّلَ إِلَيَّ وَأَنْ تَكُونَ لَهُ عِنْدِي يَدُ أَشْفَعٍ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلْيَصَلِّ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي وَ يَدْخُلِ السَّرُورَ عَلَيْهِمْ» ۱۳۱؛ «کسی که می خواهد به من توسّل پیدا کند و این که برای او در نزد من دست شفاعت کننده ای برایش باشد پس باید بر اهل بیت من صلوات بفرستد و سرور و شادی را در آنها ایجاد کند».

به هر حال، یاد کردن از آل پیامبر صلی الله علیه و آله در صلوات، نشان قدرشناسی از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و عمل به توصیه خود آن

حضرت است. ۱۳۲

سلام نماز

پرسش ۲۰. وجود سلام در نماز چه فلسفه ای دارد و چرا به جای این که در اوّل نماز گفته شود در آخر نماز گفته می شود؟

آخرین مرحله نماز، سلام و درود فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بندگان صالح و همه نمازگزاران است. «تکبيرة الاحرام» اجازه ورود به نماز و «سلام» اجازه خروج از آن است.

درباره حکمت و فلسفه «سلام» می توان به موارد زیر اشاره کرد:

یگانگی و همدلی مسلمانان

نمازگزار وقتی در سلام نماز به همه مؤمنان و بندگان صالح و بر خودش سلام می دهد، احساس می کند که تنها نیست و یکی از آحاد امت بزرگ اسلام است و با مردان خدا، در هر جای زمین، احساس همبستگی می کند.

واژه سلام دو معنا دارد؛

۱. درود و تحیت و آرزوی سلامتی کامل برای مؤمنان،

۲. نام مقدّس خداوند.

بر این اساس، نمازگزار به اذن پروردگار، سلامتی و امان از عذاب را برای مؤمنان درخواست می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «معنی السلام فی دَبرِ کلِّ صلاةٍ الامان»؛ «معنای سلام در آخر هر نمازی، امان است»؛ اگر نماز را در حالی که قلبش خاضع است بجای آورد، از بلاهای آخرت در امان خواهد بود ۱۳۴.

جلب رحمت الهی

امام علی علیه السلام می فرماید: «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»؛ «از خدا ترحم خواستن برای خود و همه بندگان است، که این خود سبب ایمن شدن از عذاب قیامت است» ۱۳۵.

یادآوری نام الهی

امام صادق علیه السلام فرموده است: «سلام، یکی از اسم های خدا است و اگر می خواهی سلام نماز را به خوبی انجام داده و معنایش را ادا کنی، پس باید از خدا بترسی و دین، قلب و عقلت را سالم نگه داری و آنها را به ظلمت گناه نیالایی» ۱۳۶.

تلقین نیکی ها و شایستگی ها

یکی از درس ها و ثمرات نماز این است که هر نمازگزاری، در هر شبانه روز، پنج بار به خود تلقین می کند که: از بندگان نیکوکار و شایسته خداوند است «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین». کسی که نماز می خواند، اگر به معنای این جمله توجه کند، وجدانش تحت تأثیر قرار می گیرد و سعی می کند با پیام آن تلقین، مخالفت نکند و اعمال خلاف مرتکب نشود و خود را هر چه بیشتر به نیکوکاران، نزدیک سازد. ۱۳۷

نمازگزار با سلام دادن، نشان می دهد که دوست دار و خیرخواه همه خوبان و نیکوکاران است و همواره آرزوی سلامتی آنان را دارد. این مسئله باعث نزدیکی قلب ها به هم و مستحکم تر شدن دوستی ها و برادری ها است. ۱۳۸

گفتنی است که سلام فقط برای شروع و آغاز دیدار نیست؛ بلکه در فرهنگ و لغت عرب، به معنای خداحافظی نیز می باشد. آنان زمانی که از یکدیگر جدا می شوند، می گویند: «سلام علیکم».

درباره «سلام آخر» نماز گفته شده است: انسان در نماز، ارتباطی وثیق با خدا برقرار و با دیگران قطع رابطه می کند. اما در پایان نماز - که بازگشت از معراج است - با خلق خدا ارتباط پیدا می کند و در این مرحله به مؤمنان و صالحان سلام و درود می فرستد.

تکبیر بعد از نماز

پرسش ۲۱. فلسفه این که در پایان نماز سه بار «الله اکبر» می گوییم و دست ها را به بالا می آوریم چیست؟

آنچه مورد توصیه روایات و در نتیجه فتوای مراجع محترم تقلید است، این می باشد: «مستحب است نمازگزار پس از اتمام نماز، سه مرتبه دست ها را بالا آورده و در همین حالات سه مرتبه «الله اکبر» هم بگوید؛ هم چنین به هنگام سلام بدون روی گرداندن از قبله به جانب راست توجه کند و اگر در سمت چپ او نیز کسی هست به سمت چپ نیز اشاره و سلام را تکرار کند و اگر نماز جماعت است یک سلام نیز به سمت جلو به سمت امام ادا نماید» ۱۳۹.

در خصوص علت استحباب این عمل نیز یکی از شاگردان حضرت صادق علیه السلام می گوید: از حضرت امام صادق علیه السلام پرسیدم به چه علت نمازگزار پس از سلام نماز سه مرتبه تکبیر گفته و با هر تکبیر دست ها را بلند می کند؟ ایشان پاسخ فرمودند: بدین علت که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله، مکه را فتح نمود، نماز جماعت ظهر را با اصحابش در کنار حجرالاسود اقامه کرد و آنگاه که سلام نماز را داد دست ها را بلند کرد و سه مرتبه تکبیر

گفت و این دعا را خواند: «لا اله الا الله وحده انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و غلب الاحزاب وحده فله الملك و له الحمد یحیی و یمیت و

هو علی کل شیء قدیر» ۱۴۰؛ «پس رو به یارانش فرموده و خطاب کردند: این تکبیرات و دعا را هیچ وقت بعد از ادای نماز واجب، فراموش نکنید، چرا که ذکر تکبیرات بعد از سلام نماز و خواندن دعای مذکور به منزله سیاس و تشکر از خداوند بر پیروزی اسلام و مسلمانان بر کفر و الحاد است».

بنابراین، «الله اکبر» در واقع شعار برتری و اعتلای مکتب توحید و پیروزی اسلام بر کفر است که در فتح مکه تحقق پیدا کرد و لذا است که نماز با «الله اکبر» شروع می گردد و مستحب است که با «الله اکبر» ختم شود.

برخی برای این تکبیر آخر نماز اسراری را نیز مطرح نموده اند:

۱. هر تکبیر به یک نوع از توحید الهی اشاره دارد: توحید افعالی، توحید ذات خدا، توحید در اسماء و صفات و نمازگزار با هر تکبیر زبان به اعتراف می گشاید.

۲. بلند کردن دست ها و نزدیک ساختن به گوش، اشاره به دور افکندن تعلّق خاطر خود حتی نسبت به نماز است تا مبدا عجب و خودبینی در قلب او راه یابد.

۳. اظهار ذلت، عجز، قصور و تقصیر خویش در محضر مقدّس حضرت باری تعالی است. ۱۴۱

آثار سیاسی و اجتماعی نماز

پرسش ۲۲. نماز چه تأثیری در زندگی سیاسی - اجتماعی افراد می گذارد؟

آثار سیاسی - اجتماعی نماز جماعت را در چندین شاخص مهم می توان یافت؛

برقراری وحدت اجتماعی

نماز باعث بروز همکاری اجتماعی بین نمازگزاران می شود؛ اگر این همکاری بین مردم در شئون مختلف زندگی اجتماعی باشد و این همکاری ها افزایش یابد، زمینه برای انجام کارهای خیر که جنبه عمومی دارد و همچنین، تعهدات اجتماعی نمازگزاران نسبت به جامعه افزایش می یابد. این گونه تعاملات اجتماعی که برخاسته از روحیه معنوی و خدامحوری است، تنها در بُعد مادی همچون کمک مالی به نیازمندان خلاصه نمی شود؛ بلکه در ابعاد مختلف عاطفی و معرفتی نیز می باشد و هر چه این ابعاد گسترش بیشتری پیدا نمایند، میزان ناامیدی و انفعال اجتماعی در جامعه کمتر می شود. ۱۴۲

جامعه پذیری افراد

نماز به صورت مستقیم و غیرمستقیم در جریان جامعه پذیری افراد تأثیر می گذارد. تأثیر مستقیم نماز در جامعه پذیری بدین صورت است که نمازگزاران با پذیرش و درونی ساختن ارزش های موجود در نماز، رفتاری مطابق با انتظارات جامعه اسلامی از خود بروز می دهند. تأثیر غیرمستقیم نماز در جامعه پذیری بستگی به میزان تأثیر نماز و دین در سایر نهادها و نظام های اجتماعی در جامعه دارد. با توجه به تأثیر فراوان نماز و دین در نهادها و نظام های اجتماعی در جامعه اسلامی می توان بیان نمود که نماز تأثیری بنیادی در نهادها و نظام های اجتماعی جامعه داشته و به همین میزان، نماز تأثیر غیرمستقیم فراوانی بر جامعه پذیری افراد دارد. ۱۴۳

تشخیص و اطاعت از رهبری

برای امام جماعت شرایطی گفته شده که در صورت وجود آن شرایط می توان به وی اقتدا کرد. مشکل امروز مسلمانان آن است که نماز می خوانند ولی رهبرانشان افراد ترسو و وابسته و دست نشانده و بدون ملاک های الهی اند. با زبان از خداوند راه مستقیم می خواهند، ولی در عمل بیراهه می روند. امام جمعه و جماعت علاوه بر دارا بودن زهد و تقوا، باید شخصیت آگاه به مسایل روز و انسانی با بصیرت باشد در غیر این صورت نمی تواند جامعه اسلامی را به سمت کمال و پیشرفت رهنمون باشد.

امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيهِ غَيْرُ مَقْبُولٍ»؛ «هر کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا هم انجام می دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است».

در صورتی که مسئولین و دست اندکاران جامعه از نمازگزاران واقعی باشند و در مساجد حضور پیدا کنند، این امر خود باعث ایجاد و افزایش تفاهم سیاسی و اعتماد متقابل مردم و مسئولان می شود و از امکانات، محدودیت ها و قابلیت طرفین باخبر شده و زمینه پذیرش انتقادات سازنده بین مسئولین و مردم نیز فراهم می گردد. ۱۴۵

کوتاه سخن این که از نظر «سیاسی» نماز و به خصوص نمازهای جمعه و اعیاد نشانگر شکوه و اتحاد مسلمانان و همچنین زمینه ساز پویایی و رشد سیاسی جوامع اسلامی می باشد و همین امور دست به دست هم می دهد تا مسلمانان همواره برای مقابله با توطئه های دشمن آماده بوده و در نتیجه دشمنان اسلام را در پیاده نمودن نقشه های شومشان ناکام بگذارند.

رفاه بی نمازها

پرسش ۲۳. اگر نماز خواندن در رفع بلاها مؤثر است؟ پس چرا اروپایی ها وضعیتشان خیلی بهتر از ماست؟! در این باره اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

۱. ارتباط و تأثیرگذاری متقابل جسم و روح و جهان مادی و معنویت به روشنی قابل اثبات است و بر کسی پوشیده نیست که نشاط روحی و شادی روانی بر شادابی جسمی اثر مثبت دارد همان که سلامتی و تندرستی بر آسایش و آرامش درونی انسان تأثیرگذار است. البته میزان تأثیرگذاری متقابل وابسته به عوامل و موانع متعدّد است.

۲. نشانه نظام مندی جهان آن است که هر رفتاری و سلسله عواملی، نتیجه خاص خودش را داشته باشد. به طور مثال اگر دانه گندم کاشته شود و مراحل داشت و رسیدگی به خوبی انجام شود برداشت محصول خوبی را نیز چه بسا به دنبال داشته باشد و در این باره تفاوتی میان مسلمان و غیرمسلمان نیست بلکه هر کس نتیجه کار منظم یا نامنظم خود را خواهد دید که در فرهنگ دینی از این نظام مندی عمومی به «مشیت عام» نام برده شده است. بنا بر دو اصل پیش گفته؛ انسان باید براساس نظام مندی جهان فعالیت کند و نباید مسلمان بودن با نمازخوان بودن بهانه شود که کارها از مسیر خودش با تخصّص های لازم آن انجام نگیرد. اما باید دانست عوامل شکل دهنده نظام مندی جهان، شامل عوامل مادی و عوامل معنوی می شود و غفلت از هر کدام خسارت ها و ناکامی های خاص خودش را به دنبال خواهد داشت. توجّه به عوامل معنوی در کنار عوامل مادی از غرور و ناامیدی جلوگیری می کند و انسان را از بن بست نجات می دهد. آیا می توان خنثی شدن توطئه آمریکا در طیس را با تمامی تجهیزات مادی استکبار جهانی انکار کرد و عوامل معنوی را نادیده گرفت؟! را

آیا می توان موفقیت های انسان های مؤمن و عالمان وارسته را با حداقل زندگی مادی انکار کرد؟! از این لطف ویژه خداوند به بندگان خوب در اصطلاح به «مشیت خاص» و «توفیق الهی» یاد می شود.

کسانی که مشمول لطف خاص می شوند انتظار بیشتری نیز از آنها هست چنان که حضرت یونس علیه السلام به دلیل کم حوصلگی به سختی دریا و شکم ماهی گرفتار شد در حالی که گناهی از او سر نزده بود. کسانی که در محیط مذهبی و خانواده مذهبی نیز رشد کرده اند انتظار بیشتری از آنان هست و اگر نماز را سبک بشمارند چه بسا گرفتاری هایی به سراغ آنان بیاید که برای پیروان ادیان دیگر چنین اتفاقی نیفتد.

در هر صورت عوامل معنوی مانند رعایت تقوا، یاد خدا و نماز نقش بسیار مهمی در آسایش زندگی طبیعی انسان دارد. خداوند می فرماید:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» ۱۴۶؛ «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت».

و از سوی دیگر خداوند متعال فرموده است:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» ۱۴۷؛ «و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم».

البته آثار متعدّدی که برای عبادتی مانند نماز در روایات بیان شده به این معنا نیست که لزوما همه آنها با هم در یک فرد ظهور می یابد بلکه ممکن است

در هر فردی متناسب با شرایط روحی و جسمی او برخی در آنها تحقق یابد و یا در فردی که آمادگی و زمینه کامل دارد همه آنها محقق شود. هم چنین، آثار مادی و معنوی فراوانی که در آیات و روایات برای نماز بیان شده مشروط به وجود شرایطی مثل اخلاص و توجه و حضور در نماز و مانند آن می باشد و علاوه بر آن باید موانع موجود بر سر راه تحقق این آثار نیز برطرف گردد. مثلاً اگر انسان نماز شب بخواند ولی از گناهان پرهیز نداشته باشد و یا نسبت به والدینش رعایت احترام را نکند و یا به حق الناس بی توجه باشد بدون شک این آثار زمینه تحقق و تبلور پیدا نمی کند. بنا بر آنچه گفته شد نماز و عبادت، برکات متعددی در زندگی انسان دارد که در جوامع توسعه نیافته با این همه مشکلات، زندگی تحمل پذیر شده است و اگر در جوامع توسعه یافته نیز نماز و عبادت نهادینه شود به طور بدیهی موفقیت های آنان بیشتر خواهد بود در غیر این صورت اگر چه ظاهر زندگی شان رفاه مند باشد ولی آرایش پایدار و معنوی نخواهند داشت. چنان چه مصرف بالای داروهای ضدافسردگی و آرامش بخش در آن کشورها دلیل روشنی بر این واقعیت است.

قلب پاک

پرسش ۲۴. آیا بهتر نیست که به جای نماز ظاهری، قلب پاک داشته باشیم؟ خیلی ها نماز می خوانند اما مشکل دارند؟ در این باره اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

۱. بدیهی است در اسلام کیفیت، بیشتر از کمیت و باطن، بیشتر از ظاهر و ریشه بیشتر از ریش!! مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.
۲. تأثیرگذاری متقابل ظاهر و باطن قابل انکار نیست چنان که آراستگی چهره و لباس در نشاط و شادابی روحیه مؤثر است و آلودگی لباس و بدن در تنفر درونی انسان مؤثر است. هم چنین پریشان حالی عدم رسیدگی به آرامش را به دنبال دارد و نشاط و سرحالی توجه به آراستگی و خودآرایی را در پی دارد.
۳. مهم تر از دو نکته پیش گفته آن است که حفظ ظاهر در حفاظت باطن تأثیر بسزایی دارد. چنان که به طور طبیعی پوست میوه ها در سالم نگه داشتن خود میوه و جلوگیری از نفوذ گرد و خاک... به میوه جلوگیری می کند. به طور مثال اگر پوست موز کنده شود نگهداری آن مشکل است و اگر پوست نازک خرمای رطب برداشته شود به سرعت بخش اصلی خرما ترشیده و غیرقابل استفاده می شود. همین رابطه در ظاهر و باطن عبادات وجود دارد اگر چه ظاهر شریعت، همانند پوسته است و آنچه مهم است باطن و حقیقت و پاکی قلب است. اما اگر ظاهر رعایت نشود چه بسا باطن به سرعت دچار آسیب شود.
- البته چه بسا هر «ریش داری»، «ریشه» پاک نداشته باشد! و هر باحجابی عفت و حیای قابل قبول نداشته باشد و هر نمازخوانی پاکی قلب ممتاز نداشته باشد. اما کسی که دارای قلب پاک است اگر نماز را کنار بگذارد رفته رفته زنگار بر دل او می نشیند و کسی که حجاب را رعایت نمی کند، رفته رفته آسیب پذیر می شود. اتفاقاً مهم ترین نقش نماز حفظ پاکی دل و جلوگیری از کدورت قلب است. این که در همه نمازها از خدا می خواهیم ما بر «صراط مستقیم» ثابت قدم باشیم به همین جهت است.
- نکته پایانی این که چه کسانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام دلشان پاک تر است؟! در حالی که این بزرگان بیش از دیگران به نماز همت داشتند بنابراین کسانی که به طور واقعی خواهان قلب پاک و پاکی در زندگی هستند از بهترین کارها «نماز» است.

پی نوشت :

۲. برهان قاطع، فرهنگ دهخدا، ج ۱۴، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۲۷۳۱.

۳. حج ۲۲، آیه ۴۱.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، اول، ص ۴۹۱.

۵. رک: آیه الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۰۹، دارالکتب الاسلامیه؛ محمد محمدی اشتهاردی، نماز از دیدگاه قرآن و عترت.

۶. ماعون ۱۰۷، آیه ۵ و ۴.

۷. معارج ۷۰، آیه ۲۳ و ۲۳.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۸۲.

۹. آشنایی با قرآن، سوره های حمد و بقره، ص ۶۷ و ۶۸.

۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۹۶.

۱۱. بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۳۳۳.

۱۲. ابراهیم ۱۴، آیه ۳۷

۱۳. طه ۲۰، آیه ۱۴.

۱۴. مریم ۱۹، آیه ۳۱ و ۳۰.

۱۵. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید: سیمای نماز، حسین انصاریان، فصل: نماز در آئینه ی حیات انبیا و امت ها.

۱۶. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، نهم، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۴.

۱۷. تنبیه ۶: ۴-۵. البته آنان در قرائت آن، به جای لفظ یهوه، از ادونای استفاده می کنند.

۱۹. متی، ۹:۶.

۲۰. سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی و سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش، پنجم، ج ۲۰، ص ۵۵۱.

۲۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۵.

۲۳. نجم ۵۳، آیه ۳ و ۴.

۲۴. ابراهیم ۱۴، آیه ۸.

۲۵. آل عمران ۳، آیه ۱۴۴.

۲۶. اسراء ۱۷، آیه ۷۸.

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱۲، ص ۲۲۱.

۲۸. بقره ۲، آیه ۴۵.

۲۹. سنن النبی صلی الله علیه و آله، با ترجمه، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳۰. بقره ۲، آیه ۴۵.

۳۱. همان.

۳۲. نور ۲۴، آیه ۵۶.

۳۳. رعد ۱۳، آیه ۲۸.

۳۴. اعلیٰ ۸۷، آیہ ۱۵ و ۱۴.

۳۵. بقرہ ۲، آیہ ۵-۳.

۳۶. عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳۷. جامع الأخبار، ص ۷۳.

۳۸. شہاب الاخبار، ص ۵۰.

۳۹. محمد وحیدی، دانستنی های لازم از نماز، قم: مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ش، چهارم، ص ۲۴.

۴۰. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۷.

۴۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.

۴۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۴۳. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۶.

۴۴. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۹۱.

۴۵. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۴۱۵.

۴۶. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۳.

۴۷. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴.

۴۸. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸.

۴۹. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۲.

۵۰. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۷۵.

۵۱. همان.

۵۲. مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵۶.

۵۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱.

۵۴. محمدرضا رضوان طلب، پرستش آگاهانه، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ش، دوم، ص ۸۴.

۵۵. مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پاییز ۱۳۸۰ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۵۴.

۵۶. توبه ۹، آیه ۱۸.

۵۷. نحل ۱۶، آیه ۴۴.

۵۸. بقره ۲، آیه ۱۴۴.

۵۹. همان، آیه ۱۵۰.

۶۰. بقره ۲، آیه ۱۱۵.

۶۱. بقره ۲، آیه ۱۴۲.

۶۲. ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی، پاسخ به پرسش های مذهبی.

۶۳. محمد ری شهری، مناظره در رابطه با مسائل ایدئولوژیک، ص ۸۴ و ۸۵.

۶۴. قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، ص ۱۰۹، تهران: ستاد اقامه نماز، چاپ هفدهم ۱۳۷۸.

۶۵. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۴۴.

۶۶. آل عمران ۳، آیه ۹۶.

۶۷. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش و پاسخ درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۲۴.

۶۸. Pickthall.Muhammad M . The Meaning of The Glorious Quran Muslim World League-Rabita ۳p ۷۷۹۱.

۶۹. بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶.

۷۰. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۶۶.

۷۱. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۸۹.

۷۲. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۳.

۷۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۶.

۷۴. بحارالأنوار، ج ۶۵، ص ۱۴۹.

۷۵. انعام ۶، آیه ۹۲.

۷۶. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش،

پنجم، ج ۷، ص ۳۸۹.

۷۷. نور ۲۴، آیه ۳۷.

۷۸. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۱۴، ص ۴۸۶.

۷۹. مریم ۱۹، آیه ۵۹.

۸۰. امام کاظم علیه السلام در خصوص «غی» فرموده اند: «آن کوهی از مس گذاشته که در وسط جهنم می چرخد»، بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۲۲۳.

٨١. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢ش، سوم، ج ٦، ص ٨٠٢.

٨٢. ماعون ١٠٧، آيه ٤ و ٥.

٨٣. وسائل الشيعة، ج ٤، ص ١١٤.

٨٤. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ٢٩.

٨٥. بحار الأنوار، ج ١٣، ص ٣٢٧.

٨٦. مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ١٤٩.

٨٧. أمالى، صدوق، ص ٤٩٦.

٨٨. من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٣٧.

٨٩. بحار الأنوار، ج ٨٠، ص ٩.

٩٠. وسائل الشيعة، ج ٤، ص ١٠٨.

٩١. الكافي، ج ٣، ص ٢٧٠.

٩٢. كتاب جامع آيات و احاديث موضوعى، ج ١، به نقل از: وسائل الشيعة، ج ٤، ص ١٤.

٩٣. علل الشرائع، ترجمه ذهنى تهرانى، ج ١، ص ٨٣٥.

٩٤. پیام پیامبر صلى الله عليه و آله، ترجمه فارسى، ص ٦٦٧.

٩٥. عنكبوت ٢٩، آيه ٤٥.

٩٦. هود ١١، آيه ١١٤.

۹۷. سیّد رضی، نهج البلاغه، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق، اول، ص ۲۹۴.

۹۸. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۶۸۳.

۹۹. محدّث اربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق، اول، ج ۱، ص ۴۸۳.

۱۰۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش، اول، ج ۱۶، ص ۲۹۰ - ۲۹۱.

۱۰۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۷.

۱۰۲. رعد ۱۳، آیه ۲۸؛ «تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد!».

۱۰۳. نهج البلاغه، ص ۲۹۴.

۱۰۴. رک: بررسی شیوه های تشویق و ترغیب کودکان و نوجوانان به نماز جماعت، ملیحه اسلامیان.

۱۰۵. همان، ج ۸۵، ص ۲۹۲.

۱۰۶. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۳.

۱۰۷. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۳۰؛ عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعة، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷ش، اول، باب ۱۳.

۱۰۸. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۳۷.

۱۰۹. عنکبوت ۲۹، آیه ۶۹.

۱۱۰. بحارالأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۳.

۱۱۱. قرائتی، محسن؛ پرتوی از اسرار نماز، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هجدهم، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۱۱۲. حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، اسرار الصلوة، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۳.

١١٣. بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٥٣.

١١٤. نحل ١٦، آيه ٤٩.

١١٥. بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ١٣٩.

١١٦. طه ٢٠، آيه ٥٥.

١١٧. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ١، ص ٨٢٥.

١١٨. بحار الأنوار، ج ٨٩، ص ٢٣٧.

١١٩. وسائل الشيعة، ج ٦، ص ٣٨.

١٢٠. بحار الأنوار، ج ٨٢، ص ٢٧٩.

١٢١. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ١، ص ٨٣٣؛ وسائل الشيعة، ج ٦، ص ٨٢، ح ٧٤٠٦.

١٢٢. وسائل الشيعة، ج ٦، ص ٨٣، ح ٧٤٠٧.

١٢٣. وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٥١، چاپ آل البيت.

١٢٤. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه و آله، ص ١١٨.

١٢٥. أحزاب ٣٣، آيه ٥٦.

١٢٦. بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٥٣.

١٢٧. الغدير في الكتاب و السنة و الادب، ج ٣، ص ٢٤٥.

١٢٨. صحيح بخارى، ج ٨، باب الصلاة على محمد.

۱۲۹. تفسیر فخر رازی، ج ۲۵، ص ۲۲۷؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۴۹۵.

۱۳۰. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۰۳.

۱۳۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۰۳.

۱۳۲. محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، ص ۱۸۶.

۱۳۳. مصباح الشریعة، ص ۹۵.

۱۳۴. محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۷ش، هجدهم، ص ۱۶۲.

۱۳۵. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۹۲.

۱۳۶. امام خمینی‌ره، آداب الصلاة، ص ۳۹۹.

۱۳۷. رموز نماز، ص ۸۳.

۱۳۸. مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پاییز ۸۰ش، چاپ نهم، ج ۲، ص ۲۷.

۱۳۹. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۵۲؛ عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۴۰.

۱۴۰. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۵۲.

۱۴۱. رک: آداب نماز، امام خمینی ره، ۳۷۷.

۱۴۲. علیرضا وحدت پناه، نماز و جامعه شناسی، ستاد اقامه نماز و احیای زکات، بهار ۸۴، دوم، ص ۱۶۴.

۱۴۳. همان، ص ۵۳.

۱۴۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۴۵. علیرضا وحدت پناه، نماز و جامعه شناسی، ص ۱۶۲.

۱۴۶. طه ۲۰، آیه ۱۲۴.

۱۴۷. أعراف ۷، آیه ۹۶.

قسمت دوم

تشکر از خدا

پرسش ۲۵. اگر نماز تشکر از خداست، چرا حتما باید نماز بخوانیم و حال آن که می توانیم به صورت زبانی از خدا تشکر کنیم؟
در ابتدا گفتنی است؛ نماز تنها جنبه شکرگزاری ندارد، بلکه عبادت چند منظوره است. کارکردهایی همچون:

۱. طهارت و پاکیزگی از طریق وضو، غسل، لباس پاک و مکان پاک؛

۲. رعایت حلال و حرام از جهت مکان غیرغصبی، آب مباح و لباس مباح؛

۳. توجه به زمان و نظم در اوقات نماز؛

۴. یادآوری اصول اعتقادی در سوره حمد و...؛

۵. ارتباط روحی و عاطفی با الگوها و اولیای الهی (انعمت علیهم - عبادالله الصالحین - ...)

۶. اعلام و شعار (اذان و اقامه)؛

۷. وحدت و همدلی (نماز جماعت - نمازهای جمعه و عید)؛

۸. نشاط (ارتباط با آب در وضو و غسل)؛

۹. همگرایی و نظم اجتماعی با برگزاری نماز جماعت؛

۱۰. تحرک بدنی (قیام - رکوع و سجده) ۱.

حال آیا می توان گفت که تنها تشکر زبانی قابلیت جایگزینی نماز را دارد؟

علاوه بر آنچه گفته شد، تشکر از خداوند وقتی به خوبی انجام خواهد شد که آنچه او خواسته است ما انجام دهیم.

برای سپاسگزاری از خدا به وسیله نماز نیز شکل خاصی وجود دارد که نمی توان آن را نادیده گرفت. خداوند متعال برای نماز آداب و خصوصیات ویژه ای قرار داده که باید رعایت شود تا عبادت و تشکر از خدا محسوب شود مانند بیان ذکرهای مخصوص با شرایط خاص و در زمان خاص و معین. بنابراین وقتی ما مأمور هستیم که نماز را به پا داریم و برای نماز اوقات خاصی تعیین شده و ارکان خاصی (نیت، رکوع، سجود و...) قرار داده شده، نمی توانیم به سلیقه خود عمل کرده و ادعای تشکر از خداوند متعال نیز داشته باشیم!

اهل حق

پرسش ۲۶. برخی مانند «اهل حق»، نماز نمی خوانند و می گویند ما به جای نماز «نذر و نیاز» داریم! آیا چنین چیزی مورد قبول است؟

«اهل حق» نام یکی از فرقه هایی است که علی اللهی هم نامیده می شوند. پیروان این فرقه بیشتر در شهر کرمانشاه، شهرستان کرد غرب (منطقه دالاهو)، بخش گهواره، کوزران، سرپل ذهاب و اطراف قصر شیرین زندگی می نمایند.

در خصوص علت نماز نخواندن این فرقه باید بگوییم: متأسفانه پیروان این فرقه دلیل محکمی برای نماز نخواندن خود ارائه ننموده اند به گونه ای که برخی از آنها در پاسخ به این سؤال که چرا نماز نمی خوانند این بیت را بیان می کنند:

اگر نیاز نباشد نماز بی سود است

اگر نیاز دهی پس نماز بیهوده است

بین مردم عادی اهل حق نیز در رابطه با نخواندن نماز بهانه هایی مطرح است. به طور مثال می گویند: چون به حقیقت رسیده ایم نیازی به نماز نداریم.

در حالی که آیات قرآن کریم بر وجوب و اقامه نماز، به ویژه نمازهای یومیه بسیار تأکید و سفارش شده و برای آن وقت های معینی قرار داده شده است، قرآن کریم می فرماید:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً»؛ «نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است!»

لذا این گونه نیست که هر کسی به سلیقه خود زمانی را برای نماز قرار داده یا آن را ترک کند. علاوه بر این که اینان ادعای پیروی از امام علی علیه السلام دارند در حالی که حضرت علی علیه السلام تا آخرین لحظات عمر شریف خود هیچ گاه نماز را ترک نکردند.

آیا کسانی که ادعا می کنند چون به حقیقت رسیده اند نماز نمی خوانند بر این باورند که حضرت علی علیه السلام تا آخر عمرشان به حقیقت نائل نشده بود که تا آخرین لحظه نماز می خواندند؟!

اگر قرار بود «نیاز» بهترین جایگزین نماز باشد آیا خود آن حضرت این مسئله را نمی دانستند تا این همه نماز نخوانند و حال آن که در اواخر عمر شریفشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند و اگر قرار بود به بهانه این که حضرت علی علیه السلام در نماز کشته شد کسی نماز نخواند اولین کسانی که باید نماز را ترک می نمودند خاندان آن حضرت می باشد و حال آن که به شهادت تاریخ و روایات فراوان، خاندان آن حضرت بیشترین اهمیت را به نماز می دادند و دیگران را نیز به نماز توصیه می نمودند به عنوان نمونه فرزندش امام حسین علیه السلام حتی در روز عاشورا نماز را ترک نکرد و کسی مانند امام زین العابدین علیه السلام از کثرت سجده و نماز به «سجاده» - بسیار سجده کننده - و «زین العابدین» - زینت عبادت کنندگان - ملقب گردید.

خدمت به جای نماز

پرسش ۲۷. مگر نه این که با ارزش ترین اعمال خدمت به مردم است! پس اگر کسی به دیگران خدمت بکند مثل کسانی که با اختراعات خود به مردم خدمت می کنند دیگر چه نیازی به نماز دارد؟!

بدیهی است ریشه و عامل خدمات، ارزنده تر از یک خدمت است زیرا کسی که انگیزه خدمت را در درون خود بارور کند، خدمات فراوانی را از خود بروز خواهد داد و یکی از مهم ترین آثار نماز آن است که ریشه پاکي ها و انگیزه ساز خدمات است. علاوه بر این که نباید فراموش کرد که بالاتر از خدمت به مردم خدمت به خالق و پروردگار عالمیان در روی زمین می باشد و نماز خدمت به خداوند متعال است که هیچ چیز جایگزین آن نمی شود.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ تَعْدِلُ الصَّلَاةَ»؛ «پیروی و اطاعت از پروردگار خدمت کردن به او در زمین است و هیچ چیز در خدمت به پروردگار معادل نماز نیست».

دستورات دین مقدس اسلام هر کدام در جای خود خوب و مناسب است و هر کدام اثر و نورانیت و کمال بخشی خاص خود را دارد. همان گونه که سیری جای تشنگی را نمی گیرد و سیرابی جایگزین گرسنگی نمی شود، در تعالیم اسلام نیز خدمت به خلق جای نماز را نمی گیرد و نماز جایگزین خدمت به مردم نمی شود.

البته در مورد نمازهای مستحبی می توان گفت که اگر با خدمت به مردم تعارض داشته باشد، در این صورت خدمت به خلق، تقدم دارد.

نکته مهم این است که معمولاً همین تعارض و تقابل میان نماز مستحبی و خدمت به خلق موردی و مختص موارد خاصی است و این گونه نیست که من همیشه نماز مستحبی و نافله را به خاطر خدمت به مردم ترک کنم چون این خود از دام شیطان برای محروم کردن بندگان مؤمن از فیض نماز مستحبی است. در پایان خوب است این نکته را نیز یادآور شویم که خدمت به خلق دامنه وسیعی دارد و اگر چه به طور قطع هرگونه خدمت به خلق خدا هر چند به ظاهر ناچیز باشد موجب پاداش و ثواب است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مَنْ رَفَعَ حَجْرًا عَنِ الطَّرِيقِ كَتَبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ»؛ «هر کس سنگی را از راه مردم بردارد برای آن حسنه و ثوابی نوشته می شود».

اما اگر این خدمت از راه تعلیم و هدایت دیگران باشد، ارزش فوق العاده ای دارد؛ پیامبر اکرم به امام علی علیه السلام فرمود: «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ مِنْ مَشَارِقِهَا إِلَى مَغَارِبِهَا»؛ «اگر خداوند به دست تو کسی را هدایت کند برای تو از همه چیز که خورشید بر آن طلوع و غروب کند بهتر است».

و یا در خصوص خدمت به مردم در مسیر علم آموزی، امام صادق علیه السلام فرموده اند: «مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا فَلَهُ مِثْلُ أُجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ»؛ «کسی که به دیگری چیزی بیاموزد برای او مثل پاداش آن که به آن علم عمل می کند پاداش هست».

نماز و یوگا

پرسش ۲۸. فرق نماز با یوگا چیست؟

یوگا نوعی ورزش همراه با تمرکز است و از آثار معنوی، فرهنگی و تربیتی و ارتباط با مبدأ هستی تهی است، در حالی که نماز جامع ترین و کامل ترین راه پرواز از جهان ماده و پیوستن به معبود و معشوق حقیقی و کمال و جمال مطلق است. هر یک از شرایط، اجزا، اقوال و افعال نماز دارای معانی و اسراری عظیم و در بردارنده اصول تربیتی و پیام آور فرهنگی خاص هستند که هیچ یک از آنها در یوگا وجود ندارد. به نظر می رسد آنچه باعث این مقایسه نادرست شده چند چیز است:

الف. این که غالباً نمازهای ما حقیقی و با حضور قلب و آداب باطنی نیست و چون به ژرفای نماز راه نیافته و نماز در هویدای دل ما رسوخ نکرده است، با حرکات دیگری که با نگرش سطحی مشابه می نمایند یکسان انگاشته می شود.

ب. بی توجهی به اسرار و روح نماز و تعالیم و پیامدهای معنوی، تربیتی، روحانی، دنیوی و اخروی هر یک از اجزا و شرایط آن باعث پناه بردن به ورزش هایی چون یوگا می شود. باید بدانیم که یوگا تنها یک ورزش برای تقویت بعدی از ابعاد درونی انسان است و برای عبادات و نیایش و شکرگزاری آفریدگار نیست.

فلسفه وضو

پرسش ۲۹. فلسفه وضو چیست؟

در خصوص فلسفه وضو با استفاده از روایات اهل بیت علیهم السلام می توان امور زیر را بیان کرد:

تقویت روحیه تعبد و بندگی

یکی از مهم ترین فلسفه های تمامی دستورات الهی از جمله وضو تقویت روحیه تعبد و بندگی می باشد چرا که به وسیله همین فرامین است که میزان اطاعت پذیری و بندگی ایمان آورندگان در برابر خداوند متعال ظهور و بروز می نماید ۱۰ هر چند علت اصلی این دستورات برایشان مخفی و پوشیده باشد ۱۱. لذا خداوند متعال در قرآن فرموده است:

«مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ «آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است».

از همین رو یکی از فلسفه هایی که در احادیث اهل بیت علیهم السلام برای دستورات الهی از جمله وضو بدان تصریح شده، تقویت روحیه تعبد و بندگی نسبت به فرامین الهی می باشد، امام باقر علیه السلام فرموده اند: «إِنَّمَا الْوُضُوءُ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَطِيعُهُ وَمَنْ يَعْصِيهِ»؛ «وضو یکی از حدود دستورات الهی است که

خداوند برای شناسایی مطیع و عاصی آن را واجب فرموده است».

آراستگی

از دیگر مسائلی که در روایات در خصوص فلسفه وضو بدان اشاره شده طهارت و پاکیزگی ظاهری می باشد. امام رضا علیه السلام در توجیه یکی از شاگردان خود چنین می فرماید: «فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَلِمَ أُمِرَ بِالْوُضُوءِ وَبُدِيَ بِهِ قِيلَ لِأَنَّهُ يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيًّا مِنَ الْأَذْنَسِ وَ النَّجَاسَةِ...» ۱۴؛ «اگر کسی بگوید چرا خداوند امر فرمود به وضو و به آن آغاز کرد؟ پاسخ می گوئیم: برای آن که عبد در مقام مناجات و گفتگو و در حال ملاقات با خالق، پاک و طاهر باشد». البته همین طهارت ظاهری زمینه ساز طهارت باطنی است، لذا امام رضا علیه السلام فرموده اند: «بدان جهت به گرفتن وضو امر شده که... دل را برای قیام در حضور حضرت پروردگار پاکیزه می سازد» ۱۵.

نشاط و شادابی

یکی دیگر از فلسفه های وضو ایجاد آمادگی و نشاط برای قرار گرفتن در حضور پروردگار به هنگام مناجات با خداوند می باشد. در این باره نیز امام هشتم علیه السلام فرموده اند: «بدان جهت به گرفتن وضو امر شده که... کسالت و خواب را از آدمی دور می کند» ۱۶.

تسکین اعصاب و روان

از دیگر فوایدی که می توان برای وضو برشمرد نقش آرامش بخشی آن می باشد چرا که تماس آب با پوست بدن اثر خاصی در تعادل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک دارد ۱۷ به خصوص اگر این عمل با آب سرد صورت پذیرد لذا می بینیم رسول خدا صلی الله علیه و آله توصیه نموده اند به هنگام خشم، انسان با آب سرد وضو بگیرد ۱۸.

علاوه بر فواید بهداشتی وضو، از سوی ائمه معصومین علیهم السلام نیز فواید معنوی متعددی برای آن ذکر گردیده است که در اینجا به نمونه هایی از این موارد اشاره می گردد:

نورانیت چهره

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به فردی در خصوص وصف مؤمنان و کافران در قیامت فرمودند: «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَعَرُّهُمْ مَحْجَلُونَ مِنْ أَثَرِ الْوُضُوءِ وَ السُّجُودِ وَ أَمَّا الْكَافِرُونَ فَمُسْوَدُّونَ الْوُجُوهُ قِيَوْتِي بِهِمْ إِلَى الصِّرَاطِ» ۱۹؛ «مؤمنان، درخشان و روسفید بر اثر وضو و کافران سیه رویند و آنها را بر کنار صراط آرند».

درک ثواب شهدا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ادامه روایت قبلی با تأکید بر دائم الوضوء بودن می فرماید: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ فَافْعَلْ فَإِنَّكَ تَكُونُ إِذَا مِتَّ عَلَى طَهَارَةٍ مِتَّ شَهِيدًا» ۲۰؛ «اگر می توانی همیشه با وضو باشی این عمل را ترک نکن چرا که ملک الموت آنگاه که روح بنده ای با وضو باشد او را شهید محسوب خواهد نمود».

بخشش گناهان

از دیگر اسرار وضو بخشش گناهان می باشد امام باقر علیه السلام در این خصوص فرموده اند: «ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ فِإِسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي السَّبَرَاتِ وَ الْمَشْيِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى الْجَمَاعَاتِ وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَوَاتِ» ۲۱؛ «سه چیز است که جبران کننده و محو کننده گناه است: کامل گرفتن وضو در هوای بسیار سرد، راه رفتن در شب و روز به سوی جماعت های اسلامی (نماز جماعت و جمعه)، مراقبت بر انجام صحیح نمازها».

ثواب شب زنده داری

اگر کسی قبل از رفتن به رختخواب وضو بگیرد مانند کسی می ماند که تمام شب را احیا کرده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مَنْ بَاتَ عَلَى طُهُرٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ» ۲۲؛ «کسی که شب را با وضو بپاراند، گویی که تمام شب را به احیا و عبادت گذرانده است».

نقش معنوی شستشو و مسح

امام رضا علیه السلام درباره مهم ترین دلیل شستشو و مسح چند عضو در وضو فرموده اند: انسان به هنگام نماز با صورت سجده می کند. با دست از ذات خداوند متعال درخواست می کند و با سر در رکوع و سجود به خدا رو می آورد و در نماز با پاها بر می خیزد و می نشیند ۲۳.

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز می فرماید: وضو گرفتن یعنی شستن دست و صورت و مسح سر و پا؛ شستن صورت یعنی خدایا هر گناهی که با این صورت انجام دادم آن را شستشو می کنم که با صورت پاک به جانب تو عبادت کنم و با پیشانی پاک سر بر خاک بگذارم. شستن دست ها در وضو یعنی خدایا از گناه دست شستم و گناهانی را که با دستم مرتکب شدم با شستن دست تطهیر می کنم. مسح سر در وضو یعنی خدایا از هر خیال باطل و هوس خام که در سر پروراندم سرم را تطهیر می کنم و آن خیال های باطل را از سر به دور می افکنم. مسح پا یعنی خدایا من از جای بد رفتن پا می کشم و این پا را از هر گناهی که با آن انجام داده ام تطهیر می کنم. ۲۴.

تفاوت وضوی زن و مرد

پرسش ۳۰. چرا در وضو مردان باید از پشت آرنج آب بریزند ولی خانم ها باید از قسمت تای دست (جلو) این کار را انجام دهند؟
قبل از پاسخ به این سؤال باید دانست؛ تفاوت ریختن آب روی دست ها میان مردان و خانم ها، مستحب است و اگر هر دو از پشت آرنج و یا جلوی دست، آب بریزند وضو باطل نیست.

شارع مقدس برای صیانت زن از نگاه مردان و حفظ عفت و حیای آنها، دستوراتی واجب یا مستحبی را در وضو و نماز داده است؛ آب ریختن به دست از داخل آرنج هنگام وضو و یا گذاشتن آرنج ها و شکم بر زمین و چسباندن اعضای بدن به یکدیگر هنگام سجده و... همگی در این راستا است.
علاوه بر این که رعایت استحباب این مسئله در وضو موجب می شود همیشه مردان و زنان میان خود تفاوتی قابل بشوند و در نتیجه حفظ حریم ها به عنوان یک رفتار هنجار در جامعه نهادینه شود؛ برخلاف آنچه جریان سازی فمینیسم به دنبال آن است که مرز حریم های میان زن و مرد را از بین ببرد و ناهنجاری های فراوانی حتی به طور ناخواسته در جامعه به وجود آید.

وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله

پرسش ۳۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونه وضو می گرفتند مانند شیعیان یا مانند اهل تسنن؟ آیا دلیل محکمی که نشان دهنده نحوه وضو گرفتن ایشان باشد وجود دارد؟

دلایل و مستندات تاریخی متعددی وجود دارد مبنی بر این که در زمان خلافت ابوبکر و عمر تا زمان عثمان اختلافی میان مسلمانان راجع به وضو وجود نداشته به گونه ای که تمامی مسلمانان یکسان وضو می گرفتند و حتی خود عثمان نیز چندین سال بعد از خلافتش همانند دیگران وضو می گرفت اما پس از مدتی اقدام به تغییر وضو نموده است.

عمده ترین تغییراتی که عثمان در وضو ایجاد کرد این بود که دست ها را از پایین به بالا شست و به جای مسح، پاها را شستشو نمود، که این اقدام وی با مخالفت صحابه، تابعین و عامه مردم که از نحوه وضو گرفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله به خوبی آگاه بودند مواجه گردید. ۲۵
سیره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

براساس حدیث مورد اتفاق همه مسلمانان: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بها لن تضلوا ایدا» ۲۶؛ «دو شیء گران بها میان شما باقی می گذارم: کتاب خدا و اهل بیتم، مادامی که به این دو چنگ بزنید گمراه نخواهید شد».

اگر ائمه علیهم السلام حکم شرعی یا کیفیت عملی را بیان می کنند، مورد قبول خواهد بود و از گمراهی به دور می باشد. آنچه که از سیره اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص نحوه وضو گرفتن آنها نقل شده همگی گویای آن است که سیره این بزرگواران در وضو گرفتن آن بوده که دست ها را از بالا به پایین می شستند و پاها را نیز مسح می نمودند کما این که شیعه نیز به تبعیت از ایشان همین گونه وضو می گیرد. ۲۷

روایات متعددی نیز از شیعه و سنی نقل گردیده و در آن با بیان نحوه صحیح وضو، شیوه ابداعی عثمان که بر خلاف وضوی پیامبر بود رد شده که در اینجا تنها به دو نمونه از این روایات اشاره می نمایم:

امام باقر علیه السلام وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله را تشریح و بیان داشته اند: «فَعَسَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى مِنَ الْمِرْقَى إِلَى الْأَصَابِعِ لَا يَرُدُّ الْمَاءَ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ» ۲۸؛ «دست

راست خود را از آرنج تا سر انگشتان شست و آب را به سوی آرنج ها باز نمی گردانند.

قرآن می فرماید:

«فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» ۲۹؛ «دست های خود را تا آرنج (یا با آرنج) بشوید».

نکته مهم در این آیه آن است که هدف از آوردن کلمه «إلى المرافق» (شستن تا آرنج) چیست؟ آیا هدف بیان تعیین محدوده شستشوی دست به هنگام وضو می باشد، یا این که هدف از آوردن این کلمه بیان نحوه شستن دست از نوک انگشتان تا به آرنج می باشد؟!

در این باره علاوه بر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام که براساس حدیث ثقلین عمل به روش آنها ما را از گمراهی دور می کند، از آیات دیگر قرآن نیز می توان به عنوان نمونه استفاده کرد.

گروهی از مفسران معتقدند واژه «إلى» در آیه به معنی «انتها» یا به تعبیر فارسی «تا» نیست، بلکه به معنی «مع» و «همراه» است. و هدف از آوردن «إلى» این است که آرنج هم باید شسته شود و نظیر آن در قرآن دو آیه یاد شده در زیر است:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ» ۳۰؛ «اموال یتیمان را همراه اموال خود نخورید».

«وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ» ۳۱؛ «نیروی بر نیروی خود بیفزاید».

در این صورت با استدلال به این که «ألى» به معنی «مع» باشد دیگر هیچ توجیهی برای شستن دست ها از نوک انگشتان تا به آرنج باقی نخواهد ماند. ۳۲ دانشمند و فقیه سنی مذهب آقای وهبة الزحیلی نیز به این امر اعتراف نموده، می گوید: «در نزد تمامی دانشمندان و عالمان - از جمله امامان مذاهب چهارگانه اهل سنت - داخل نمودن دو آرنج در شستن واجب است، زیرا حرف «الى» که برای انتهای غایت است در این جا به معنای «مع» می باشد مانند دو آیه شریفه «وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ» و «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ» که در این دو نیز «الى» به همین معنا است. ۳۳ از همین رو، هیچ یک از مذاهب اهل سنت شستن دست ها را از پایین به بالا واجب یا مستحب نمی دانند بلکه برخی «الى» را به معنای «مع» می گیرند. ۳۴

مسح در نماز

پرسش ۳۲. چرا ما در هنگام وضو پاها را مسح می کنیم اما اهل سنت پاها را می شویند؟

قرآن درباره وضوی صورت و دست ها می فرماید: «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» ۳۵ و درباره دو عضو دیگر می فرماید: «وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» ۳۶. بنابراین شستن پاها با ظاهر آیه مخالف می باشد.

ابن عباس نیز از سربیزی مردم از ظاهر قرآن، سخن می گوید و می فرماید: «أبى الناس الا الغسل ولا أجد فى كتاب الله الا المسح» ۳۷؛ «مردم جز شستن به چیزی تن ندادند در حالی که من در قرآن غیر از مسح چیزی نیافتم». از همین رو، گروهی از علمای اهل سنت بر دلالت آیه بر مسح پاها، اعتراف کرده و برخی برای احتیاط میان مسح و غسل جمع می کنند، و برخی با اعتراف به دلالت آیه بر مسح می گویند علت «شستن پا» نظافت بیشتر است، تو گویی خدای حکیم از این موضوع غافل بوده است!!

ابن حزم متوفای (۴۵۶) می گوید: «ان القرآن نزل بالمسح، قال الله تعالى: «و امسحوا بروسکم و أرجلکم» و سواء قرء بخفض اللام أو فتحها هی علی کل حال عطف علی الرأس» ۳۸ قرآن درباره پاها حکم به مسح کرده است، و آیه نیز همین را می رساند خواه لفظ «و أرجلکم» را به کسره بخوانیم یا به فتح و در هر حال عطف بر «روسکم» می باشد».

و قتاده نیز گفته است خدا دو شستن و دو مسح بر ما واجب کرده است. ۳۹

علی بن برهان الدین حلبی (متوفای ۱۰۴۴ ه) می گوید: جبرئیل آنگاه که به رسول خدا صلی الله علیه و آله وضو را آموزش داد، فرمان به مسح پا داد، سپس می گوید محبی الدین می گوید: مسح دو پا ظاهر کتاب است. ۴۰

درباره آیه شریفه: «وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» سخن این است که واژه «وَأَرْجُلَكُمْ» به کجا عطف شده است، و به تعبیر دیگر: معطوف علیه آن چیست؟! درباره واژه «وَأَرْجُلَكُمْ» دو قرائت هست:

قرائت جر «و امسحوا بروکم و أرجلکم».

قرائت نصب «و امسحوا بروسکم و أرجلکم».

بنا بر قرائت جر که چهار قاری (ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه، عاصم به روایت ابی بکر) از قراء سبعة موافق آن قرائت کرده اند حکم آن واضح است و آن این که معطوف بر ظاهر «بروسکم» می باشد، و طبعاً هر دو عضو، حکم یکسان (مسح) خواهند داشت. و بنا بر قرائت نصب که سه قاری از قراء سبعة مطابق آن قرائت کرده اند عطف بر محل «بروسکم» می باشد زیرا محل آن به حکم این که مفعول «وامسحوا» است منصوب می باشد و عطف بر محل در کلام عرب و قرآن شایع است؛ مانند: «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» ۴۱؛ «خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند!».

در این آیه واژه «و رسوله» به محل «اللّه» که به ظاهر منصوب و از نظر محل مرفوع است، عطف شده است.

نکته پایانی آن که صراحت آیه شریفه آن است که «وامسحوا بروکم» و براساس ادبیات عرب این «باء» بعضیه است یعنی به مقداری از سر خود مسح کنید در حالی که آنچه رایج میان برخی اهل سنت است مسح یا شستن تمام سر است!! و به طور یقین این رفتار آنها مخالف آیه شریفه و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است زیرا در آیه نگفته (وامسحوا روسکم) یعنی تمام سر خود را مسح بکشید، بلکه فرموده «وامسحوا بروسکم» یعنی بعض سر را مسح بکشید وقتی ثابت شود بخشی از وضوی اهل سنت با ظاهر قرآن سازگار نیست نسبت به دیگر روش های آنها در وضو نیز نمی توان اطمینان پیدا کرد. به ویژه که مخالف روش و روایت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد.

غسل جنابت

پرسش ۳۳. قبول دارم که غسل یک فرمان الهی است اما چرا اسلام دستور می دهد که به هنگام جنب شدن تمام بدن را بشویند در حالی که فقط عضو معینی آلوده می شود؟

در ابتدا گفتنی است؛ در بدن انسان دو سلسله اعصاب وجود دارد که تمام فعالیت های بدن را کنترل می کنند «اعصاب سمپاتیک» و «اعصاب پاراسمپاتیک» این دو رشته اعصاب در سراسر بدن انسان و در اطراف تمام دستگاه ها و جهازات داخلی و خارجی گسترده اند، وظیفه اعصاب سمپاتیک «تند کردن» و به فعالیت واداشتن دستگاه های مختلف بدن است، و وظیفه اعصاب «پاراسمپاتیک»، «کند کردن» فعالیت آنهاست، در واقع یکی نقش «گاز» اتومبیل و دیگری نقش «ترمز» را دارد، و از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب، دستگاه های بدن به طور متعادل کار می کند.

گاهی جریان هایی در بدن رخ می دهد که موجب هیجان می شود مانند «ارگاسم» (اوج لذت جنسی) که معمولاً مقارن خروج منی صورت می گیرد.

از جمله اموری که می تواند اعصاب سمپاتیک را به کار وادارد و تعادل از دست رفته را تأمین کند تماس آب با بدن است و از آن جا که تأثیر «ارگاسم» روی تمام اعضای بدن به طور محسوس دیده می شود و تعادل این دو دسته اعصاب در سراسر بدن به هم می خورد دستور داده شده است که پس از آمیزش جنسی، یا خروج منی، تمام بدن با آب شسته شود و در پرتو اثر حیات بخش آن تعادل کامل در میان این دو دسته اعصاب در سراسر بدن برقرار گردد.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده اند: «ان الجنابة خارجة من کل جسده فلذلک وجب علیه تطهیر جسده کله» ۴۲؛ «جنابت از تمام بدن بیرون می آید و لذا باید تمام بدن را شست».

البته فایده غسل منحصر به این نیست، بلکه غسل، یک نوع عبادت نیز می باشد که اثرات اخلاقی آن قابل انکار نیست و به همین دلیل اگر بدن را بدون نیت و قصد قربت و اطاعت فرمان خدا بشویند غسل صحیح نیست در حقیقت به هنگام خروج منی یا آمیزش جنسی، هم روح متأثر می شود و هم جسم، روح به سوی شهوات مادی کشیده می شود، و جسم به سوی سستی و رکود، غسل جنابت که هم شستشوی جسم است و هم به علت این که به قصد قربت انجام می یابد شستشوی جان است، اثر دوگانه ای در آن واحد روی جسم و روح می گذارد تا روح را به سوی خدا و معنویت سوق دهد، و جسم را به سوی پاکی و نشاط و فعالیت.

از همه اینها گذشته، وجوب غسل جنابت یک الزام اسلامی برای پاک نگه داشتن بدن و رعایت بهداشت، در طول زندگی است زیرا بسیاری از کسانی که از نظافت خود غافل می شوند ولی این حکم اسلامی آنها را وادار می کند که در فواصل مختلفی خود را شستشو دهند و بدن را پاک نگاه دارند.

مجموع جهات سه گانه فوق روشن می سازد که چرا باید به هنگام خروج منی (در خواب یا بیداری) و همچنین آمیزش جنسی (اگر چه منی خارج نشود) غسل کرد و

فایده تیمم

پرسش ۳۴. تیمم چه فایده ای دارد؟ آیا این کار بهداشتی است؟

برای تیمم حداقل دو فایده مهم قابل تصور است:

فایده اخلاقی

تیمم یکی از عبادات است، و روح عبادت به معنی واقعی کلمه در آن منعکس می باشد، زیرا انسان پیشانی خود را که شریف ترین عضو بدن او است و دست ها که از مهم ترین اعضای کار اوست به خاک می ساید تا فروتنی و تواضع خود را در پیشگاه خداوند آشکار سازد.

فایده بهداشتی

امروز ثابت شده که خاک به خاطر داشتن باکتری های فراوان می تواند آلودگی ها را از بین ببرد، این باکتری ها که کار آنها تجزیه کردن مواد آلی و از بین بردن انواع عفونت ها است معمولاً در سطح زمین و اعماق کم که از هوا و نور آفتاب بهتر می توانند استفاده کنند فراوانند، به همین دلیل هنگامی که لاشه های حیوانات و یا بدن انسان پس از مردن زیر خاک دفن شود و همچنین مواد آلوده گوناگونی که روی زمین ها می باشد، در مدت نسبتاً کوتاهی تجزیه شده و بر اثر حمله باکتری ها کانون عفونت از هم متلاشی می گردد، مسلم است اگر این خاصیت در خاک نبود کره زمین در مدت کوتاهی مبدل به یک کانون عفونت می شد، اصولاً خاک خاصیتی شبیه مواد «آنتی بیوتیک» دارد و تأثیر آن در کشتن میکروب ها فوق العاده زیاد است.

بنابراین خاک پاک، نه تنها آلوده نیست بلکه از بین برنده آلودگی ها است و می تواند از این نظر تا حدودی جانشین آب شود، با این تفاوت که آب حلال است، یعنی میکروب ها را حل کرده و با خود می برد، ولی خاک میکرب کش است. اما باید توجه داشت که خاک تیمم کاملاً پاک باشد همانطور که قرآن در تعبیر جالب خود می گوید: «طیبا».

قابل توجه این که تعبیر به «صعید» که از ماده «صعود» گرفته شده اشاره به این است که بهتر است خاک های سطح زمین برای این کار انتخاب شود، همان خاک هایی که در معرض تابش آفتاب و مملو از هوا و باکتری های میکرب کش است، اگر چنین خاکی طیب و پاکیزه نیز بود، تیمم با آن اثرات فوق را دارد بدون این که کمترین زیانی داشته باشد ۴۴.

فلسفه اذان

پرسش ۳۵. فلسفه اذان گفتن چیست؟ و چرا در آن تکرار هست؟

هر جمعیت و ملتی برای مراسم دسته جمعی و شعار ملی، از سرود یا وسیله ای ویژه استفاده می کنند. ناقوس کلیسا در مسیحیت، سرود ملی، شلیک تیر و توپ از آن جمله است.

در اسلام نیز اذان تشریع شد تا اعلامی برای تجمع مردم و آمادگی آنان برای نماز باشد با این تفاوت که «اذان» دارای محتوایی بس عمیق است که حتی تکرار آن در نمازهای فرادا، انسان را از غفلت بیدار کرده و او را به توحید و عقاید اساسی اسلام هشیار می سازد.

امام رضا علیه السلام درباره فلسفه و حکمت اذان می فرماید:

۱. آن کس را که فراموش کار است، یاد آور باشد و آن کس را که غافل است هشیار سازد.

۲. اعلام وقت نماز.

۳. ترغیب و تشویق مردم به پرستش خالق یکتا.

۴. اذان گو، اقرار به توحید دارد و ایمان را آشکار می سازد و اسلام را اعلان می کند ۴۵.

بنابراین اذان شعاری سکوت شکن، موزون، کوتاه، پرمحتوا و سازنده است که دربردارنده اساسی ترین پایه های اعتقادی و جهت گیری عملی مسلمانان است.

اذان، اعلام موجودیت اسلام، معرفی عقاید و اعمال مسلمانان و فریاد علیه معبودهای خیالی است.

اذان، نشانه باز بودن فضای تبلیغات و اعلام مواضع فکری مسلمانان به صورت روشن و صریح است و همیشه نشانه هشیاری و بیداری از غفلت است.

اذان، آماده ساختن روح، دل و جان برای ورود به «نماز» و فریادی است که طنین ملکوتی آن در فضا، دل مؤمنان را به سوی خدا می کشد و بر وحشت و خشم کافران می افزاید. هم چنان که این وحشت را در جملات «گلاستون» سیاست مدار و صهیونیست انگلیسی مشاهده می کنیم. وی در پارلمان می گوید: «تا هنگامی که نام محمد صلی الله علیه و آله در مآذنه ها بلند است و کعبه پابرجا است و قرآن رهنما و پیشوای مسلمانان است امکان ندارد پایه های سیاست ما در سرزمین های اسلامی استوار و برقرار گردد» ۴۶.

اما درباره تکرار فرازهای اذان، امام رضا علیه السلام چنین می فرماید: «در آغاز اذان؛ تکبیرهای چهارگانه برای آگاهی شنوندگان و آمادگی آنها برای شنیدن فرازهای بعدی است و دوبار تکرار فرازهای بعدی برای تأکید و یادآوری دوباره است» ۴۷.

اذان اهل سنت

پرسش ۳۶. چرا در اذان اهل سنت «حی علی خیرالعمل» وجود ندارد؟ اذان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بوده است؟

براساس آنچه که از روایات اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده معلوم می شود «حی علی خیرالعمل» جزو اذان بوده و در عهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تا عهد ابی بکر و قسمتی از عهد عمر در اذان گفته می شد بعداً عمر دستور داد آن را از اذان و اقامه حذف کنند.

در روایتی از ابن عباس سؤال کردند: به چه علت «حی علی خیرالعمل»، از اذان حذف شده است؟ جواب داد: «عمر می خواست مردم با تکیه کردن بر نماز جهاد را ترک نکنند و به این جهت آن را از اذان حذف کرد» ۴۸.

در روایت دیگری فردی به نام محمد بن ابی عمیر همین سؤال را از حضرت رضا علیه السلام پرسید؛ حضرت فرمودند: علت ظاهرش را جويا هستی یا از علت باطنی آن سؤال می کنی؟

محمد بن ابی عمیر می گوید: عرض کردم از هر دو می پرسم.

حضرت فرمودند: اما علت ظاهرش، آن است که مردم جهاد را به خاطر نماز ترک نکنند و اما علت باطنی آن، خیرالعمل ولایت است لذا کسی که امر به ترک «حی علی خیرالعمل» از اذان نمود قصدش این بود که بر ولایت تحریص و تحریکی نباشد. ۴۹

حذف این فراز از اذان در حالی صورت گرفت که مسلمانان در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به هر دو فریضه «نماز» و «جهاد» اهمیت می دادند و هیچ کدام مانع دیگری نمی شد. علاوه بر این کسانی که این فراز از اذان را حذف نموده اند باید به این سؤال پاسخ دهند که مگر پیامبر صلی الله علیه و آله نمی دانستند خیرالعمل نماز است یا جهاد تا این فراز را در اذان ذکر نمایند ولی بعداً دیگران پی به این مسئله برده و آن را از اذان حذف کردند؟

بنا بر آنچه گفته شد، در اذان اهل سنت متأسفانه بخشی از اذان حذف شده است و بخش دیگری با عنوان «الصلوة خیر من النوم» اضافه شده است و اما درباره اذان رایج در میان شیعیان، در ادامه شهادت به نبوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، شهادت بر ولایت و امامت نیز به عنوان مستحب گفته می شود و بنا بر اتفاق همه مراجع بزرگوار تقلید شیعه، جزء اذان نیست علاوه بر این که شیعه دلایلی در دست دارد که نشان می دهد، اقرار به ولایت علی علیه السلام در اذان و اقامه، از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اصحاب موجود بوده و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز آن را تأیید نموده اند.

سلمان فارسی بعد از حجه الوداع، در اذان و اقامه بعد از گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام شهادت می داد. یکی از اصحاب به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده و عرض کرد: ای رسول خدا! امروز موضوعی را شنیدم که قبلاً نشنیده بودم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن موضوع چیست؟ او عرض کرد: سلمان اذان می گفت، شنیدم او بعد از گواهی به یکتایی خدا و رسالت پیامبرش، به ولایت علی علیه السلام گواهی داد پیامبر فرمود: «سمعتم خیراً»؛ «چیز خوبی شنیده اید».

همچنین یکی از اصحاب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و عرض کرد: ای رسول خدا! ابوذر در اذان بعد از شهادت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت علی شهادت می دهد و می گوید: «اشهد انّ علیاً ولی الله». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کذلک او نسیتم قولی فی غدیر خم من کنت مولاه فعلی مولاه؟ فمن

نکث فائما ينکث علی نفسه؛ «همین گونه است. مگر سخن مرا در غدیر خم فراموش کرده اید که گفتم هر کس من مولای او هستم پس علی علیه السلام مولای او است؟ هر کس پیمان را بشکند قطعا به خودش آسیب رسانده است». ۵۰

در برخی از روایات نیز آمده است که هر کس «لا اله الا الله محمد رسول الله» می گوید: «علی امیرالمؤمنین» نیز بگوید ۵۱. این روایت دلالت بر استحباب شهادت به ولایت پس از شهادت به توحید و رسالت در همه مواضع دارد چه در اذان باشد چه در غیر اذان.

در هر صورت عبارت «حی علی خیرالعمل» که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله جزء اذان بوده به دستور خلیفه دوم حذف شده است بدون این که دلیل قرآنی یا روایی برای آن اقامه نماید.

متکلم معروف اشعری به نام علاء الدین قوشجی (متوفای ۸۷۹) می گوید: عمر بن خطاب نسبت به سه چیز هشدار داد و گفت: «ثلاث کن علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و أنا محرمن و معاقب علیهن؛ متعه النساء، و متعه الحج و حی علی خیرالعمل فی الاذان» ۵۲؛ «سه چیز در عهد رسول خدا رسمیت داشت و من از آنها باز می دارم، و تحریم می کنم و مؤخذه می نمایم: متعه زنان، متعه حج، گفتن حی علی خیرالعمل در اذان».

نماز میّت

پرسش ۳۷. علّت این که برای اموات نماز خوانده می شود چیست؟

امام رضا علیه السلام در روایتی در خصوص علّت اقامه نماز برای مردگان فرموده اند: «به این وسیله برای میّت شفاعت کرده و دعا می کنند خداوند او را بیمارزد چه آن که در هیچ وقتی از اوقات انسان نیازمندتر به طلب آمرزش و دعا از آن ساعت نمی باشد» ۵۳.

خواندن نماز بر میّت بدون طهارت نیز جایز می باشد، زیرا در این نماز رکوع و سجود نیست بلکه دعا و طلب رحمت است ۵۴. نماز میّت با دیگر نمازها به خاطر نداشتن سجده و رکوع تفاوت دارد، زیرا مقصود از این نماز تذلل و خضوع و خشوع در برابر خداوند نمی باشد بلکه مراد شفاعت کردن از بنده ای است که از دنیا رفته و بدین وسیله از بازماندگان جدا گردیده است ۵۵.

نماز آیات

پرسش ۳۸. چرا باید نماز آیات بخوانیم؟ آیا بهتر نیست به کمک زلزله زدگان بشتابیم و یا پدیده خورشید گرفتگی را تماشا کنیم؟!

خواندن نماز آیات، برای توجّه دادن به منشأ اصلی آفرینش و دگرگونی طبیعت، از سوی خدای تواناست. در روایت آمده است؛ هنگام درگذشت ابراهیم، فرزند کوچک پیامبر، خورشید گرفت. مردم با خود می گفتند که این کسوف و خورشید گرفتگی، به خاطر فقدان پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای تصحیح افکار و برداشت ها منبر رفت و پس از حمد و ثنای پروردگار، فرمود: «ایها الناس! إنّ الشمس والقمر آیتان من آیات الله، یجریان بأمره مطیعان له لا ینکسف لِموت أحدٍ ولا لِحیاتِهِ، فإذَا انکسفتا أو واحدةٌ مِنْهُمَا فَصَلُّوا» ۵۶؛ «ای مردم! خورشید و ماه، دو نشانه از نشانه های الهی اند، به فرمان او جریان دارند و مطیع اویند، و به خاطر مرگ یا زندگی کسی، گرفته نمی شوند. پس اگر هر دو یا یکی از آن دو گرفت، نماز بگذارید».

امام رضا علیه السلام در بیان علّت نماز آیات به هنگام کسوف فرموده اند: کسوف آیتی است از آیات خدا که نمی دانیم به نشانه رحمت حقّ عزّ و جلّ ظاهر شده یا به منظور عذاب الهی پدید آمده، باری نبی اکرم صلی الله علیه و آله دوست دارند که امتشان هنگام ظهور کسوف در مقابل خالق و راحم فرع و جزع و تضرّع نموده تا شرّ آن از ایشان دفع گشته و بدین وسیله از امر مکروه مترتب بر آن مصون بمانند، چنان چه قوم یونس وقتی در مقابل حقّ عزّ و جلّ تضرّع و جزع و فرع نمودند باری تعالی عذاب را از آنها برگرداند. ۵۷

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می کند که فرمود: زلزله ها و گرفتگی ماه و خورشید و بادهای سخت و وحشت زاء، از نشانه های قیامت است. هر گاه یکی از اینها را دیدید، به یاد برپایی قیامت بیفتید، به مسجدها پناه برید و نماز بخوانید. ۵۸

و اما درباره کمک به زلزله زدگان و تماشای خورشید گرفتگی باید به امور ذیل توجّه نمود:

۱. به طور معمول خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی مدّتی طول می کشد. لذا می توان نماز آیات را خواند و از فرصت نگاه به حوادث و پدیده های طبیعی نیز با رعایت

شرایط ایمنی بهره مند شد.

۲. مهم ترین وظیفه و اقدام امدادگران و نهادهای مسئول ایجاد احساس آرامش و اطمینان است، با توجه به خدا و این که همه اینها نشانه های قدرت و عظمت اوست و باید به او استغاثه نمود همه اضطراب ها و دلهره ها برطرف شده، بهترین وضعیت روانی برای تصمیم گیری امدادگران (هم از حیث روحی خودشان و هم از این که مردم دچار اضطراب و ناامنی نیستند از این جهت خیال آنها آسوده می باشد) مهیا خواهد شد.

۳. تمامی زلزله ها، خرابی های سنگین و بنیان کن، به بار نمی آورند و برخی از آنها، جز خسارت های مالی غیرقابل توجه، چیزی را در پی ندارند. از این رو خواندن نماز آیات، در این فرض، هرگز مخالف عقل و درایت به نظر نمی رسد. البته به اتفاق نظر علماء در تلاقی نماز آیات با واجبی مهم تر، نماز آیات به تأخیر می افتد.

ثواب مستحبات

پرسش ۳۹. فلسفه این ثواب های عجیب برای نمازهای مستحباتی در مفاتیح چیست؟

درباره ثواب های نمازهای مستحباتی اشاره به چند نکته شایان توجه است؛

۱. فضل و رحمت الهی بی پایان است و آن چه از شخص کریم انتظار می رود همانا لطف و رحمت بیش از حد معمول است. خداوند با گناهان براساس عدل برخورد می کند. اما در برابر نیکی ها و عبادت ها براساس لطف و رحمت پاداش می دهد. خداوند می خواهد زمینه های امید و بازگشت را در پیش پای مردم قرار دهد تا در صورت ارتکاب گناه و کوتاهی در عبادت، خود را در بن بست نبینند و راه اصلاح وجود داشته باشد. لذا این عبادات مستحباتی قرار داده شده تا راه جبرانی باشد برای آنهایی که می خواهند در مسیر تکامل قدم بگذارند.

۲. ثواب ها مشروط است به رعایت سایر شروط، مثلاً نمازی که در آن وعده بخشش از گناهان داده شده مشروط است به صحیح انجام دادن عمل و رعایت سایر شرایط توبه از جمله تصمیم به عدم بازگشت به گناه و جبران خطاهای گذشته مثل ادای حق الناس، لذا هرگز نباید تصور کرد که ذکر این ثواب ها چراغ سبزی است برای معاف شدن از تکالیف یا خدای ناکرده انجام معاصی. چراکه هیچ عملی مصونیت مادام العمر برای انسان به ارمغان نمی آورد بلکه باید به همه وظایف و تکالیف عمل کرد، واجبات را انجام داد، محرمات را ترک نمود و امید به فضل الهی داشت که این ثواب ها به ما داده شود.

طبقه بندی ثواب ها متناسب با میزان تأثیرگذاری در هدایت انسان هاست. لذا اگر برای برخی عبادت ها و یا اعمال، ثواب فراوان ذکر شده به این منظور است. به طور مثال برای شرکت در مجلس امام حسین علیه السلام، ثواب بسیار ذکر شده است. زیرا بسیار دیده شده که برخی افراد با بهره مندی از یک مجلس امام حسین علیه السلام و یا برگزاری یک نماز خاص، نقطه عطفی در زندگی آنها صورت می پذیرد و موجب هدایت همیشگی آنها می شود.

نماز امام علی علیه السلام

پرسش ۴۰. می گویند حضرت علی علیه السلام هر شب هزار رکعت نماز می خواندند؟ چطور ممکن است؟

روایات متعددی در خصوص هزار رکعت نماز خواندن حضرت علی علیه السلام نقل شده است ۵۹. به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده اند: «وَاللَّهِ إِنْ كَانَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ... وَإِنْ كَانَ لَيُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ»؛ «به خدا سوگند شیوه علی علیه السلام این بود که در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند». اما نکته ای که در این روایات وجود دارد و کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که در تمامی این روایات با صراحت جملاتی همچون «فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ» به معنی شبانه روز بیان شده است، لذا براساس برخی روایات، آن حضرت در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند نه در هر شب؛ بنابراین آنچه که مطرح می شود مبنی بر این که حضرت علی و برخی دیگر از معصومین علیهم السلام در هر شب هزار رکعت نماز می خواندند یک اشتباه لفظی و غلط رایج می باشد.

براساس آنچه که از برخی احادیث نیز فهمیده می شود؛ چنین عبادتی همیشگی نبوده بلکه مربوط به اوقات خاصی از عمر ایشان بوده است، به گونه ای که ایشان در برخی از ایام این گونه خداوند را عبادت می کردند.

امام باقر علیه السلام این مسئله را مربوط به اواخر عمر حضرت علی علیه السلام بیان نموده و فرموده اند: «إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ فِي آخِرِ عُمُرِهِ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ

لَيْلَةَ أَلْفِ رَكْعَةٍ...» ۶۱؛ «همانا حضرت علی علیه السلام در اواخر عمرشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند».

بر فرض این که آن حضرت و برخی دیگر از ائمه علیهم السلام در هر شب هزار رکعت نماز می خواندند همان گونه که در روایتی نقل شده امام رضا علیه السلام به دعیل، شاعر معروف، پیراهنی از خز هدیه کرد و به او گفت: قدر این پیراهن را بدان که من هزار شب و در هر شبی هزار رکعت با آن نماز گزارده و هزار بار قرآن ختم نموده ام ۶۲. باز این مطلب از نظر امکان، مشکلی ندارد و علامه امینی (ره) در برابر انکار برخی، یک شب هزار رکعت نماز در مقابل آنان بجا آوردند ۶۳. در پایان گفتنی است؛ می توان نماز مستحبی را بسیار ساده بجا آورد و بدون خواندن سوره و تنها با خواندن حمد و یک ذکر سبحان الله در رکوع و سجود آن را انجام داد و در پایان به یک سلام اکتفا نمود. در این صورت دو رکعت، حدود ۱ دقیقه طول می کشد و در مجموع حدود هشت ساعت وقت لازم است ۶۴.

تیر پای امام علی علیه السلام

پرسش ۴۱. چگونه حضرت علی علیه السلام تیر در پایشان فرو رفت و در حین نماز آن را از پای مبارکشان بیرون کشیدند، اما به دلیل حضور قلب در نماز متوجه نشد ولی در جای دیگر به هنگام نماز متوجه فقیر شد و انگشتر خود را در رکوع به او داد؟ خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ. وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» ۶۵؛ «سرپرست شما تنها خداست و پیامبر او و آنان که ایمان آورده اند؛ همانان که نماز را بر پا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند. و کسانی که ولایت خدا و پیامبر و افراد با ایمان را بپذیرند (پیروزند؛ زیرا) حزب خدا پیروز است».

صدقه دادن حضرت علی علیه السلام در نماز از احادیث متواتر و مسلمات شیعه و سنی ۶۶ است.

گفتنی است معنی غرق شدن در توجه به خدا این نیست که انسان بی اختیار شود و حواس خود را از دست بدهد بلکه با اراده خویش توجه خود را از آنچه در راه خدا و برای خدا نیست بر می گرداند ۶۷ و در صورتی که کار خداپسندانه باشد نسبت به آن متوجه می شود. لذا شنیدن صدای فقیر و کمک به او، توجه به غیر خدا و اشتغال به امور مادی نیست که با حضور قلب منافات داشته باشد، بلکه آن هم در واقع توجه به خداست. ۶۸

بنابراین ایشان در همان حال که خدا را با نماز بندگی می نمود، بندگی دیگری را بر آن افزود. هم چنان که نوری را بر روی نوری بیافزاید. چه بسا فرق میان حضور قلب و حال وصال امام در حال نماز با مقامات فنای برخی عرفا و حالت خلسه برخی اهل معرفت در این باشد که امام به خوبی می تواند در مقامات متعدد حضور یابد اما آن گروه از عرفا هنگامی که در مقام فنا هستند به آسانی نمی توانند متوجه اطراف خود باشند در حالی که اراده الهی امام معصوم حاکم بر مقامات و موقعیت هاست، لذا می تواند با شوق به مناجات به مقامی دست یابد که درد کشیدن تیر از پا را احساس نکند.

چنان که درباره یاران امام حسین علیه السلام گفته شده است: «لایسمون الم الحدید»؛ «درد شمشیر و نیزه دشمن را حس نمی کردند». در همان هنگام اگر وظیفه ای و یا عبادتی به سراغ آنها می آمد می توانستند خود را در موقعیت جدید قرار دهند و به وظیفه الهی خود عمل کنند. چنان که امام علی علیه السلام به فقیر کمک کرد و امام حسین علیه السلام و یارانش به نماز اول وقت توجه داشتند.

نمازهای حاجت

پرسش ۴۲. اگر نمازهای مستحبی برای حاجت گرفتن می باشد، چرا من هر چه این نمازها را می خوانم حاجتم را نمی گیرم؟!

در روایات اهل بیت علیهم السلام برای برخی از نمازهای مستحبی اثرات مخصوصی بیان شده است مانند نماز جعفر طیار که برای برآورده شدن حاجت یا رفع مشکل خوانده می شود یا نماز شکر که موجب ازدیاد نعمت می گردد. در خصوص این گونه اعمال نباید فراموش کرد که هرچند خواندن آنها به هر مقدار برای انسان ثواب به دنبال دارد ولی بهره برداری کامل از آثار و خواص آنها زمانی خواهد بود که کمترین تغییری در آن ایجاد نگردد.

اما در خصوص این که با وجود خواندن این گونه نمازها همچنان حاجت افراد برآورده نمی شود در احادیث معصومین علیهم السلام دلایل مختلفی ذکر گردیده است از جمله:

مردی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که ما دعا می کنیم و مستجاب نمی شود فرمود: «شما کسی را می خوانید که از او نمی ترسید و نافرمانیش را می کنید چطور دعای شما را مستجاب کند» ۶۹.

در روایت دیگری نقل شده: گذر موسی علیه السلام به مردی از اصحابش افتاد که در سجده بود هنگامی که بازگشت باز همان شخص را در سجده دید فرمود: «اگر حاجت به دست من بود هر آینه برآورده کرده بودم خداوند به او چنین وحی فرمود که اگر آن قدر برای من سجده کند که گردش خرد شود از او نمی پذیرم تا این که از آنچه که ناخوشایند من است روی گرداند و به آنچه مطلوب من است روی آورد» ۷۰.

رعایت مصلحت

چه بسا برآورده شدن حاجت در همان زمان به مصلحت فرد نباشد و برآورده شدن حاجت، زمینه صدمات شدیدتر دنیوی و یا زیان اخروی را به دنبال داشته باشد، لذا خداوند متعال برای مصلحت بنده اش دعای او را مستجاب نمی کند اما در قیامت، بیشتر از آنچه که تصور می نموده برایش جبران می نماید؛ امام صادق علیه السلام در این خصوص می فرماید: «مؤمن خدای تعالی را در حاجتی می خواند خدای تعالی می فرماید: اجابت او را به تأخیر بیندازید تا آن که صدا و دعایش را بشنوم و وقتی که روز قیامت شد خدای تعالی می فرماید: بنده ام مرا خواندی و اجابت را به تأخیر انداختم و ثوابت چنین و چنان است و در فلان گرفتاری مرا خواندی من اجابت تو را به تأخیر انداختم و ثواب تو چنین و چنان است. در این هنگام مؤمن آرزو می کند که ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا به اجابت نمی رسید چون که ثواب نیکوی آن را می بیند» ۷۱.

از مجموع آیات و روایات به دست می آید هیچ دعایی از سوی خداوند بدون پاسخ نمی ماند. البته گاهی همان خواسته و حاجت مطرح شده اجابت می شود و گاهی جایگزین آن که مصلحت ما باشد اجابت می شود و گاهی بلا و ضد آن دفع می شود و گاهی ثواب و آثار آن در قیامت به بندگان می رسد. امام سجاد علیه السلام در این باره فرموده اند: «الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ - إِمَّا أَنْ يُدْخَلَ لَهُ وَإِمَّا أَنْ يُعْجَلَ لَهُ - وَإِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ» ۷۲؛ «مؤمن در دعاهای خود یکی از سه استفاده را می برد: یا برایش ذخیره می شود و یا دعایش مستجاب می گردد و یا بلایی از او دفع می شود که باید دچار آن بلا می شد».

مُهر نماز

پرسش ۴۳. چرا شیعیان در نماز از مُهر استفاده می نمایند؟

بنا بر روایات بسیاری - که شیعه و سنی نقل نموده اند - پیامبر صلی الله علیه و آله بر خاک سجده می کردند و در تابستان که بر اثر هوای عربستان، خاک و ماسه های کف مسجدالنبی بسیار گرم و سوزان می شد، بر حصیر سجده می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: «جُعِلَتْ فِي الْأَرْضِ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا» ۷۳؛ «زمین برای من، سجده گاه و مایه پاکیزگی قرار داده شده است». از این روایت به خوبی استفاده می شود؛ که پیامبر صلی الله علیه و آله خاک و زمین را به عنوان سجده گاه و جهت تیمم استفاده می کردند و در این باره تمامی شیعیان و اهل سنت اتفاق نظر دارند.

مُهر همان خاک است که به صورت فشرده در آمده و سجده بر خاک امری معمول است که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و از آنجا که امروزه همه مساجد فرش دارد و سجده بر فرش تشریع نشده است، لذا شیعیان مهري از خاک تهیه می کنند که «زمین» بر آن صدق کند و پاک و تمیز باشد.

برخی روایات اهل تسنن نیز بر استفاده برخی صحابه از چیزی شبیه مُهر امروزی برای سجده در نماز تصریح دارد، ابن سعد در طبقات الکبری در احوال مسروق بن اجدع ۷۴ می گوید: «كان مسروق اذا خرج يخرجه بلبنة يسجد عليها في السفينة» ۷۵؛ «وقتی مسروق بیرون می رفت خشتی همراه خود می برد و در کشتی بر آن سجده می کرد».

زین می گوید: «كتب الي علي بن عبدالله بن عباس رضي الله عنه ان ابعت الي بلوح من احجار المروه اسجد عليه» ۷۶؛ «علی بن عبدالله بن عباس به من نوشت که لوحی از سنگ های مروه برایم بیاور تا بر آن سجده کنم». از این ادله معلوم می شود که سجده بر مُهر یا همان لوح، بدعت نیست.

مُهر نزد شیعه موضوعیت ندارد؛ بلکه ملاک همان سجده بر خاک است و مُهر وسیله ای است که سجده بر خاک را در هر جا و هر مکان سهل و آسان می سازد. و سجده بر خاک مخصوص یعنی بر تربت سیدالشهدا علیه السلام مورد عمل و تأکید امامان معصوم علیهم السلام چون حضرت صادق علیه السلام بوده است ۷۷.

عالمان برجسته و عارفان اهل سنت نیز سجده بر خاک را تأکید کرده اند؛ هم چنان که امام محمد غزالی در کتاب «احیاء العلوم» بر این مسئله انگشت نهاده و آورده است: «أَنْ عَمِرِينَ عَبْدَ الْعَزِيزِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَانُوا لَا يَسْجُدُ إِلَّا عَلَى التُّرَابِ»^{۷۸}؛ «عمرین عبدالعزیز این گونه بود که سجده نمی کرد مگر بر خاک».

بنابراین سجده بر مهر شرک نیست چرا که شرک آن است که سجده برای غیر خدا باشد ولی شیعیان بر خاک سجده می کنند، نه برای خاک! برخلاف حرکت بت پرستان که بت ها را مسجود قرار داده و در پیشگاه آنها کرنش و تواضع می نمودند.

بنابراین، مخالفت برخی از اهل سنت با این مسئله، از روی ناآگاهی و تعصبات جاهلانه است و از نظر منابع فقهی و عالمان برجسته اهل سنت نیز سجده بر خاک افضل است و اگر اشکالی هست بر رفتار برخی اهل سنت وارد است که برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرش سجده می کنند.

اما در خصوص برتری تربت امام حسین علیه السلام، علامه امینی (ره) می فرماید: «این امر بر دو اصل اساسی استوار است:

الف) آن که شیعه امامیه در صدد آن است که برای خود تربت و مَهری پاک به همراه داشته باشد تا بر آن سجده نماید.

ب) برخی از مکان ها بر بعضی دیگر برتری دارد، لذا آثار و برکاتی بر آن مترتب است؛ به همین دلیل کعبه و حرم، حکم خاصی به خود گرفته است. از جمله سرزمین هایی که دارای آثار و برکاتی خاص است.

استاد عباس محمود عقاد - نویسنده مصری - در مورد سرزمین کربلا می نویسد: «سرزمین کربلا حرمی است که مسلمانان برای عبرت و یادآوری به زیارت آن می آیند و غیرمسلمین برای مشاهده و بازدید، ولی اگر بنا باشد که حق این سرزمین ادا شود باید آن را زیارت گاه هر انسانی قرار داد که برای نوع خود نصیبی از قداست و بهره ای از فضیلت قائل است، زیرا ما به یاد نداریم که قطعه ای از زمین به مانند کربلا این چنین دارای فضیلت و منقبت باشد و این نیست مگر به جهت آن که این سرزمین با اسم کربلا و منزلگاه حسین علیه السلام مقرون و عجین شده است»^{۷۹}

از همین رو گرچه سجده بر هر خاکی، بلکه هر سنگ و چوب پاکی جایز و صحیح است اما براساس همین امتیازی که تربت امام حسین علیه السلام دارد، امام صادق علیه السلام جز بر خاک کربلا سجده نمی کرد و این کار را از سر خشوع و خضوع برای خدا می کرد. ۸۰ و می فرمود: «سجده بر خاک حسین علیه السلام حجاب های هفت گانه را از میان بردارد»^{۸۱}.

بنابراین، سجده بر خاک و مهر در نماز، عمل به سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است.

جمع بین دو نماز

پرسش ۴۴. این که شیعیان نماز عصر را بلافاصله بعد از نماز ظهر می خوانند برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و نوعی دروغ نیست؟! زیرا هنوز عصر نشده است!؟

در ابتدا گفتنی است؛ زمان برگزاری نماز ظهر و عصر از هنگام اذان ظهر تا قبل از غروب یا مغرب است. بنا براین اگر کسی به هر دلیلی مانند خواب و یا سفر و یا تأخیر تا هنگام عصر نماز نخوانده باشد ابتدا باید نماز ظهر بخواند و سپس نماز عصر و دروغی اتفاق نیفتاده است بلکه از نظر شرعی نمازها یک وقت فضیلت دارد که نماز ظهر بهتر است در هنگام ظهر و نماز عصر در هنگام عصر خوانده شود اما جمع بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله انجام می شده و در روایات شیعه و روایات اهل سنت آمده است؛

عبدالله بن سنان از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدون این که عذری در کار باشد، نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه خواندند»^{۸۲}.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدون این که عذری در کار باشد، ظهر و عصر را در یک نوبت می خواندند. عمر به آن حضرت گفت: آیا در نماز چیز تازه ای پیدا شده؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: نه چیز تازه ای درباره نماز نیامده ولی خواستم بر اَمّت خودم گشایشی بدهم»^{۸۳}.

عبدالملک قمی می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: می توانم بین دو نماز بدون این که عذری داشته باشم جمع بکنم؟ امام علیه السلام در جواب گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این کار را انجام داد و خواست که اَمّت را در آسایش و سبکی قرار دهد»^{۸۴}.

عبدالله بن عمر می گوید: «پیامبر با این که در مدینه بود و مسافر نبود نماز را تمام و با هم خواند» ۸۵.

امام باقر علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء را با یک اذان و دو اقامه خواندند» ۸۶.

فقهائ شیعیه به پیروی از این احادیثی که از عمل پیامبر حکایت می کند و از روایاتی که از پیشوایان بزرگ اسلام رسیده است و به پیروی از ظواهر آیات قرآنی، در تمام اعصار اسلامی، تفریق میان نمازها را مستحب دانسته و می فرمایند: فاصله انداختن میان نمازها و اقامه هر نمازی در وقت فضیلت خود مستحب و افضل است و در عین حال می توان این مستحب را ترک نمود و نمازها را جمع خواند و معنای مستحب همین است که انسان بسان سایر مستحبات در فعل و ترک آن مختار باشد.

جابر بن زید از ابن عباس نقل کرده است که: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هفت رکعت مغرب و عشاء را با هم خواند و هشت رکعت ظهر و عصر را با هم خواند و آن حضرت در مدینه بود» ۸۷. و نیز می گوید: «پیامبر اسلام هفت رکعت را با هم خواند و هشت رکعت را هم با هم خواند» ۸۸.

- ابن عباس می گوید: «پیامبر اسلام در مدینه، بین ظهر و عصر و بین مغرب و عشاء جمع می کرد، بدون این که عذری در کار باشد» ۸۹.

- سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم خواند بدون این که خطر و یا سفری در کار باشد» ۹۰. حکمت این مسئله و جواز جمع بین نمازها به خاطر آسایش مسلمین و سخت نگرفتن به آنان بوده است.

در روایتی از اهل سنت آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمع بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء کرد، به آن حضرت عرض شد که چرا چنین کردی؟ فرمود: این گونه عمل کردم تا حرجی بر امت نباشد. ۹۱ ابن عباس نیز در تبیین فلسفه و حکمت این حکم می گوید: به خاطر گشایش و تخفیف بر امت، پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را کرد. ۹۲

این ها قسمتی از احادیثی است که محدثان اهل تسنن در کتاب های تفسیر و حدیث خود نقل کرده اند و همگی حاکی از این است که جدا خواندن نمازها امری مستحبی است و اگر روزی دیدیم که مراعات این مستحب به اصل ادای فریضه لطمه می زند، به دستور خود پیامبر می توانیم ترک کنیم، یعنی هر دو را با هم بجا آوریم. امروز در بسیاری از مناطق، وضع زندگی طوری تنظیم شده که مراعات این استحباب، موجب مشقت شده است و چه بسا سبب می شود که گروهی از انجام اصل نماز سر باز زنند. در این موقع با الهام گرفتن از راهنمای خود، پیامبر می توان برای مراعات «اهم»، مسئله تفریق را ترک نمود، و هم اکنون بسیاری از فقهای اهل تسنن همین نظر را دارند، ولی به ملاحظاتی از اظهار نظر خودداری می کنند. ۹۳ بنابراین، جمع کردن بین نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء، هیچ گونه اشکالی ندارد زیرا ریشه در روایات و سیره پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله دارد و متهم ساختن شیعه به این که خلاف سنت پیامبر عمل می کنند، کار دشمنان اسلام و مسلمین است.

آیاتی که با صراحت به اوقات نماز اشاره دارد در هیچ کدام به جزئیات به طور کامل و پنج وعده بودن تصریح نشده است. خداوند متعال می فرماید:

«اقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ أَلِيلٍ وَقُرْآنِ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» ۹۴؛ «نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است» ۹۵.

بنابراین نمازهای یومیه دارای اوقات مخصوص و اوقات مشترک و اوقات فضیلت هستند. مثلاً نماز عصر دارای سه وقت است: وقت فضیلت نماز عصر و آن زمانی است که سایه شاخص (چوب یا میله ای صاف که در زمین مسطح به صورت عمود نصب شود) به دو برابر خود برسد. وقت مشترک نماز ظهر و عصر از زمانی آغاز می شود که به اندازه خواندن نماز ظهر از اذان گذشته باشد و پایان آن تا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر به مغرب یا غروب آفتاب باقی مانده باشد. وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر تا مغرب یا غروب آفتاب باقی مانده باشد. در منابع روایی شیعه روایاتی نیز در خصوص استحباب این امر نقل شده ۹۶ و کلام حضرت امام علی بن ابیطالب علیه السلام در نامه ۵۲ نهج البلاغه نیز تبیین اوقات فضیلت نمازهای یومیه و تأکید بر امری مستحب و یکی از سنن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد و دلالتی بر وجوب و الزام و حتمیت ندارد.

امام علی علیه السلام پس از آن که محمد بن ابی بکر را برای فرمانداری مصر انتخاب کرد، دستورالعملی نسبت به نماز اول وقت به او نوشت: «صَلِّ الصَّلَاةَ لَوُفَّتِهَا الْمُؤَقَّت لَهَا، وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتُهَا لِفَرَاغٍ، وَلَا تُؤَوِّرْهَا لِاشْتِغَالٍ وَأَعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعُ لِصَلَاتِكَ» ۹۷؛ «نماز را در وقت اختصاصی خودش بخوان اول وقت، و چون بیکار شدی در انجام نماز شتاب نکن، یا چون به کاری مشغول هستی آن را تأخیر مینداز، و بدان که تمام اعمال تو، در گرو قبولی نماز تو می باشد» و در نامه ۵۲ خطاب به تمامی والیان، اوقات فضیلت نماز و خواندن نماز با مردم و اقامه آن را متذکر می گردد. فقهای شیعه نیز با توجه به روایات و ظواهر قرآن علاوه بر این که فتوا به جواز جمع بین دو نماز داده اند، قائل به استحباب خواندن نماز در وقت فضیلت آن هستند.

پرسش ۴۵. چرا شیعیان مانند اهل تسنن دست بسته نماز نمی خوانند؟ سنت پیامبر صلی الله علیه و آله چه بود؟

دلایل مختلفی وجود دارد مبنی بر این که دست بسته خواندن نماز - که در اصطلاح فقهی تکفیر و تکتف نامیده می شود - شیوه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نبوده و بعد از ایشان به وجود آمده است.

در متون اهل سنت آمده است: «ابو حمید ساعدی، صحابی بزرگ برای گروهی از صحابه که در میان آنان ابو هریره دوسی، سهل ساعدی ابو السید ساعدی، ابو قتاده، حارث بن ربیع و محمد بن مسلمه نیز حضور داشتند کیفیت انجام نماز را از رسول خدا صلی الله علیه و آله حکایت کرد و نیز از مستحبات ریز و درشت آن نام برد ولی از چنین عملی، دست روی دست نهادن در نماز، سخن به میان نیاورده». ۹۸ اگر شیوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین بود او یادآور می شد و یا حاضران تذکر می دادند.

اگر این عمل، سنت همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله می بود، همه اهل سنت دست بسته خواندن را واجب می دانستند در حالی که هیچ کدام از چهار فرقه فقهی اهل سنت این عمل را واجب نمی دانند حتی مالکی ها آن را مستحب هم نمی دانند. ۹۹

علمای اهل سنت خود معترفند که تکتف جزء سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است، چرا که مهم ترین دلیل بر دست بسته نماز خواندن روایت بخاری است که در آن تصریح می کند به این که «الناس یورون» و نمی گوید که پیامبر امر کرد که دست راست را روی دست چپ بگذارید. بنا بر این، این روایت به هیچ عنوان حاکی از سنت پیامبر نمی شود و بر فرض اگر دلالت آن درست بود و حاکی از سنت بود باز هم به دلیل تعارض با روایات معتبر که دست بسته را جایز نمی داند، از حجیت و اعتبار خارج می شد.

بخاری چنین روایت می کند: «فروی عن عبد الله بن مسلمة، عن مالك، عن أبي حازم، عن سهل بن سعد، قال كان الناس يومئذ يورون أن يضع الرجل اليد اليمنى على ذراع اليسرى في الصلاة. قال أبو حازم لا أعلمه إلا ينمي ذلك إلى النبي صلى الله عليه وآله قال إسماعيل ينمي ذلك. ولم يقل ينمي». ۱۰۰ «...این حازم از سهل بن سعد نقل می کند: که به مردم دستور داده می شد در نماز دست راست را بر ساعد دست چپ بگذارند. ابو حازم می گوید: مطلبی درباره این روایت نمی دانم جز این که به پیامبر نسبت داده شده است. اسماعیل می گوید: این مطلب نسبت داده شده است و نمی گوید خود او نسبت داده است».

در روایات اهل بیت علیهم السلام این عمل را به مجوس نسبت داده اند از جمله در روایتی حضرت علی علیه السلام فرمود: مسلمان با گذاشتن دست خود روی دست دیگر، خود را به کفار (یعنی مجوس) تشبیه می کند. ۱۰۱

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «وَلَا تُكْفِّرْ إِنَّمَا يَصْنَعُ ذَلِكَ الْمُجُوسُ»؛ «در نماز تکتف نکن که این کار مجوس است» ۱۰۲. و آن حضرت به طور صریح دستور می دهد در نماز دست ها را روی ران ها بگذارید و آنها را رها کنید و انگشتان دست را به هم بچسبانید. ۱۰۳

در برخی از نقل های تاریخی آمده است که این عمل در زمان خلیفه دوم به نماز اضافه گردیده است: وقتی که اسیران ایرانی را نزد عمر بن خطاب آوردند، عمر بن خطاب آنها را دست بسته دید و پرسید: چرا چنین کرده اید؟ گفتند: رسم ما ایرانیان این است که در برابر پادشاهانمان چنین می ایستیم. عمر بن خطاب از این حالت خوشش آمد و دستور داد از این پس در نماز چنین بایستند و مردم هم مطابق دستور عمل کردند و به این ترتیب، تکفیر، سنت شد. ۱۰۴

شیعیان این عمل را سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ندانسته و تکتف را حرام و باطل کننده نماز می دانند ۱۰۵ لذا طبق سیره پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام به هنگام نماز دست های خود را صاف و روی ران ها قرار می دهند، چرا که عبادات از احکام توقیفی است و هیچ کسی جز پیامبر صلی الله علیه و آله نمی تواند حرکت و فعلی را بر آن بیفزاید.

آمین گفتن

پرسش ۴۶. چرا اهل سنت بعد از سوره حمد «آمین» می گویند؟

به عقیده شیعیان گفتن «آمین» در نماز بعد از سوره حمد بدعت و حرام است و طبق نظر اهل بیت علیهم السلام نه تنها گفتن آن در نماز مستحب نیست، بلکه موجب بطلان

نماز می گردد، زیرا دلیلی بر استحباب آن در نماز وجود ندارد. ولی مذاهب اهل سنت، آن را از سنت های نماز دانسته یا مستحب می دانند.

با مراجعه به مصادر روایی اهل بیت علیهم السلام نیز پی می بریم که آنان این امر را بدعتی در نماز دانسته و به جهت حفظ سنت پیامبر از تحریف، شدیداً با اضافه کردن «آمین» در نماز مخالفت نموده و شیعیان را از گفتن آن در آخر قرائت حمد بازداشته اند: کلینی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هرگاه پشت سر امام جماعت مشغول نماز بودی، هنگامی که امام از قرائت حمد فارغ شد بگو: الحمد لله رب العالمین و آمین مگو» ۱۰۶.

وجود برخی روایات گویای آن است که این بدعت متأثر از نفوذ نظریات یهود و نصارا در برخی مذاهب اسلامی می باشد مانند روایت معاویه بن وهب که از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «درباره آمین گفتن بعد از «والضالین» از آن حضرت سؤال شد، حضرت فرمودند که این عمل یهود و نصارا است شما باید از آن اجتناب کنید» ۱۰۷.

قنوت نماز

پرسش ۴۷. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازشان قنوت می خواندند؟

قنوت از مستحبات نماز واجب و مستحبی است و روایات معتبری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نقل شده است که بر فضیلت قنوت در تمامی نمازها گواهی می دهد. ۱۰۸

امام محمدباقر علیه السلام درباره کسی که قنوت را ترک گفته بود، فرمود: «مرا خوش نمی آید که کسی، از سنت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله رو بگرداند». ۱۰۹

ابن مسعود می گوید: «ان النبی صلی الله علیه و آله قنت قبل الركوع»؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از رکوع، قنوت بجای می آورد» ۱۱۰.

براء بن عازب که از یاران رسول خداست می گوید: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله لا یصلی صلاةً مکتوبه إلا قنت فیها» ۱۱۱؛ «پیامبر نماز واجبی نمی خواند مگر این که در آن قنوت بجا آورد».

درباره قنوت نماز در میان اهل سنت اختلاف فتوا وجود دارد:

ابوحنیفه می گوید: قنوت جز در نماز «وتر» در دیگر نمازها مکروه است ۱۱۲ اما دو فرقه مالکی و شافعی، با استناد به روایات انجام قنوت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، حکم به استحباب قنوت در نماز صبح و در هر پیش آمد ناگوار نموده اند. ۱۱۳

نماز شکسته

پرسش ۴۸. با توجه به این که سفرهای امروزه مانند گذشته سخت و پرخطر نیست چرا نمازها در سفر شکسته خوانده می شود؟

خداوند می فرماید:

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» ۱۱۴؛ «هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید...».

در روایات نیز آمده است؛ نماز شکسته تخفیف خداوند بر مسافران است زیرا به طور معمول شرایط سفر با شرایط وطن متفاوت است و امکانات تغییر می یابد و این از نشانه های شریعت کامل است که علاوه بر «تعبد»، دارای «تنوع» نیز می باشد. از آنجا که مسافران معمولاً با فشرده‌گی برنامه ها و عجله روبرو هستند و چه بسا مسائلی پیش بینی نشده برای آنان در طول سفر رخ دهد، لذا خداوند متعال تخفیف در عبادت را برای مسافران بیان فرموده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «ان الله تعالی وضع عن المسافرين الصوم و شطر الصلاة» ۱۱۵؛ «خداوند متعال [زحمت] روزه و مقداری از نماز را از مسافر برداشته است».

امام صادق علیه السلام از پدران خود و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که: «ان الله اهدی الی و الی امتی هدیه لم یهدھا الی احد من الامم کرامة من الله لنا، قالوا: و ماذاک یا رسول الله؟ قال: الافطار فی السفر و التقصیر فی الصلاة، فمن لم یفعل ذلک، فقد رد علی الله عزّ و جل هدیه» ۱۱۶؛ «خداوند متعال هدیه ای به من و امتم کرامت فرموده که به امت های گذشته نداده است، عرض کردند: آن هدیه چیست؟ فرمود: اجازه افطار روزه و نصف شدن نماز [نمازهای چهار رکعتی] در

مسافرت؛ پس هر کسی چنین نکند هدیه خداوند را رد کرده است».

از مجموع آنچه گفته شد، استفاده می شود که شکسته خواندن نماز در سفر وابسته بر ترس از دشمن نیست، زیرا ابتدای آیه آمده است «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ...» که مسافرت های عادی و معمولی را نیز شامل می شود. به علاوه نماز خوف در دو آیه بعد به طور جداگانه و با احکام خاص خودش بیان شده است. لذا نماز خوف با نماز شکسته در سفر متفاوت است. روایات متعددی که اهل سنت و شیعه در نماز شکسته نقل کرده اند نیز این عمومیت را تأیید می کند. البته ممکن است تصریح به هنگام ترس به عنوان قید غالبی باشد و در علم اصول، این مطلب اثبات شده که چنین قیودی مفهوم ندارد و این گونه نیست که اگر این قید نباشد حکم هم نباشد و بعضی از مفسران معتقدند که نماز شکسته، نخست به هنگام خوف و ترس تشریع شده، سپس این حکم توسعه پیدا کرده و یا به سبب تأکید باشد، یعنی نماز قصر برای مسافر همه جا لازم است، ولی به هنگام خوف تأکید بیشتری دارد.

در هر حال شکی نیست که با توجه به تفسیر آیه و روایات فراوان، شکسته بودن نماز مسافر اختصاص به هنگام ترس ندارد.

در تفسیر الدر المنثور است که ابن شیبیه، عبد بن حمید، احمد، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن ماجه در ناسخ و ابن جبان از یعلی بن امیه روایت کرده اند که گفت از عمر بن الخطاب سؤال کردم خدا می فرماید: «لیس علیکم... ان خفتم...»؛ «اگر از فتنه انگیزی کافران می ترسید عیبی ندارد که قصر بخوانید». در حالی که مردم در امن به سر می برند (باز هم قصر بخوانند) عمر به من گفت: من از همین مطلبی که تو تعجب کرده ای تعجب کردم و از رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال کردم حضرت فرمود: صدقه ای است که خدا به شما داده، شما هم صدقه خدا را قبول کنید و از ابن عباس روایت کرده اند بین مکه و مدینه در حالی که ایمن بودیم... با پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز را دو رکعتی خواندیم ۱۱۷.

امام باقر علیه السلام می فرماید: شکسته خواندن نماز در سفر، واجب است؛ همان گونه که تمام خواندن آن در وطن واجب است ۱۱۸، ۱۱۹

نماز در هواپیما

پرسش ۴۹. گاهی به دلیل تأخیر هواپیما و دلایل مختلف امکان نماز خواندن نیست و یا اتوبوس ها برای نماز نگه نمی دارند! در چنین مواقعی وظیفه ما چیست؟

در این باره باید چند نکته را یادآوری نماییم؛

در خصوص نماز خواندن در هواپیما باید تا حد ممکن بر طبق دستور نماز باشد یعنی اگر ایستاده خواندن و یا رعایت جهت قبله و یا سجده بر چیزی که درست و صحیح است ممکن است باید رعایت کنید و اگر ایستاده نشد باید نشسته بخوانید و اگر رو به قبله امکان پذیر نبود به هر طرف کافی است. در مورد رکوع و سجده نیز اگر نتوانستید طبق معمول انجام دهید می توانید با اشاره رکوع و سجده را انجام دهید. البته برخی هواپیماها، محل نماز دارد و در راهرو هواپیما نیز امکان نماز خواندن وجود دارد.

در اتوبوس نیز با اولویت بندی شرایط، لازم است نماز خوانده شود و برای وضو می توان با حدود یک لیوان آب در همان حال نشسته وضو گرفت در هر صورت نماز از واجباتی است که در هیچ صورت و حالتی از انسان ساقط نمی شود و باید به هر شکل و در هر صورت آن را در وقت خود انجام داد.

گفتنی است؛ خوب است در برنامه ریزی سفر تا جایی که ممکن است دقت شود و از سفرهای غیر ضروری که احتمال از دست رفتن نماز است پرهیز نمود. حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده اند: «لَا يَخْرُجُ الرَّجُلُ فِي سَفَرٍ يَخَافُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ وَصَلَاتِهِ» ۱۲۰؛ «نباید شخص به مسافرتی برود که بر دین و نماز خود بیمناک است».

مهم ترین عاملی که موجب بروز چنین مسائلی گردیده، سهل انگاری در وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر می باشد که موجب گردیده برخی از افراد نسبت به نماز بی توجهی نمایند همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ شِرَارَكُمْ» ۱۲۱؛ «امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه خدا بدان شما را بر نیکانان چیره می کند...».

لذا اگر تمامی کسانی که مقید به نماز هستند با زبانی نرم و رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر این مسئله را به مهمانداران و رانندگان اعلام کنند همکاری لازم را انجام می دهند.

حجاب در نماز

پرسش ۵۰. فلسفه حجاب خانم ها در نماز چیست؟ خدا که با همه محرم است؟!

یکم. نماز دارای آثار و فواید فراوان است. یکی از آنها، نهادینه کردن ارزش ها و تمرین پیوسته پاکی ها است. یاد خدا بزرگ ترین ارزش است و نمازهای پنج گانه این ارزش را در قلوب همگان نهادینه می کند.

حفظ حجاب و پوشش اسلامی نیز برای زنان یک ارزش گران بها و تعیین کننده است. خداوند متعال تمرین و یادآوری پیوسته آن را برای زنان در نماز واجب کرده است تا همواره بر حفظ آن پایدار باشند.

دوم. وجود پوششی یک پارچه برای تمام بدن و داشتن پوششی مخصوص برای نماز، توجّه و حضور قلب انسان را بیشتر می کند و از تفرقه خاطر می کاهد و ارزش نماز را صد چندان می کند.

سوم. داشتن پوشش کامل در پیشگاه خداوند، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. از این رو برای مرد نیز در بر داشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحبّ است و همین ادب حضور در پیشگاه الهی، زمینه ساز حضور معنوی و بار یافتن به محضر حق می شود.

چهارم. حکم پوشش در نماز، با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت هایی دارد و با آن قابل مقایسه نیست. به عنوان مثال به فتوای غالب مراجع تقلید، پوشاندن روی پا در برابر نامحرم واجب است؛ ولی در نماز بدون حضور نامحرم واجب نیست.

نماز زن و مرد

پرسش ۵۱. آیا دلیل جلوتر ایستادن مرد بر زن به هنگام نماز، برتری مرد بر زن را از دیدگاه اسلام اثبات نمی کند؟

در پاسخ این سؤال توجّه به نکات زیر بایسته است:

۱. این مسئله به عنوان یک اصل واجب کلی در اسلام مطرح نمی باشد چرا که اگر زن و مرد از یکدیگر فاصله داشته باشند، یا بین آنها حائلی مانند پرده یا دیوار باشد و یا در دو سطح مختلف (مثل طبقه اوّل و بالکن بعضی از مساجد) ایستاده باشند و زن جلوتر از مرد باشد، نمازشان صحیح است. علاوه بر این که بحث تقدّم و تأخّر مرد و زن در جایی است که هر یک از زن و مرد همزمان به نماز بایستند اما اگر یکی از آنها جلوتر به نماز ایستاد وظیفه نفر بعدی است که باید فاصله لازم را رعایت نماید خواه زن باشد یا مرد ۱۲۲.

۲. جلوتر ایستادن مرد نشانه برتری مردان نیست چرا که از دیدگاه اسلام، افراد انسان (چه مرد و چه زن) از نظر حقیقت انسانیت و مسائل ارزشی یکسانند و هیچ یک بر دیگری جز به تقوا و عمل صالح بیشتر، برتری ندارد خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» ۱۲۳؛ «گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

و یا در جای دیگر می فرماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» ۱۲۴؛ «هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد».

نکته پایانی آن که، آنچه نکوهیده است «تبعیض» است اما «تفاوت» زمینه تکامل و احساس نیاز هر چه بیشتر میان زن و مرد را فراهم می کند. توجّه به تفاوت زن و مرد در احکام نماز، وضو، حجاب و... همگی در همین راستاست که هر کدام از زن و مرد به این واقعیت بیشتر توجّه داشته باشند و در چگونگی رفتارها و انتظارات در زندگی، وجود تفاوت را باور کنند. در این صورت است که هر کدام از زن و مرد، جایگاه و مسئولیت ویژه خودش را شایسته تر به انجام می رساند.

از همین رو اسلام در نماز و سایر تعامل های مربوط به زندگی به گونه ای احکام و تکالیف زن و مرد را طراحی کرده است که هم با نیازهای روحی و روانی آنها سازگار باشد و هم به تعالی اخلاقی و معنوی کمک کند. دلیل این که بلند خواندن نماز برای زنان حتی به هنگامی که نامحرم وجود ندارد واجب نشده، نیز توجّه به همین نکته است که روحیه متانت و حیا در بانوان بیش از پیش ایجاد شود تا در زمان حضور مردان، بهترین رفتار را رعایت نمایند.

نماز و گناه

پرسش ۵۲. فرق کسی که نماز می خواند و گناه می کند با کسی که گناه نمی کند و نماز هم نمی خواند چیست؟

قبل از هر چیز باید بگوییم تصوّر این که کسی بی نماز باشد و گناه نکند محال است، چرا که کمترین گناهی که چنین فردی در هر روز انجام می دهد ترک نماز است و همان گونه که می دانیم ترک نماز از گناهان کبیره می باشد. با این حال می توان بر اساس آنچه که از روایات به دست می آید چند تفاوت میان کسی که نماز می خواند و گناه کار است با دیگران مطرح نمود.

اول. امید به نجات و عاقبت بخیری فرد نمازخوان نسبت به فرد بی نماز بسیار بیشتر است، همان گونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نسبت به جوان نمازخوانی که

مرتکب گناه نیز می شد فرمود: یک روز نمازش او را از گناه بازمی دارد و چیزی هم نگذشت که آن جوان توبه کرد. ۱۲۵

دوم. نماز موجب می شود تا گناهان ریخته شده و از بین برود. از سلمان فارسی نقل شده است که می گوید: «با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سایه درختی بودیم،

یک شاخه از آن را گرفته و تکان داد پس یک برگی از آن افتاد. فرمود: «نمی پرسید که چرا چنین کردم؟» عرض کردیم به ما خبر دهید ای رسول خدا! فرمود: «به

تحقیق شخص مسلمان هرگاه به نماز قیام می کند گناهانش می ریزد همان طور که برگ های این درخت می ریزد» ۱۲۶. لذا کسی که نماز می خواند نسبت به کسی که

نماز نمی خواند، بیشتر در معرض غفران و رحمت الهی قرار دارد.

اما این که وضعیت نماز افرادی که گناه می کنند چه خواهد شد باید بگوییم که اگر گناه چنین فردی از موانع قبولی نماز باشد مانند رباخواری، عاق والدین، بی اعتنائی به

نماز و... ۱۲۷ در این صورت هرچند این شخص در قیامت به خاطر نماز مورد مواخذه قرار نمی گیرد ولی نماز وی مورد قبول درگاه الهی نبوده و برای وی کمال آور

نخواهد بود. اما اگر گناهان وی غیر از مواردی است که مانع قبولی نماز می شد و از سوی دیگر شرایط قبولی نماز را دارا بود، در این صورت نماز وی مورد قبول درگاه

الهی قرار گرفته و گناهان وی نیز مانند دیگر اعمال انسان در ترازوی اعمال مورد محاسبه قرار می گیرد.

نماز شرابخوار

پرسش ۵۳. چرا می گویند «شرابخوار تا چهل روز نماز ندارد»؟

حکم حرام بودن شراب در برخی آیات قرآن کریم و فرمایشات معصومین علیهم السلام وارد شده و در حرمت آن هیچ تردیدی نیست. ۱۲۸ از جمله آثار زشت شراب،

تأثیر منفی آن بر سایر اعمال و عبادات است.

در حدیثی می خوانیم: «لَا تُقْبَلُ صَلَاةُ شَارِبِ الْخَمْرِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنْ يُتُوبَ» ۱۲۹؛ «شخصی که شراب بنوشد تا ۴۰ شبانه روز نمازشایش قبول واقع نمی شود مگر از

این گناه کبیره توبه کند». و منظور کسانی که می گویند شراب خوار نماز ندارد نیز همین است. یعنی تا چهل روز نماز چنین فردی مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد و به

کار بردن چنین تعبیری به این معنا نیست که نماز بر او واجب نبوده و یا این که نماز از گردن او ساقط می شود و این حرف بهانه ای برای ترک نماز گردد، بلکه اگر کسی

مرتکب خطای شراب خواری شد باید بعد از حالت مستی نمازش را بجا آورد چرا که نماز چنین فردی صحیح بوده و در هر صورت باید نماز خود را بخواند تا حداقل

گرفتار عذاب ترک نماز نشود.

اما از درجات و نورانیت عبادات بی بهره می شود زیرا؛ بین جسم و روح نمازگزار ارتباط تنگاتنگی هست چرا که نماز وسیله ارتقا روحی و معنوی، عامل تقرّب به ذات

اقدس اله است. و از آنجا که اولین و مهمترین اثر تخریبی شراب متوجّه روح و جان آدمی است و نیز چون حقیقت انسان را روح او تشکیل می دهد لذا تأثیر سوء شراب،

بیشترین آسیب را به روح و روان انسان می زند. از همین رو وقتی گفته می شود نماز چنین فردی پذیرفته نیست، به این علّت است که روح او قابلیت درک و استعداد

دریافت فیوضات روحانی و معنوی را از دست می دهد. به طوری که از بعضی روایات به دست می آید، شراب ریشه تمام گناهان و لغزش ها است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که یک جرعه شراب بیاشامد، خدا و پیغمبران و مؤمنین او را لعنت می کنند، اگر به مقداری بخورد که مست شود، روح ایمان از

او دور می شود و به جایش روح کثیف شیطانی جایگزین می گردد، پس نماز را ترک می کند و ملائکه او را سرزنش می کنند و خدای تعالی او را خطاب می کند: «ای

بنده من کافر شدی، بدا به حال تو». پس امام فرمود: «بدا به حالش، بدا به حالش، به خدا سوگند یک سرزنش الهی از هزار سال عذاب سخت تر است» ۱۳۰.

حسین بن خالد می گوید محضر مبارک حضرت رضا علیه السلام عرض کردم برای ما از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرموده اند: کسی که شراب بنوشد تا

چهل روز نمازش مقبول نیست، آیا این روایت صحیح است؟ حضرت فرمودند: راویان این حدیث راست گفته و حدیث را صحیح نقل کرده اند. عرض کردم: چرا نمازش

تا چهل روز مقبول نیست نه کمتر از آن و نه بیشتر حضرت فرمودند: برای این که حق تعالی مراحل خلقت انسان را براساس ۴۰ روز مقدر و معین فرموده نطفه انسان در رحم مادر ۴۰ روز تبدیل به علقه می شود و تا ۴۰ روز به مضغه تبدیل می شود و... بنابراین وقتی شخصی شراب می خورد آن شراب نیز ۴۰ روز در بدن او می ماند و تا این زمان که بقایا و ذرات شراب در درون او باقی است نماز او مقبول درگاه الهی واقع نمی شود. ۱۳۱

در پایان باید این مطلب را یادآوری نمود همان گونه که در روایات تصریح شده باب توبه و رحمت الهی به سوی گناهکاران باز است لذا اگر فردی از گناه شرب خمر توبه نماید نمازش مورد قبول درگاه الهی قرار خواهد گرفت و توبه وی نیز باید به گونه ای باشد که عزم جدی بر ترک این گناه نماید به طوری که دیگر بازگشتی به گناه گذشته نکند و در آینده نیز هرگز آن گناه فاحش را مرتکب نشود.

بازدارندگی نماز

پرسش ۵۴. در قرآن آمده: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» ۱۳۲ در حالی که برخی نماز می خوانند و گناه و فحشا هم انجام می دهند؟! به عبارت دیگر نماز مانند یک دستور دهنده و پیشنهاد دهنده است که درباره خوبی ها دستور می دهد و درباره زشتی ها هشدار می دهد. هم چنان که خداوند متعال در آیات بسیاری دستور به عدل و احسان می دهد:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» ۱۳۳؛ «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر نهی می کند».

با این حال چه بسا مردم نافرمانی کنند، از این گونه «نهی» به نهی تشریعی یاد شده است.

برخی دیگر از مفسران با استناد به داستان جوانی از انصار که با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواند و مرتکب فحشا می شد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بالاخره روزی نمازش او را از ارتکاب فواحش بازمی دارد و چیزی نگذشت که او توبه کرد» ۱۳۴. آیه شریفه را گویای نهی تکوینی دانسته اند که به طور ویژه و درونی نمازگزار را از زشتی بازمی دارد.

زیرا نمازگزار ناچار است که بخاطر صحت نماز و یا قبول شدن آن، یک سری دستورات دینی را مراعات کند (از جمله غصبی نبودن لباس و مکان نماز، طهارت بدن، عدم شرب خمر و...) که رعایت آنها خود زمینه ای قوی برای دوری از گناه و زشتی است. آری کسی که لباس سفید بپوشد، طبیعی است که روی زمین آلوده و کثیف نمی نشیند. ۱۳۵

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان داشته: (از آنجا که) نماز، ایمان به وحدانیت خدای متعال و رسالت پیامبران و جزای روز قیامت را به نمازگزار القا می کند، و به او می گوید که خدای خود را با اخلاص در عبادت مخاطب قرار داده و از او استعانت بنما، و درخواست کن که تو را به سوی صراط مستقیم هدایت نموده، و از غضب و گمراهی دور بدارد.

همچنین، نماز روح و بدن آدمی را متوجه عظمت کبریایی خدا می نماید به طوری که، پروردگار خود را با حمد و ثنا و تسبیح و تکبیر یاد می کند و رو به سوی خانه پروردگارش می ایستد.

اگر انسان مدتی بر نماز خود پایداری کند، و در انجام آن تا حدودی نیت پاک داشته باشد، به طور طبیعی روحیه پرهیز از فحشا و منکر در او پیدا شود. ۱۳۶

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَيَقْدِرْ مَا مَنَعَتْهُ قَبْلَتْ مِنْهُ» ۱۳۷؛ «هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی بازداشته یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه بازداشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است».

علامه طباطبایی (ره) فرموده اند: پیدایش صفت بازدارندگی از گناه اثر طبیعی نماز هست، و لیکن به نحو اقتضاء، نه به نحو علیت تامه، تا تخلف نپذیرد، و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است، یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد اثر خود را می بخشد، و نمازگزار را از فحشاء بازمی دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلوی اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی کند، و در نتیجه نمازگزار کاری که انتظارش از او نیست انجام می دهد!! خلاصه یاد خدا و گناه، مانند دو کفه ترازو هستند،

هر وقت کفه یاد خدا سنگین شد، نمازگزار گناه نمی کند، و هر جا کفه گناه سنگین شد، یاد خدا ضعیف می شود، و نمازگزار از حقیقت نماز دور می شود. ۱۳۸

حضور قلب

پرسش ۵۵. اگر کسی نماز را بدون حضور قلب بخواند اشکال دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله در اهمیت خشوع در نماز فرموده اند: «تُكْتَبُ الصَّلَاةُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْهُمٍ سَهْمٌ مِنْهَا إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الرُّكُوعُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا السُّجُودُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الْخُشُوعُ»؛ «نماز بر چهار بخش واجب شده: یک سهم از آن گرفتن وضوی کامل؛ بخشی از آن رکوع؛ بخشی از آن سجود و بخشی از آن خشوع است».

در روایت دیگری حضرت علی علیه السلام با تأکید بر این مسئله فرموده اند: «لِيَخْشَعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ فَإِنَّ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ فَلَا يَعْثُبُ بِشَيْءٍ»؛ «مرد باید در نماز خود خاشع باشد، پس وقتی قلبش برای خدا خاشع شد، اعضا و جوارحش نیز خاشع است، با چیزی (در حال نماز) بازی نمی کند».

«خشوع»، حالت قلبی انسان در عبادت و در نتیجه توجّه کامل به مقام بندگی در آستان الهی است. آن که نیاز و عجز خود را می داند و عظمت و کمال الهی را می شناسد حالت «حضور» به درگاه خدای بی همتا و آگاه را می یابد و متناسب با این حالت خاشع می شود، نگاه افتاده می گردد و توجّه از هر چیز دیگر بریده و به معبود متوجّه می شود.

اگر رکوع و سجود و قرائت و تسبیح را جسم نماز بدانیم حضور قلب و توجّه درونی به حقیقت نماز و کسی که با او راز و نیاز می کنیم روح نماز است. خشوع نیز در واقع چیزی جز حضور قلب توأم با تواضع و ادب و احترام نیست از همین روست هنگامی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین سؤال می کنند که «خشوع چیست؟» می فرماید: «التَّوَاضُّعُ فِي الصَّلَاةِ وَ أَنْ يَقِيلَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلَّهُ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»؛ «فروتنی و خاکساری در نماز و این که بنده با تمام قلبش به سوی خدا برود...».

گرچه حضور قلب از شرایط صحّت نماز نیست؛ یعنی با نبودن حضور قلب نماز باطل نمی شود و از لحاظ فقهی اشکالی ندارد. ولیکن چنین نمازی، عملی بی روح است، یعنی اثر معراجی خود را از دست می دهد.

احادیث فراوانی وارد شده که میزان قبولی نماز، بستگی به میزان حضور قلب در نماز دارد و به تناسب وجود حضور قلب، نماز مورد قبول واقع می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «أَنَّ الْعَبْدَ لِيَرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نَصْفَهَا أَوْ ثُلُثَهَا أَوْ رُبْعَهَا أَوْ خُمْسَهَا وَ مَا يَرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَلْبُهُ»؛ «همانا از نماز انسان، نصفش، ثلثش، ربعش یا خمسش بالا برده می شود و آن مقداری از نماز که توجّه قلبی داشته باشد بالا برده می شود».

در روایات به نکات مهمی در خصوص فواید دنیوی و اخروی حضور قلب در نماز اشاره شده است:

۱. قبولی نماز

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ امْرِئٍ لَا يَخْضُرُ فِيهَا قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ»؛ «خداوند نماز بنده ای را که قلبش همراه بدنش در نماز حاضر نیست قبول نمی کند».

۲. بخشش گناهان

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَلَمْ يَحْذَثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غُفِرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبُهُ»؛ «کسی که دو رکعت نماز بخواند و در آن دو رکعت، قلب خود را به چیزی از امور دنیا مشغول نکند، خداوند گناهانش را می آمرزد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَانَ هَوَاهُ وَ قَلْبُهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى انْصَرَفَ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»؛ «هنگامی که انسان برای نماز می ایستد، اگر همه توجّه اش و قلبش به سوی خدا باشد، در حالی نمازش تمام می شود، که مثل روزی است که پاک به دنیا آمده».

۳. استیجاب دعا

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَا يَذْكُرُ فِيهَا شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا لَا يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ»؛ «کسی که نماز می خواند، در حال نماز هیچ چیز از امور دنیایی به یادش نیاید (فقط خداوند در نظرش باشد)، در این صورت هر چیزی از خداوند بخواهد، به او عطا می کند».

۴. شستشوی گناهان

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَثَلُ الصَّلَاةِ وَ أَعْمَالِ بَنِي آدَمَ كَرَجُلٍ أَتَى مَرَاغَةً فَأَتَارَ عَلَيْهِ مِنْهَا حَتَّى امْتَلَأَ تُرَابًا وَ دَسَأُ ثُمَّ عَمَدَ إِلَى غَدِيرِ مَاءٍ طَيِّبٍ فَاغْتَسَلَ بِهِ فَيَذْهَبُ

عَنْهُ التُّرَابُ وَالدَّنَسُ كَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ تَغْسِلُ عَنِ الْعَبْدِ الذُّنُوبَ إِذَا صَلَّى لِلَّهِ مِنْ قَلْبِهِ» ۱۴۷؛ «مَثَلُ نَمَازٍ وَاعْمَالِ آدَمَ مَثَلُ مُرْدِيٍّ اسْتَكْبَرَ فِي خَاكِ بَغْلَتِهِ أَنْ يَنْجُو مِنْهُ سِرَافِيٌّ رَايَ خَاكِ وَكُنَافَاتٍ فَرَاغِيرِدٍ، سَبَسَ بِهْ طَرَفِ آبْغِيرِي كِهْ آبَشِ يَكِ اسْتِ بَرُودِ وَ دَرِ آنِ غَسْلِ نَمَائِدِ وَ خُودِ رَا شِسْتَشُو دِهْدِ وَ گَرْدِ وَ خَاكِ رَا اَزِ خُودِ دُورِ كَنْدِ. اَيْنِ چَنِينِ اسْتِ نَمَازِ پَنَجِ گَانِهْ، زَمَانِي كِهْ بَنْدِهْ بَا حُضُورِ قَلْبِ خُودِ رَا عِبَادَتِ كَنْدِ، آلودگي گناه از وی شسته می شود».

۵. محبوبیت

امام صادق علیه السلام: «لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَقِيلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَ أَقْبَلَ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ بِالْمَحَبَّةِ بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ إِيَّاهُ» ۱۴۸؛ «هیچ مؤمنی نیست که با قلب خود در نمازش به سوی الله برود، مگر این که خداوند با همه الطافش به او رو می آورد و بعد از آن قلوب همه مؤمنین هم از راه رأفت و مهربانی به سوی او رو می آورد».

راهکار حضور قلب در نماز

پرسش ۵۶. هر کار می کنم نمی توانم در نماز تمرکز پیدا کنم و حواسم پرت می شود آیا راه حلی وجود دارد؟

در این باره بدیهی است، کیفیت مهم تر از کمیت است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ» ۱۴۹؛ «دو رکعت نماز سبک، در صورتی که همراه با تفکر و اندیشه باشد، بهتر از عبادت سراسر یک شب است».

نماز گفتگوی میان مخلوق با خالق هستی می باشد لذا در نماز باید به فکر آن باشیم و بدانیم در نماز با خداوند خود چه می گوئیم؛ از همین رو در نماز باید در معانی آنچه می گوئیم تدبیر نموده و با توجه و اندیشه خداوند متعال را به «الرحمن الرحيم»، «مالک يوم الدين» وصف نماییم و با تمام وجود بگوئیم «ایاک نعبد و ایاک نستعین».

امام صادق علیه السلام در ارزش و جایگاه این امر فرموده اند: «مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ» ۱۵۰؛ «کسی که آگاهانه و با توجه به مفاهیم دو رکعت نماز بخواند، در حالی نمازش را به پایان می برد که میان او و خدایش هیچ گناهی نمانده است».

امام خمینی (قدس سره) مهم ترین عامل عدم حضور در نماز را غفلت از عظمت پروردگار دانسته و گفته اند: «اگر انسان به مناجات با حق تعالی به اندازه گفتگو با یک مخلوق عادی اهمیت دهد، هرگز این قدر فراموشی و سهو و غفلت نمی کند؛ خداوندی که آدمی را به وسیله انبیا و اولیا و قرآن کریم، به مناجات با خود دعوت فرموده و درهای مکالمه با خود را به روی او گشوده است، با این وصف ما به قدر صحبت با یک بنده ضعیف، ادب حضور او را نگاه نمی داریم» ۱۵۱.

بی شک هنگام صحبت کردن با فردی بزرگوار و دارای مقامات عالی، اگر انسان نسبت به او شناخت نداشته باشد، نه تنها از هم صحبتی با او لذت نمی برد، بلکه ادب حضور و همکلامی با او را نیز رعایت نمی کند. از حضرت رسول ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله روایت است که «عبادت کن خدای تعالی را چنان چه گویا او را می بینی، و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند» ۱۵۲.

یکی از یاران امام صادق علیه السلام نقل می کند به ایشان عرض کردم: امام سجاد علیه السلام را دیدم هنگامی که به نماز ایستاد، رنگ چهره اش دگرگون شد. امام صادق علیه السلام به من فرمود: «به خدا قسم، علی بن الحسین علیه السلام کسی را که برای او نماز می کرد، می شناخت» ۱۵۳.

دلی که در بیشتر وقت ها از یاد خدا غافل است، نمی تواند در نماز به یاد خدا باشد، پس باید همواره دل را از هر چه جز خدا، خالی داشت و یاد خدا را تنها حاکم بر قلب و روان خود نماییم و از هر چه جز خواست او رو بگردانیم تا از نمازی ملکوتی و روحانی در فضایی پر از اخلاص و بندگی خداوند بهره مند شویم.

در این باره روایات بسیار وارد شده است، از آن جمله: امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی حضرت علی علیه السلام برای اقامه نماز می ایستاد، و قبل از تکبیر می فرمود: «وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» ۱۵۴ رنگ صورت مبارکش دگرگون می شد، به حدی که در چهره اش نمایان می گردید» ۱۵۵.

جهت حضور قلب به چند راهکار مهم اشاره می شود:

توکل به خدا

دغدغه ها و گرفتاری های زندگی اعم از مشکلات معیشتی، تحصیل، خانواده و... یکی از عوامل مهم حواسپرتی و عدم حضور قلب در نماز می باشد. توکل به خدا و یادآوری قدرت الهی می تواند بسیاری از این نگرانی ها را دور کند.

در روایتی آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که بنده به نماز بایستد، و نمازش را سبک ادا کند، خداوند- تبارک و تعالی- (به فرشتگان) می فرماید: آیا به بنده من نمی نگرید، گویا خیال می کند که برآورده شدن حوایجش به دست غیر من است، آیا نمی داند که برآورده شدن خواسته هایش به دست من است؟». ۱۵۶ مکان مناسب

نمازگزار باید مکان خلوت و بی سر و صدا، بی منظره و ساده ای را انتخاب کند.

حضرت علی علیه السلام اتاق ساده ای را مخصوص نماز خود قرار داده بودند. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرموده اند: «كَانَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْتٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ إِلَّا فِرَاشٌ وَ سَيْفٌ وَ مُصْحَفٌ وَ كَانَ يَصَلِّي فِيهِ أَوْ قَالَ كَانَ يَقِيلُ فِيهِ» ۱۵۷؛ «علی علیه السلام در خانه خود اتاقی داشت که در آن، غیر از فرش و شمشیر و قرآن چیز دیگری نبود و او در آن اتاق نماز می خواند».

حضور در نماز جماعت

علاوه بر ویژگی های برجسته نماز جماعت که به آن توصیه های فراوان شده یکی از خصوصیات آن ایجاد حضور قلب برای نمازگزاران می باشد چراکه در نماز جماعت اموری همچون مراقبت از تعداد رکعات نماز به دیگران محوّل شده و دل یکسره متوجّه معبود می باشد ۱۵۸.

انجام مقدمات نماز

توجه به مقدمات نماز مانند مسواک، تخلیه دستگاه گوارش، وضوی با معنویت، انجام مستحباتی چون اذان، اقامه و... از عوامل مهم در تمرکز نماز است. در کتاب های حدیث آمده است: شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کرد که راهی به او بنمایاند تا حضور قلب بیشتری در نماز پیدا کند. حضرت او را به شاداب گرفتن وضو فرمان دادند. بنابراین وضوی شاداب و با آداب، خود در حضور قلب انسان در نماز مؤثر است.

رعایت مستحبات نماز

مانند نگاه کردن به محل سجده در حال قیام، بین دو قدم در حال رکوع و دامن یا روی دو پا در حال تشهد و سلام، بازی نکردن با اعضای بدن و هر چیز دیگری در نماز.

امام باقر علیه السلام در این خصوص می فرماید: «در نماز با دست و سر و ریش خویش بازی مکن، و در نماز با خودت صحبت نکن و خمیازه نکش...» ۱۵۹.

و بالاخره رعایت تمام آداب مستحبی که به آنها در توضیح المسائل مراجع عظام اشاره شده است همگی می تواند مانع از حواسپرتی انسان در نماز گردد.

کنترل خیال

آدمی دارای نیرویی است که دائماً ذهن و خیالش را به کار می گیرد. اگر ذهن انسان در مورد موضوعات کلی، به صورت منظم و مرتب فعالیت کند و از یک مقدمه، نتیجه ای بگیرد، در این صورت تفکر و تعقل حاصل شده است، ولی اگر ذهن انسان بدون هیچ مقدمه و نظمی در موضوعات جزئی، از چیزی به چیزی و از جایی به جایی پرواز کند و هیچ رابطه منطقی بین موضوعاتی که در ذهن آمده ایجاد نکند، تخیل صورت گرفته است.

یکی از روش های کنترل قوه خیال در نماز «تصمیم بر مخالفت است»؛ یعنی تصمیم بگیرد که خیال خود را متمرکز در نماز و یا معانی نماز نماید و هر وقت کنترل آن از اراده انسان خارج شد دوباره برگرداند.

حضرت امام خمینی (قدس سره) می فرماید: «طریقه عمدۀ رام نمودن آن «عمل نمودن به خلاف است» و آن، چنان است که انسان در وقت نماز خود را مهیا کند که حفظ خیال در نماز کند و آن را حبس در عمل نماید و به مجرّد این که بخواهد از چنگ انسان فرار کند آن را استرجاع نماید (برگرداند) و در هر یک از حرکات و سکونات و اذکار و اعمال نماز ملتفت حال آن (قوه خیال) باشد و از حال آن تفتیش نماید (جستجو کند) و نگذارد سر خود باشد و این در اول امر، کاری صعب (مشکل) به نظر می آید، ولی پس از مدتی عمل و دقت و علاج، حتماً رام می شود و ارتیاض پیدا می کند (ورزیده می شود)» ۱۶۰.

یکی از مواردی که می تواند به حضور قلب بیشتر در نماز کمک کند و در روایت ها نیز به آن اشاره شده، در نظر داشتن این نکته است که احتمال دارد این نماز، آخرین نمازی باشد که می خوانیم.

در روایتی نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از یاران خود فرمود: «فَلْيُصَلِّ صَلَاةَ مُودَعٍ» ۱۶۱؛ «به هنگام نماز، به گونه ای نماز بخوان که گویا این

آخرین نمازی است که می خوانی و نماز خداحافظی توست».

همچنین سفارش شده که «دعای توجّه» هنگام شروع نماز خوانده شود. از امام علی علیه السلام روایت شده هر کس این دعا را قبل از شروع نماز بخواند با «محمّد و آل محمّد» خواهد بود: «اللهم إني أتوجه إليك بمحمد و آل محمد، و أقدمهم بين يدي صلاتي، و أتقرب بهم إليك، فاجعلني بهم وجهاً في الدنيا والآخرة، و من المقربين، مَنْنْتَ عليّ بمعرفتهم، فاختم لي بطاعتهم و معرفتهم و ولايتهم فإنها السعادة، فاختم لي بها، فإنك علي كل شيء قدير» ۱۶۲؛ «خدایا من متوجه می شوم به سوی تو به محمد و آل محمد و آنها را مقدّم می دارم در مقابل نماز و تقرب می جویم به آنان به سوی تو پس قرار بده مرا به سبب ایشان صاحب جاه و مقام در دنیا و آخرت و از مقربانی که منت گذاشته ای بر آنان به معرفت ایشان و عاقبت مرا ختم کن به اطاعت، معرفت و ولایت ایشان که این همان سعادت [در دنیا و آخرت] است تو بر هر چیز توانایی».

هم چنین سفارش شده که هنگام شروع نماز، برای داشتن حضور قلب، به یکی از معصومین علیهم السلام توسّل کنید و تمرین کنید که قبل از ادای کلمات نماز معنای آن را در ذهن بیاورید و از روی عادت تکرار نکنید.

اخلاص و ریا

پرسش ۵۷. از کجا بدانیم نمازی که می خوانیم خالصانه است و از ریا به دور می باشد؟

نمازی که مؤمن در برابر خدا انجام می دهد، قبل از هر چیز اقرار به یگانگی او است؛ یعنی، او را پروردگار مطلق شناختن و هیچ یک از آفریده ها را با او شریک ندانستن است. بنابراین منظور از اخلاص در نماز این است که انسان صرفاً به خاطر خدا اقدام به اقامه نماز نموده و در نماز، تنها او را در نظر داشته باشد و هیچ چیز را در این عمل عبادی شریک خداوند قرار ندهد.

انسان ها ممکن است با انگیزه های متفاوتی خداوند متعال را عبادت کنند که این انگیزه ها هر چند متفاوت است اما در نهایت به خاطر خداوند متعال می باشد ممکن است فردی نماز بخواند اما نماز و عبادت او برای رسیدن به ثواب اخروی آن باشد و امکان دارد فرد دیگری به خاطر ترس از عذاب الهی خداوند را عبادت کند و یا کس دیگری خداوند را خالصانه و فقط با انگیزه شکر و سپاسگزاری از نعمت هایی که به او داده عبادت کند، همان گونه که حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ» ۱۶۳؛ «گروهی با هدف رسیدن به ثواب های اخروی خدا را عبادت می کنند که این عبادت تجّار و بازرگانان است و گروهی دیگر از جهت ترس از عذاب الهی، خدا را عبادت می نمایند که این عبادت بردگان است. و گروهی به انگیزه شکر و سپاسگزاری از نعمت های پروردگار عبادت خداوند می نمایند که این عبادت احرار و آزادگان است».

اما نکته مهم این است که نماز و عبادت به خاطر ثواب الهی و یا ترس از عذاب خداوند به این معنا نیست که انسان دیگر خدا را قبول ندارد و یا اگر نمازهایش را با این انگیزه ها خواند دیگر نمازهایش به خاطر خدا نبوده است؛ چرا که، هم آن کسی که به خاطر ثواب نماز می خواند و هم آن کسی که با انگیزه در امان ماندن از عذاب خداوند نماز می خواند در مرحله اوّل به خداوند متعال و وعده های او مبنی بر پاداش و عذاب الهی ایمان دارد و پس از ایمان به خداوند و گفته هایش براساس آنچه او دستور داده نماز می خواند و این همان نماز خواندن به خاطر خداوند می باشد. البته با این تفاوت که هر گروهی از این گروه های سه گانه توانسته اند مرتبه از مراتب معرفت الهی را طی کنند و به میزانی که نسبت به خداوند متعال معرفت پیدا کرده اند به همان میزان انگیزه خود را برای اعمال عبادی همچون نماز تنظیم نمایند.

کسب اخلاص در نیت و عمل، از دشوارترین گردنه های راه ایمان است که دست یابی به آن راه کارهای مختلفی دارد؛ از جمله:

تقویت توحید

کوتاه ترین راه عقلی برای رسیدن به اخلاص و ریشه کن کردن «ریا» تقویت توحید در دل می باشد. منظور از توحید در این مقام، توحید افعالی است یعنی، انسان باور کند که فاعل و مؤثری در عالم جز خداوند نیست «لا مؤثر فی الوجود الا الله». اگر برای ما روشن شود که هیچ کس به غیر از خدا منشأ اثری نیست و بفهمیم که رزق، عطا، منع، غنا، فقر، مرض، سلامتی، ذلت، عزّت، زندگی، مردن و... همه در دست خداوند است و هر آنچه در جهان هست مقهور امر حاکم بی شریک می باشد، دیگر دل به دیگران نمی بندیم و خودنمایی در مقابل دیگران برایمان لذتی نخواهد داشت. زیرا ریشه «ریا» یا طمع، در مال و منافع دیگر انسان ها است، و یا محبّت و دوست داشتن مدح و ستایش انسان ها، و یا خوش نداشتن و کراهت از مذمت و ملامت مردم است. اگر انسان این سه مشکل را حل نماید، دیگر دلیلی برای خودنمایی در مقابل انسان ها وجود نخواهد داشت.

یقین به معاد

همه ما به خدا و روز قیامت به نوعی ایمان داریم ولی این اعتقاد به مرز یقین نرسیده است، چرا که به غیر خدا امید می بندیم و متکی بر این امید، آنان را در عمل خود شریک می نماییم؛ اما اگر ایمان خود را به مرز یقین برسانیم دیگر اعمال خود را برای هیچ کس غیر از خداوند متعال انجام نخواهیم داد. این واقعیت با تعبیر گوناگونی در سخنان ائمه دین مورد اشاره قرار گرفته است امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «سَبَبُ الْأَخْلَاصِ الْيَقِينُ»؛ «۱۶۴»؛ «اخلاص ره آورد یقین است».

و در سخن دیگر می فرماید: «عَلَى قَدَرِ قُوَّةِ الدِّينِ يَكُونُ خُلُوصُ النِّيَّةِ»؛ «۱۶۵»؛ «اخلاص آدمی به میزان استحکام دینداری اوست».

کنترل آرزوهای دراز

هم چنین برای خلوص داشتن در عبادت، باید دامنه آرزوهای دور و دراز را جمع نمود؛ حضرت علی علیه السلام می فرماید: «قَلِّلِ الْأَمَالَ تَخْلُصْ لَكَ الْأَعْمَالُ»؛ «۱۶۶»؛ «کم کن آرزوهایت را تا عمل هایت خالص شود».

تمرین

پس از تفکر در فواید و آثار و برکات اخلاص و شناخت روش هایی که موجب می شود تا عبادات از جمله نماز از روی خلوص نیت انجام گیرد، باید در مقام عمل نیز به تمرین پرداخت و با سعی و تلاش، از کارهایی که به اخلاص نیت صدمه می زند، پرهیز نمود و کارهایی را که در خلوص نیت نقش دارند، انجام داد. ۱۶۷

قبولی نماز

پرسش ۵۸. منظور از قبولی نماز چیست؟

به طور کلی در نماز و عبادات، چند نوع شرط مطرح شده است: «شرط صحت»، «شرط قبولی» و «شرط کمال».

شرایط صحت نماز، شرایطی می باشند که در صورت فقدان یکی از آنها نماز باطل بوده و اصل تکلیف نماز از انسان ساقط نگردیده و در صورت عدم جبران، در قیامت حسابرسی می شود.

صحیح بودن شکل نماز؛ به این است که به همان شکل و شیوه معین از سوی خدا و شریعت انجام گیرد؛ نه از روی سلیقه های شخصی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَا قَوْلَ وَلَا عَمَلَ وَلَا نِيَّةَ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ»؛ «۱۶۸»؛ «ارزشی برای گفته ها و عمل ها و نیت ها نیست، مگر آن که طبق دستور و سنت انجام گیرد».

حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست می کند:

«أَرِنَا مَنَاسِكَتَنَا»؛ «۱۶۹»؛ «خدایا! نحوه صحیح عبادت را به ما نشان بده».

پس این که کجا باید شکسته بخوانیم و یا تمام، آهسته بخوانیم یا بلند، تعداد رکعات و امثال آن چگونه باشد و... مربوط به شکل ظاهری نماز است که باید به همان صورتی که دستور داده اند، انجام دهیم. در غیر این صورت باطل و بی ارزش است؛ مثل دندانهای یک کلید که اگر اندکی ریز یا درشت باشند، دیگر قفل را باز نمی کنند.

شرایط قبولی نماز

در نماز صحیح اگرچه شکل ظاهری آن صحیح و شرایط صحیح بودن را دارا می باشد و انسان تکلیفش را انجام داده و از عذاب خدا رهایی پیدا کرده است، ولی ممکن است رشد معنوی و تعالی را به دنبال نداشته باشد.

مقصود از شرایط قبولی نماز، شرایطی است که رعایت آنها، علاوه بر درستی عمل، موجب قرب به خدا و کسب پاداش الهی می شود. به طور مثال حضور قلب، رعایت خشوع و تواضع، دوری از حرام و آزار دیگران و... به قبولی نماز و رشد معنوی هر چه بیشتر نمازگزار کمک می کند. ۱۷۰

همان گونه که گفته شد نماز، غیر از شرایط صحت، شرایط «قبول» و «کمال» هم دارد.

در آیات و روایات، شرایطی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده که به چند نمونه اشاره می شود:

در حدیث از امام باقر علیه السلام است: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ» ۱۷۱؛ «هر کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت های طاقت فرسا هم انجام می دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی فایده است».

در حدیث دیگر امام زین العابدین علیه السلام در پاسخ کسی که پرسید چه چیزی سبب قبولی نماز است؟ فرمودند: «وَلَا يَتَنَّا وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا» ۱۷۲؛ «ولایت ما اهل بیت، و برائت از دشمنان ما». بنابراین شرط قبولی نماز، ولایت است، ولی همراهش باید تقوا هم باشد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَمَا تُنَالُ وَلَا يَتَنَّا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ» ۱۷۳؛ «در خط رهبری ما نیستند، مگر آنان که اهل عمل و تقوا باشند». رعایت تقوا

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در روایتی فرموده اند: «لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَوْتَارِ وَ صُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِبِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بَوْرَعٍ» ۱۷۴؛ «اگر آن قدر نماز بخوانید تا همچون زه کمان شوید، و آن قدر روزه بگیرید تا همچون کمان خم شوید، خدا از شما قبول نمی کند، مگر این که انسان با ورع باشید».

حضور قلب

امام باقر علیه السلام: «عَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ فَإِنَّهَا يَحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ» ۱۷۵؛ «در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می شود که تو به آن توجه داری».

رعایت حق خدا و حق مردم

رسیدگی به نیازمندان و ادای حقوق محرومان به درجه ای از اهمیت است که گاهی قبولی عبادت بستگی به آن دارد. پرداختن زکات، یا داشتن درآمد مشروع، از این نمونه هاست.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يَزَكْ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ» ۱۷۶؛ «هر کس نماز بخواند ولی زکات (و مالیات اسلامی) نپردازد، نمازش قبول نمی شود». امام صادق علیه السلام فرموده اند: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّمَا أَقْبَلُ الصَّلَاةَ لِمَنْ تَوَاضَعَ لِعَظَمَتِي وَ يَكْفُ نَفْسُهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ مِنْ أَجْلِ وَ يَقْطَعُ نَهَارَهُ بِذِكْرِي وَ لَا يَتَعَاطَمُ عَلَى خَلْقِي وَ يَطْعِمُ الْجَائِعَ وَ يَكْسُو الْعَارِيَ وَ يَرْحَمُ الْمُضَابَّ وَ يَوِيَّ الْغَرِيبَ» ۱۷۷؛ «خداوند متعال فرمود: نماز کسی را می پذیرم که در مقابل عظمت من خاضع باشد؛ از خواسته های نفسانی به خاطر من خود را دور کند؛ روزش را با یاد من به پایان برد؛ بر بندگانم بزرگی نفروشد؛ به گرسنه غذا دهد؛ برهنه را بپوشاند؛ به مصیبت دیده مهربانی کند؛ غریب را پناه دهد».

مال حلال

حضرت علی علیه السلام خطاب به کمیل فرمود: «يَا كُمَيْلُ انْظُرْ فِي مَا تُصَلِّي وَ عَلَى مَا تُصَلِّي إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَ جِلِّهِ فَلَا قَبُولَ» ۱۷۸؛ «ای کمیل! نگاه کن ببین که در چه چیز نماز می گذاری و بر روی چه چیز به نماز ایستادی. اگر آن چیزی را که برای نماز استفاده می کنی، حلال و مباح نباشد، نمازت قبول نیست».

خوش رفتاری

آئین مقدس و متعالی اسلام، میان عبادت و سیاست و اخلاق و اجتماع، پیوندی منسجم ایجاد کرده است. در امور خانوادگی هم رعایت احترام و حقوق متقابل زن و شوهر را چنان مهم دانسته که بی توجهی به آن گاهی باعث قبول نشدن نماز می گردد. و قطع پیوندهای زمینی، به قطع پیوند آسمانی می انجامد. در این زمینه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُوْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لِحَسَنَةٍ مِنْ عَمَلِهَا... وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ» ۱۷۹؛ «هر کس زن بدرفتار و اذیت کننده ای داشته باشد، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی پذیرد (مرد نیز همچنین است)».

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبْوَيْهِ نَظْرَ مَاقَتٍ وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً» ۱۸۰؛ «نماز فرزندانی که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می کنند قبول نمی شود. گر چه والدین، نسبت به آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند» ۱۸۱.

خداوند متعال درباره قبولی نماز، معیاری را در قرآن بیان فرموده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ» ۱۸۲؛ «و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی ها و گناه بازمی دارد».

با توجه به این مطلب، نشانه قبولی نماز، این است که انسان از گناه دوری کند؛ زیرا نماز باعث می شود که انسان به یاد خداوند باشد و این، باعث خوف از نافرمانی می

شود.

امام صادق علیه السلام با تأکید بر این شاخص در روایتی فرموده است: «فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا أَدْرَكَ مِنْ نَفْعٍ تَهْ فَلْيَنْظُرْ فَإِنْ كَانَتْ تَه حَجَزَتْهُ عَنِ الْفَوَاحِشِ وَالْمُنْكَرِ فَإِنَّمَا أَدْرَكَ مِنْ نَفْعِهَا بِقَدَرِ مَا اخْتَجَزَ»^{۱۸۳}؛ «هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز می دارد یا نه؟ پس به هر اندازه که نمازش او را از گناه باز بدارد به همان مقدار نمازش قبول واقع شده است».

پی نوشت :

۱. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، ص ۱۱۴.

۲. آشنایی با فرقه اهل حق، گروه فرق و ادیان معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیه قم، ص ۱۴.

۳. اسراء ۱۷، آیه ۷۸.

۴. امام باقر علیه السلام به این مسئله تصریح نموده و بیان داشته اند: «إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ فِي آخِرِ عُمُرِهِ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رُكْعَةٍ...»؛ «همانا حضرت علی علیه السلام در اواخر عمرشان در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواندند». شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۲۹ جلدی، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۴، ص ۹۷.

۵. بحارالأنوار، ج ۱۴، ص ۱۸۵.

۶. نهج الفصاحة، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ص ۷۶۹ شماره ۳۰۱۸.

۷. بحارالأنوار، ج ۱، ص ۲۱۶.

۸. الکافی، ج ۱، ص ۳۵.

۹. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸ ش، نهم

۱۰. البته این نکته را نباید فراموش کرد پذیرش تعبیدی فروعات دینی و احکام الهی یک مرحله پس از آن است که براساس مبانی عقلی صحت اصول اولیه دین برای افراد به اثبات رسیده باشد.

۱۱. البته این مسئله به معنای ممانعت از پرسشگری و همچنین پاسخ گو نبودن اسلام در فرامین و دستورات الهی نیست، چراکه معصومین علیهم السلام علاوه بر تشویق مسلمانان به تفقه و تدبیر در مسائل دینی در احادیث متعددی به تبیین فلسفه احکام الهی پرداخته اند. به عنوان نمونه می توانید به کتاب علل الشرائع که مجموعه ای از این قبیل روایات بوده و توسط شیخ صدوق ره گردآوری شده مراجعه نمایید.

۱۲. حشر ۵۹، آیه ۷.

۱۳. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۷۹.

۱۴. علل الشرائع، ج ۱ ص ۲۵۷.

۱۵. همان، ج ۲، ص ۱۰۴.

۱۶. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۴؛ میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، أسرار الصلاة؛ انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۸ش، هشتم، ص ۵۶.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش، اول، ج ۴، ص ۲۹۱.

۱۸. الحکم الزاهرة، ترجمه انصاری، ص ۵۸۶.

۱۹. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۶۰.

۲۰. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۶.

۲۱. معانی الاخبار، ص ۳۱۴.

۲۲. أمالی، صدوق، ص ۳۴.

۲۳. همان.

۲۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۷.

۲۵. رک: وضوء النبی صلی الله علیه و آله من خلال ملابسات التّشريع، علی شهرستانی که با عنوان وضوی پیامبر به ترجمه حسین صابری منتشر گردیده است.

۲۶. فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۲، ص ۲۴۳ به نقل از: صحیح، ترمذی، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲۷. همان.

۲۸. تهذیب، ج ۱، ص ۵۶.

۲۹. مائده ۵، آیه ۶.

۳۰. نساء ۴، آیه ۲.

۳۱. هود ۱۱، آیه ۵۲.

۳۲. جعفر سبحانی، سیمای فرزندگان، ج ۲، به نقل از: سایت تبیان با کمی تغییر.

۳۳. الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، ص ۲۱۸.

۳۴. ر.ک: الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمن الخیرری، دارالفکر، ج ۱، ص ۵۳؛ حلیه العلما فی معرفه مذاهب الفقها، القفال، مکتبه الرساله الحدیثه، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳۵. مائده ۵، آیه ۶.

۳۶. همان، آیه ۶.

۳۷. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳۸. المحلی، ج ۲، ص ۵۶، شماره ۲۰۰.

۳۹. الجامع لأحكام القرآن، ۶/ ۹۲.

۴۰. السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۸.

۴۱. توبه ۹، آیه ۳.

۴۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۶۶.

۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۲.

۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۰۰.

۴۵. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۱.

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۴۳۸.

۴۷. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۲۱.

۴۸. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۷.

۴۹. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸.

۵۰. سیدعلی حسینی میلانی، محاضرات فی الاعتقادات، قم، مرکز الابحاث العقائدية، ۱۴۲۱ هـ، اول، ج ۲، ص ۶۵۹.

۵۱. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق، اول، ج ۱، ص ۱۵۸.

۵۲. علاء الدین قوشجی، شرح تجرید، مقصد پنجم، بحث امامت، ص ۳۸۶.

۵۳. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۵.

۵۴. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۹.

۵۵. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۴۷.

۵۶. کافی، ج ۳، ص ۲۰۸.

۵۷. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۵۱.

۵۸. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۸۷.

۵۹. رک: بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۶۱؛ أمالی، صدوق، ص ۲۸۱، المجلس السابع والأربعون؛ روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۱۱۶.

۶۰. أمالی، صدوق، ص ۲۸۱، المجلس السابع والأربعون؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۲۰.

۶۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ هـ.ق، ج ۴، ص ۹۷.

۶۲. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۲۲.

۶۳. مجتبی کلباسی، یکصد وده پرسش درباره نماز، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸، نهم، ص ۷۷.

۶۴. همان.

۶۵. مائده ۵، آیات ۵۶ و ۵۵.

۶۶. رک: محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۲: ۸۸ - قاضی شوکانی، فتح الغدیر، ص ۳: ۵۰ - جامع الاصول، ج ۹، ص ۴: ۴۷۸ - اسباب النزول، واحدی، ص ۵: ۱۴۸ - لباب النقول، سیوطی، ص ۶: ۱۰۵ - تفسیر طبری، ص ۷: ۱۶۵ - تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۸: ۴۳۱ - تفسیر درالمنثور، ج ۲، ص ۹: ۳۹۳ - کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۱.

۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش، اول، ج ۴، ص ۴۲۸.

۶۸. سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ ش، سوّم، ص ۱۰۲ به نقل از: ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۱۲-۲۱۱.

۶۹. ارشاد القلوب، ترجمه رضایی، ج ۵، ص ۳۶-۱.

۷۰. گناهان کبیره، شهید دستغیب.

۷۱. عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۰۱؛ آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز، ص ۱۶۵.

۷۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۸.

۷۳. صحیح، بخاری، ج ۱، کتاب الصلاة، ص ۹۱.

۷۴. مسروق بن اجدع، فقیه مدینه و از شاگردان خلفای راشدین بود.

٧٥. ابن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، ١٣٧٧هـ.ق، ج ٦، ص ٧٩.

٧٦. اخبار مكة، ازرقى، ج ٣، ص ١٥١، به نقل از: سجده بر تربت، سيدرضا حسيني نسب، انتشارات سيدالشهداء قم، ١٣٦٩.

٧٧. النورى، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، ج ٤، ص ١٢، باب استحباب السجود على تربتها الحسين عليه السلام و لوح منها و اتخاذ السبحه منها).

٧٨. ابو حامد غزالى، إحياء علوم الدين، بيروت، دارالكتاب العربى، ج ٢، ص ٢٦٧.

٧٩. ابوالشهدا، ص ١٤٥.

٨٠. وسائل الشيعة، ج ٥، ص ٣٦٦.

٨١. همان.

٨٢. وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٢٢٠.

٨٣. همان، ص ٢٢١.

٨٤. همان.

٨٥. همان.

٨٦. همان، ص ٢٢٣.

٨٧. صحيح، بخارى، ج ١، ص ٢٠١، باب تأخيرالظهر الى العصر، ح ٥١٨.

٨٨. همان، ص ٢٠٦، ح ٥٣٧، باب وقت المغرب.

٨٩. صحيح سنن نسائى، ج ١، ص ٢٠٠، حديث ٦٠١، باب الجمع بين الصلوتين فى الحضر.

٩٠. صحيح، مسلم، ج ١، ص ٤٨٩، ح ٤٩، باب الجمع بين الصلوتين فى الحضر.

۹۱. صحیح، مسلم، ج ۲، ص ۱۵۱.

۹۲. همان، ص ۱۵۲.

۹۳. رک: مکارم شیرازی، پاسخ به پرسش های مذهبی، قم، امیرالمؤمنین، ۱۳۷۷، ص ۳۰۰.

۹۴. اسراء ۱۷، آیه ۷۸.

۹۵. رک: جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، بیروت دار احیاء التراث العربی، ج ۵، ص ۲۸۲-۲۸۰.

۹۶. این روایات در وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۵۶ باب ۱۰ جمع آورى شده.

۹۷. نهج البلاغه، نامه ۲۷ و ۱۵.

۹۸. سنن، بیهقی، ج ۲؛ سنن، ابوداود، ج ۱، باب افتتاح الصلاة، ح ۷۰ و ۷۳۶؛ سنن، ترمذی، ج ۲، ص ۹۸، باب صفت الصلاة.

۹۹. الفقه على المذاهب الخمسة، مغنیه، ص ۱۰۹.

۱۰۰. صحیح، بخاری، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۷۴۰؛ کتاب الأذان، ب ۸۷، باب وَضَعُ الْيَمْنَى عَلَى الْيُسْرَى.

۱۰۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ابواب ۱۵ قواطع نماز، ص ۲۶۷.

۱۰۲. وسائل الشیعة، ج ۷، ابواب ۱۵ قواطع نماز، ص ۲۶۶.

۱۰۳. وسائل الشیعة، ج ۵، باب ۱۷ از ابواب قیام، ص ۵۱۱.

۱۰۴. مستند العروة، آیه الله شیخ مرتضی بروجردی، ج ۴، ص ۴۴۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۹.

۱۰۵. جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۱۵، نجفی.

۱۰۶. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۶۷، کتاب الصلاة، باب عدم جواز التأمین فی آخر الحمد.

۱۰۷. همان.

١٠٨. الكافي، ج ٣، ص ٣٣٩، بَابُ الْقُنُوتِ.

١٠٩. مجلسي، لوامع صاحبقراني، ج ٤، ص ٩٦؛ الكافي، ج ٣، ص ٣٤٠.

١١٠. سنن، بيهقي، ج ٢، ص ٢٠٧.

١١١. سنن، دارقطني، ج ٢، ص ٣٧، حديث ٤؛ سنن، بيهقي، ج ٢، ص ١٩٨.

١١٢. هدايه، مرغيناني، ج ١، ص ٦٦؛ بدايه المجتهد، ج ١، ص ١٣٢.

١١٣. الفقه على المذاهب الاربعه، ج ١، عدّ سنن الصلاة مجتمعة.

١١٤. نساء ٤، آيه ١٠١.

١١٥. كنز العمال، ج ٨، ص ٥٠٣.

١١٦. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٥٢٠.

١١٧. رك: الميزان، ج ٥، ص ٦٣؛ تفسير نمونه، ج ٤، ص ٩٤-٩٦؛ طبري، احكام القرآن، ج ١٢، ص ٤٨٧؛ حسيني جرجاني، آيات الاحكام، ج ١، ص ٢٤٠-٢٤٧.

١١٨. شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٤٣٤.

١١٩. سعيد شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اكبر، پاييز ١٣٨٧ش، سوّم، ص ٣٠٦.

١٢٠. بحار الأنوار، ج ١٠، ص ١٠٨.

١٢١. بحار الأنوار، ج ٩٠، ص ٣٧٨.

١٢٢. وسائل الشيعة، ج ٣، ابواب مكان مصلی، باب ٧٠٦ و توضيح المسائل آيه الله فاضل لنكراني، ص ١٦٠ مسئله ٩٠١.

١٢٣. حجرات ٤٩، آيه ١٣.

۱۲۴. نحل ۱۶، آیه ۹۷.

۱۲۵. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸.

۱۲۶. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۸.

۱۲۷. رک: فصل قبولی نماز.

۱۲۸. مائده ۵، آیه ۹۰ و ۹۱؛ بقره (۲)، آیه ۲۱۹.

۱۲۹. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۵۷.

۱۳۰. الکافی، ج ۶، ص ۳۹۹.

۱۳۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۳۲. عنکبوت ۲۹، آیه ۴۵.

۱۳۳. نحل ۱۶، آیه ۹۰.

۱۳۴. گنابادی سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، خانی رضا / حشمت الله ریاضی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش، ج ۱۱، ص ۲۶۴.

۱۳۵. محسن قرائتی، تفسیر نماز، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۷ش، سیزدهم، ص ۲۸.

۱۳۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش، پنجم، ج ۱۶، ص ۱۹۸.

۱۳۷. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸.

۱۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش، پنجم، ج ۱۶، ص ۲۰۱.

۱۳۹. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۸.

۱۴۰. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۱.

۱۴۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۹۸.

۱۴۲. بحارالأنوار، ج ۸۴، ص ۲۳۸.

۱۴۳. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۰۹.

۱۴۴. بحارالأنوار، ج ۸۱، ص ۲۴۹.

۱۴۵. بحارالأنوار، ج ۸۱، ص ۲۶۱.

۱۴۶. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۰۵.

۱۴۷. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۱.

۱۴۸. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۵.

۱۴۹. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۸.

۱۵۰. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۶.

۱۵۱. امام خمینی‌ره، سر الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌ره، ۱۳۷۸ش، ششم، ج ۲، ص ۲۴.

۱۵۲. امام خمینی‌ره، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌ره، ۱۳۷۸ش، هفتم، ص ۳۷.

۱۵۳. بحارالأنوار، ج ۴۶، ص ۶۶.

۱۵۴. «روی و تمام وجود خویش را به سوی خداوندی نمودم که آسمان ها و زمین را پدید آورد».

۱۵۵. فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۱۰۱.

۱۵۶. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹؛ ادب حضور ترجمه: فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۸۴.

۱۵۷. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۶.

۱۵۸. امام خمینی، ره، سر الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش، ششم، ج ۲، ص ۳۲.

۱۵۹. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۹.

۱۶۰. امام خمینی، ره، آداب الصلاة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش، هفتم، ص ۴۴.

۱۶۱. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۷.

۱۶۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۴۴.

۱۶۳. نهج البلاغه، ص ۵۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۱۲.

۱۶۴. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۶۲.

۱۶۵. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۹۳.

۱۶۶. تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۵۵.

۱۶۷. سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ ش، سوّم، ص ۲۰۳.

۱۶۸. الکافی، ج ۱، ص ۷۰.

۱۶۹. بقره ۲، آیه ۱۲۸.

۱۷۰. محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۷ ش، هجدهم، ص ۵۰.

۱۷۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۷۲. بحارالأنوار، ج ۸۱، ص ۲۴۴

۱۷۳. الکافی، ج ۲، ص ۷۴

۱۷۴. بحارالأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۸

۱۷۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۹۹

۱۷۶. وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۵

۱۷۷. بحارالأنوار، ج ۸۱، ص ۲۴۲

۱۷۸. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۱۹

۱۷۹. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۳

۱۸۰. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹

۱۸۱. محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۷ش، هجدهم، ص ۵۳

۱۸۲. عنکبوت ۲۹، آیه ۴۵

۱۸۳. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۷۶، ۲- باب تأکد استحباب الخشوع فی الصلاة.

قسمت سوم

بی نشاطی در نماز

پرسش ۵۹. من یک دانشجوی مذهبی هستم که جدیداً دچار بی حالی در نماز شده ام و آن حالی که قبلاً داشتم را ندارم، احساس خستگی می کنم، لطفاً

کمکم کنید که بفهمم چرا چنین اتفاقی برای من افتاده؟

به طور کلی عوامل رکود معنویت از جمله بی حالی و از دست دادن نشاط در نماز به دو دسته تقسیم بندی می شود: عوامل زودگذر و غیرپایدار.

گاهی اوقات کاهش معنویت در انسان معلول عواملی زودگذر می باشد که با کمی توجه و پس از برطرف شدن آن عوامل انسان به سرعت به مسیر اصلی

خود بازگشته و چه بسا با اشتیاق بیشتر به مسائل معنوی می پردازد که در اینجا به چند نمونه از این عوامل اشاره می نمایم:

حوادث و اتفاقات زندگی

برخی اوقات از دست دادن حالات معنوی نتیجه برخی اتفاقات و حوادث زندگی می باشد. از نگاه روان شناختی انسان از نظر خلقی و عاطفی معمولاً یک حالت یکنواخت ندارد. همه انسان ها کم و بیش دوره هایی از غمگینی و افسردگی را تجربه می کنند و این امر طبیعی است. و علت آن هم گاهی معلوم و شناخته شده است؛ مثل از دست دادن عزیزی، شکست در بعضی از امور زندگی و یا برآورده نشدن خواسته و آرزویی، و یا دست نیافتن به محبوب و مطلوب خود (مثل پسران و دخترانی که در مسیر ازدواج با مشکل مواجه می شوند). و یا حتی انتظار عنایت و لطف و توجه خاصی از طرف خدا داشته باشند اما حاصل نشده باشد و همچنین زندگی کردن در غربت و دوری از خانواده و صدها عامل دیگر که هر یک از آنها می تواند در حالات معنوی انسان تأثیرگذار باشد و موجب کاهش حالات معنوی در انسان گردد.

عدم آمادگی روحی

انسان برای انجام اعمال مستحبی (مانند نماز شب و خواندن ادعیه، حضور در مراسم های معنوی) همواره از لحاظ روحی دارای آمادگی نمی باشد بلکه گاهی اوقات در حال نشاط و آمادگی معنوی و گاهی اوقات هم آمادگی و نشاط لازم را ندارد. لذا اگر فردی در حالت ادبار و بی میلی به انجام مستحبات پرداخته و این امور را به خود تحمیل نماید به مرور زمان موجب دل زدگی از امور معنوی و در نهایت منجر به از دست دادن حالات معنوی می گردد.

خستگی

انتخاب واحدهای درسی متعدّد و فعالیت های جنبی آن موجب خستگی جسمی می شود و این خستگی جسمی به دنبال خود خستگی روحی و بی حالی نسبت به نماز و دیگر عبادات را نیز به دنبال خواهد داشت.

پر خوری

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «إِيَّاكُمْ وَالْبُطْنَةَ فَإِنَّهَا مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ وَمَقْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ»^۱؛ «از پر خوری دوری کنید که موجب قساوت قلب و باعث کسالت از اقامه نماز و سبب تباهی بدن است».

یکی دیگر از عوامل زودگذر که علمای اخلاق در این خصوص ذکر نموده اند این است که، از دست دادن حالات معنوی تدبیری الهی است که در راستای مصالح بندگان ایجاد شده است. بدین معنا که برخی اوقات سلب توفیقات و از دست دادن حالات معنوی تدبیر از سوی خداوند جهت بالا بردن ظرفیت بندگان صالح الهی می باشد چرا که اگر همیشه آن لذت معنوی ادامه پیدا کند، ادامه زندگی روزمره اختلال پیدا می کند و انسان ارتباط خودش را با اطرافیان قطع می کند، لذا باید ظرفیت انسان برای تحمّل مقامات معنوی بالا رود به طوری که مانند اولیا و معصومان علیه السلام در حالی که آن مقامات معنوی را دارند در میان مردم نیز زندگی کنند. و یا به این دلیل است که بنده خود را از عجب محافظت کند، و یا این که توفیقی از بنده خوب خدا سلب می شود تا با تأسّف شدید او برای از دست رفتن توفیق الهی (همچون تهجّد و نماز شب)، اجر بیشتری به او عنایت فرماید.

عوامل پایدار

گاهی اوقات نیز کاهش معنویت معلول عواملی است که در صورت عدم توجه به آنها و با گذشت زمان برطرف نمی شود چرا که در وجود انسان ریشه دوانده و در صورت عدم ریشه یابی و برطرف نمودن آن می تواند انسان را به سقوط بکشاند؛ در این صورت باید این عوامل را در وجود خود شناسایی نموده و آنها را ریشه کن نماید. گناهان جنسی و جنسیتی و تحقیر و آزار دیگران چنین پیامدهای منفی را به دنبال دارند. در پایان چند نکته توصیه می شود:

اکتفا به حداقل واجبات

هنگامی که آمادگی و نشاط کافی جهت انجام اعمال عبادی را ندارید خیلی به خود فشار نیاورید. مثلاً خود را ملزم به حضور در مراسم های مذهبی طولانی نکنید تا این کار موجب نفرت، خستگی و بی حوصلگی نسبت به انجام اعمال عبادی نگردد.

حضرت علی علیه السلام در این خصوص فرموده اند: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً - فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ - وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى

الْفَرَائِضُ ۲؛ «یعنی برای دل ها گاهی اقبال و رو کردن است (دارای میل و اشتیاق است) و گاهی ادبار و پشت کردن، (در حالت بی میلی و بی حوصلگی)؛ هرگاه اقبال کرد به نوافل و مستحبات پردازید و هرگاه پشت کرد به واجبات اکتفا کنید».

میانه روی و اعتدال

در این باره توصیه های فراوانی از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه هایی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده اند: «یا علی! این دین استوار و محکم است پس روش و حرکت دینی تو باید با حوصله و مدارا باشد و عبادت خدا را در نظر خودت مبعوض و ناپسند نکن چون کسی که افراط و تدریج داشته باشد (مانند کسی است که پشت و کمر مرکب را زخمی و رنجور کرده و در عین حال مسافتی را هم طی نکرده (کنایه از زحمت بیهوده کشیدن است))» ۳.

امام علی علیه السلام نیز در وصیت های خود به فرزندش فرموده است: «ای فرزند عزیزم! اقتصاد و میانه روی داشته باش در امور زندگی و در عبادات. و بر تو باد که عمل خود را طوری ترتیب دهی که همیشه تا آخر عمر طاقت ادامه آن را داشته باشی» ۴.

باید برای خود برنامه ای منسجم تنظیم کرد، به گونه ای که بتوانید هم نشاط عبادی خود را حفظ کنید و هم فعالیت های دیگر زندگی اعم از تفریح، ورزش و کار و تحصیل خود را به خوبی ادامه دهید.

سبک شمردن نماز

پرسش ۶۰. منظور از سبک شمردن نماز چیست؟

در روایت معروف امام صادق علیه السلام آمده است: «**إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ**» ۵؛ «شفاعت ما شامل کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی شود».

مقصود از سبک شمردن نماز، این است که انسان برای نماز ارزش و اهمیت لازم و شایسته را قائل نباشد و با وجود داشتن اختیار و قدرت بر خواندن آن نسبت به این فریضه الهی سستی نماید.

سبک شمردن نماز دارای مراتب و درجاتی می باشد که در آیات و روایات متعددی به مراتب و مصادیق سبک شمردن نماز پرداخته شده است؛ که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می نمایم:

تأخیر نماز

یکی از بارزترین و شایع ترین مصادیق سبک شمردن نماز این است که انسان بدون هیچ عذری نماز خود را به تأخیر بیندازد به گونه ای که یا در آخر وقت خوانده شود و یا به طور کلی نماز قضا گردد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۴ و ۵ سوره ماعون که خداوند متعال فرموده است: «**فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ**» فرموده اند: «مراد از بی اعتنائی به نماز در این آیه، تأخیر آن از اول وقت بدون عذر است» ۶.

با عجله خواندن نماز

نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «**أَسْرَقُ النَّاسُ فَالَّذِي يَسْرِقُ مِنْ صَلَاتِهِ تُلْفُ كَمَا تُلْفُ الثُّوبُ الْخَلْقُ فَيَضْرَبُ بِهَا وَجْهَهُ**» ۷؛ «دزدترین مردم کسی است که به خاطر سرعت و شتابزدگی از نماز خود کم کند، نماز چنین انسانی، همچون جامه مندرسی در هم پیچیده شده، به صورت او پرتاب می گردد».

در حدیث دیگری نقل گردیده مردی در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام نماز خود را با شتاب بجا می آورد حضرت نگاهی به او کرده و فرمود: چند وقت است این گونه نمازخوانی؟ او گفت: مدّت هاست. حضرت فرمود: مثّل تو نزد خداوند مثّل کلاغ می باشد (که به جای سجده منقار بر زمین می کوبد) اگر این گونه بمیری بر غیر ملّت و دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرده سپس فرمودند: «به درستی که دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد» ۸.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ وَلَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُتِمُّ رُكُوعَهَا وَ سُجُودَهَا»؛ «کسی که رعایت امانت نکند ایمان ندارد، و کسی که در بند پیمان نباشد دین ندارد، و کسی که رکوع و سجده نمازش را کامل انجام ندهد (مثل این است که) نماز نخوانده است».

نبی اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید: «مَنْ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَرَاهَا النَّاسُ وَ أَسَاءَهَا حِينَ يَخْلُو فِتْلِكَ اسْتِهَانَةٌ»؛ «آن کس که در مقابل مردم با دقت نماز بخواند و در خلوت بدون دقت نماز گزارد به نماز بی اعتنائی کرده است».

کسالت و بی حالی

خداوند متعال در وصف این دسته از نمازگزاران می فرماید:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى...»؛ «منافقان می خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با کسالت برمی خیزند...».

بی توجهی

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «علیک بالاقبال علی صلاتک فانما یحسب لک منها ما اقبلت علیه منها بقلبک و لا تعبت فیها ببیدیک و لا براسک و لا بلحیتک و لا تحدث نفسک و لا تتشاءب و لا تتمطا و لا تکفر...»؛ «بر تو باد توجه کامل به نمازت، پس همانا، آن مقدار که در نماز حضور قلب داشته باشی، حساب می شود، در نماز با دست و سر و ریش خویش بازی مکن، و در نماز با خودت صحبت نکن و خمیازه نکش...».

یکی دیگر از مصادیق سبک شمردن نماز که در مراتب پایین سبک شمردن نماز به حساب آورده می شود و در روایات نسبت به آن مذمت شده این است که انسان قبل از وقت نماز، آماده نماز نباشد مثلاً وضوی خود را به تأخیر انداخته باشد^{۱۳}.

در روایات متعددی به سرنوشت نافرجام کسانی که نسبت به نماز اهمیت نمی دهند پرداخته شده است. از جمله روایتی که از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده که ایشان از پدر بزرگوارشان پرسیدند: پدر جان! زنان و مردانی که نسبت به نماز بی اعتنا هستند و نماز را سبک می شمارند، چه عواقبی را در پیش دارند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای فاطمه جان! هر کس از مردان و زنان نمازش را سبک بشمارد خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می سازد: شش مورد در دنیا، سه مورد در وقت مرگ، و سه مورد آنها در قبر و سه مورد در قیامت زمانی که از قبر خارج شود:

الف) اما آن شش بلاهایی که در دنیا دامگیرش می شود:

- خداوند برکت را از عمرش می برد.

- خداوند برکت را از رزقش می برد.

- خداوند عزّ و جلّ سیمای صالحین را از چهره اش محو می کند.

- هر عملی که انجام می دهد پاداش داده نمی شود.

- دعایش به آسمان نمی رود.

- بهره ای از صالحین برای او نیست.

ب) اما آن سه بلاهایی که هنگام مرگ گرفتارش خواهد شد:

- ذلیل از دنیا می رود.

- هنگام مرگ در حال گرسنگی خواهد بود.

- تشنه از دنیا خواهد رفت اگرچه آب همه نهرهای دنیا را به او بدهند.

ج) اما آن سه بلایی که در قبر دامگیرش می شود:

- خداوند مأموری از فرشتگان در قبر برای او می گمارد تا او را زجر دهد.

- قبرش برای او تنگ خواهد شد.

- گرفتار ظلمت و تاریکی قبر خواهد شد.

(د) اما آن سه بلایی که در روز قیامت گرفتار خواهد شد:

- خداوند ملکی را موکل می سازد او را با صورت بر روی زمین بکشد، در حالی که خلائق تماشا می کنند.

- محاسبه اعمالش به سختی انجام می شود.

- خدا به نظر لطف به او نمی نگرد و برای اوست عذاب همیشگی. ۱۴-

علاوه بر این، روایات دیگری نیز پیامدهای منفی سبک شمردن نماز را برشمرده اند که تعدادی از آنها را ذکر می نمایم:

محرومیت از شفاعت

امام صادق علیه السلام در لحظات پایانی عمر شریفشان فرمودند: «إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»؛ ۱۵ «به شفاعت ما نخواهد رسید کسی که نماز خود را سبک شمارد».

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَيُّسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَى الْخَوْضِ لَا وَاللَّهِ»؛ ۱۶ «از من نیست کسی که نمازش را سبک بشمارد. قسم به خدا بر حوض کوثر بر من نخواهد رسید».

در روایت دیگری امام رضا علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ أَنْ تَكْسَلَ عَنْهَا أَوْ تَتَوَانَى فِيهَا أَوْ تَتَهَاوَنَ بِحَقِّهَا أَوْ تُضَيِّعَ حَدَّهَا وَ حُدُودَهَا أَوْ تَنْقُرَهَا نَقْرَ الدِّيكِ أَوْ تَسْتَخِفَّ بِهَا أَوْ تَشْتَغِلَ عَنْهَا بِشَيْءٍ مِنْ غَرَضِ الدُّنْيَا أَوْ تُصَلِّيَ بِغَيْرِ وَقْتِهَا»؛ ۱۷ «بپرهیزد از این که در نماز سستی و تنبلی کنی و یا حدودش را ضایع کنی یا از روی دستپاچگی رکوع و سجده نماز را آن چنان بجا آوری که گویی همچون خروس منقار می زنی یا این که نماز را سبک بشمارید یا این که به جای نماز به امور دنیوی مشغول شوید و یا در غیروقت نماز بخوانید».

محشور شدن با طاغوتیان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تُضَيِّعُوا صَلَاتَكُمْ فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَاتَهُ حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فَأَوَّلُ لِمَنْ لَمْ يَحَافِظْ عَلَى صَلَاتِهِ وَ آدَاءِ سُنَّةِ نَبِيِّهِ»؛ ۱۸ «نماز خود را تباه نکنید، زیرا کسی که نمازش را تباه سازد با قارون و هامان محشور می گردد و بر خدا ثابت است که او را با منافقان وارد دوزخ کند. وای بر کسی که بر نماز و ادای سنت پیامبر خود مواظبت نکند».

گرفتار شدن به گناهان کبیره

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِابْنِ آدَمَ ذَعْرًا مِنْهُ مَا صَلَّى الصَّلَوَاتِ الْخُمْسَ لَوْ قَتَلَتْهُنَّ فَإِذَا ضَيَعْنَهُ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ»؛ ۱۹ «پیوسته شیطان از پسر آدم تا هنگامی که نمازهای پنج گانه را در وقت خود انجام دهد ترس و وحشت دارد، ولی آنگاه که نمازها را تباه ساخت بر او جرأت پیدا می کند و او را در گناهان بزرگ وارد می سازد».

خوش شانسی بی نماز

پرسش ۶۱. بنده یک دوست و هم اتاقی دارم که نماز نمی خواند، ولی او به مراتب از من در کسب نمره موفق تر است و بسیار خوش شانس و خوش اقبال بوده و همیشه با غرور می گوید خدا با من است. حال سؤال من این است چگونه این فردی که نه مقید به نماز است، نه مقید به روزه و واجبات است پس چرا از من موفق تر است؟

در این باره گفتنی است؛ موفقیت تحصیلی و پیشرفت های مادی به طور معمول مرهون تلاش و استعداد انسان است. چه بسا این فرد از استعداد و دقت بیشتری بهره مند باشد. بنابراین در هنگام مقایسه باید توجه داشته باشیم که در شرایط مساوی با بهره هوشی مساوی و وقت گذاری یکسان به نتیجه

گیری اقدام کنیم.

بدیهی است که هرگاه دو نفر با بهره‌هوشی و دقت و زمان یکسان، تلاشی را آغاز کنند به طور بدیهی فردی که از عوامل معنوی نیز بهره‌مند باشد از شرایط مناسب‌تر و آرامش بیشتر نیز برخوردار خواهد بود. متأسفانه گاهی در هنگام مقایسه یک نفر با هوش بیشتر و با تلاشی بیشتر با یک نفر دیگر که مذهبی است اما هوش و تلاش کمتری دارد مقایسه می‌شود، در حالی که اگر امکانات و شرایط مساوی باشد به طور حتم جوانان مؤمن، با انگیزه و پشتکار بیشتر خواهند بود و موفقیت‌های آنها چشمگیر است چنان‌که اکنون در برخی پروژه‌های جهاد دانشگاهی یا صنایع مختلف، نمونه‌های فراوانی از جوانان مذهبی و تحصیل‌کرده و دارای رتبه‌های خوب علمی و تخصصی دیده می‌شود.

علاوه بر این که در زندگی باید به ادامه و پایان راه نیز اندیشید. کسانی که موقعیت دارند اگر آلوده به گناه شوند به طور معمول رفته رفته موفقیت‌های آنها کم می‌شود، اما کسانی که علاوه بر تحصیل و تلاش، زندگی پاک دارند روند رو به رشد را طی می‌کنند. خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ»؛ «گرامی‌ترین شما پرهیزگارترین شماست».

این یک قانون تخلف‌ناپذیر است. همچنین خداوند بعد از یازده سوگند می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»؛ «همانا کسی که تزکیه (و تقوا) [پیشه] کرد رستگار می‌شود».

مفهوم آن این است که انسان بی‌تقوا که نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد، رستگار نخواهد شد مگر این که از این مسیر اشتباه برگردد.

علاوه بر این که همیشه موفقیت‌های دنیوی نشانه محبوب بودن نیست. خداوند در سوره «زخرف» به تمامی کسانی که ممکن است موفقیت‌های مادی را به عنوان معیار دوری و نزدیکی افراد به خدا قرار دهند چنین پاسخ می‌دهد: «اگر بهره‌مندی کفار از مواهب مادی سبب نمی‌شد که مردم، همراه شوند، ما برای کسانی که کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی که از آن بالا روند! و برای خانه‌های آنها درها و تخت‌هایی (زیبا و نقره‌گون) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند. ولی تمام اینها متاع زندگی دنیاست و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است. هر کس از یاد خدا رویگردان شود شیطانی را به سراغ او می‌فرستیم و همواره قرین او باشد. و آنها (شیاطین) این گروه را از راه خدا بازمی‌دارند، در حالی که گمان می‌کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند».

کفر بی‌نماز

پرسش ۶۲. آیا درست است که می‌گویند کسی که نماز را ترک کند کافر است؟!

در این باره روایات متعددی نقل شده است که تارک نماز، کافر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ»؛ «هرکس عمداً نمازش را ترک کند، کفر ورزیده است» و در روایت

دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده ایشان بیان داشته اند: «إِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ كَافِرٌ»؛ «همانا ترک‌کننده نماز واجب، کافر است».

البته باید دانست، کفر در فرهنگ قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام به پنج معنا آمده است:

۱. کسی که اعتقاد به خدا و رسول و معاد ندارد مانند مشرکان.

۲. کسی که حق را می‌پوشاند.

۳. کفر نعمت (کفران نعمت).

۴. کفر به معنای ترک دستور خداوند و مخالفت کردن با او.

۵. کفر به معنای براءت و بیزاری جستن.

مرحوم مجلسی بزرگ (ره) می‌فرماید: «کفر» در روایات نماز به معنای چهارم - یعنی ترک دستور خداوند و مخالفت با او است - می‌باشد. ۲۴

به عبارت دیگر دو نوع کفر مطرح است؛ یکی کفر اعتقادی و دیگری کفر عملی. با این تفاوت که در شرک و کفر اعتقادی، کافر به طور کلی از دایره دین

الهی و مسلمانی خارج است و از نظر فقهی نجس می باشد اما در کفر عملی، برخی رفتارهای او مانند مشرکان است مثل ترک کننده نماز که رفتار او شبیه کافران است. اما اعتقاد به خدا دارد در نتیجه مشرک و نجس نیست.

به همین جهت، از لحاظ فقهی «کافر، کسی است که خدا را منکر شود یا برای خدا شریک قرار دهد یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله را قبول نداشته باشد. هم چنین اگر در یکی از اینها شک داشته باشد و نیز کسی که ضروری دین، یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه، مسلمانان جزء دین اسلام می دانند، منکر شود، کافر و نجس است، البته اگر چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن چیز به انکار خدا یا توحید یا نبوت برگردد، نجس است و اگر نداند، احتیاطاً باید از او اجتناب کرد...» ۲۵، کسی که نماز را ترک نموده چند قسم است:

۱. ترک نماز به جهت انکار دین به طوری که معتقد به خدا نیست و با لجاجت می گوید: اگر چه خدا گفته اما من انجام نمی دهم! در این صورت منکر ضروری دین شده و کافر است و از لحاظ فقهی نیز محکوم به نجاست می باشد و چنین فردی به عذاب ابدی دچار می گردد.
 ۲. ترک نماز به دلیل مسامحه کاری و کم اعتنائی به امور اخروی و اشتغال به سرگرمی های دنیوی. این قسم از ترک نماز موجب فسق است و گناه کبیره شمرده می شود اما چنین فردی مسلمان می باشد و از لحاظ فقهی نیز حکم به طهارت چنین فردی می شود.
 ۳. ترک نماز در برخی اوقات: فردی در اثر ضعف ایمان و کم اعتنائی به امر آخرت گاهی نماز می خواند و گاهی ترک می کند و یا در اثر اهمیت ندادن به اوقات نماز، گاهی آن را در وقتش ترک می کند به خیال آن که در خارج وقت آن را قضا کند.
- این قسم سوّم هر چند مانند دو قسم قبل نیست ولی چنین فردی از ضایع کنندگان نماز و سبک شمارندگان آن است و در روایات آمده است که چنین کسی مشمول شفاعت اهل بیت علیهم السلام قرار نمی گیرد و به شفاعت محمد و آل محمد علیهم السلام نائل نمی گردد.
- ترک نماز آثار و نتایج شوم فراوانی دارد؛ که به گوشه هایی از آن اشاره می شود:

دور ماندن از امان

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «**من ترک الصلوة متعمداً من غیر علة فقد برء من ذمة الله و ذمة رسوله**» ۲۶؛ «کسی که نماز را عمداً و بدون علّت ترک کند از امان خدا و رسولش دور خواهد بود».

تسلط شیطان

امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانیش از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شیطان همواره از پسر آدم وحشت دارد و فاصله می گیرد تا زمانی که نمازهای پنج گانه اش را در وقتش بجا می آورد. پس هرگاه آنها را ضایع کرد بر او جرأت پیدا می کند و او را بر گناهان بزرگ وادار می سازد» ۲۷.

محرومیت از دین

شخصی که عبادت الهی را ترک نماید، در واقع دین خود را منهدم نموده است از همین رو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «**فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ**» ۲۸؛ «کسی که عملاً نمازش را ترک کند، به تحقیق که دینش را منهدم کرده است» و لذا به فرموده امام صادق علیه السلام: «**أَلَا حَظٌّ فِي الْأَسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ**» ۲۹؛ «تارک نماز، حظّ و بهره ای از اسلام ندارد». چرا که فاصله بین کافر و مسلمان، نماز است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: «**بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ**» ۳۰؛ «فاصله کفر و بندگی ترک نماز است». و در فراز دیگر از آن حضرت نقل شده است: «**من ترک الصلوة متعمداً فقد كفر**» ۳۱؛ «هر کس عمدتاً نمازش را ترک کند، کفر ورزیده است» زیرا در نماز به توحید در خالقیت و الوهیت اعتراف می شود.

سزاوار لعن

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «**تارک الصلاة ملعون في التوراة ملعون في الانجيل ملعون في الزبور ملعون في القرآن ملعون في لسان جبرئيل ملعون في**

لسان میکائیل ملعون فی لسان اسرافیل ملعون فی لسان محمد» ۳۲؛ «ترک کننده نماز در تورات و انجیل و زیور و قرآن مورد لعنت قرار گرفته و به زبان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و محمد صلی الله علیه و آله ملعون است».

زیان دنیا و آخرت

ترک نماز موجب می شود که اعمال شایسته دیگری که انجام می دهد نیز نابود گردد: «مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَفُوتَهُ مِنْ غَيْرِ عَذْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» ۳۳؛ «کسی که نمازش را بدون عذر ترک کند (نخواند) تا وقت آن بگذرد، عمل او نابود شده است».

بی نماز در دنیا زندگی پرمشقتی دارد و در قیامت کور محسور می شود؛ خدای متعال تصریح نموده هرکس از یاد الهی رویگردان شود زندگی سختی داشته و در قیامت کور محسور می شود:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» ۳۴؛ «و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می کنیم!»

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةً لَا يَرْجُو ثَوَابَهَا وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا فَلَا أَبَالِي أَيْمُوتُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا» ۳۵؛ «کسی که نماز را ترک کند، در حالی که امید به پاداش نماز نداشته و از عذاب آن نیز نمی ترسیده، پس باکی نیست که یهودی بمیرد، یا نصرانی، یا مجوسی».

افراد بی نماز با حقارت و ذلیلانه وارد جهنم می شوند همان گونه که خداوند متعال فرموده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» ۳۶؛ «آنان که از عبادت کردن به خداوند تکبر می ورزند، هر چه زودتر ذلیلانه به جهنم فرو خواهند رفت».

در قرآن کریم آمده: در قیامت یکی از سؤال هایی که بهشتیان از جهنمیان می پرسند در خصوص علت جهنمی شدن آنها می باشد که آنها جواب می دهند ما به خاطر این جهنمی شدیم که نماز نمی خواندیم. خداوند متعال این مکالمه را چنین بیان داشته:

«فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» ۳۷؛ «آنها (مؤمنان) در باغ های بهشتند، و سؤال می کنند... از مجرمان: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! می گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم».

لذا عاقبت بی نماز گرفتار شدن به عذاب الهی است مگر این که توبه نموده و به جبران گذشته خود پردازد. این سرنوشت شوم اختصاص به تارکین نماز ندارد بلکه دامن گیر آنان که به بی نمازها کمک کرده و آنان را از این مسیر انحراف باز نداشتند نیز خواهد شد ۳۸.

حقّ النَّاس

پرسش ۶۳. مگر خدا نفرموده است که حقّ النَّاس را رعایت کنید من از حقّ الله می گذرم حال اگر نماز نخوانیم خدا از حق خودش می گذرد؟

اولاً: از قرآن کریم و سایر متون دینی استفاده می شود که، بخشش گناهان و گذشت خداوند از حق خود، در جایی است که انسان گناهان و خطاهایی را از روی جهالت انجام دهد و توبه کرده و با عمل صالح، گذشته خود را جبران نماید در این صورت از حق خود می گذرد، نه این که عمداً گناه کند و اصرار بر عمل خود داشته باشد به این خیال که خداوند او را می بخشد. عفو و بخشش خداوند بدون دلیل نیست بلکه با حساب و کتاب است.

خداوند متعال در این باره فرموده است:

«ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» ۳۹؛ «اما پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، بدی کرده اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران برآمده اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است».

و یا در آیه دیگر می فرماید:

«وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» ۴۰؛ «و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم!».

بنابراین اگر کسی عمداً نماز نخواند براساس آنچه در روایات آمده موجب کفر او می شود و دیگر زمینه ای برای بخشش و گذشت می ماند.

ثانیاً: اگر قرار بود خداوند از حق خودش به این راحتی بگذرد به گونه ای که هر کس خواست به دستورات الهی عمل کند و هر کس دوست داشت آن را رها نماید؛ در این صورت چه لزومی داشت که اصلاً خداوند دستوری برای بندگانش صادر کند و یا دیگر لزومی نداشت تا خداوند متعال برای ابلاغ دستورات خودش به مردم صد و بیست و چهار هزار پیامبر را با آن همه مشقت هایی که برای آنها وجود داشت مبعوث نماید.

ثالثاً: اگر قرار باشد خدا نسبت به حق خودش در خصوص نماز بی تفاوت باشد دلیلی ندارد این همه آیات و روایات مربوط به عذاب کسانی که نسبت به نماز سهل انگارند و یا نماز نمی خوانند بیان نماید.

البتّه در مقایسه میان حقّ الله و حقّ النّاس، توبه و جبران حقّ النّاس بسیار مشکل تر است و این گونه روایات سختی حقّ النّاس را بیان می کند نه بی اهمیتی و بی تفاوتی نسبت به حقّ الله باشد.

خجالت نماز

پرسش ۶۴. گاهی خجالت می کشم در جمع دیگران نماز بخوانم. آیا می شود بعد نماز بخوانم؟

در انجام احکام الهی مثل نماز و روزه و دیگر واجبات، شرم و حیا عذر قابل قبولی نیست آنچه که می تواند در چنین مواقعی اعتماد به نفس شما را افزایش داده و خجالت شما را از بین ببرد تفکّر و همتّ و اراده است.

با خود ببندیشید آنهایی باید خجالت بکشند که دستور خالق و رازق خود را با نماز نخواندن کنار گذاشته اند نه شما که می خواهید فرمان الهی را اجرا نمایید و به نماز بایستید.

به یاد داشته باشید ائمه اطهار علیهم السلام همچون امام حسین علیه السلام در سخت ترین شرایط همچون ظهر عاشورا نماز را اقامه کردند چگونه می شود که ما در شرایطی که خطری جدی ما را تهدید نمی کند دست از نماز برداریم.

فراموش نکنید که چه بسا با این عمل خود، دیگرانی را هم که ممکن است مانند شما گرفتار خجالت شده باشند، تشویق به نماز نموده و آنها نیز ممکن است پس از شما به نماز بایستند که این خود امر به معروف عملی بوده و اجر فراوانی را نصیب شما می نماید.

این را بدانید که اگر به خاطر خجالت از دیگران نماز را رها کنید فردای قیامت هیچ یک از کسانی که شما به خاطر خجالت از آنها نمازتان را ترک کرده اید پاسخگوی عمل شما نمی باشند و این شما هستید که باید نسبت به ترک نماز خود حساب پس بدهید.

با خود اندیشه کنید که چه بسا قرار گرفتن در چنین موقعیتی، امتحانی از سوی خداوند برای ارزیابی پایبندی شما به دستورات دینی باشد لذا سعی کنید از این امتحان الهی سربلند بیرون بیایید.

نماز و معرفت

پرسش ۶۵. یکی می گفت: انسان نباید کورکورانه نماز بخواند بلکه ابتدا باید خدا را بشناسی (و او را حس کنی) بعداً هر زمان که این شناخت را پیدا کردی نماز بخوان! آیا این حرف قابل قبول است؟!

این که انسان نباید کورکورانه نماز بخواند و باید خدا را بشناسد و عبادت نماید، درست است؛ امّا این بدان معنا نیست که اوّل باید به اوج معرفت الهی رسید و بعد شروع به عبادت کرد. چون اساساً بدون عبادت شرعی محال است کسی خداشناس حقیقی شود. همین که انسان دانست خدایی هست و دینی فرستاده و دستوراتی داده، خود مرتبه ای از شناخت خداست. لذا به همین اندازه شناخت باید عمل نمود؛ و همزمان باید در راه شناخت عمیق تر خدا و دین او نیز بکوشد؛ و طبیعی است که هر چه شناخت بالا می رود، باید عبادت را هم متناسب با آن، عمق بخشید. پس باید دانست و عبادت کرد؛ و باید عبادت نمود تا قابلیت برای یقین بیشتری حاصل گردد؛ و چون علم فزون تر شد، باید عبادت را عمق بخشید و به این ترتیب و به صورت پله پله در

نردبان عبودیت و معرفت بالا رفت. لذا خداوند متعال فرمود:

«وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» ۴۱؛ «و پروردگارت را عبادت کن تا یقین به تو روی آورد».

علاوه بر این که خداوند متعال فرمود:

«... اتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمَكُمُ اللَّهُ» ۴۲؛ «تقوای الهی پیشه کنید! و خداوند به شما تعلیم می دهد».

و نیز امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ اللَّهُ مَا لَمْ يَعْلَمْ» ۴۳؛ «هر که به آنچه می داند عمل نماید، خداوند آنچه را که نمی داند به او تعلیم می دهد».

پس علم و معرفت خداوند متعال و عمل و عبادت، همانند پله های نردبانند که یک در میان قرار گرفته اند. یا همانند دو بال پرند اند که تنها با وجود هر دوی آنها می توان پرواز نمود. یا همانند روح و بدن می باشند که همواره باهمند. لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْعِلْمُ وَالْعَمَلُ قَرِينَانِ كَأَقْرِانِ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ وَلَا يَنْتَفِعُ بِأَحَدِهِمَا إِلَّا مَعَ الْآخَرِ» ۴۴؛ «علم و عمل همراهند مانند همراهی روح و بدن، و یکی بدون دیگری بی فایده است».

غیرمسلمانان

پرسش ۶۶. تکلیف این همه غیرمسلمانانی که نماز نمی خوانند چه می شود؟ حال آن که در بین آنها افرادی هستند که به بشریت خدمت کرده اند مثل مخترعین و دانشمندان و پزشکان؟

در برابر این پرسش سه رویکرد وجود دارد:

یک. انحصارگرایی سخت گیرانه

براساس این گمانه در میان همه اهل زمین تنها پیروان دین و مذهب و فرقه واحدی اهل نجات و رستگاری اند. به عنوان مثال تنها مسلمان شیعه دوازده امامی پای بند به همه اصول مذهب و احکام شریعت امکان رستگاری دارد و دیگران همه نارستگاراند. چنین نگرشی نه مبنای خردپذیری دارد و نه با منطق اسلام سازگار می باشد. از نظر عقلی این گمانه مغایر با اصل غلبه خیر بر شر است و از نظر دینی با غلبه رحمت خدا و هدف اساسی خلقت انسان و ملاک ها و معیارهای رستگاری و نارستگاری ناسازگاری دارد. ۴۵

دو. تکثرگرایی نجات

براساس این گمانه، همه پیروان ادیان اهل نجات و رستگاری اند. به عبارت دیگر شرط نیک فرجامی فقط دین داری است و بس، اما این که کدامین دین را برگزینیم هیچ نقشی در این زمینه ندارد. این گمانه مبتنی بر پلورالیسم دینی است که بطلان و ناراستی آن از نظر عقل و دین مورد بررسی واقع شد. ۴۶ سه. قرآن و نجات گرایی اعتدالی

قرآن در باب نجات نه سخت گیری انحصارگرایانه را برمی تابد و نه کثرت گرایی حق و باطل یکسان انگار را. در نگاه قرآن کفر و انحراف از دین حق دوگونه است:

۱. کفر عناد و لجاجت (جحود)؛ کسی که دارای چنین کفری است از نظر اسلام قطعاً مستحق عقوبت است.

۲. کفر جهالت و نادانی؛ چنین کفری اگر ناشی از تقصیر و کوتاهی عمدی شخص نباشد، بلکه صاحب آن از سویدای دل جوای حقیقت و پیرو آن در حدی که با آن آشناست باشد و با قلب سلیم و تسلیم قلبی در برابر حق، خدا را ملاقات کند؛ خداوند او را معذب نمی سازد؛ چرا که عذاب خدا تابع حجت هایی است که بر بندگان تمام کرده و واکنش های منفی آگاهانه و حق ستیزانه آنها در برابر حجج الهی. قرآن ضمن آن که تنها دین حق و صراط نجات را آیین اسلام می داند، به نکات مهمی در کنار این مسئله پیرامون شرایط نجات و رستگاری اشاره می کند از جمله: درباره قیامت می فرماید:

«يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» ۴۷؛ «روزی که مال و پسران سود نبخشند جز این که کسی با قلب سلیم نزد خدا بیاید. قلب سلیم نیز قلب تسلیم در برابر خدا و حقیقت است».

و از طرف دیگر قرآن می فرماید:

«وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا»؛ ۴۸؛ «ما چنین نیستیم که رسول نفرستاده (بدون اتمام حجت) کسی را عذاب کنیم».

و در جاهای دیگر قرآن یادآور شده است که:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»؛ ۴۹؛ «خدا هرگز پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد».

از آنچه گذشت روشن می شود که سعادت اخروی در گرو عوامل متعددی است از جمله:

- حسن فعلی یا گزینش راه درست،

- حسن فاعلی یعنی سلامت و پاکی درون و تسلیم امر حق بودن،

- برقراری حجت الهی و چگونگی برخورد و واکنش های انسان در برابر آن.

انگاره فوق خردپذیرترین انگاره است؛ در این انگاره از سویی مسئولیت انسان در جستجو و گزینش راه حق محفوظ است و از دیگر سو هیچ انسانی

صرفاً به جهت عدم دست یابی غیرارادی به راه حق و حقیقت مورد عذاب و شقاوت قرار نمی گیرد. ۵۰

بنابراین کسانی که پس از آگاهی از حق و آشکار شدن چهره اسلام، بر شرایع گذشته به ویژه با تحریفاتی که در آنها رخ داده باقی بمانند، از آنان پذیرفته

نیست و از زیانکاران خواهند بود:

«وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛ ۵۱؛ «و هر کس جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و

در آخرت از زیانکاران است».

مگر در مورد جاهلان قاصر که حکم آنان با خداست و به تناسب حسن فاعلی و حسن فعلی شان امید به لطف و عنایت الهی در مورد آنان وجود دارد.

اعمال خوب بی نماز

پرسش ۶۷. گفته می شود؛ قبولی اعمال انسان در گرو قبولی نماز است، حالا فرض بفرمایید فرد تارک الصلواتی کارهای خیر زیادی انجام داده مزد این

اعمال چه می شود؟ آیا این مسئله با عدالت خداوند منافات ندارد؟

در ابتدا گفتنی است؛ هر رفتار خوبی بدون سودمندی نیست. البته بعضی پاداش ها در همین دنیا داده می شود به طوری که گشایش ها و یا نعمت هایی در

زندگی او سرازیر می شود و یا بلاهایی از او دفع می شود و در قیامت نیز حتی برای کافران عذاب جهنم دارای مراتب مختلف است و برای کافرانی که

خدماتی داشته اند از تخفیف مجازات بهره مند خواهند شد.

جهت توضیح بیشتر نیز به چند نکته می توان اشاره کرد:

۱. افرادی که به خدا و آخرت ایمان ندارند، طبعاً هیچ عملی را به منظور بالا رفتن به سوی خدا انجام نمی دهند، و چون به این منظور انجام نمی دهند

قهرأ سیر و سلوکی از آنها به سوی خدا و عالم آخرت صورت نمی گیرد؛ پس طبعاً آنها به سوی خدا و ملکوت خدا بالا نمی روند و به بهشت نمی رسند؛

یعنی به مقصدی که به سوی آن نرفته اند، به حکم آن که نرفته اند، نمی رسند و این امر منافاتی با عدل الهی ندارد. ۵۲

۲. غیرمسلمانانی که به خدا و آخرت ایمان دارند و عمل خیر به قصد تقرب به خداوند انجام می دهند، اگر چه از مزایای اسلام بی بهره می مانند؛ اما

اعمال خیر آنها و انواع احسان ها و خدمت های آنها مورد پذیرش خداوند قرار می گیرد به شرط اینکه مسلمان نشدن آنها به جهت بی اطلاعی باشد. اما

اگر از جهت لجاجت و انکار و تعصب باشد از لطف و رحمت خداوند به دور خواهند ماند.

۳. اعمال خیر افرادی که به خدا و قیامت ایمان ندارند و چه بسا برای خدا شریک قائلند موجب تخفیف و احیاناً رفع عذاب آنها خواهد بود.

از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است: «در میان بنی اسرائیل مرد مؤمنی بود که همسایه ای کافر داشت که با آن مؤمن خوشرفتاری می کرد و

در کارهای خیر دنیوی با او همراه بود. هنگامی که آن کافر در گذشت، خداوند خانه ای از گل در دوزخ برای او بنا کرد که او را از حرارت آتش حفظ

می کرد و روزی اش از غیرجهنم به او می رسید، و به او گفته شد: این پاداش آن خوشرفتاری است که با فلان همسایه مؤمن خود داشتی و در کارهای پسندیده دنیوی همراه او بودی...» ۵۳.

مرحوم مجلسی پس از نقل این روایت در کتاب شریف بحارالانوار می گوید: این روایت و امثال آن دلیل است که عذاب برخی از کفار به خاطر اعمال نیکشان برداشته می شود. آیاتی که درباره کفار وارد شده که تخفیفی در عذابشان داده نمی شود در موردی است که چنین اعمال خیری از آنها صادر نشده باشد. ۵۴.

۴. آیات و روایاتی که دلالت می کند اعمال منکران نبوت یا امامت و یا ترک کنندگان نماز مقبول نیست، ناظر به آن است که آن انکارها از روی عناد و لجاج و تعصب باشد؛ اما انکارهایی که صرفاً عدم اعتراف است و منشأ عدم اعتراف هم قصور است نه تقصیر، مورد نظر آیات و روایات نیست. این گونه منکران از نظر قرآن کریم، مستضعف و «مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ» به شمار می روند و همان گونه که خداوند متعال فرموده:

«مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ» ۵۵؛ «به فرمان خدا واگذار شده اند (و کارشان با خداست)؛ یا آنها را مجازات می کند، و یا توبه آنان را می پذیرد» ۵۶.

دوستی با بی نماز

پرسش ۶۸. من دوستی دارم که نماز نمی خواند از طرفی شنیده ام که دوستی با بی نماز گناه است، من اصلاً نمی خواهم دوستی ام را با او به هم بزنم. آیا واقعاً دوستی با بی نماز گناه است؟

در این باره خداوند در قرآن می فرماید:

«فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» ۵۷؛ «اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمایند. و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند (و می اندیشند)، به تفصیل بیان می کنیم».

در اینجا شرط دوستی و برادر دینی بودن زکات دادن و نماز خواندن شمرده شده است و اگر می خواهید ببینید که شخصی به درد دوستی می خورد یا نه، ببینید که آیا واجباتش، از جمله نمازش را بجا می آورد یا نه؟ و همچنین در آیه دیگر خداوند می فرماید:

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا» ۵۸؛ «با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می خوانند، و تنها رضای او را می طلبند! و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برنگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن! همانها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است».

در اینجا نیز خداوند دوست خوب را کسی معرفی می کند که به یاد خدا باشد و به ذکر خداوند و نماز مشغول باشد.

در روایات نیز یکی از مهم ترین ملاک های انتخاب دوست و همنشین را نماز قرار داده است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده: «اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصْلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي

مَوَاقِيتِهَا وَالْبِرِّ بِالْأَخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ» ۵۹؛ «برادران خود را با دو خصلت آزمایش کنید پس اگر آن دو خصلت در آنها بود خوب است، و گر نه دور شوید، دور شوید، دور شوید: مواظبت او بر نمازهایش در اوقات آن، نیکی به برادران در سختی و گشایش».

وظیفه هر یک از افراد به تناسب شرایط و جایگاهشان، در نحوه برخورد با افراد بی نماز متفاوت است. کسانی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر به نماز را دارند وظیفه آنها در برخورد با افراد بی نماز آن است که پس از ریشه یابی علت روی نیاوردن فرد به نماز با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر همراه با آرامش و اخلاق اسلامی و از طرق مختلف فرد بی نماز را نسبت به خواندن نماز ارشاد نمایند.

مثلاً اگر علت بی نمازی فرد به دلیل ندانستن فلسفه و اسرار نماز می باشد وی را با حکمت ها و اسرار نماز آشنا نماید و اگر علت آن را در بلد نبودن

نماز می بیند وی را با یاد دادن نماز یاری نماید و یا اگر علّت آن وجود برخی سوالات و شبهات راجع به نماز می باشد به پاسخگویی نسبت به این سوالات اقدام نموده و یا او را با کتاب هایی که در همین زمینه تألیف گردیده آشنا نماید. ۶۰

اگر کسی تمامی وظایف خود را انجام داده ولی فرد بی نماز آنها را نپذیرفت، می توان با دوری کردن از وی مخالفت خود را اظهار نمود.

ازدواج با بی نماز

پرسش ۶۹. آیا می توان با شخص بی نماز ازدواج کرد و جواب مثبت به خواستگاری وی داد؟

همان طور که می دانید ازدواج از جمله مسائل مهم در زندگی انسان می باشد که موفقیت در این امر باعث آرامش و موفقیت های بعدی انسان خواهد شد.

به طور خلاصه دو حالت در خصوص خواستگار بی نماز می تواند وجود داشته باشد.

حالت اول؛ این خواستگار، ملاک های همسر مناسب از جمله ایمان قلبی و سلامت اعتقادی را دارا بوده و مشکل نماز نخواندن ایشان، یک مشکل عقیدتی نیست بلکه یک حالت گذرا است که معمولاً در مراحل از زندگی انسان ها رخ می دهد. به طور مثال؛ نداشتن انگیزه قوی برای خواندن نماز، آگاه نبودن از فلسفه و اسرار نماز، داشتن سؤال و ابهام نسبت به بعضی از مسائل اعتقادی که در صورت ازدواج با چنین فردی می توان با انجام راه کارهایی، او را نسبت به انجام نماز تشویق کرده که البته این امر مهم، احتیاج به زمان، صبر و حوصله زیادی خواهد داشت. در این حالت هر چند می توان نگاه مثبتی به این ازدواج داشت، اما کسی که می خواهد به چنین خواستگاری پاسخ مثبت دهد باید تمامی سختی های مسیر را نیز در نظر گرفته و با کنار گذاشتن احساسات خود تصمیمی عاقلانه اتخاذ نماید تا در آینده گرفتار پشیمانی و حسرت نگردد.

حالت دوم؛ که می توان در این زمینه تصوّر کرد این است که؛ مشکل نماز نخواندن ایشان ناشی از ضعف اعتقاد و ایمان وی می باشد در این صورت مسئله عدم کفویت و نابرابری در ایمان به وجود می آید و ثمره آن چیزی جز کشمکش و آشفتگی در زندگی مشترک آینده تان نخواهد بود. زیرا کسی که پای بند به دین (که اصلی ترین مسئله زندگی است) نباشد هیچ تضمینی وجود ندارد که پای بند به رعایت حقوق همسر و زندگی مشترک باشد. انسان دین دار هرگز نمی تواند با همسر بی دین کنار بیاید و با هم زندگی سعادتمندانه ای داشته باشند.

فراموش نکنیم که شخصی که تصمیم ازدواج با دیگری را دارد هدف از ازدواج او نمازخوان کردن و یا اصلاح اعتقادات طرف مقابلش نمی باشد بلکه می خواهد با ازدواجش به آرامش، سکون و... دست پیدا کند. تجربه نشان داده آنهایی که همسر مناسب و تربیت یافته انتخاب نموده اند در ادامه زندگی با مشکلاتی مواجه می شوند چه رسد به آن که بخواهد همسرش را براساس شاخصه های مورد نظرش توجیه کند؛ لذا بهتر است وضعیت فعلی طرف مقابل را در نظر گرفته و به این دل خوش نکرد که بعد از ازدواج نمازخوان خواهد شد.

در نتیجه کسی که مقید به احکام شرعی و پایبند به دین و مسائل دینی هست و دوست دارد در آینده با همسری متدین زندگی کند باید از همان ابتدا همسری انتخاب کند که حد نصاب از ایمان و التزام عملی به احکام شرعی را داشته باشد.

در پایان این نکته را نیز متذکر می شویم که در اسلام هم کفو بودن دختر و پسر شرط ازدواج می باشد و از نظر معارف اسلام و روایات اهل بیت و نیز سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها چیزی که کفویت را احراز می نماید ایمان است. ایمان یعنی اعتقاد باطنی به خداوند و التزام عملی به مقتضای ایمان، یعنی به دین و آموزه اسلام. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله مردی سیاه پوست و فقیر به نام «جویر» را به «دلفار» دختر زیادبن لبید تزویج نمود و فرمود: «الْمُؤْمِنُ كُفُوٌ لِلْمُؤْمِنَةِ وَالْمُسْلِمُ كُفُوٌ لِلْمُسْلِمَةِ» ۶۱؛ «مرد مؤمن همتای زن مؤمن و مرد مسلمان همتای زن مسلمان است».

ارشاد بی نماز

پرسش ۷۰. یک فرد بی نماز را چگونه می توانیم ارشاد و راهنمایی نماییم به گونه ای که از اسلام خسته نشوند و در نهایت نمازخوان گردند؟

همه انسان ها دارای فطرت الهی می باشند لذا می توانید از این ویژگی بهره جسته و شخص مورد نظرتان را تشویق به نماز کنید و به عنوان نمونه این گونه مطرح نمایید که:

برخی از مسائل است که تنها به دست خدا بوده و هیچ بشری نمی تواند در آن دخالت کند، مانند طول عمر و بسیاری از اوقات انسان دچار فراز و نشیب گوناگون می شود که غیر از خدا پناهگاهی ندارد.

از او بپرسید در چنین مواقعی می خواهد دست به دامن چه کسی بشود؟ اگر می خواهد دست به دامن غیر خدا بشود که از آنها کاری بر نمی آید و اگر می خواهد از خدا استمداد بجوید این کار را چگونه می خواهد انجام دهد؟ آیا می تواند از خدایی که به دستوراتش گوش نداده بخواد که او به حرفش گوش کند و خواسته اش را برآورده سازد؟!

پس انسان باید یک راهی را جهت ارتباط با خدا برای خود باز گذارد تا بتواند در چنین مواقعی به درگاه الهی التماس کند و بهترین راه همان نماز می باشد.

از ویژگی های فطری هر انسانی این است که در مقابل نعمتی که دیگران به وی عطا می کنند سپاسگزار بوده و تشکر می نماید. فطرت انسان خواهان تشکر از ولی نعمت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «جَبَلَتِ الْقُلُوبُ عَلٰی حَبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا» ۶۲؛ «قلب ها براساس دوستی و محبت کسی که به انسان احسان کند، آفریده شده است» و از آنجا که خداوند خالق و هستی بخش ماست و از سویی همه نعمت ها و برکاتی که در زندگی ما وجود دارد از آن اوست، بنابراین لازم است به اقتضای تکلیف فطری خودمان از خداوند تشکر کنیم. حال این تشکر باید به چه شکل و کیفیتی باشد؟ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهترین نوع تشکر و تعظیم در برابر خداوند را از راه نماز به ما معرفی فرموده اند.

در روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرموده اند: «آن قدر پیامبر در نماز ایستاد تا قدم هایش ورم کرد چنان در روزه داری تشنه می شد آب دهانش خشک می گردید، گفتند یا رسول الله مگر خداوند وعده مغفرت به تو نداده؟ می فرمود آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟! خدای را سپاس بر نعمت و آزمایشش و او را ستایش از ابتدا تا انتهای روزگار. به خدا سوگند اگر اعضايم قطع شود و چشمانم بر روی سینه ام بیفتد هنوز سپاس یک دهم از یک نعمت از نعمت های بی شمارش را نکرده ام ستایش تمام ستایشگران به پایه یک نعمت او نمی رسد» ۶۳.

راه عقل و استدلال

یکی از مهم ترین ابزارهایی که خداوند متعال در اختیار بشریت قرار داده عقل و اندیشه می باشد که به وسیله آن به مصالح و مفاسد خود پی برده و می تواند مسیر صحیح را انتخاب نماید.

شما نیز می توانید با طرح موضوعات و مسائل گوناگونی این ابزار مهم را به کار انداخته و افراد را به اندیشه وادارید تا به این وسیله به نماز رو بیاورند. یادآوری نمایید که اگر بر فرض خواندن نماز، واجب نباشد و یا کار درستی نباشد؛ آنهایی که نماز می خوانند در برابر آنهایی که نماز نخوانده اند چیزی را از دست نداده اند (چون به غیر از مدت کوتاهی که در روز برای نماز گذاشته اند مانند بقیه مردم از این دنیا بهره برده اند)؛ اما اگر آنچه را که نمازخوان ها می گویند درست باشد، کسانی که نماز خوانده اند نجات یافته و آنهایی که نماز نخوانده اند بی بهره مانده اند و چه بسا گرفتار عذاب شوند و هر انسان خردمند و عاقلی ترجیح می دهد راهی را انتخاب کند که ضرری متوجه او نشود.

امام صادق علیه السلام در یکی از این مناظرات به ابن ابی العوجاء فرمود: «اگر امر چنان باشد که تو می گویی؛ و حال آن که چنان نیست که تو می گویی ما نجات یافتیم و تو نجات یافتی؛ و اگر امر چنان باشد که ما می گوییم و حال آن که آن چنان است که ما می گوییم ما نجات یافتیم و تو هلاک شده ای» ۶۴.

هر از چند گاهی (همچون شب های جمعه) سری به قبرستان و مزار گذشتگان بزنید و به وی گذر عمر و مرگ و بیهوده نبودن جهان هستی را یادآور شوید که این امر علاوه بر این که تأثیر بسزایی در کاهش روحیه تکبر و غرور دارد انسان را به فکر و عبرت اندوزی فرو خواهد برد.

دیدگاه فرد در مورد خداوند، جهان هستی، انسان، معاد... اموری است که دارای نتیجه مستقیم بر عملکرد فرد است، پس باید به تقویت و اصلاح این مبانی کوشید. اگر خلأ عمده ای که موجب ترک نماز شده، مشکل فکری است و در فلسفه نماز دچار اشتباه شده و آن گاه نتیجه نادرستی گرفته است به پر کردن این خلأ فکری بپردازید و راه اصلاح وی نیز تصحیح اندیشه ایشان است که البته کار آسانی هم نیست و نیازمند فرصتی طولانی و نیز استفاده از روش های اصولی و تدابیر خردمندانه است.

راه عاطفی

از او سؤال نمایید که دوست دارد چگونه فرزندی داشته باشد فرزندی که نسبت به مسائل دینی مقید باشد و یا فرزندی که در خصوص مسائل دینی بی توجه باشد و اگر جواب وی این است که دوست دارد فرزندش مقید به مسائل دینی باشد به او بگویید: خودت این چنین باش تا بتوانی الگوی مناسب برای فرزندت باشی.

اگر دوستانی مذهبی و از خانواده های مذهبی دارد از طریق آنها می توان توجه او را بیشتر به نماز جلب کرد. به این صورت که اگر مسجدی در نزدیکی خانه شماست به دوستان او تلفن بزنید که بیایند در خانه و او را با خود به مسجد ببرند و او را با مسجد مرتبط بسازید یقیناً اثر بسیار چشمگیری بر او خواهد گذاشت.

سعی کنید افرادی که صحبت آنها بر روی آنان نافذ است، پیدا کنید و از آنان بخواهید که با مهارت و شگرد شایسته ای، با آنها درباره نماز صحبت کنند. این کار را می توان از طریق جلسه میهمانی یا در طول مسافرت به انجام رساند.

تلاش کنید از نماز بزرگان و شخصیت ها و نخبه های علمی، فرهنگی و ورزشی در نزد ایشان صحبت کنید. مثلاً حضرت علی علیه السلام با همه شخصیت و گرفتاری هایی که داشتند، چگونه و با چه اشتیاقی به اقامه نماز می پرداختند. همچنین گرایش رجال بزرگ سیاسی، علمی همچون شهید رجایی، شهید بابایی و... به نماز را، به ایشان گوشزد کنید.

تمام انتظارات و دستورات خود را در قالب محبت و دوستی بیان کنید.

به شخصیت او به خصوص در جمع دوستان احترام بگذارید.

از سخت گیری و زیاده روی پرهیز نموده و نماز را سهل و آسان جلوه دهید و به او متذکر شوید که میزان وقتی که انسان در طول ۲۴ ساعت، برای نماز صرف می نماید در مقایسه با وقتی که انسان برای خواب و خوراک و حتی دیدن فیلم و یا اینترنت می گذارد چیزی نیست.

در صورت اقدام به اقامه نماز، ایشان را مورد تشویق قرار دهید.

صفات پسندیده و نقاط مثبتی که در ایشان هست را مد نظر قرار دهید و همواره ایشان را به خاطر آن ویژگی های مثبت مورد احترام و تکریم قرار دهید. علاوه بر معرفی کتاب هر چیزی که احتمال می دهید در تشویق او برای خواندن نماز مفید است فراهم کنید.

هرگز وی را سرزنش نکنید و از طریق نکوهش و سرزنش نخواستہ باشید افکار و اندیشه های خود را به وی منتقل و یا تحمیل کنید.

زمینه های گناه همچون ماهواره و فیلم های مبتذل و موسیقی های حرام را از او دور کنید.

بهترین روشی که از سوی معصومین علیهم السلام برای جذب دیگران به راه خدا معرفی شده این است که خودمان با اشتیاق و علاقه به احکام دینی اسلام عمل کنیم و همیشه به دستورات دینی پایبند باشیم و در واقع با عمل خود دیگران را به دستور دینی دعوت کنیم به عبارت دیگر احکام دینی را با عمل خود تبلیغ کنیم.

قرآن در سوره بقره می فرماید:

«اتَّامِرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» ۶۵؛ «آیا دیگران را به نیکی دعوت می کنید در حالی که خودتان را فراموش کرده اید».

حضرت صادق علیه السلام فرمود: مردم را با غیر زبان خود (با اعمال و رفتار خود) به راه حق دعوت نمایید. باید مردم از شما ورع و کوشش و نماز و اعمال خیر ببینند؛ که این روش کاملاً جلب کننده است. ۶۶

عزاداری و نماز

پرسش ۷۱. گاهی مجلس عزاداری طول می کشد و نماز اول وقت خوانده نمی شود و یا شب ها دیر می شود و نماز صبح قضا می شود. آیا این عزاداری قبول است؟!

عزاداری و گریه بر حضرات معصومین علیه السلام از اهمیت فراوانی برخوردار است و از مستحبات مهم می باشد و تأثیرات تربیتی فراوانی دارد، اما یکی از آثار تربیتی عزاداری صحیح پابندی به نماز و نماز اول وقت است. چنان که هدف اصلی امام حسین احیا دین و زنده کردن دستورات الهی و روح بخشیدن به نماز بوده است، از همین رو خود امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا نماز خواند و حاضر نشد در صحنه جهاد و جلوی تیرباران دشمن نماز اول وقت را به تأخیر اندازد. بنابراین پیرو حقیقی آن حضرت باید به اموری مانند نماز که مورد توجه آن بزرگوار است عنایت خاص داشته باشد تا رضایت ایشان را جلب نماید.

قضای نماز

پرسش ۷۲. چرا قضای نماز را باید بخوانیم؟ خدا که به نماز ما احتیاجی ندارد؟

مثال ترک نماز واجب و لزوم قضای آن مانند دانشجویی است که در امتحان شرکت نکرده و یا مشروط شده است و در فرصت دیگر امکان جبران به او می دهند.

ایجاد فرصت برای جبران مصلحت عباداتی که در ظرف زمانی مخصوص خود واقع نشده است نه تنها در مورد بسیاری از واجبات وجود دارد بلکه این فرصت در مورد بسیاری از مستحبات نیز پیش بینی شده است و این امر به معنای تفضل و رحمت الهی است که امکان جبران مافات را مقرر فرموده است.

گذشته از این که وجوب ادای نماز قضا می تواند نقش بازدارندگی در قضا شدن نماز را داشته باشد. به عبارت دیگر وقتی انسان بداند که نماز تکلیف دائمی و ضروری است و حتی اگر در وقت معین ادا نشود باید در آینده ادا شود هرچند فضیلت کمتری دارد به طور عقلانی و منطقی ترجیح می دهد نماز را در وقت معین بخواند.

نماز مستحبی به جای نماز قضا

پرسش ۷۳. در برخی کتاب ها به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام نوع خاصی از نمازهای مستحبی را ذکر کرده اند و گفته اند این گونه نمازها جبران تمامی نمازهای قضای انسان می باشد و حتی موجب ادا شدن نماز قضای والدین نیز می گردد. سؤال من این است که آیا چنین چیزی صحت دارد یا خیر؟

از نظر حکم شرعی و فتوای فقهای اسلام نماز قضای حتمی تنها با خواندن و بجا آوردنش از عهده انسان ساقط می گردد و هیچ راه دیگری برای جبران این تکلیف وجود ندارد و روایات صحیح فراوانی بر این امر دلالت دارد. موارد فراموش شده و موارد احتمالی غیرتکلیف آور است. به طور مثال در اوایل سن بلوغ چه بسا برخی نمازها قضا شده باشد در این صورت به مقداری که یقین داریم قضا شده و یا احتمال جدی می دهیم که قضا شده باید جبران شود. اما احتمالات ضعیف نیازی به قضا ندارد و با خواندن نمازهای مستحبی خداوند با لطف و رحمت، کاستی های احتمالی را جبران می کند.

قضای نماز پدر و مادر

پرسش ۷۴. می گویند: نماز قضای پدر، بر پسر بزرگ، واجب است؛ چرا باید گناه و تکلیف پدر را پسر بزرگ بر دوش بکشد؟ چرا فقط پدر، اما مادر

مطرح نشده آیا این تبعیض نیست و تحقیر مقام زن و مادر نیست؟!

در ابتدا توجه شما را به حکم شرعی در این باره جلب می کنیم:

همه مراجع: نماز قضای پدر تنها بر عهده پسر بزرگ خانواده (بعد از فوت پدر) است. اما اگر کس دیگری هم بجا آورد، اشکال ندارد و رفع تکلیف از پسر می شود. پسر بزرگ نیز می تواند کسی را برای خواندن نماز پدر اجیر کند. اگر پدر وصیت کند که از ثلث مالش برای قضای نماز او اجیر بگیرند، پس از خواندن اجیر، قضای نماز از عهده پسر بزرگ ساقط می شود. ۶۷

این نکته نیز قابل ذکر است که برخی فقها می گویند: وجوب قضای نماز بر پسر بزرگ تر فقط در صورتی است که پدر به خاطر مرض و سفر، نتوانسته نماز و روزه اش را انجام دهد نه این که به خاطر نافرمانی و یا از روی بی مبالاتی آنها را ترک کرده باشد؛ بنابراین، پدر که از روی بی مبالاتی، نمازش را ترک کرده، در روز قیامت، مؤخذه و عذاب می شود و او نیز مانند بقیه مردم، در برابر اعمال خود، مسئول می باشد.

البته همان طور که انجام خیرات و صدقه دادن به نیت والدین، در حق آنها مؤثر است، ادای نماز و روزه قضا نیز از باب فضل الهی، بی تأثیر در وضع آنها در برزخ و قیامت نیست؛ اما این که چرا خداوند این تکلیف را بر دوش پسر گذاشته، علّت ها و حکمت های گوناگونی می تواند داشته باشد که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

۱. یکی از علل وجوب قضای روزه و نماز پدر بر پسر بزرگ تر این است که به طور معمول پسر بزرگ تر بیشترین بهره را از لطف و حضور پدر می برد چرا که از نظر سنّی زمان بیشتری از نعمت وجودی پدر بهره مند بوده است و از نظر محوریت در کارها و امور نیز بیشتر از خواهر و برادران کوچک تر از خود مدّ نظر قرار می گیرد. علاوه بر این که در مقابل این تکلیف، پسر بزرگ تر اموال اختصاصی پدر، مثل انگشتر، اسلحه، عصا را مالک می شود که در فقه اسلامی از آنها به «حبوه» تعبیر شده است و این حکم، امروزه نیز جریان دارد؛ البته ثوابی که از ناحیه انجام آن نمازها و روزه ها به وی می رسد، بسیار زیادتر از آن است که با ارزش آن ارث مازاد، مقایسه گردد.

۲. به جهت فرهنگ سازی مدیریت پسر بزرگ تر نسبت به خانواده؛ وقتی خداوند می خواهد مدیریت شخصی را جا بیندازد و فرهنگ سازی کند، تکلیف بیشتری نیز بر دوشش می گذارد؛ تا مدیریت او، توجیه پذیر باشد. پررنگ کردن مدیریت پسر بزرگ بعد از فوت والدین، مسئله مهم و حائز اهمیتی است. البته پسر بزرگ تر می تواند از ثلث میراث، قبل از تقسیم آن، هزینه خواندن نماز و ادای روزه را جدا کند و شخص دیگری را برای انجام آن، اجیر نماید و یا اگر فرزندان با یکدیگر همکاری کنند و هر کدام مقداری از این وظیفه را انجام دهند تکلیف از پسر بزرگ تر ساقط می شود.

و اما درباره نماز قضای مادر، توجه شما را به حکم شرعی در این باره جلب می کنیم:

مقام معظم رهبری: قضای نماز و روزه های فوت شده مادر بر پسر ارشد واجب است. ۶۸

آیات عظام سیستانی و وحید: قضای نماز و روزه های فوت شده مادر بر پسر ارشد خانواده واجب نیست. ۶۹

آیات عظام صافی و نوری همدانی: بنابر احتیاط واجب، قضای نماز و روزه مادر را واجب می دانند. ۷۰

آیت الله مکارم: اگر از روی نافرمانی نبوده و توانایی بر قضا داشته، بر پسر بزرگ تر واجب است آنها را بجا آورد؛ ولی اگر از روی نافرمانی بوده، واجب نیست. ۷۱

در پایان گفتنی است؛ در خصوص چگونگی احکام الهی خوب است با واقع بینی و بدون پیش فرض نگاه تحقیرآمیز به مرد یا زن، موضوع را مورد بررسی قرار دهیم. زیرا مرد و زن هر دو آفریده خداوندند و هر کدام نقش مهمی را در این نظام هستی و به دنبال آن زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ایفا می کنند. بنابراین دلیلی ندارد به جهت نظر برخی مراجع تقلید مبنی بر این که نماز قضای مادر بر پسر بزرگ تر واجب نیست، نتیجه گیری کنیم که از سوی خداوند به شخصیت زن توهین شده، بلکه این تفاوت میان پدر و مادر چه بسا براساس یک واقع بینی شکل گرفته است. به طوری که همان گونه که پسر بزرگ تر برخی از اموال اختصاصی پدر به او می رسد و دلایل متعدّد روان شناختی و اجتماعی دیگر جایگاه خاص را برای جایگزینی پسر بزرگ تر به جای پدر ایجاد کرده است این وظیفه نیز الزامی شده است.

اما برای نماز قضای مادر این ویژگی نیست بلکه وظیفه اخلاقی همه فرزندان است که این مسئولیت را بر عهده بگیرند.

خرید نماز اموات

پرسش ۷۵. مسئله خرید نماز و روزه برای میت چیست؟ آیا آن دنیا را هم پولدارها با خرید نماز و روزه به دست می آورند؟

بدون شک فردی که در دنیا به وظایف الهی و عبادی خود توجه داشته و نماز را بجا آورده و خود مسیر تکامل را طی نموده با کسی که پس از مرگش برای او نماز و روزه بجا آورده از نظر ارزش و درجه یکسان نمی باشند.

اصولاً هر عبادتی که در ظرف و وقت خود بجا آورده شود ارزشمندتر و ثواب بیشتر دارد اما عبادتی که خارج از وقت و ظرف خود انجام گیرد تأثیرگذاری آن کم رنگ تر است و حتی نماز داخل وقتی که در اول وقت خوانده شود با نماز آخر وقت در اجر و ثواب متفاوت است تا چه رسد به نماز خارج از وقت و نمازی که پس از مرگ برای کسی خوانده می شود.

بنابراین، کسی که از روی بی مبالائی، یک عمر نمازش را ترک کرده، در روز قیامت مؤخذه و عذاب می شود و او نیز مانند بقیه مردم، در برابر اعمال خود مسئول می باشد و حتماً بازخواست می شود و بجا آوردن نماز قضا توسط فرزند و یا خرید نماز، چه بسا در مجازات وی تخفیف داده شود. در خصوص کسانی هم که بنا به عذری همچون بیماری و... ترک عبادت نموده اند، اگر چه با بجا آوردن نماز توسط دیگران چه بسا بازخواست نشوند ولی چه بسا اجری و درجه ای هم دریافت نکنند.

علاوه بر این که بهشت نیز مانند جهنم دارای درجات و مراتب است و اگر این افراد وارد بهشت بشوند چه بسا هم درجه با کسانی نخواهند بود که وظیفه شان را درست و به موقع انجام داده اند.

وسواس در نماز

پرسش ۷۶. وسواسی شدید هستم به طوری که یک ۲ رکعتی را ۱۰ بار می خوانم و یا کلمات نماز را چندین بار تکرار می کنم، در این زمینه باید چه کار کرد؟

مهم ترین و مؤثرترین راه درمان وسواس، بی توجهی به پیام های آن و بی اعتنائی به آن است. اگر مدتی این روش عملی شود، به طور قطع از شدت آن کاسته خواهد شد.

برای کسانی که از آلودگی و نجاست هراس دارند و این هراس منشأ اضطراب و وسواس در آنها شده است، آلوده سازی عمدی شخص توسط خود او یا دیگران، از راه های درمان و رفع حساسیت به این امر است. اگر این روش با تکرار تحمّل شود به طور قطع مؤثر خواهد بود.

البته بیماری وسواس چون دارای ریشه های هورمونی است و با فعالیت هورمونی بدن نیز در ارتباط است، پزشکان با تجویز داروهایی سعی می نمایند فعالیت هورمونی بدن را متعادل سازند و از این طریق کمک می کنند تا فرد بتواند راحت تر با این مشکل طرف شود و آن را از خویش براند. در برخی روایات از وسواس به عنوان وسوسه ای از سوی شیطان یاد شده است. نزد امام صادق علیه السلام شخصی را به عقل و درایت نام بردند و گفتند او وسواس دارد، حضرت فرمود چگونه عاقل است که شیطان را اطاعت می کند؟

از همین رو به خدا توکل نموده و به خودتان تلقین کنید که «وسواس» یک نوع کار شیطانی است و باید هر چه زودتر دست از آن بردارم.

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد یا رسول الله به شما از بلای وسوسه که در نماز بدان گرفتار گشته ام شکایت می کنم تا آنجاست که بیشتر اوقات نمی فهمم چند رکعت خوانده ام، زیاد خوانده ام یا کم، حضرت فرمود: هر گاه خواستی وارد نماز شوی بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» ۷۲؛ «از خداوند و از نام او یاری می جویم، و به خداوند توکل می کنم و پناه می برم به خدایی که شنوا و دانا است از شر شیطان (رانده شده درگاه الهی). پس (چون این کلمات را بگویی) شیطان را می کشی و زجرش می کنی و از خود

میرانی».

در روایت دیگری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای در امان ماندن از وسواس به حضرت علی علیه السلام خواندن آیه ۴۵ و ۴۶ سوره اسرا را توصیه فرمودند:

«إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» ۷۳.

طلا در نماز

پرسش ۷۷. دلیل این که مردان در نماز نباید طلا داشته باشند چیست؟

استفاده از طلا برای مردان به طور مطلق چه در نماز و چه در غیر نماز حرام است و در صورت استفاده نمودن طلا در نماز موجب بطلان آن می شود که در این حکم فلسفه حکمت های متعددی نهفته است از جمله این که:

ویژگی های جسمی و روانی مرد که تفاوت هایی با زن دارد و این تفاوت ها به طور طبیعی رسالت های گوناگونی را به عهده این دو جنس قرار می دهد. اسلام با توجه به تفاوت های طبیعی هر یک - که در جای خود حکمت های ارزشمندی دارد - احکام و مقررات ویژه ای را وضع کرده است و از مرد انتظار دارد که عنصری اجرایی و سخت کار باشد و از تجملات زیاد مانند تزئین به طلا پرهیز نماید. در مقابل برای زن که طبیعتی احساسی و عاطفی تر دارد برخی از زینت را که هم با روحیه او سازگارتر است و هم به زندگی با مرد شیرینی بیشتری می بخشد اجازه داده است.

لذا امام صادق علیه السلام می فرماید: «... و جعل الله الذهب في الدنيا زينة النساء فحرم على الرجال لبسه والصلوة فيه» ۷۴؛ «خداوند چون طلا را در دنیا زینت زنان قرار داده است، پوشیدن آن برای مردان و نماز خواندن با آن حرام شده است».

نماز صبح

پرسش ۷۸. برای خواندن نماز صبح حوصله بلند شدن را ندارم آیا از نظر روایات راه حلی وجود دارد؟

برخی از عوامل سلب توفیق از نماز صبح شامل موارد ذیل می باشد:

عدم برنامه ریزی

از مهم ترین عوامل مادی که مانع از توفیق درک نماز صبح می گردد فقدان برنامه ریزی و نظم در زندگی می باشد مانند فقدان برنامه ای منظم برای خواب و یا ایجاد مشغله های پراکنده و فراتر از توانایی های خود که نتیجه ای جز ایجاد خستگی مفرط ندارد. کسالت و تنبلی نیز اگر افزوده شود امر را تشدید می کند.

پر خوری

علتی دیگر برای خواب طولانی و سنگین، پر خوری در شب می باشد. حضرت عیسی علیه السلام خطاب به بنی اسرائیل فرمود: «ای بنی اسرائیل! خوردن خود را زیاد نکنید، زیرا هر کس بر خوردن خود بیفزاید، بر خوابیدن خود هم می افزاید و هر کس که بر خواب خود بیفزاید، از نماز کم می گذارد (و در نتیجه) در زمره غافلان نوشته می شود» ۷۵. خوردن غذاهای نامناسب در شب نیز گاه موجب ترک نماز صبح خواهد شد، برخی از غذاها به گونه ای می باشند که اعصاب و بدن را سست می نمایند. لذا اگر شب ها از ماست، دوغ، کشک و مانند آن استفاده شود خواب بر انسان چیره می شود؛ و یا خوردن غذاهای چرب و سنگین موجب سنگینی خواب می گردد و این امور باعث می شود انسان برای بیدار شدن از خواب دچار مشکل گردد.

گناه

اعمال و رفتاری که انسان در طی روز انجام می دهد نقش بسیار مهمی در توفیق انسان نسبت به عبادات دارد یعنی هر چه در طی روز کارهای شایسته از

انسان سر بزند توفیقات انسان نیز برای اعمال خوب دیگر بیشتر فراهم می شود و هر چه به گناه آلوده شود توفیق اعمال خوب از وی سلب می گردد؛ لذا باید نسبت به این مسئله بسیار حساس بود تا به واسطه گناه، درک لذت سحرخیزی را از دست نداد.

کم معرفتی

یکی از مهم ترین عوامل معنوی که موجب می شود تا انسان نسبت به نماز صبح به سختی از خواب بیدار گردد، کم معرفتی نسبت به خداوند متعال و الطاف وی می باشد.

عادت به نماز

پرسش ۷۹. من قبل از ورود به دانشگاه هم نمازهایم را می خواندم ولی از کجا بفهمم که این حرکت به سوی نماز از روی عادت نیست و از آن نوع خداپسندش است؟

نخست باید دانست؛ هر نوع عادتی زشت و ناپسند نمی باشد و حتی عادت کردن به بسیاری از امور می تواند برای انسان مفید باشد مثل زمانی که انسان به ورزش کردن عادت کرده باشد که این عادت برای سلامتی وی بسیار مفید است.

اما در خصوص عادت کردن نسبت به اعمال عبادی همچون نماز باید گفت که عادت کردن نسبت به عبادات دو گونه است. برخی عادت ها ریشه در آگاهی و آزادی انسان ندارد و صرفاً یک عادت کور است، چنین عادتی البته ارزش اخلاقی ندارد و انسان ساز نیست، اما عادت هایی که پشتوانه اختیاری دارد، یعنی ناشی از آگاهی و آزادی انسان است مانند عادت به نماز اول وقت و سایر اعمال و عباداتی که ناشی از آگاهی عمیق انسانی و دینی است، باعث پایین آمدن ارزش عمل نمی شود و با عادت از نوع اول فرق دارد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام در همین زمینه نقل گردیده که: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سَجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ قَدْ اِغْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنْ اَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ اَدَاءِ اَمَانَتِهِ»؛ «به طول رکوع و سجود شخص ننگرید (فریفته نگردید) زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشد و اگر ترک کند وحشتش گیرد؛ و لیکن به راستی گفتار و ادای امانتش بنگرید».

در این حدیث دو نشانه برای نماز از روی عادت می توان یافت:

نشانه اول، کسی که اعمال عبادیش از روی عادت است اگر به هر دلیلی آن را با کیفیت گذشته بجای نیاورد این امر موجب نگرانی او می شود.

نشانه دوم، نماز چنین فردی همراه با ارزش های دینی دیگر صداقت در گفتار و اداء امانت همراه نیست.

البته نماز دارای مراتب فراوان و درجات بسیاری است و هر درجه آن دارای ارزش است و حتی اگر این اهمیت دادن به نماز از روی عادت هم باشد باز ارزنده است زیرا آثار و برکات نماز و به خصوص نماز اول وقت به اندازه ای زیاد و فراوان است که حتی انجام آن از روی عادت نیز خداپسند و موجب خشنودی خداوند است، البته انسان باید بکوشد تا با بالا بردن آگاهی خود درباره فلسفه نماز اول وقت و عبادت و مانند آن، هر چه بیشتر اعمال خود را اختیاری و آگاهانه تر نماید.

استثنای نماز اول وقت

پرسش ۸۰. آیا موارد استثنایی وجود دارد که انسان به واسطه آن بتواند نمازش را به تأخیر بیندازد؟

آن چه از روایات استفاده می شود این است که نماز اول وقت اهمیت ویژه و خاصی دارد و باید آن را بر کارهای معمولی و غیرضروری مقدم داشت. اما اگر کاری که با نماز اول وقت در تضام و تعارض است به جهتی اهمیت و خصوصیتی داشته باشد که باید آن را بر نماز مقدم داشت، تأخیر اشکالی ندارد. به عنوان نمونه انسان برای درک فضیلت نماز جماعت می تواند نماز اول وقت خود را به تأخیر بیندازد تا نمازش را به جماعت بخواند و یا در ماه رمضان اگر انسان نتواند با توجه و حضور قلب نماز اول وقت و پیش از افطار بخواند و یا مهمانی دارد که مایل به افطار در اول اذان است بهتر است اول افطار

کند و سپس نماز بخواند.

البته در برخی موارد خواندن نماز اول وقت باطل بوده و یا به تأخیر انداختن نماز واجب می شود که در اینجا توجّه شما را به دو نمونه جلب می نمایم:

– در صورتی که شرایط صحّت نماز (همچون طهارت) در اول وقت آن فراهم نباشد، اما فراهم نمودن شرایط تا پایان وقت امکان پذیر باشد، در این صورت خواندن نماز باطل است. مثلاً لباس فردی نجس شده و تعویض و یا تطهیر آن در اول وقت نماز امکان پذیر نیست اما چنین فردی تا قبل از قضا شدن نماز می تواند لباس خود را عوض و یا پاک نماید که در این صورت تا فراهم شدن شرایط صحّت نماز باید صبر نماید.

– اگر کار واجبی در اول وقت نماز پیشامد کند. مثلاً طلبکار طلبش را درخواست کند و یا جان کسی در معرض خطر باشد و باید در اول وقت نماز او را به دکتر رسانید و یا نماز خواندن در اول وقت موجب شود انسان دچار آسیب و ضرر سنگینی گردد در این صورت به تأخیر انداختن نماز، لازم می باشد. با این وجود نباید فراموش کرد که به هر حال نماز اول وقت مستحبّ است اما نمی توان گفت در همه حالات بر همه کارها مقدم است بلکه باید مورد را بررسی کرد و میان آن کاری که با نماز اول وقت تعارض دارد و ارزش و اهمیت نماز اول وقت نسبت سنجی کرد و سپس انتخاب نمود.

نماز جماعت

پرسش ۸۱. فلسفه و فواید نماز جماعت در چیست؟

خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است:

﴿وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ﴾ ۷۷؛ «با رکوع کنندگان رکوع کنید».

در این آیه شریفه برگزاری نماز به طور دسته جمعی تأکید شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باشید هر که به طرف مسجد برای اقامه نماز جماعت حرکت کند، به هر قدمی هفتاد هزار حسنه و ثواب برای او نوشته شود...».

برپایی نماز جماعت فلسفه و فواید بی شماری دارد که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. استجاب دعا؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چون بنده خدا نماز را به جماعت گزارد و پس از آن حاجتی را از خدا بخواهد، خدای عزّ و جل از وی حیا می کند که پیش از رو گرداندن او، حاجتش را برآورده نسازد» ۷۸.
۲. رهایی از دوزخ و نفاق؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس چهل روز در نماز جماعت شرکت کند و به طور مرتّب نماز گزارد، دو برائت نامه و دو سند رهایی بخش به او می دهند: ۱. نجات از آتش، ۲. رهایی از نفاق» ۷۹.
۳. در پناه خدا بودن؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس که نماز صبح و عشا را به جماعت بخواند، او در پناه خدای عزّ و جل است» ۸۰.
۴. کفاره گناهان؛ امام باقر علیه السلام فرمود: «سه چیز کفاره و پوشاننده گناهان است: ۱. وضو ساختن در هوای سرد، ۲. راه رفتن در شب و روز به سوی نمازها، ۳. محافظت بر نمازهای جماعت» ۸۱.
۵. آسانی حسابرسی؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «...در روز قیامت خداوند، همه انسان ها را برای حساب گرد می آورد. پس هر مؤمنی که در نماز جماعت شرکت کند، خداوند سختی ها و دشواری های روز قیامت را برایش آسان می سازد؛ آن گاه فرمان می دهد که او را روانه بهشت سازند» ۸۲.
۶. ترفیع مقام؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! سه چیز موجب ترفیع مقام و درجه مؤمن است: ۱. وضوی کامل در هوای سرد، ۲. انتظار نماز بعد از نماز، ۳. شرکت مداوم در نمازهای جماعت» ۸۳.
۷. تقویت روحیه اخوّت و برادری؛ نماز جماعت، وحدت صفوف و نزدیکی دل ها و تقویت روحیه اخوّت و برادری را به ارمغان می آورد و نوعی با خبر شدن از حال یکدیگر بدون تشریفات است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمودند: «استووا تستوی قلوبکم و تماسوا تراحموا»^{۸۴}؛ «صف های نماز جماعت را هماهنگ و تنظیم نمایید تا دل هایتان متعادل شود، و با هم در تماس باشید تا مهربانی افزوده شود».

۸. حسن شهرت در جامعه؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که نمازهای پنج گانه را با جماعت بخواند، به او گمان هر خیر و نیکی را داشته باشید»^{۸۵}.

۹. شکوه و عظمت اسلام؛ حضور جمعی مسلمانان در مساجد، ضمن آن که عظمت و بزرگی جماعت مسلمانان را می رساند؛ بیانگر قدرت مسلمین و نمایش حضور در صحنه و پیوند امام و امت می باشد و تفرقه ها را می زداید، بیم در دل دشمنان می افکند، منافقان را مأیوس می سازد، خار چشم بدخواهان است.

امام رضا علیه السلام درباره فلسفه نماز جماعت فرموده است: «نماز جماعت بدان جهت قرار داده شد که اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خداوند آشکار و ظاهر باشد»^{۸۶}.

۱۰. آثار اخلاقی و تربیتی؛ در نماز جماعت، افراد در یک صف قرار می گیرند و امتیازات موهوم صنفی، نژادی، زبانی، مالی و... کنار می رود و صفا و صمیمیت و نوع دوستی در دل ها زنده می شود و مؤمنان، با دیدار یکدیگر در صف عبادت، احساس دل گرمی و قدرت و امید می کنند. روحیه فردگرایی و انزوا و گوشه گیری را از بین می برد و نوعی مبارزه با غرور و خودخواهی را در بر دارد.

امام رضا علیه السلام در بیان یکی دیگر از فلسفه های نماز جماعت فرموده اند: «مع مافیہ من المساعدة علی البرّ و التقوی»^{۸۷}؛ «علاوه بر این که در نماز جماعت پیشی گرفتن بر نیکوکاری و پرهیزکاری نیز وجود دارد».

ثواب نماز جماعت

پرسش ۸۲. اگر ممکن است ثواب نماز جماعت را برایم بنویسید؟

یکی از زیباترین روایاتی که ثواب نماز جماعت در آن تبیین شده است روایت نقل شده از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می باشد که فرمود: جبرئیل با هفتاد هزار ملک بعد از نماز ظهر نزد من آمد، و گفت: ای محمد! همانا خداوند سلام بر تو می فرستد و دو هدیه برای شما فرستاده که برای هیچ پیامبری تاکنون نفرستاده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن دو هدیه چیست؟ جبرئیل فرمود:

(اول) سه رکعت نماز وتر (دو رکعت شفع - یک رکعت وتر).

(دوم) نمازهای پنج گانه به صورت نماز جماعت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل! نماز جماعت چه فایده ای برای امت من دارد؟ جبرئیل فرمود: یا محمد!

- در نماز جماعت دو نفر اقتداء کند. خداوند برای هر یک نفر در هر یک رکعت یکصد و پنجاه (۱۵۰) نماز می نویسد.

- زمانی که در نماز جماعت سه نفر اقتداء کند. خداوند برای هر یک نفر در یک رکعت ششصد (۶۰۰) نماز می نویسد و هم چنان ثواب آن زیاد می شود به طوری که وقتی تعداد افراد از ده نفر گذشت، در این صورت اگر آسمان صفحه و کاغذ و درختان قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده باشند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

ای محمد! درک تکبیر اول نماز با امام جماعت، فضیلت دارد بر ششصد هزار حج و عمره و هفتاد هزار بار بهتر است از دنیا و آن چه در دنیا هست، و یک رکعت نماز پشت سر امام به جماعت خواندن، بهتر است از صد هزار دینار صدقه به مساکین دادن، و یک سجده مؤمن با امام در نماز جماعت بهتر است از صد بنده آزاد کردن.^{۸۸}

امام جماعت

پرسش ۸۳. در خوابگاهی که هستیم، برای درک فضیلت نماز جماعت هر بار یکی از بچه های خوابگاه جلو می ایستد و به او اقتدا می کنیم آیا این کار درست است؟

تلاش برای برپایی نماز جماعت بسیار شایسته و پسندیده است که البته کسی که قرار است به عنوان امام جماعت به او اقتدا نماییم باید دارای ویژگی هایی باشد که مهم ترین آن، درستی و صحت قرائت حمد و سوره و اذکار نماز است و رعایت عدالت به این معنا که مرتکب گناه کبیره نشده باشد و اصرار بر گناه صغیره نداشته باشد و علاوه بر این دو شرط اساسی، به هر مقدار از ویژگی های اخلاقی و فضایل بهره مند باشد اولویت دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِمَامُ الْقَوْمِ وَإِدْهُمْ فَقَدْ مَوَّأَ أَفْضَلُكُمْ»؛ «امام جماعت هر جمعی نماینده آن در پیشگاه خداوند می باشد، پس برای امامت جماعت خود بهترین ها را برگزینید».

باید دارای مبانی اعتقادی صحیح باشد مثلاً ولایت اهل بیت علیهم السلام را قبول داشته باشد و از سوی دیگر اهل غلو نسبت به معصومین علیهم السلام نباشد، جبرگرا نباشد و... ۹۰.

فاسد و بی خرد نباشد.

از اباذر (ره) نقل شده است: «إِنَّ إِمَامَكَ شَفِيعُكَ إِلَى اللَّهِ فَلَا تَجْعَلْ شَفِيعَكَ سَفِيهَاً وَلَا فَاسِقاً»؛ «همانا امام و پیش نماز تو، شفیع و واسطه تو به درگاه باعظمت الهی است، پس هرگز کسی را که فاسد و بی خرد است وسیله و شفیع خود به درگاه الهی قرار مده». فاجر نباشد

امام رضا علیه السلام فرموده اند: «لَا صَلَاةَ خَلْفَ الْفَاجِرِ»؛ «نماز خواندن پشت سر فاجر صحیح نیست».

آشنا ترین افراد به احکام دینی باشد ۹۳.

امامت وی مورد رضایت مأمومین باشد ۹۴.

زنان و جماعت

پرسش ۸۴. آیا زن می تواند امام جماعت شود؟ در روایتی دیدم که نماز خواندن زن در خانه، فضیلتش بیشتر از حضور وی در نماز جماعت است علت آن چیست؟

بنا به قول مشهور فقها، زن در تمام نمازها از جمله در نمازهای روزانه، می تواند برای زنان امامت نماید، ولی برای مردان نمی تواند امامت کند.

در خصوص حضور زنان در نماز جماعت روایات متعددی وجود دارد از جمله روایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که فرموده اند: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحْدَهَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ خَمْساً وَعِشْرِينَ دَرَجَةً»؛ «فضیلت نماز زن به تنهایی و در خانه اش، بیست و پنج برابر نماز جماعت اوست».

البته روایات متعدّد دیگری نیز وجود دارد که به طور عام نماز جماعت را افضل از نماز فرادا می داند. ۹۶

برخی فقها بین این روایات جمع نموده اند. به نظر این فقها از آنجا که ممکن است حضور زن در جماعت، با برخی از وظایف همسری و مادری که با فضیلت ترین وظایف است و ثواب جهاد در راه خدا را دارد ۹۷ معارض باشد یا این که حضور در جامعه زمینه تعرض به او یا مفاسد دیگر اجتماعی را ایجاد نماید لذا خداوند متعال همان ثواب حضور در مسجد و جماعت را به نماز فرادای زن در خانه اش مترتب نموده است. از این رو فقها نتیجه گرفته اند که اگر حضور زن در جماعت مستلزم چنین مفاسدی نباشد و با وظایف و تکالیف متعالی او معارضه ای نداشته باشد نماز جماعتش و حضور در مسجد برای او نیز همان ثوابی را که برای مردان دارد خواهد داشت.

به دو نمونه استفتا از حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه اشاره می کنیم:

- زنان نیز در صورت شرکت در نماز جماعت از ثواب آن بهره مند خواهند شد ۹۸.

- اگر زنان بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند ۹۹.

اقتدا به اهل سنت

پرسش ۸۵. آیا اقتدا به اهل تسنن در نماز کار درستی می باشد و حال آن که این امر با شرایطی که برای امام جماعت گفته شده منافات دارد؟ شرکت در نماز جماعت اهل تسنن در مکه و مدینه چند دلیل منطقی و شرعی را به همراه دارد که براساس آن اکثر فقها به جواز شرکت در نمازهای جماعت اهل تسنن فتوا داده اند و شرط عدالت در این مورد ساقط شده است.

شرکت نکردن شیعیان در نمازهای جماعت و یا خارج شدن آنان در هنگام نماز از مساجد، موجب وهن تشیع بوده و این امر به هیچ وجه جایز نمی باشد. در شرایط فعلی که دشمنان اسلام و مسلمین درصددند با تکیه بر عقاید مذهبی، میان فرقه های مختلف جهان اسلام تفرقه ایجاد نمایند شرکت نکردن در نمازهای جماعت بهانه لازم را در اختیار بدخواهان و دشمنان اسلام خواهد داد که به مصلحت مسلمانان و شیعیان نخواهد بود. علاوه بر این که در سیره معصومین علیهم السلام موردی که ایشان از جماعات مسلمین فاصله گرفته باشند وجود ندارد.

نماز تراویح

پرسش ۸۶. چرا نمازهای مستحبی به جماعت خوانده نمی شود؟ در حالی که اهل تسنن در ماه رمضان نماز تراویح را به جماعت می خوانند؟ باید توجه داشت که انسان ها دارای دو بعد فردی و اجتماعی اند، اسلام به عنوان یک آیین جامع و کامل برای تمام ابعاد زندگانی بشر، برنامه ها و دستورات سعادت بخشی را ارائه داده است، که به طور طبیعی تکامل و تقرّب انسان ها به مقامات عالی و در نهایت خدای سبحان، در پرتو عمل و بستر آن دستورات و آموزه ها متجلی و متحقّق خواهد شد. شاید بر همین اساس باشد که شارع مقدس به انسان ها دستور داده است که نمازهای واجب را به جماعت که مظهر شکوه، صفا، همدلی، وحدت و تفاهم است بخوانند، زیرا حضور در جماعات جنبه اجتماعی انسان را اشباع، مسئولیت های اجتماعی و نظارت همگانی را تضمین کرده و سرانجام یک جامعه بالنده و آرام و سالم می سازد.

اما در خصوص جماعت خواندن نمازهای مستحبی از منظر شیعه دو مسئله قابل طرح می باشد:

اول. در فقه شیعه نیز براساس آنچه که از پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام دستور داده شده برخی از نمازهای مستحبی همچون نماز باران به لحاظ این که دارای جنبه های اجتماعی، همگانی و عمومی است از دیگر نمازهای نافله استثناء شده و به جماعت خوانده می شود، اما سایر نمازهای مستحبی و نوافل و به خصوص نماز شب چون بیشتر برای تربیت، سازندگی، تهذیب و اصلاح فرد - که البته مقدمه برای اصلاح جامعه است - در نظر گرفته شده است، به طور فرادا و پنهانی خوانده می شود و لذا پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «صلاة الرجل تطوعا حيث لا يراه الناس يعدل صلاته على اعين الناس خمسا وعشرين»؛ «نماز مستحبی که در مکان دور از دید مردم خوانده شود از نظر ثواب و ارزش معنوی معادل با بیست و پنج نماز است که در معرض دید مردم بجا آورده شود».

و امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «فی الانفراد لعبادة الله كنوز الارباح»؛ «گنج های سعادت و ثمره عبادت خداوند در خلوت است». و از سوی دیگر فلسفه جعل نافله ها جبران و تکمیل کاستی های واجبات قرار داده شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده است: «انما جعلت النافله لیتم بها ما یفسد من الفریضه»؛ «نافله برای این قرار داده شده است تا به وسیله آن، کاستی های نماز واجب جبران گردد»؛ ۱۰۲ و چون نافله در خلوت و به دور از اجتماع و با علاقه و خواست طبیعی شخص صورت می گیرد، جبران کاستی های نماز واجب را که ممکن است از روی ریا و با تکلف و مشقّت انجام شده است را بنماید.

دوم. آن نمازی که زمینه ساز طرح چنین سؤالی شده و نقطه تمایز دیدگاه شیعه با برادران اهل تسنن در نمازهای مستحبی می باشد؛ نمازی است که پیروان این مذهب در ماه های مبارک رمضان بجا می آورند. ۱۰۳

براساس روایاتی که حضرت علی علیه السلام نقل شده چنین نمازی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود نداشته و در دوران خلیفه دوم رسم

گردیده است.

آن حضرت در این باره فرموده اند: «به خدا سوگند که من به مردم فرمان دادم در ماه رمضان همان نماز فریضه را به جماعت بخوانند و به آنها اعلام کردم که جماعت در نماز نافله بدعت و خودساخته است و دستور خدا نیست. شیون و فریاد جمعی از لشکریانم بلند شد که به همراه من با دشمن جنگ می کردند، داد می زدند ای مسلمانان سنت عمر دگرگون شد، علی ما را از نماز نافله ماه رمضان باز می دارد و من ترسیدم که در یک سو از لشکر شورشی بر پا کنند» ۱۰۴.

به همین دلیل از آنجا که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نمازی وجود نداشته شیعیان نیز به دلیل پابندی به احکام الهی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نمازی را بجا نمی آورند.

نخواندن حمد

پرسش ۸۷. چرا در نماز جماعت مأموم حمد و سوره را قرائت نمی کند؟

درباره چرایی این موضوع می توان به چند نکته اشاره کرد:

۱. یکی از اسرار نماز جماعت تبعیت از امام است که نوعی تمرین ولایت مداری و اتحاد بر تبعیت از امام عادل است.

۲. نماز جماعت که به صورت گروهی برگزار می شود، یک نفر امام و دیگران تابع و پیرو او هستند. در قرآن می خوانیم:

«وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» ۱۰۵؛ «و چون قرآن خوانده می شود، گوش بدان فرا دهید و خاموش مانید، امید که بر شما رحمت آید».

واژه «أنصتوا» از ماده «انصات»، به معنای سکوت توأم با گوش دادن است. در برخی روایات نیز آمده است: هنگامی که در نماز جماعت هستید و امام

جماعت مشغول قرائت قرآن (خواندن حمد و سوره) می باشد، بر شما لازم است که به او گوش داده و سکوت اختیار کنید. ۱۰۶

البته این حکمت بیشتر با نمازهایی که بلند خوانده می شوند، مانند نماز صبح و مغرب و عشا، سازگار است؛ از این رو فقها فتوا داده اند که در همین

نمازها چنان چه مأموم صدای امام جماعت را نشنود، می تواند خود به قرائت پردازد. ۱۰۷

اما در مورد نمازهایی که آهسته خوانده می شوند، مانند ظهر و عصر در روایات آمده است که قرائت حمد و سوره همه مأومین تنها به امام اختصاص

یافته و بر عهده او است. ۱۰۸

۳. اگر بنا بود حمد و سوره را مأومین بخوانند، سر و صدای آنان در بین نمازها موجب اختلال در نظم جماعت و از بین رفتن تمرکز و حضور قلب افراد در نماز می گشت.

مصافحه

پرسش ۸۸. مصافحه و دست دادن بعد از نماز از کجا ریشه گرفته است؟

مصافحه با برادران مؤمن، در هر زمان و مکان امری مستحب است؛ چه بعد از نماز و چه مواقع دیگر.

در روایات، فصلی درباره مصافحه وجود دارد و آمده است: «وقتی دو مؤمن با هم مصافحه می کنند، هم چنان که در فصل خزان برگ از درختان می

ریزد، گناهان آنها می ریزد» ۱۰۹.

در داستان معراج هم آمده است که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در محلی نماز خواندند و پیامبران و ملائکه به آن حضرت اقتدا نمودند. حضرت

ابراهیم علیه السلام نیز در طرف راست حضرت بود و بعد از نماز با رسول خدا صلی الله علیه و آله مصافحه کرد» ۱۱۰.

پرسش ۸۹. نماز جمعه چگونه به وجود آمده؟ نماز جمعه را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در چه زمانی و کجا اقامه نمودند؟

روایتی از «ابن عباس» نقل شده و در آن اشاره دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از مهاجرتشان به مدینه به اقامه نماز جمعه مأمور شدند، ولی به سبب شرایط سختی که از طرف کفار به ایشان تحمیل می شد، نمی توانستند مردم را برای نماز سیاسی عبادی جمعه حاضر نمایند، لذا دستور فرمودند این نماز در مدینه اقامه شود؛ از همین رو به یکی از اصحاب خود در مدینه به نام مَصْعَب بن عمیر نامه نوشتند که نماز جمعه را در آن جا بجای آورد ۱۱۱.

اما اولین نماز جمعه ای که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحابش تشکیل دادند، هنگامی بود که به مدینه هجرت کردند، آن حضرت پس از اقامت چهار روزه در «قبا» و بنا نهادن مسجد قبا، روز جمعه به سوی مدینه حرکت کرده ۱۱۲ و به هنگام نماز جمعه به محله «بنی سالم» رسید، و مراسم نماز جمعه را در آنجا برپا داشتند، و این اولین نماز جمعه ای بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله در اسلام بجا آورد، خطبه ای هم در این نماز جمعه خواند که اولین خطبه حضرت در مدینه بود ۱۱۳.

پرسش ۹۰. در مورد فلسفه نماز جمعه توضیح بدهید؟ تأثیرش چیست؟

نماز جمعه، قبل از هر چیز یک عبادت بزرگ دسته جمعی است، و آثار فراوان عبادات را که تلطیف روح و جان، و شستن دل از آلودگی های گناه و زدودن زنگار معصیت از قلب می باشد، در بر دارد، به خصوص این که نماز جمعه دو خطبه دارد که مشتمل بر انواع مواعظ و اندرزها و امر به تقوا و پرهیزگاری است. و از نظر اجتماعی و سیاسی، یک کنگره عظیم هفتگی است که بعد از کنگره سالانه حج، بزرگ ترین کنگره اسلامی می باشد. در حقیقت اسلام، به سه اجتماع بزرگ اهمیت می دهد:

۱. اجتماعات روزانه که در نماز جماعت حاصل می شود.

۲. اجتماع هفتگی که در مراسم نماز جمعه است.

۳. اجتماع حج که در کنار خانه خدا هر سال یک بار انجام می گیرد.

نقش نماز جمعه در این میان بسیار مهم است به خصوص این که یکی از برنامه های خطیب در خطبه نماز جمعه، ذکر مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است و به این ترتیب این اجتماع عظیم و پرشکوه می تواند منشأ برکات زیر شود:

- آگاهی بخشیدن به مردم در زمینه معارف اسلامی و رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی و دعوت مردم به بسیج شدن برای جهاد و دفاع و حل مشکلات اجتماعی و یاری رسانی به دیگران به خوبی در نماز جمعه انجام می گیرد ۱۱۴. بدین ترتیب نماز جمعه موجب رشد فکری و سیاسی و نشاط معنوی مسلمانان خواهد شد.

- ایجاد همبستگی و انسجام هر چه بیشتر در میان صفوف مسلمین به گونه ای که دشمنان را به وحشت می افکند و پشت آنها را می لرزاند. در واقع نماز جمعه جلوه وحدت و قدرت مسلمانان است که روحیه اخوت و برادری را تقویت نموده و موجب یکپارچگی مسلمانان و خنثی شدن توطئه های تفرقه افکنانه و شایعه های دشمنان اسلام است.

- میعادگاه نمازگزاران مؤمن، جهت دیدار و زیارت یکدیگر و ایجاد تقویت روحیه جمعی و اجتماعی به گونه ای که انزوا و فردگرایی از بین می رود. حضرت علی علیه السلام فرمود: «رفتن به نماز جمعه موجب زیارت و زیبایی است، سؤال شد: ای امیرمؤمنان! زیبایی چگونه به وجود می آید؟ علی علیه السلام پاسخ داد: نماز جمعه نورانیت به وجود می آورد، و به زیارت و دیدار اهل ایمان هم نائل می شوید» ۱۱۵.

در روایات معصومین علیهم السلام ثواب های بی شماری برای نمازگزاران نماز جمعه ذکر گردیده که به تعدادی از آنها اشاره می نمایم:

استجاب دعا؛ امام صادق علیه السلام فرموده اند: «السَّاعَةُ الَّتِي يَسْتَجَابُ فِيهَا الدَّعَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَا بَيْنَ فَرَغِ الْأَمَامِ مِنَ الْخُطْبَةِ إِلَى أَنْ يَسْتَوِيَ النَّاسُ فِي

الصُّفُوفِ» ۱۱۶؛ «ساعتی که دعا در آن مستجاب است روز جمعه و فاصله میان پایان خطبه، تا به صف ایستادن مردم می باشد».

ضمانت بهشت: از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «ضَمِنْتُ لِسَيِّدَةٍ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ مِنْهُمْ رَجُلٌ خَرَجَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ» ۱۱۷؛ «برای شش نفر بهشت را ضمان هستم که خداوند به آنها عطا کند: از آنها مردی است که در راه رفتن به نماز جمعه بمیرد».

ثواب حج؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ لَكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً فَالْحَجَّةُ الْهَجْرَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَ الْعُمْرَةُ انْتِظَارُ الْعَصْرِ بَعْدَ

الْجُمُعَةِ» ۱۱۸؛ «هر روز جمعه برای شما ثواب یک حج و یک عمره است، حج شما شتاب و مبادرت به نماز جمعه و عمره است، حج شما شتاب و مبادرت به نماز جمعه و عمره شما انتظار اقامه نماز عصر پس از نماز جمعه است».

حرام شدن آتش جهنم بر انسان؛ در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده: «مَا مِنْ قَدَمٍ سَعَتْ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ» ۱۱۹؛ «هر گامی که به سوی نماز جمعه برداشته شود، خداوند آتش دوزخ را بر صاحب آن گام حرام می کند».

قنوت نماز جمعه

پرسش ۹۱. دلیل این که نماز جمعه دو قنوت دارد چیست؟

نخست باید دانست در عبادات دو ویژگی مهم «تعبّد» و «تنوّع» بسیار درخشنده است و عبادت الهی را برای بندگان لذت بخش و سازنده می گرداند. لذا تفاوت رکعات نماز در شبانه روز و تفاوت نمازهای عیدین و نماز جمعه و داشتن دو قنوت قبل و بعد از رکوع، در همین راستا قابل تفسیر و پذیرش است.

در خصوص خواندن دو قنوت قبل و بعد از رکوع نماز جمعه نیز روایات متعدّدی وجود دارد، از جمله روایت امام صادق علیه السلام که فرموده اند: «كُلُّ الْقُنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ إِلَّا الْجُمُعَةَ فَإِنَّ الرُّكْعَةَ الْأُولَى الْقُنُوتُ فِيهَا قَبْلَ الرُّكُوعِ وَ الْأُخْرَى بَعْدَ الرُّكُوعِ» ۱۲۰؛ «قنوت ها - در تمام نمازها - قبل از رکوع می باشد مگر قنوت نماز جمعه که رکعت اول آن، قنوت قبل از رکوع می باشد و رکعت دیگر قنوت بعد از رکوع می باشد».

به هر صورت علاوه بر تعبّدی بودن این دو قنوت، یکی از نکاتی که در این دستور دینی مشاهده می شود ایجاد تنوّع در احکام می باشد و همین تنوّع علاوه بر این که مانع خستگی ناشی از تکرار و همسانی می شود دو مزیت دیگر نیز به همراه دارد:

الف. نشاط بیشتر به آن جهت که از بعد روان شناختی، انسان ها در انجام کارهای جدید با یک انگیزه و هیجان بیشتری اقدام به عمل می کنند.

ب. به یادماندن و برجسته شدن و ممتاز شدن این عبادت از عبادت های مشابه. ببینید فرم نماز جمعه به گونه ای است که در ذهن نقش می بندد و لذا حتی اگر نحوه برگزاری آن را فراموش کند اما می داند این یک نماز معمولی نیست. نماز جمعه نیز به دلایل مختلف از جمله حکمت فوق الذکر متفاوت از نمازهای معمولی و دارای دو قنوت است.

نماز شب در قرآن

پرسش ۹۲. آیا برای خواندن نماز شب در قرآن دستوری وجود دارد؟

از آیات قرآن استفاده می شود که نماز شب از مستحبّاتی است که سخت مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال در سوره اسرا برای رسیدن انسان ها به مقام محمود توصیه به نماز شب نموده و فرموده است:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا» ۱۲۱؛ «و پاسی از شب را [از خواب برخیز و] قرآن [و نماز] بخوان! این یک

وظیفه اضافی برای توست؛ امید است که پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!»

در سوره مزمل نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت به خواندن نماز شب نموده و بیان داشته:

«يَا أَيُّهَا الْمُؤْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا. نَصْنَعُهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا. أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا» ۱۲۲؛ «ای جامه به خود پیچیده! شب را جز کمی، بپاخیز!

نیمی از شب را، یا کمی از آن کم کن، یا بر نصف آن بیفزای و قرآن را با دقت و تأمل بخوان».

در سوره سجده نیز خداوند متعال در تمجید از کسانی که نماز شب به پا می دارند فرموده است:

«تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ. فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» ۱۲۳؛

«پهلوهایی آنها از بستر خواب فاصله می گیرد (از خواب برمی خیزند) و پروردگارش را از روی بیم و امید می خوانند و از آنچه به آنان داده ایم انفاق می کنند. هیچ کس نمی داند که به پاداش عملشان چه چشم روشنی ها برای آنان پنهان و ذخیره شده است».

اگر در فضیلت شب زنده داری و نماز شب چیزی جز همین یک آیه نبود برای اهل ایمان کافی بود که همه روز را به انتظار آمدن شب و خلوت با دوست باشند.

فلسفه نماز مستحبی

پرسش ۹۳. فلسفه نمازهای مستحبی مانند نماز شب چیست؟

به جز نمازهای واجب و یومیه، نمازهای دیگری هم وجود دارد که انجام دادن آنها مستحب است. از آن جایی که این نمازها، اضافه بر نمازهای واجب است، به آنها نافله یا نوافل گفته می شود (به معنای زیادی و افزون). اساس و اهمیت نافله های مستحبی، به این است که جبران کننده نواقص و کمبودهای نمازهای واجب است و همچون صدقه ای است که انسان می پردازد. در حدیث است «نمازهای نافله به منزله هدیه است و در هر صورت پذیرفته می شود». ۱۲۴.

نمازهای نافله دارای اقسام متعددی می باشد.

برخی از آنها دارای زمان خاصی هستند مانند نافله های نمازهای واجب، نماز غفیله، نمازهای شب های ماه مبارک رمضان، نماز شب و...

برخی از آنها برای کار خاصی خوانده می شوند مثل نماز استخاره، نماز شکر، نماز زیارت و...

برخی از آنها نیز دارای هدف خاصی می باشند مانند نماز برای طلب رزق، نماز طلب باران، نماز حاجت و... ۱۲۵.

در روایات و احادیث برای نمازهای نافله فلسفه و علّت هایی ذکر گردیده از جمله:

الف. تکمیل نماز واجب با نماز مستحبی

امام باقر علیه السلام در روایتی فرموده اند: «نمازی که بنده بجا می آورد، گاهی نصف و گاهی یک سوم و گاهی یک چهارم و گاهی یک پنجم آن بالا برده می شود، زیرا بالا برده نمی شود مگر آن نمازی که با توجه و حضور قلب باشد، مردم مأمور به انجام نمازهای مستحب شده اند تا نقص نمازهای واجب آنان توسط مستحبات جبران شود» ۱۲۶.

ب. رسیدن به بالاترین درجات کمال

در حدیثی به نام حدیث «قرب نوافل» آمده است: راوی از حضرت صادق علیه السلام و ایشان از جد بزرگوار خود پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبر از خداوند عزّ و جل چنین نقل نموده: «به درستی که بنده من با نافله و کارهای مستحبی قرب را می جوید تا این که او را دوست بدارم و هنگامی که او را دوست داشتم گوش او می شوم که با آن می شنود و چشم او می شوم که با آن می بیند و زبان او می گردم که با آن سخن می گوید و دست او می گردم که با آن قهر خود را ابراز می کند» ۱۲۷.

وجوب نماز شب

پرسش ۹۴. آیا این روایت از امام صادق علیه السلام است که می فرماید: «هر کس نماز شب نخواند از شیعیان ما نیست»؟

همان گونه که در پرسش مطرح گردیده امام صادق علیه السلام فرموده اند: «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ» ۱۲۸؛ «از شیعیان ما نیست کسی که

نماز شب را بجای نیاورد». اما باید به این نکته توجه داشت که شیعه در روایات به دو معنا اطلاق می شود، به یک معنا تمامی کسانی که ولایت امیرالمؤمنان و فرزندان آن حضرت تا امام دوازدهم را پذیرفته اند شیعه محسوب می شوند، لیکن در بسیاری از روایات شیعه بودن به عنوان مقامی خاص و بالا برای کسانی که در تمام گفتار و رفتارشان تبعیت از امام معصوم علیهم السلام می کنند معرفی شده است. براساس برخی از روایات چنین مقامی را افرادی هم چون سلمان و ابوذر و دیگر خواص از نزدیکان ائمه علیهم السلام دارا بوده اند و هر کسی نمی تواند ادعای آن را داشته باشد، در این روایات دیگر شیعیان که به این مقام شیعه خالص و حقیقی نرسیده اند به عنوان محبان و موالیان اهل بیت علیهم السلام معرفی شده اند. بنابراین روایتی که می فرماید، از شیعیان ما نیست کسی که نماز شب را ترک کند مراد شیعه حقیقی و خالص است که به مرتبه بالایی از ایمان و تبعیت از اهل بیت علیهم السلام رسیده است که قطعاً کسی که دارای چنین مقامی است، نمی شود تارک نماز شب باشد و در صورتی که ترک کند از شیعیان حقیقی آنان محسوب نمی شود.

در هر صورت مقصود اهتمام به نماز شب است و این که شیعه کامل مورد نظر ائمه علیهم السلام کسی است که به نماز شب اهمیت بدهد. امید است خدا توفیق دهد و خودمان هم همت داشته باشیم و نمازشب خوان شویم و امام صادق علیه السلام را از خود راضی کنیم.

برکات نماز شب

پرسش ۹۵. لطفاً در مورد آثار و فضایل نماز شب برایم بنویسید.

از آیات قرآن و روایات استفاده می شود که نماز شب از مستحباتی است که فضایل بی شماری داشته و آثار عمیق و گسترده ای در روح و روان و همچنین اعمال و دنیا و آخرت انسان دارد از جمله:

رسیدن به مقام شفاعت

در قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب شده است:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» ۱۲۹؛ «و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقام بلند محمود (مقام شفاعت شده) برساند».

نماز شب بهترین ابزار رفع مشکلات زندگی

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَهُوَ يُضْرَبُ عَلَيْهِ بِحَزَائِمٍ مَعْقُودَةٍ فَإِذَا ذَهَبَ ثُلَاثَا اللَّيْلِ وَبَقِيَ ثُلَاثُهُ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ قُمْ فَأَذْكُرِ اللَّهَ فَقَدْ دَنَا الصُّبْحُ - قَالَ فَإِنْ هُوَ تَحَرَّكَ وَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عَنْهُ عُقْدَةٌ وَإِنْ هُوَ قَامَ فَتَوَضَّأَ وَدَخَلَ فِي الصَّلَاةِ انْحَلَّتْ عَنْهُ الْعُقْدَةُ كُلُّهُنَّ فَيُصْبِحُ حِينًا يُصْبِحُ قَرِيرَ الْعَيْنِ» ۱۳۰؛ «ای مردم! هیچ کس از شما نیست مگر این که مشکلات همچون کمربندی او را محاصره کرده است. پس زمانی که دو سوم از شب گذشت (و یک سوم آن باقی ماند) ملکی بر او وارد می شود و به او می گوید: برخیز و ذکر خداوند بگوی که صبح نزدیک است اگر او حرکت کرد و ذکر خداوند گفت، یک گره از گرفتاری هایش گشوده خواهد شد و اگر او برخاست و وضو گرفت و به نماز ایستاد، تمامی گره های گرفتاری از او گشوده می شود و صبحگاهان شادمان و با روشنی چشم از خواب بر می خیزد».

بخشش گناهان روز انسان

در حدیثی حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» ۱۳۱ فرمود: «صَلَاةُ اللَّيْلِ تَذْهَبُ بِذُنُوبِ النَّهَارِ» ۱۳۲؛ «نماز شب گناهان روز را پاک می کند».

زیبایی چهره

در حدیثی از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدند: «مَا بَالُ الْمُتَهَجِّدِينَ بِاللَّيْلِ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا قَالَ لِأَنَّهُمْ خَلُّوا بِرَبِّهِمْ فَكَسَاهُمُ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ» ۱۳۳؛

«چرا چهره و صورت شب زنده ترین این چنین زیبا است؟ فرمود: چون آنان با پروردگار خویش خلوت کرده اند و خداوند به آنها جامه ای از نور خویش پوشانده است».

به دنبال داشتن دوستی خداوند متعال

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِأَيْطَاعِهِ الطَّعَامَ - وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ»؛ «خداوند ابراهیم را دوست خود قرار نداد مگر به این خاطر که سفره اش باز بود و هنگامی که مردم در خواب بودند به نماز می ایستاد».

سلامتی بدن و زیاد شدن روزی

در روایتی آمده است: «نماز شب باعث شرف و آبروی مؤمن، سلامت بدن، کفاره گناهان، برطرف کننده وحشت قبر، سفید شدن صورت و نورانی شدن آن و زیاد شدن رزق می شود».

نجات از وحشت قبر

امام باقر علیه السلام می فرماید: «صَلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ لَوْحَشَةِ الْقُبُورِ»؛ «برای نجات از وحشت قبر، دو رکعت نماز در دل شب بخوان».

کسب هیبت و ابهت با نماز شب

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «ان الله سبحانه وضع خمسة في خمسة: العز في الطاعة، والذل في المعصية والحكمة في جوف البطن والهيبة في صلاة الليل والغنا في القناعة»؛ «خداوند متعال پنج چیز را در پنج چیز دیگر قرار داده است: عزت را در بندگی، ذلت را در معصیت، حکمت را در کم خوردن و خالی بودن شکم، هیبت و ابهت را در روی آوردن به نماز شب و ثروتمندی و بی نیازی را در قناعت».

طولانی شدن عمر

ثامن الحجج علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرموده اند: «عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَقُومُ آخِرَ اللَّيْلِ فَيَصَلِّي ثَمَانِي رَكَعَاتٍ وَ رَكَعَتِي الشَّفْعِ وَ رُكْعَةَ الْوُتْرِ وَ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي قُنُوتِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً إِلَّا أُجِيرَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ مَدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ»؛ «هر شما باد به نماز شب، زیرا هر بنده ای که در آخر شب بیدار شود و هشت رکعت نماز شب، و دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر بخواند و در قنوت آن، هفتاد بار استغفار کند خداوند او را از عذاب قبر و آتش در امان دارد و عمر او را طولانی کرده و به زندگی او گشایش خواهد داد».

رفع غم اندوه و گرفتاری های مالی

عن الصادق علیه السلام: «صَلَاةُ اللَّيْلِ تَحَسِّنُ الْوَجْهَ وَ تَحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تَطْيِبُ الرِّيحَ وَ تَدِرُّ الرِّزْقَ وَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ تَجْلُو الْبَصَرَ»؛ «۱۳۸»

«نماز شب باعث زیبایی سیما و نیکویی اخلاق و خوشبویی بدن و فراوانی رزق و مایه ادای قرض ها و از بین رفتن اندوه و تقویت نور چشم است».

کسب جایگاه مخصوص در بهشت

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ عُرْقًا يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَى السَّلَامَ وَ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ»؛ «در بهشت غرفه هایی است که داخل آن از بیرون و بیرون آن از درون نمایان است و در آن افرادی از امت من اسکان می یابند که سخن شایسته بر زبان می آورند و به اطعام طعام می پردازند و سلام را در میان مردم گسترش می دهند و همیشه روزه دارند و شب هنگام که همگان در خوابند، به نماز بر می خیزند»؛ «۱۴۰».

گریان نبودن در قیامت

امام صادق علیه السلام می فرماید: «كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ حَسَنَةِ اللَّهِ»؛ «در قیامت همه چشم ها گریان است مگر سه چشم: چشمی که از (دین و نظر به) آنچه خداوند حرام کرده بر هم نهاده شود؛ چشمی که در شب جهت عبادت بیدار بماند؛ چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید».

علاوه بر تمامی فواید روحی و جسمی که نماز شب مانند دیگر نمازها دارد، زمان بندی این نماز به گونه ای است که متناسب با تمامی شرایط فیزیولوژی بدن تنظیم گردیده، و اگر چنانچه یک فرد به توصیه های رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل نماید و شب ها زود بخوابد و قبل از طلوع فجر بیدار شود بهترین بهره را از خواب برده و مفیدترین شرایط را برای سلامتی بدن خود فراهم می سازد و آفات فراوانی را از جسم و جان خود دفع می نماید که برخی از آنها از قرار ذیل می باشد:

آرامش عضلانی

دانش پزشکی امروزه به اثبات رسانده که اگر شخصی در ساعت حدود ۱۰ شب بخوابد و حدود نیم ساعت قبل از اذان صبح بیدار شود (یعنی حدود ۷ ساعت بخوابد) در ساعت حدود یک بامداد در بدن او برخی مواد شیمیایی شبیه «مورفین» ترشح می شوند (این مواد به عنوان گروهی «اندروپین ها» و «آنگفالین ها» نامگذاری شده اند) و اثر مستقیمی بر قسمت های مختلف بدن از جمله عضلات اسکلتی دارند و در طول روز پس از آن، منجر به آرامش و راحتی عضلانی برای فرد می شوند. برخلاف زمانی که انسان بیشتر یا کمتر از این مقدار بخوابد در این صورت این مواد کمتر ترشح شده و انسان از آرامش و استراحت عضلانی به اندازه کافی بهره مند نمی شود. ۱۴۲

کاهش عوارض قلبی

بررسی های علمی نشان می دهد که سکنه قلبی غالباً در ساعات اولیه صبح رخ می دهد در مقاله ای که در نشریه پزشکی «لانسِت» (Lancet) در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸م به چاپ رسیده آمده است: «از ساعت ۲ الی ۴ بعد از نیمه شب فشار خون به پایین ترین حد خود می رسد که این امر ابتلا به سکنه قلبی را در این ساعات افزایش می دهد بنابراین بیدار شدن در این ساعات (یعنی اواخر شب) و اقامه نماز شب از سکنه قلبی و دیگر عوارض و بیماری های قلبی جلوگیری می نمایند.

علاوه بر این که در خواب طولانی و مستمر انسان در معرض ابتلا به دیگر بیماری های قلبی به خصوص بیماری «تصلب شرایین» قرار می گیرد که سحرخیزی از خواب طولانی و پیوسته جلوگیری و به دنبال آن دچار این گونه امراض نمی گردد. ۱۴۳

کیفیت نماز شب

پرسش ۹۶. وقت دقیق نماز شب را می خواهم بدانم؟ نماز شب چند رکعت است؟ چه باید بخوانم؟ توضیح کامل بدهید.

وقت نماز شب از نصف شب تا هنگام فجر دوّم یعنی وقت نماز صبح ادامه دارد و در این فاصله هر وقت بخوانند اشکال ندارد گر چه گفته اند هر چه به نماز صبح یعنی فجر نزدیک باشد بهتر است و برای جوان ها و کسانی که می ترسند خواب بمانند می توانند آخر شب قبل از خواب نماز شب را بخوانند، ولی اگر آن هم ممکن نشد می توانند در بین روز هر وقت توانستند قضای آن را بخوانند.

خوب است هنگامی که نیمه شب برای نماز بیدار شد به آسمان نگاه کند و این آیات را بخواند:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخُلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ. رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ. رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» ۱۴۴.

نماز شب مجموعاً یازده رکعت است که ده رکعت آن به صورت پنج نماز دو رکعتی (مانند نماز صبح) خوانده می شود. هشت رکعت اول را به نیت نافله شب می خوانند و دو رکعت بعد را به نیت نماز (شفع) و یک رکعت آن را به نیت نماز (وتر).

مستحبات نماز شب

در نماز شب خواندن سوره های متعدّد و همچنین ادعیه و اذکار متعدّدی توصیه گردیده ۱۴۵.

فرهنگ نماز

پرسش ۹۷. راه کارهای پیشنهادی برای فرهنگ سازی نماز در جامعه به خصوص دانشگاه ها را بیان کنید.

راه کارهای متعددی جهت جاری شدن فرهنگ نماز در جامعه به ویژه دانشگاه ها وجود دارد که به طور قطع اگر هر یک از افراد، نهادها و دانشگاه های دولتی و غیردولتی به وظیفه خود به خوبی عمل نماید می تواند در ترویج فرهنگ نماز نقش بسیار مؤثری داشته باشد. به بعضی از این راه کارها اشاره می شود:

ترویج عملی نماز

امام صادق علیه السلام فرمود: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلْجُهَادَ وَ الصَّلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ»؛ «مردم را با غیر از زبان هایتان دعوت کنید [به سوی دین] تا این که مشاهده کنند از شما تقوا و اجتهاد و نماز و خیر و نیکی را، پس این است دعوت [واقعی مردم به دین]». بر همین اساس اگر مردم، مسئولین تمامی رده ها را به هنگام نماز در مساجد مشاهده کنند و یا دانشجویان به هنگام نماز مدیران و اساتید دانشگاه خود را آماده برای اقامه نماز ببینند این امر موجب الگوگیری آنها شده و زمینه گسترش فرهنگ نماز را بیش از پیش فراهم می نماید. ساده زیستی و پایبندی نمازگزاران به اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی نیز نقش مؤثری در ترویج فرهنگ نماز در جامعه دارد چراکه وقتی نمازگزار این گونه رفتارها را از خود ارائه دهد، افراد غیرنمازگزار (تارک نماز و کاهل در نماز) سرمنشأ این برکات را نماز دانسته و تحت تأثیر این رفتارها قرار گرفته، تشویق به نماز خواندن می شوند.

نماز جماعت

در فرهنگ اسلامی حتی در ادیان گذشته برگزاری نماز جماعت بسیار تأکید شده است، قرآن کریم می فرماید:

«وَأَرْكَبْهُ مَعَ الرَّآكِبِينَ»؛ «با رکوع کنندگان رکوع نما».

نماز جماعت روحیه همکاری و همگرایی را در مجموعه افزایش می دهد. نیروهای مذهبی همدیگر را می بینند و با تعظیم شعائر اسلامی روحیه و انرژی مثبت می گیرند و از سوی دیگر بدخواهان تضعیف روحیه می شوند. علاوه بر این که با برگزاری جماعت مؤمنان، لطف و عنایت خداوند به طور ویژه در آن فضا و برای آن افراد نازل می شود.

در این خصوص علاوه بر این که می توان از برنامه های آموزشی و تربیتی مساجد و رسانه ها استفاده نمود، باید برنامه ریزی فعالیت های تمامی ارگان ها و سازمان ها به نحوی باشد که با نماز تلاقی نماید به عنوان نمونه برنامه های جذّاب صدا و سیما، برگزاری جلسات ارگان ها و کلاس های درس مدارس و دانشگاه ها به گونه ای تنظیم گردد که با نماز اول وقت تعارض نداشته باشد، همچنین می توان با ایجاد فضای مناسب از جهت زیبایی، نظافت و فضای معنوی نمازخانه ها یا مساجدی میل و رغبت همگان را به سوی نماز بیشتر کرد.

ترویج فرهنگ نماز

برای ترویج فرهنگ نماز، خوب است از هر روش درستی بهره برد و در خور فهم مردم و با زبان آنان سخن گفت. در این راستا نیز ارگان هایی همچون وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات اسلامی و صدا و سیما از هنر به ویژه سینما برای نشان دادن گوهر نماز و چهره نماز و نمازگزار می توانند بهره بگیرند، علاوه بر این که هنرمندان نیز با زبان شعر و قصّه و نقاشی و با آفرینش آثار هنری با کیفیت، هنر را برای ترویج فرهنگ نماز به کار گیرند. در مجامع دانشگاهی نیز فراخور جایگاه عملی دانشجویان می توان به تبیین آثار و ثمرات علمی نماز پرداخت.

پی نوشت :

۱. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۶۰.
۲. نهج البلاغه، ص ۵۳۰.
۳. بحارالانوار، ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص ۲۲۴.
۴. بحارالانوار، ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸، ج ۲، ص ۲۲۵.
۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰.
۶. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۲۴.
۷. ابن فهد حلّی، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم، دارالکتاب اسلامی، ۱۴۰۷ق، اوّل، ص ۴۱.
۸. بحارالأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۳.
۹. بحارالأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸.
۱۰. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۶.
۱۱. نساء ۴، آیه ۱۴۲.
۱۲. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۱.
۱۳. بحارالأنوار، ج ۲، ص ۱۵۴.
۱۴. بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱.
۱۵. بحارالأنوار، ج ۴۷، ص ۸.

۱۶. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱.

۱۷. همان، ص ۲۰.

۱۸. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱.

۱۹. أمالی، صدوق، ص ۴۸۴.

۲۰. حجرات ۴۹، آیه ۱۳.

۲۱. شمس ۹۱، آیه ۹.

۲۲. عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۲۲۴.

۲۳. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۲.

۲۴. محمد وحیدی، دانستنی های لازم از نماز، قم: مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷ش، چهارم، ص ۳۳.

۲۵. توضیح المسائل مراجع، مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید، ج ۱، ص ۸۴، مسئله ۱۰۶ از رساله امام.

۲۶. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲۷. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۰.

۲۸. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲.

۲۹. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۳۲.

۳۰. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲.

۳۱. عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۲۲۴.

۳۲. الحکم الزاهرة، ترجمه انصاری، ص ۲۹۴.

۳۳. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲.

۳۴. طه ۲۰، آیه ۱۲۴.

۳۵. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۰۲.

۳۶. غافر ۴۰، آیه ۶۰.

۳۷. مدثر ۷۴، آیات ۴۰ تا ۴۳.

۳۸. رک: جامع الأخبار، ص ۷۴.

۳۹. نحل ۱۶، آیه ۱۱۹.

۴۰. طه ۲۰، آیه ۸۲.

۴۱. حجر ۱۵، آیه ۹۹.

۴۲. بقره ۲، آیه ۲۸۲.

۴۳. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۸۹.

۴۴. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۸۲.

۴۵. جهت آگاهی بیشتر بنگرید: شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، صص ۲۸۸ - ۲۸۵، تهران: صدرا.

۴۶. همان، صص ۲۸۵ - ۲۸۰.

۴۷. شعرا ۲۶، آیه ۸۸-۸۹.

۴۸. اسرا ۱۷، آیه ۱۵.

۴۹. توبه ۹، آیه ۱۲۰.

۵۰. جهت آگاهی بیشتر بنگرید:

الف. شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، صص ۲۹۲-۲۸۹ و ۳۲۶-۲۹۵؛ ج ۵، صص ۶۱-۵۶؛
ب. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۵، صص ۶۱-۵۶.

۵۱. آل عمران ۳، آیه ۸۵.

۵۲. رک: ترجمه تفسیر المیزان، آیه ۳ سوره محمد، ج ۱۸، ص ۳۳۹.

۵۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۶۹.

۵۴. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۲۹۷.

۵۵. توبه ۹، آیه ۱۰۶.

۵۶. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، ص ۳۴۱ با کمی حذف و اضافات جهت هماهنگ سازی با موضوع بحث کتاب.

۵۷. توبه ۹، آیه ۱۱.

۵۸. کهف ۱۸، آیه ۲۸.

۵۹. الکافی، ج ۲، ص ۶۷۲.

۶۰. کتاب هایی همچون: پرسمان قرآنی نماز؛ یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز و کتابی که هم اکنون آن را مطالعه می فرمایید.

۶۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۱۷.

٦٢. بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٤٢.

٦٣. بحار الأنوار، ج ٤٦، ص ٥٧.

٦٤. التوحيد، صدوق، ص ٢٩٨؛ الكافي، ج ١، ص ٧٥.

٦٥. بقره ٢، آيه ٤٤.

٦٦. بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٣٠٣.

٦٧. توضيح المسائل مراجع، م ١٣٩٤ و ١٣٩٠؛ آيه الله نوري، توضيح المسائل، م ١٣٩٣ - ١٣٩٠؛ آيه الله وحيد، توضيح المسائل، م ١٤٠٢ - ١٣٩٨؛ آيه الله خامنه اي، دفتر.

٦٨. اجوبة الاستفتاءات، س ٥٤٢.

٦٩. توضيح المسائل مراجع، م ١٣٩٠، ١٧١٢؛ آيه الله وحيد، توضيح المسائل، م ١٣٩٨، ١٧٢٠.

٧٠. توضيح المسائل مراجع، م ١٧١٢.

٧١. توضيح المسائل مراجع، م ١٧١٢، زمستان ١٣٩٠.

٧٢. الكافي، ج ٣، ص ٣٥٨؛ من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٣٣٨؛ بحار الأنوار، ج ٨٥، ص ٢٣٨.

٧٣. اسراء ١٧، آيه ٤٦ و ٤٥.

٧٤. وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٤١٤.

٧٥. ورام ابن ابى فراس، مجموعة ورام تنبيه الخواطر، مكتبة فقيه، قم، اول، ج ١، ص ٤٧.

٧٦. بحار الأنوار، ج ٦٨، ص ٨.

٧٧. بقره ٢، آيه ٤٣.

٧٨. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ١، ص ١٨٣.

٧٩. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ١، ص ١٨٤.

٨٠. المحاسن، ج ١، ص ٥٢.

٨١. بحار الأنوار، ج ٨٥، ص ١٠.

٨٢. بحار الأنوار، ج ٨٥، ص ٦.

٨٣. بحار الأنوار، ج ٨٥، ص ١٠.

٨٤. سنن النبي صلى الله عليه وآله با ترجمه فارسی، ج ١، ص ٢٦٧.

٨٥. بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٢.

٨٦. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ١٠٩.

٨٧. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ١٠٩.

٨٨. بحار الأنوار، ج ٨٥، ص ١٥.

٨٩. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣٤٧.

٩٠. رك: وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣٠٩ باب دهم ابواب الصلاة الجماعة.

٩١. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣١٤.

٩٢. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣١٥.

٩٣. وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٣٤٦.

۹۴. رک: وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۴۸ باب بیست و هفتم.

۹۵. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۷.

۹۶. رک: الخصال، ج ۲، ص ۵۲۱.

۹۷. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶.

۹۸. رساله امام ره، م ۱۳۹۹ و ۱۴۰۵.

۹۹. اجوبه الاستفتاءات، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷ و رساله امام ره، م ۸۹۴.

۱۰۰. نهج الفصاحة، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ص ۵۴۵.

۱۰۱. غررالحکم، ج ۲، ص ۵۵.

۱۰۲. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۲۹.

۱۰۳. این نماز به نماز تراویح معروف است.

۱۰۴. الکافی، ج ۸، ص ۶۲.

۱۰۵. أعراف ۷، آیه ۲۰۴.

۱۰۶. رک: سیّد هاشم بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۵۷؛ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۲۰.

۱۰۷. رک: سیّد محمد حسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۸۲۲، مسئله ۱۴۶۲.

۱۰۸. سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ش، سوم، ص ۲۹۰.

۱۰۹. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۲.

۱۱۰. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۱۸، ح ۳۲.

۱۱۱. سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۱۸.

۱۱۲. فاصله میان قبا و مدینه بسیار کم است و امروز قبا یکی از محله های داخل مدینه است.

۱۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، اول، ج ۲۴، ص ۱۳۰.

۱۱۴. محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۷ش، هجدهم، ص ۲۳۵.

۱۱۵. نوادر راوندی، ترجمه صادقی اردستانی، ص ۲۲۳.

۱۱۶. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۳۵.

۱۱۷. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۰۸.

۱۱۸. بحارالأنوار، ج ۸۶، ص ۲۱۴.

۱۱۹. الأمالی، صدوق، ص ۳۶۶.

۱۲۰. الإستبصار، ج ۱، ص ۴۱۸.

۱۲۱. اسراء ۱۷، آیه ۷۹.

۱۲۲. مزمل ۷۳، آیه ۴-۱.

۱۲۳. سجده ۳۲، آیه ۱۶ و ۱۷.

۱۲۴. مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز، ستاد اقامه نماز، پاییز ۱۳۸۰، چاپ نهم، ج ۲، ص ۱۲۳.

۱۲۵. هر یک از نمازهای مستحبّ دارای دستورالعمل خاصی می باشد که در کتب ادعیه همچون مفاتیح الجنان ذکر گردیده.

۱۲۶. بحارالأنوار، ج ۸۷، ص ۲۸.

۱۲۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۷.

۱۲۸. روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ج ۲، ص ۳۲۱.

۱۲۹. اسراء ۱۷، آیه ۷۹.

۱۳۰. أمالی، المفید، ص ۱۸۹.

۱۳۱. هود ۱۱، آیه ۱۱۴؛ «بی شک کارهای نیک، کارهای بد را پاکسازی می کند».

۱۳۲. بحارالأنوار، ج ۸۴، ص ۱۴۳.

۱۳۳. بحارالأنوار، ج ۸۴، ص ۱۵۹.

۱۳۴. بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۴.

۱۳۵. بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴۸.

۱۳۶. إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۱۹.

۱۳۷. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۳۱.

۱۳۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۴۲.

۱۳۹. بحارالأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۹.

۱۴۰. نورالتقلین، ج ۳، ص ۲۶۳.

۱۴۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۸۲.

۱۴۲. اسرار پزشکی نماز شب، محمود غفاری، شهاب الدین، دوّم، ۱۳۸۴ش، ص ۶۳.

۱۴۳. همان، ص ۷۸.

۱۴۴. آل عمران ۳، آیات ۱۹۴ - ۱۹۰.

۱۴۵. ر.ک: مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، بخش باقیات الصالحات، کیفیت نماز شب.

۱۴۶. الکافی، ج ۲، ص ۷۸.

۱۴۷. آل عمران ۳، آیه ۴۳.

////////////////////////////////////

کتابنامه

۹۸. قرآن کریم.

۹۹. سیدرضی، نهج البلاغه، سیدجعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.

۱۰۰. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، قم: انتشارات سیّدالشهداء علیه السلام قم، ۱۴۰۵ه.ق.

۱۰۱. ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، قم: دارالتکاب اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۱۰۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.

۱۰۳. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.

۱۰۴. احمدبن محمدبن خالد برقی، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ه.ق.

۱۰۵. امام خمینی(ره)، آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸ش.

۱۰۶. امام خمینی(ره)، سر الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸ش.

۱۰۷. امام عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم: مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.

۱۰۸. شهید مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.

۱۰۹. مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۱۰. بهاءالدین خرمشاهی - مسعود انصاری، پیام پیامبر صلی الله علیه و آله، تهران: منفرد، ۱۳۷۶ش.

۱۱۱. تاج الدین شعیری، جامع الاخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ق.

۱۱۲. جامع آیات و احادیث موضوعی، قم: نبوغ.

۱۱۳. حسن بن شعبه حرّانی، تحف العقول، بهراد جعفری، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۰ش.

۱۱۴. سیّدامیر ابوالفتوح حسینی جرجانی، آیات الأحکام (الجرجانی)، تهران: نوید، ۱۴۰۴ق.

۱۱۵. مجید ملک محمدی، ۴۰ نکته پزشکی پیرامون نماز، همدان: معارف، ۱۳۷۶ش.

۱۱۶. توضیح المسائل مراجع.
۱۱۷. سعید شمس، پرسمان قرآنی نماز، سبط اکبر، پاییز ۱۳۸۷ ش.
۱۱۸. سیدعلی حسینی میلانی، محاضرات فی الاعتقادات، قم: مرکز الابحاث العقائديه، ۱۴۲۱ هـ.
۱۱۹. سیدعبدالله شبر، اخلاق (ترجمه ی اخلاق)، شیخ محمدرضا جباران، قم: هجرت، ۱۳۷۸ ش.
۱۲۰. سیدفضل الله راوندی، نوادر رامندی، صادقی اردستانی، تهران، بنیاد کوشانیور، ۱۳۷۶ ش.
۱۲۱. سیدمجتبی حسینی، رساله دانشجویی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
۱۲۲. جلال الدین سیوطی، الدرالمثور فی تفسیرالمأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۲۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۲۴. شیخ حسن دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۲۵. مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۲۶. شیخ صدوق، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۲۷. شیخ صدوق، أمالی، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۱۲۸. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دارالرضی، ۱۴۰۶ ق.
۱۲۹. شیخ صدوق، علل الشرائع، قم: داوری.
۱۳۰. شیخ صدوق، عیون أخبارالرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۳۱. شیخ صدوق، معانی الأخبار، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۱۳۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۱۳۳. شیخ طوسی، الإستبصار، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۰ هـ.ق.
۱۳۴. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۳۵. شیخ کلینی، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۳۶. سیدمحمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۱۳۷. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: ناصرخسرو ۱۳۷۲ ش.
۱۳۸. سیدعبدالحسین طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۳۹. عباس عزیزی، نماز در آئینه قرآن، تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۹ ش.
۱۴۰. عبدالرزاق گیلانی، مصباح الشریعة، عبدالرزاق گیلانی، تهران: پیام حق، ۱۳۷۷ ش.
۱۴۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، تصنیف غررالاحکام و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۱۴۲. عزیزالله عطاردی، مسند الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: آستان قدس (کنگره)، ۱۴۰۶ ق.
۱۴۳. سیدمحمدحسین طباطبائی، سنن النبی صلی الله علیه و آله، محمدهادی فقهی، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۸ ش.
۱۴۴. عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب والسنه والادب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۱۴۵. مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، تهران: اسلامیه.
۱۴۶. علیرضا صابری یزدی - محمدرضا انصاری محلاتی، الحکم الزاهرة، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۴۷. علی مشکینی، تحریرالمواعظ العددیه، قم: الهادی، ۱۴۲۴ ق.

۱۴۸. گودرز نجفی، راز نیایش (فواید طبی و درمانی نماز)، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ش.
۱۴۹. علیرضا وحدت پناه، نماز و جامعه شناسی، ستاد اقامه نماز و احیای زکات، ۱۳۸۴ش.
۱۵۰. فتال نیشابوری، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: انتشارات رضی.
۱۵۱. قاضی قضاعی، شهاب الأخبار، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.
۱۵۲. قمی علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۱۵۳. گنابادی سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، رضا خانی - حشمت الله ریاضی، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش.
۱۵۴. مجتبی کلباسی، یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز (دفتر اول و دوم)، ستاد اقامه نماز، چاپ اول.
۱۵۵. مجتبی کلباسی، یکصد و ده پرسش درباره نماز، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۸ش.
۱۵۶. محدث اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۱۵۷. محدث عاملی، الجواهر السنية، کلیات حدیث قدسی، زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران: دهقان، ۱۳۸۰ش.
۱۵۸. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام ۱۴۰۸ق.
۱۵۹. محسن قرائتی، پرتویی از اسرار نماز، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۷ش.
۱۶۰. محسن قرائتی، تفسیر نماز، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۷ش.
۱۶۱. محسن قرائتی، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۴ش.
۱۶۲. محمدرضا رضوان طلب، پرستش آگاهانه، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ش.
۱۶۳. محمد وحیدی، دانستنی های لازم از نماز، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۱۶۴. محمود غفاری، اسرار پزشکی نماز شب، شهاب الدین، ۱۳۸۴ش.
۱۶۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.
۱۶۶. میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، أسرار الصلاة، رضا رجب زاده، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۸ش.
۱۶۷. محمدجواد نجفی خمینی، تفسیر آسان، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۸ق.
۱۶۸. ورام ابن ابی فراس، مجموعة ورام (تنبيه الخواطر)، قم: مکتبه فقیه.